



دانشگاه پیام نور

## جغرافیای انسانی (۲)

شهری و روستایی

(رشته جغرافیای طبیعی)

گروه مؤلفان

تدوین

گروه جغرافیا

## پیشگفتار

درس جغرافیای انسانی ایران (۲): شهری و روستایی به ارزش دو واحد، برای رشته جغرافیای طبیعی در دو گرایش اقلیم شناسی و ژئومورفولوژی طراحی شده است. با توجه به آماده نبودن منبع اصلی این درس، گروه جغرافیا با استفاده از منابع موجود اقدام به تهیه یک مجموعه به صورت درسنامه نموده است که می‌تواند سرفصل‌های این درس را پوشش دهد. منابعی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند از منابع درسی منتشر شده دانشگاه پیام نور و مؤلفان به شرح زیر است:

- جغرافیای روستایی ایران، تألیف دکتر مسعود مهدوی، فصل‌های اول، دوم، سوم، چهارم و هفتم؛

- جغرافیای شهری ایران، تألیف دکتر اصغر نظریان، از صفحه ۱ تا ۱۳۰؛

دکتر سیدمهدی موسی‌کاظمی

گروه جغرافیا

۱۳۸۵

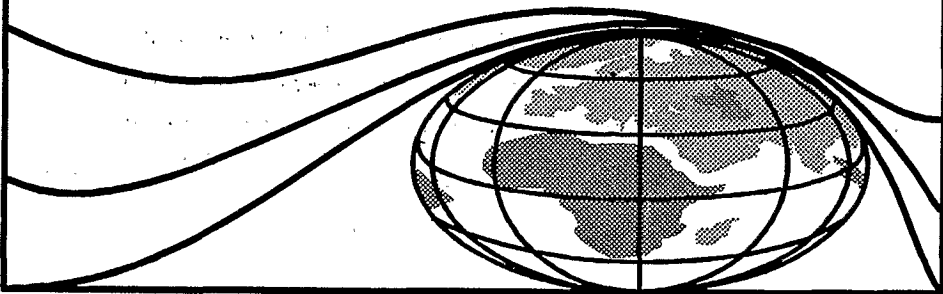
# جغرافیای شهری ایران

دکتر اصغر نظریان

## بخش اول تاریخچه شهر و شهرنشینی در ایران

### هدف مرحله‌ای بخش اول

در این بخش دانشجویان با سوابق تاریخی و تاریخچه شهر و شهرنشینی در دوره‌های مختلف تاریخی آشنا و فراز و نشیبهای نظام شهری ایران و رونق و رکود آن را در این دوره‌ها باز خواهند شناخت. پیدایش تمدن شهرنشینی در ایران، ایجاد شهرها و جریان تحوّل و تکامل آنها در جریان تاریخ از گذشته تا امروز هدف عمده این بخش می‌باشد.



## فصل اول

### ۱-۱ شهر و شهرنشینی در دوره باستان پیش از اسلام

#### هدف مرحله‌ای فصل اول

در این فصل دانشجویان با ویژگیهای شهر و شهرنشینی در دوره باستان و در عصر قبل از پیروزی اسلام در ایران آشنا خواهند شد عوامل به وجود آورنده شهر و تداوم بخش آن را شناخته و بر ساختار شهرهای دوره یاد شده واقف خواهند شد.

#### هدفهای آموزشی - رفتاری فصل اول

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل با استفاده از رفتارهایی که در درس جغرافیای شهری عمومی و برخی دروس جغرافیایی دیگر که می‌تواند رفتارهای ورودی تلقی شوند به هدفهای آموزشی - رفتاری زیر دست پیدا کنند.

- با ویژگیهای شهر و شهرسازی بومیان ایران آشنا شود.

- با مقوله شهر و شهرنشینی در دوره مادها آشنا شده و اجزاء از شهر و عوامل بوجود آورنده آنها را بشناسد.

- شهر و شهرنشین در دوره هخامنشیان با چه ویژگیهایی همراه بوده است.

- سلوکیان که جانشینان اسکندر بوده و با فرهنگ یونانی بر جامعه ایران حکومت

می‌کردند چه تاثیری بر شهر و شهرنشینی گذاشتند.

- اشکانیان پدیده شهر و شهرنشینی را بر چه قالبی ریختند و چه تغییراتی در آن ایجاد

کردند.

- شهر و شهرنشینی در دوره ساسانیان با چه تغییراتی مواجه شد.

- تفاوتهای موجود در شهر و شهرنشینی دوره‌های مختلف را بشناسند.

- دلایل مؤثر در تفاوتهای فوق را آشکارا بیان کند.

- اینکه در تمام دوره یاد شده شهر و شهرنشینی از چه روندی برخوردار بوده است،

بداند.

## مقدمه

مدنیت و فرهنگ شهرنشینی در ایران یک تمدن قدیمی و پرسابقه‌ای است که در تمام فلات ایران توسعه و گسترش داشته است. این تمدن با عوامل فرهنگ شهرنشینی بین‌النهرین که مکان اولیه پیدایش شهرنشینی مستقل با ویژگیهای خاص آن ناحیه به حساب می‌آید اشتراک یافته و از مظاهر فرهنگی آن برخوردار بوده است. آغاز شهرنشینی در ایران را باید حدود سه هزار سال قبل از میلاد شمرد. در این زمان، در جنوب غربی ایران شهر عظیم شوش پدیدار شد و حکومت و تمدن غیرایرانی تعلق داشت اما نفوذ آن تا قلب ایران ادامه داشت. با مهاجرت آریائی‌ان به ایران در نیمه هزاره دوم قبل از میلاد متدرجاً شهرهای ایران پدیدار می‌شود. بنابه تحقیق گیرشمن دهکده ماقبل تاریخ سیلک کاشان به شهری مستحکم تبدیل می‌شود (بهنام، راسخ ۱۳۵۳ ص ۴۴۳-۴۴۵).

پیدایش، توسعه و مکان‌گزینی جغرافیائی شهرهای این دوره با تسعیت از ویژگیهای خاص زمانی و مکان تفاوت‌های آشکاری را با شهر و شهرنشینی و سوابق آن در نواحی اطراف و کناره‌های دریای مدیترانه از قبیل یونان و مصر نشان می‌دهند. اصولاً شهرهای اولیه که غالباً جنبه سیاسی و نظامی هم داشتند ناگزیر بودند که در منطقه حاصلخیز قرار گیرند و با اتکاء بر اقتصاد روستائی و کشاورزی ادامه حیات دهند. بعلاوه سایت<sup>۱</sup> و مکان اولیه شهرها بر روی فلات ایران که در آنجا شهرهای ایرانی پایه‌گذاری شده است با منابع آب پیوستگی و وابستگی نزدیکی داشته و نقشه شهرها با آن ترسیم یافته است. چه این شهرها که وابسته به یک جریان آب رودخانه‌ای در دامنه و بر روی جلگه‌های پایکوهی توسعه پیدا کرده یا بوسیله قنوات و آبهای زیرزمینی مشروب شده باشند. شهرهای ایران بطور وسیعی بر روی جلگه‌های پایکوهی و وابسته به این منابع آب به وجود آمده‌اند و هیچ یک از آنها ویژگیهای مکانی شهرها مدیترانه‌ای - یونانی را که جایگاه آنها بر نواحی مرتفع استوار گشته دارا نبوده‌اند. علیرغم پیدایش و توسعه شهرها در اطراف کاخ‌های پادشاهان و آتشکده‌ها که بطور عمومی در نواحی مرتفع با برج و

باروهای پی‌درپی ساختمان میشدند تکوین و پراکندگی شهرهای دفاعی که بر روی تپه‌های مرتفع بوجود می‌آمده در ایران پا نگرفته است. با این همه در آغاز هزاره اول قبل از میلاد (قرون دهم تا هشتم) بدون شک در ارتباط با گسترش مهاجرت‌های بزرگ اقوام آسیای مرکزی بداخل فلات ایران و عدم امنیت‌های ناشی از آن شاهد شهرهایی از نوع شهرهای مرتفع مثل سیلک در نزدیکی کاشان در دوره ماد، مسجد سلیمان مقر اولیه شاهان هخامنشی و شهرهایی مانند شوش، پاسارگاد و تخت‌جمشید در اطراف تراسهای مصنوعی که بر روی آنها کاخهای پادشاهان بنا شده بود می‌باشیم. این شیوه، در دوره پارتها نیز استمرار یافته ولی ایجاد مساکن در بلندیها که اصطلاحاً «شارستان» نامیده می‌شود دیده نشده است. لزوم ایجاد شهر در نزدیکی منابع آب خیلی سریع جلوه گر شده و شهرهای جلگه‌ای و پایکوهی بدون محصور شدن در حصارهایی بصورت باز و گسترده در محل به وجود آمده و بدنبال آن دژهای مرتفع از اهمیت افتاده‌اند: (دوپلان هول 152-153-PP 1974-DE PLANHOL). بدون شک این روند سریع و همه‌گیر نبوده است. این تحول در یک دوره بنیش از ده قرن ادامه یافته است و بموازات پیشرفت‌ها و توسعه فضائی کشاورزی آبی و بالاخره تکنیک قنات بر سطح فلات ایران از غرب به شرق توسعه یافته است. از آنجائیکه اقتصاد تولیدی کشور در زمان ساسانیان بیشتر بر پایه کشاورزی استوار بوده است بنظر می‌رسد که این امر مفهوم خاص خود را در این دوره که دوره صلح و آرامش و رشد شهرنشینی بوده پیدا کرده است. شهرهایی که در این دوره ایجاد شده‌اند اکثراً جلگه‌ای هستند و به منابع آب وابسته بوده‌اند و از این تاریخ به بعد است که چهره عمومی شهرهای ایرانی کاملاً ثابت باقی مانده است. اغلب مجموعه بناهای واقع در مرکز شهر که شامل کاخها و مراکز مهم حکومتی که اصطلاحاً ایوان، کیاخره و نیز کهنه‌دژ نامیده میشدند با آتشکده و معبدی بلند در سطحی مرتفع از سایر نقاط شهر احداث می‌شدند. چنانکه از فاصله دور قابل مشاهده بوده (سلطان‌زاده، تاریخ شهرنشینی در ایران ۱۳۶۸ ص ۷۹).

شهرنشینی در ایران تفاوت‌های دیگری را نیز با شهرنشینی اطراف مدیترانه نشان میداد. شهرهای اطراف مدیترانه از ویژگیهای خاصی برخوردار بوده و از فلسفه خاصی تبعیت می‌کردند. نظام شهری در مدیترانه مبتنی بر نوعی مردم سالای اشرافی بود که اکثراً بقاء و توسعه آنها مدیون موقعیت تجاری آنها بود. این شهرها در خشکی زیاد قوی نبودند و موقعیت ناحیه‌ای مناسبی از نظر ذخیره آذوقه غذائی مطمئن نداشتند. در حالیکه شهرهای ایران با موقعیت ناحیه‌ای و سرزمینی با تولیدات کشاورزی به همراه معیشت گله‌داری و حکومت استبدادی پدر سالاری و امپراطوری دودمانی با نظامی کاستی بود که با دولت شهرهای مدیترانه‌ای که در آنها برتری حقوقی خاص شهروندان بر نواحی پیرامونی و سرزمینهای اطراف حکمفرما بود تفاوت داشت. با توضیح عام از شیوه‌های شهرنشینی، نوع و مکان شهرها در دوره‌های قبل از اسلام، شهر و شهرنشینی در ایران باستان و در مقاطع مختلف تاریخی می‌تواند مورد بحث قرار گیرد.

## ۱-۱-۱ بومیان ایران:

قدیمی ترین مردمی که در ایران به تمدن شهرنشینی رسیده‌اند عیلامیان بوده‌اند که در ابتدا در اطراف شهر شوش بساط شهرنشینی و کشاورزی را پهن کرده‌اند. مهمترین شهرهای این مردم عبارت بوده است از:

۱- شهر قدیمی شوش که پایتخت بوده ۲- اهواز قدیم ۳- ماداکتو ۴- خثیدلو. سرزمین عیلام که آنرا «انزان یا انشان» نیز می‌گویند در آغاز خوزستان کنونی را شامل میشده و در حدود پنج هزار سال پیش از میلاد مسیح قبایلی از اطراف به آنجا رفته و در نواحی شوش به کشاورزی و شهرنشینی پرداخته‌اند. سرگذشت عیلامیان را در دو دوره نوشته‌اند:

۱- دوره پیش از تاریخ که آغاز شهرنشینی آنها تا خط نویسی و تشکیل حکومت مرکزی آنها می‌باشد (تا ۲۲۲۰ ق - م) ۲- دوره تاریخی که با ملل بین‌النهرین در جنگ و ستیز بوده‌اند (تا ۷۴۵ ق - م) و بالاخره در سال ۶۴۵ دولت عیلام بدست آشوریان منقرض و سپس با غلبه ایرانیان بر آشوریان جزء دولت ماد گردیدند.

طبق حفاریهایی که به عمل آمده همزمان با این دوره بخصوص در دوره‌های قبل از حکومت عیلامیها آثار و علائم تمدن و شهرنشینی در سیالک (سیلک) کاشان، اطراف ری، دامغان، نهاوند، جنوب ارومیه، مازندران و گیلان - سیستان (شهر سوخته) به ثبت رسیده است. بدین طریق تقریباً از هفت هزار سال پیش از میلاد و قبل از آمدن آریائیها به ایران در مناطق مختلف سرزمین ایران، مردمانی به دوره کشاورزی و مرحله شهرنشینی رسیده‌اند که از نژاد بومی همانجا بودند (یوسف قضائی - پیدایش انسان شهرنشینی - چاپ دوم ۱۳۵۶ ص ۲۴۷).

درباره تاریخ آمدن آریائیها به ایران اختلاف نظر وجود دارد. بعضی از علما عقیده دارند که در حدود دو هزار سال قبل از میلاد انجام گرفته ولی اخیراً این عقیده قوت یافته است که از قرن چهاردهم قبل از میلاد این مهاجرات شروع شده و تا قرن ششم ادامه داشته است (ویل دورانت - کتاب اول - تهران - ص ۱۵۶).

آریائیها به هر جا می‌رسیدند و مستقر می‌شدند ابتدا قلعه‌ای بزرگ می‌ساختند و نصف آن برای سکونت خود، نصف دیگر جهت دامها اختصاص داده میشد. همین منطقه ابتدائی بگذشت زمان مبدل به دهکده‌ها و شهرهای بزرگ گشته است. بدین سان قبایل آریائی در فلات ایران از چادرنشینی به کشاورزی سپس شهرنشینی رسیده‌اند. این اقوام که در نواحی مختلف ایران ساکن شدند شامل، مادها، پارس‌ها، پارت‌ها می‌باشند. تعدادی از دانشمندان معتقدند که اقوام بیانگر آریائی با یکجانشینی شدن و به زیر یوغ کشیدن اقوام بومی به ایجاد شهرهائی پرداختند که بیشتر خصوصیت کشاورزی - نظامی داشت (سعدالدین رشیدی: شهرسازی و طرح‌ریزی شهری در ایران) و سپس با وجود ارتباطات و توسعه بازرگانی بتدریج سیمای تجاری شهرها تقویت گردید. بنابراین در این دوره در مراحل آغازین حکومت‌های ماد و هخامنشی ما بیشتر با پدیده



یکجانشینی مواجه هستیم تا پدیده شهرنشینی که باستان‌شناسان بر آن تأکید دارند. توسعه فنی در کشورهای مجاور که بسیار پیشرفته‌تر از کشور ما بودند اینان را وادار نمود که در تقاطع‌ها و چهارراه‌های بازرگانی مستقر گردیده و یکجانشین گردند. به عبارتی توسعه و روابط کالائی، اقوام ما را وادار نمود تا نیروهای خود را در دولت متبلور سازند. (F.BEMONT - 1973-P.193)

به علاوه با پیدایش شهرهای مدیترانه‌ای صرفنظر از شهر بابل موقعیت شهرهای بین‌النهرین دگرگون شده و شهرهای مدیترانه به جمع‌آوری ثروت از راه تجارت پرداختند و قدرت و اهمیت خود را افزایش دادند. در صورتیکه ایرانیان گله‌دار توانستند زندگی شهری خاور نزدیک را در همان زمان ترقی دهند و حتی آن را در سطح دولت آشور باقی نگهدارند.

## ۲-۱-۱-۱ مادها:

مادها پس از ورود به ایران (قرن ۱۳ تا دهم پیش از میلاد) در شمال‌غرب ایران که شامل آذربایجان، کردستان، کرمانشاهان، همدان - لرستان و نواحی ری بود ساکن شدند. مادها ضمن منازعه با بومیان اصلی، قلعه‌هایی در متصرفات خود احداث و سرانجام بومیان را مطیع خود ساختند. تا اینکه در سال ۷۰۸ پیش از میلاد رسماً دولت ماد را تشکیل دادند.

علیرغم تأخیر در ظهور و پیشرفت شهر و شهرنشینی در ایران باستان، مقارن تشکیل حکومت مادها عوامل مساعدی پیش آمد که موجب رونق شهرها گردید مادها با انتخاب همدان (هگمتانه = محل اجتماع) به عنوان پایتخت، گذشته از اعلام تشکیل یک حکومت مقتدر که عظمت خود را می‌خواست به رخ دشمنان بکشد شهر جدید را بعنوان مظهر وحدت ملی تازه تشکیل شده قلمداد کرد. عوامل اقتصادی چون ترقی پیشه‌وران و اصناف نیز در این مورد مؤثر افتاد (بهنام، راسخ ص ۴۴۶). شهرها در این دوره معمولاً نقاط سوق‌الجیشی پراهمیتی بودند که بر سر راه‌های تجاری - نظامی بنیان و توسعه می‌یافتند. هرودوت عقیده داشت که دیوکس (دیاکو) بنیان‌گذار دولت ماد در محل اقامت خود به قضاوت و حل و فصل مشکلات می‌پرداخت. بدنبال بی‌نظمی و اغتشاشاتی که پس از کناره‌گیری او از فعالیت‌ها پیش آمده بود، مردم برای جلوگیری از ادامه این وضع به چاره‌جویی می‌افتند و پس از گردهم‌آئی‌های پی‌درپی او را به پادشاهی انتخاب می‌کنند. او پس از انتخاب، مردم را به شهرسازی تشویق می‌نماید و به ساختن قلعه وسیع و مستحکمی دست می‌زند که امروز اکباتان نامیده می‌شود. از کتیبه‌های آشوری نیز وجود دژهای استوار و منازل مسکونی در اطراف آن در خاک ماد تأیید می‌شود. آنها دژها را روی تپه‌ها و نقاط بلند طبیعی و گاه تپه‌های مصنوعی می‌ساختند و اطراف آن یک یا چند حصار محکم احداث می‌کردند و فضاهای مسکونی را در اطراف آن قرار میدادند (سلطان‌زاده - روند شکل‌گیری ... ص ۶۱). یکی از این قلعه‌ها که بعدها پایتخت شاهان ماد گردید شهر همدان کنونی است. قبل از تشکیل حکومت ماد رؤسای قبایل ماد پس از استقرار در

قلعه‌ها و شهرها به اقتضای تکامل و تغییر شرایط آن خود را قاضی یا داور و یا کاهن خوانده و به عنوان شاهان محلی (ملوک الطوائف) به رتق و فتق امور مردم اشتغال داشتند. بدین ترتیب از آغاز شهرنشینی مادها تا تأسیس دولت مرکزی ماد، حکومت آنها ملوک الطوائفی بوده که بوسیله حاکمان محلی و داوران شهرها اداره می‌شده است. بطور کلی شهرها در این دوره نقاط سوق الجیشی پراهمیتی بودند که به منظورهای نظامی بازرگانی بنیان و توسعه یافتند (نقشه شماره ۱)

### ۳-۱-۱ هخامنشی:

در سال ۵۵۹ پیش از میلاد کورش با تسخیر ایلام شرقی و دستیابی بر ایلام غربی و تصرف شهر بابل و بالاخره هفت سال بعد با شورش بر حکومت متبوع خود ماد، حکومت مقتدر آریائی‌ها و سلسله بزرگ هخامنشی را در ایران پایه‌ریزی کرد. (سال تأسیس حکومت ۵۵۰ پیش از میلاد). کورش پس از تسلط بر پارس پاسارگاد را به پایتختی برگزید (پاسارگاد - اردوگاه پارسیان). این شهر شامل چند کاخ سلطنتی در مرکز شهر و برگرد آن باغهای محصور بود و پیرامون کاخها نیز چادرهای قبایل و احشام آنان قرار داشت (بهنام - راسخ - ۱۳۵۳ - ص ۲۴۶).

اهمیت و شکوه شهرسازی از زمان داریوش بزرگ آشکار شد. در زمان او عناصر فراوان از معماری و حجاری ملل مختلف گردآوری و تألیف شدند. ایران در زمان این پادشاه به بزرگترین وسعت خود دست یافت. ظاهراً ۴۶ نوع قوم را در برداشته و شامل ۲۶ و به روایتی ۳۰ ایالت بوده است که هر کدام یک حاکم داشته که بنام شهریان نامیده میشدند. فتح مصر و ساختن جاده‌های مهم که از شوش به نقاط مختلف کشیده شده بود و روابط پولی، بتدریج به رونق شهرنشینی و شهرگرائی دوران هخامنشی افزود، سبکهای بابلی، آشوری، مصری و یونانی در ساختن شهرها بخصوص شهرهای شوش، تخت جمشید و استخر بهم آمیخته و سبک تازه‌ای در شهرسازی ایجاد کردند. ویژگیهای عام شهرهای هخامنشی، استقرار قصر سلطنتی در مرکز شهر بود که در کنار آن محله‌های دریاری قرار داشتند. پادگان نیز در قصر سلطنتی قرار داشت. در شهر میدانی عمومی بود که در فاصله‌ای اندک از دروازه شاهی قرار داشت. در اطراف قصر سلطنتی (کهندژ) و محله‌های دریاری محله‌های مسکونی و کوچه‌های شهر قرار داشت و برگرد آن عموماً حصاری بلند از خشت ساخته می‌شد (سلطان‌زاده ۱۳۶۲ ص ۷۷). پایتخت‌های هخامنشیان شهرهای پاسارگاد، استخر، پارس پولیس (تخت جمشید)، شوش، همدان و بابل بودند. بطور کلی نخستین نطفه تقسیمات کالبدی فضای شهر بر مبنای طبقات اجتماعی در شهرهای هخامنشی بسته میشود و این امر از آنجا ناشی می‌گردد که ملل مختلفی که اغلب از هخامنشیان پیشرفته‌تر و ثروتمندتر بودند در امپراطوری هخامنشی گرد می‌آیند، تحول و توسعه صنایع دستی و تجارت نتیجه چنین اختلاطی است. تمرکز امپراطوری توسعه بازرگانی را سبب میشود. (سید محسن حبیبی، دانشکده هنرهای زیبا). نقشه شماره ۲.

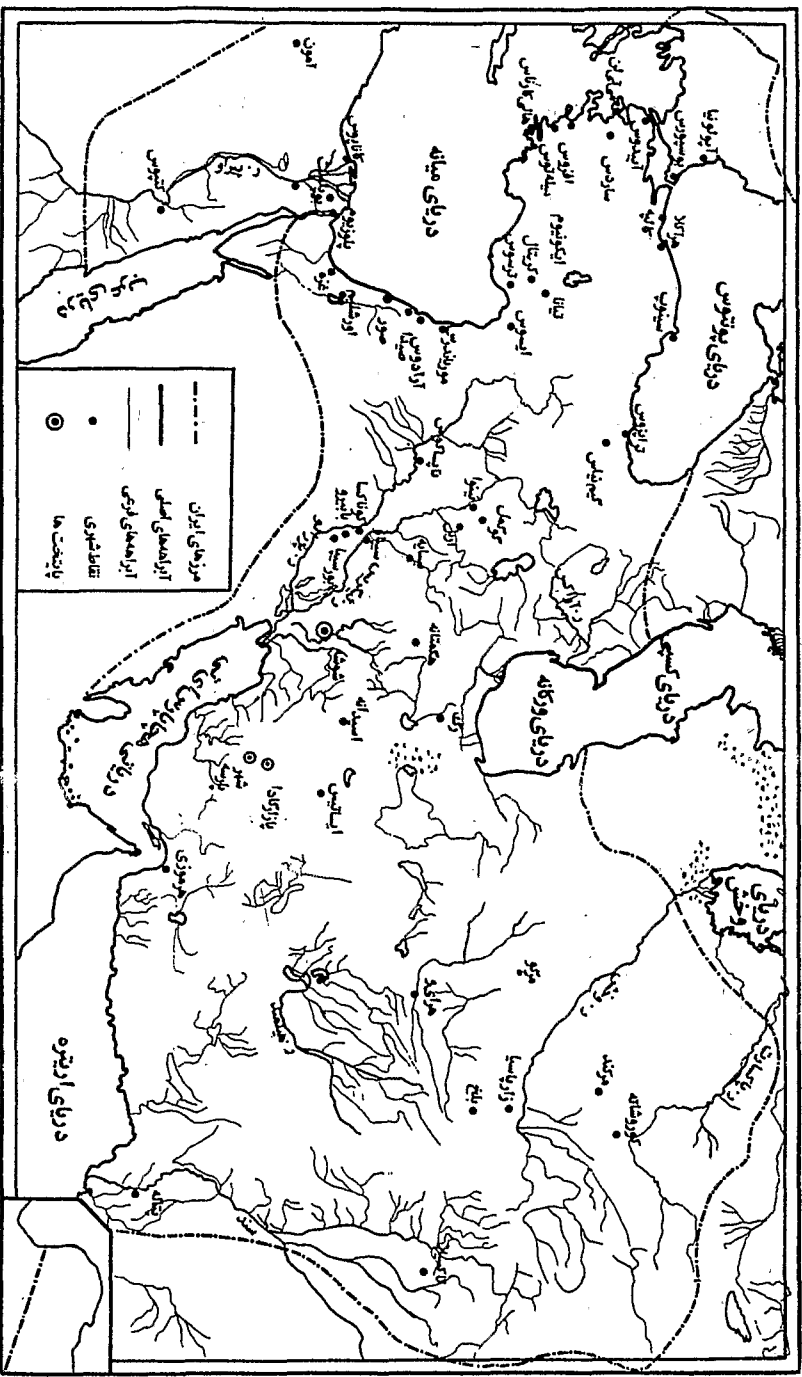


0 150 300 450 600 750 Km.

مروزی ایران در دوره حکومت ماد

دوره ماد:

دوره ماد



شاهنشاهی هخامنشی شاهنشاهی هخامنشی نقشه شماره ۲- شبکه شهری ایران در دوره هخامنشی شاهنشاهی هخامنشی

#### ۱-۱-۴ سلوکیان:

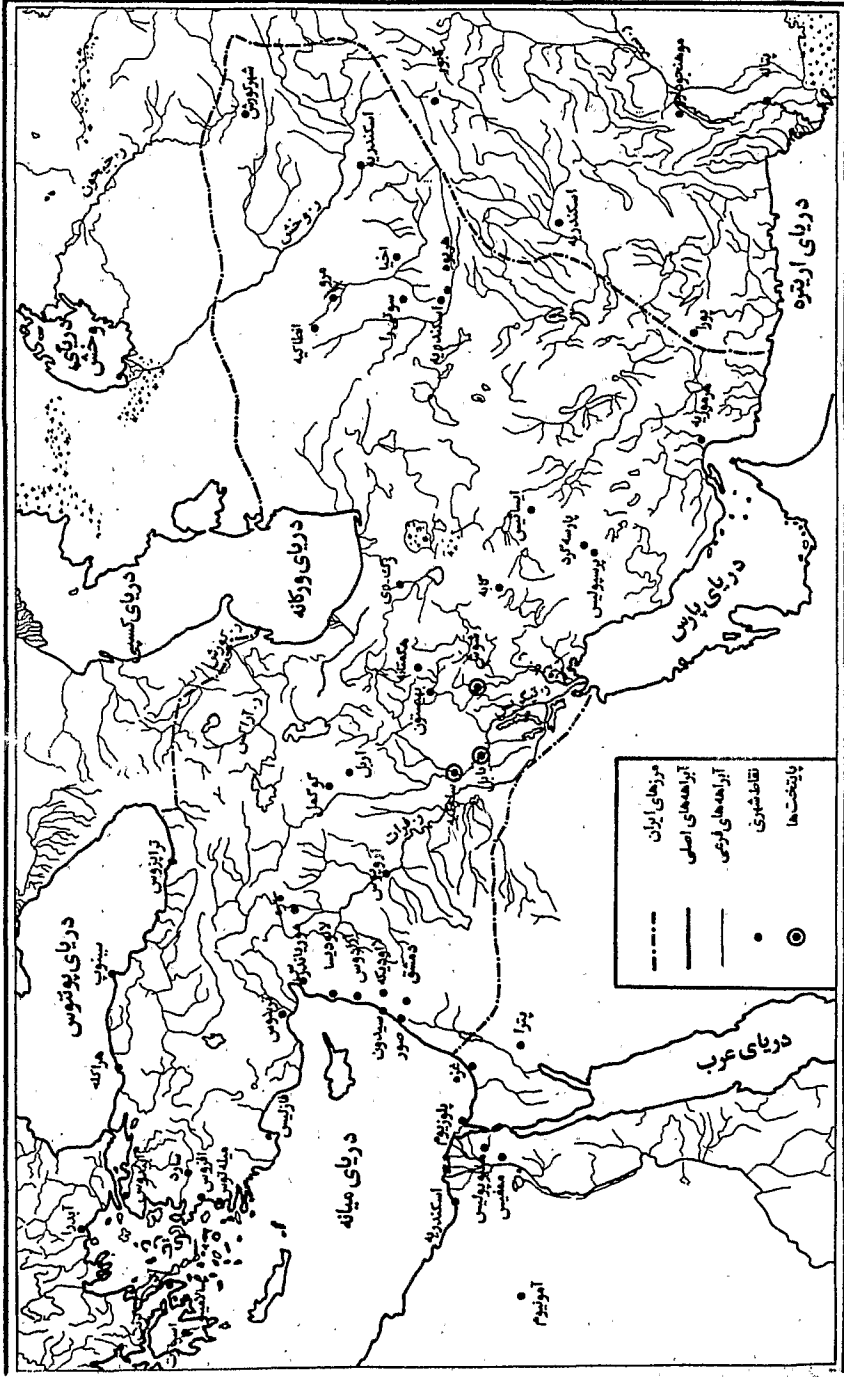
اسکندر مقدونی پس از رسیدن به پادشاهی و تصرف شهرهای یونان ضمن عبور از تنگه داردانل وارد آسیای صغیر شد (۳۳۴ قبل از میلاد). اسکندر پس از تصرف شهرهای ساحلی ایران، مصر و بین‌النهرین و شهر بابل تا سبند پیش‌رفته و بروایتی ۱۵ شهر را با خاک یکسان کرده یا به آتش کشیده است. پس از اسکندر یکی از جانشینان او بنام سلوکوس سلسله سلوکیه را در ایران تأسیس کرد (۳۱۲ قبل از میلاد) و مدت ۸۰ سال بر ایران حکومت کردند. تسخیر ایران توسط اسکندر اختلاط اجتماعی - فرهنگی تازه‌ای از ملت‌های کاملاً متفاوت را سبب گردید. این پیروزی امتزاج در فلسفه شرقی و غربی را موجب شده که یکی بر مبنای استبداد پدر سالاری - دودمانی و دیگری نتیجه نوعی مردم سالاری اشرافی بود. تلاقی این دو فلسفه به تکوین بسیاری از شهرهای جدید منجر شد که به سرعت مراکزی برای اختلاط یونان و بومیان و مکان‌هایی جهت ارتباط فرهنگی گردید. این شهرها همچنین مکان‌هایی بودند که حکومت پیروز در آن خودنمایی می‌کرد (سید محسن حبیبی - دانشکده هنرهای زیبا).

بروایتی اسکندر برای کنترل و اداره سرزمین‌های مفتوح تعدادی شهر احداث کرد. در برخی از منابع بنای هفتاد شهر را به او نسبت داده‌اند. بطور کلی معتقدند که سلوکیان نزدیک به ۴۰۰ شهر در ایران بنا نهادند که اغلب در جوار قلاع نظامی موجود شکل گرفتند (عبدالحمید سلطانیه شهر در تاریخ ۱۳۴۹). تعدادی از این شهرها در طول جاده بزرگ و مهمی که سلوکیه را در ساحل دجله به بلخ مرتبط می‌کرد ایجاد شدند. در طول ساحل خلیج فارس در حدود ۹ شهر از جمله انطاکیه پارس (بوشهر کنونی) را احداث کرد. شهرهایی هم در ماد (نهاوند) کرهه (نزدیک اراک) و شهری به نام نسا در پارت ساخته شد. هگمتانه مرمت و احیاء گردید و «رگای قدیم» (ری در حومه تهران) به نام اروپوس خوانده شد. بنای شهرهایی موسوم به «ستیرا» «کال‌لیوپ» «خاریس» «هکتامپی لیس» (صد دروازه) و «آخه‌آ» را نیز به سلوکیان نسبت داده‌اند. در حقیقت ایجاد حلقه اجتماعی طرفدار سلوکیان، تأمین امنیت نواحی و توسعه داد و ستد و ارتباط تجاری از اهداف عمده ایجاد شهرهای سلوکی بود (سلطان‌زاده ۱۳۶۵ - ص ۱۵-۱۶). نقشه شماره ۳. شهرها اکثراً در مناطق مسکونی بنا می‌شد. آبادیها مستعد و شهرهای کوچک را توسعه داده و بر گرد آن حصار ساختند و به مرکز و اهالی شهر حقوق پولیس (دولت - شهر) داده می‌شده علاوه بر شهرها مهاجرنشین‌هایی هم در اراضی شاهی به وجود می‌آمد که جنبه نظامی داشت.

#### ۱-۱-۵ اشکانیان:

پارتیان پس از ورود به ایران در نواحی شمال‌شرقی ساکن شدند و به کشاورزی و شهرنشینی پرداختند. پارتیان نیز مطیع سلوکیان بودند ولی در سال ۲۷۰ قبل از میلاد خراسان را از دست

# قلمرو سلوکی در زمان سلوکوس نیکاتور اول

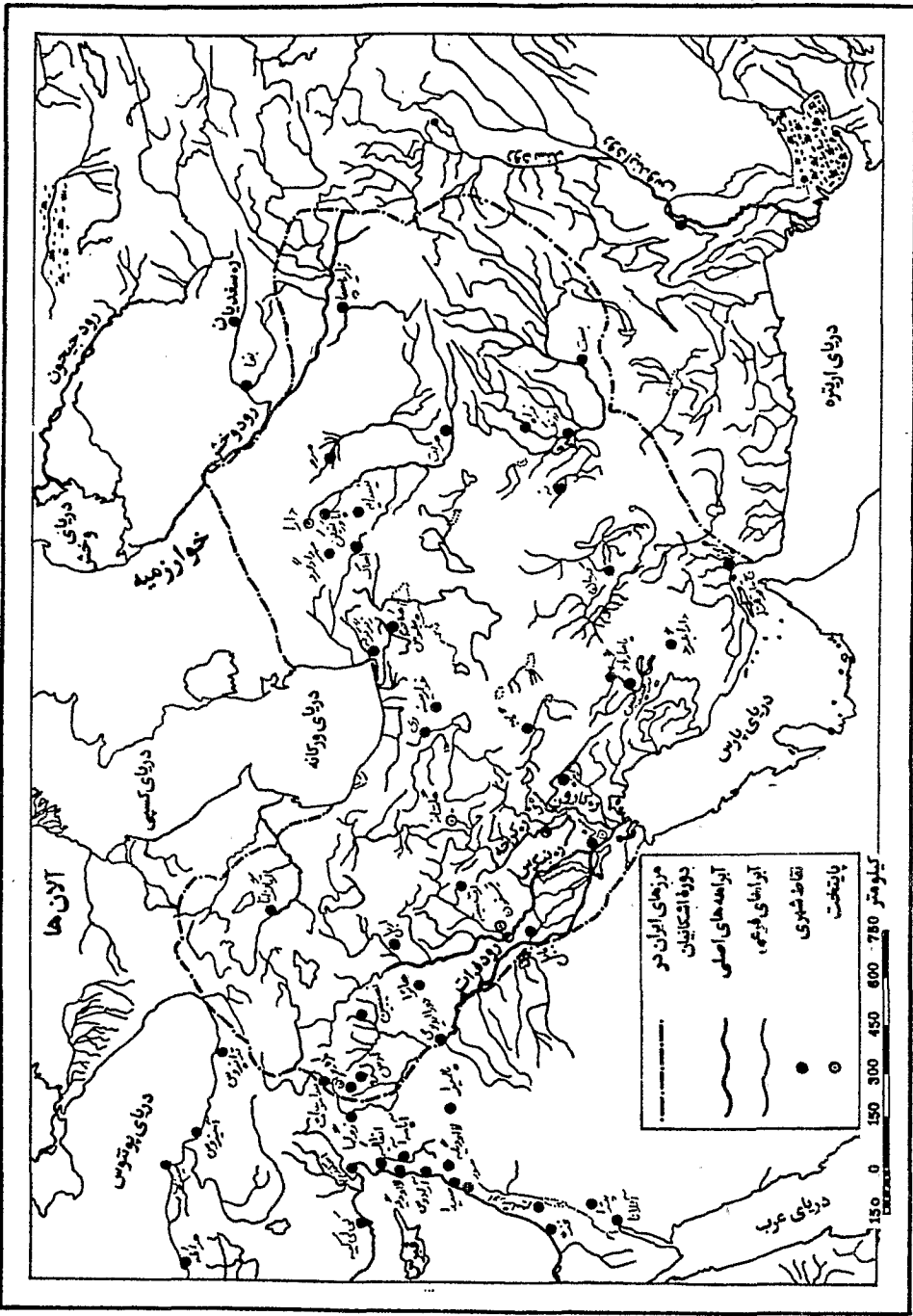


قلمرو سلوکی در زمان سلوکوس نیکاتور اول: نقشه شماره ۳- شبکه شهری ایران در دوره سلوکیان

سلوکیان آزاد کردند. حکومت اشکانیان را می‌توان نوعی حکومت مشروطه ناقص دانست که دو مجلس داشت. اداره کشور بصورت ملوک‌الطوایفی بود. اشکانیان از لحاظ تمدن و فرهنگ بدرجه پارسیان دوره هخامنشی نمی‌رسند و تا ۲۲۴ میلادی حکومت کردند. از آثار باقیمانده چنین برمی‌آید که پارتیان به شهرسازی و شهرنشینی علاقه خاصی داشته‌اند و نشان آن شهرهایی چون تیسفون، هترا، دارابگرد، فیروزآباد و مانند آن است که در روزگار آنان بنا شده و آباد گردیده است (بهنام راسخ، ۱۳۵۳ ص ۴۴۹).

اشکانیان بنا به خصالت دودمانی خود از آنجائیکه مردمی کوچ‌رو و شبان بودند، شهرهای خود فرمان و دولت شهرهای دوره سلوکی را از میان برداشتند ولی به علت تمرکز امپراطوری و قدرت مرکزی و توسعه بازرگانی در شهرهای عمده شهرنشینی شتاب بیشتر یافت. از طرف دیگر بنیان اقتصادی کشور بر پایه کشاورزی استوار بوده و مهمترین مساله در زمینه کشاورزی ایران موضوع آبیاری بود. ایجاد شبکه آبیاری در دوره اشکانیان مورد توجه بوده که این خود به ایجاد و توسعه شهرهای خودیار بدلیل افزایش مازاد تولید و جمعیت منجر شده است. به علت موقعیت جغرافیایی ایران پارتیان سعی می‌کردند تسهیلات لازم را برای گسترش بازرگانی ایجاد کنند. بدین جهت مراقبت از جاده‌های شرقی در ارتباط با جاده ابریشم و جاده هندوستان و جاده‌های غربی که آسیای صغیر را به خلیج فارس وصل می‌نمود وجهه همت خود قرار دادند. تجارت کالا و لوازم قیمتی و زینتی نمایانگر گسترش طبقه مرفه ساکن در شهرها بود. در این دوره علاوه بر شهرهایی که ذکر شد شهرهایی در مسیر جاده‌های تجاری احداث یا احیاء شدند (سلطان‌زاده ۱۳۶۵ - ص ۱۹).

تعدادی از شهرهای اشکانی در آغاز برای مقاصد نظامی ساخته میشدند و سپس در اثر توسعه تبدیل به شهرگردیدند و شهرهای این دوره نیز مثل دوره سلوکی از استقلال نسبی در امور داخل برخوردار بوده و با اینکه فاصله طبقاتی تا اندازه‌ای تعدیل شده بود طبقات اجتماعی تازه‌ای بوجود آمدند. طرح عمومی اکثر شهرهای دوره اشکانی دایره‌ای شکل بوده که در وسط کهن‌دژ شامل کاخ شاهی، مراکز اداری، نظامی، مذهبی که در حصار بلند قرار داشتند. سپس اقامتگاه نزدیکان و فرمانروایان دولتی و روحانیان و بالاخره محلات شهری، مکان پیشه‌وران و خرده مالکین بوده که آنها نیز در درون باروئی قرار می‌گرفتند و بالاخره حومه کشاورزی قرار داشت. نظم داخلی شهرها شطرنجی بود شبکه شهری این دوره طبق اطلس تاریخی ایران (۱۳۵۰) شامل مراکز و شهرهای: رگ یا رگا (ری)، خوارینه، زاگراکرت، شوش، میشان، بابل، تیسفون، سلوکیه، هاترا - گابه، دورا اروبوس، اربل، نصیبین، حران، ادس، ارناترانا، هگمتانه و... می‌شده است. (نقشه شماره ۴).



اشکانیان: نقشه شماره ۴- شبکه شهری ایران در دوره حکومت اشکانیان



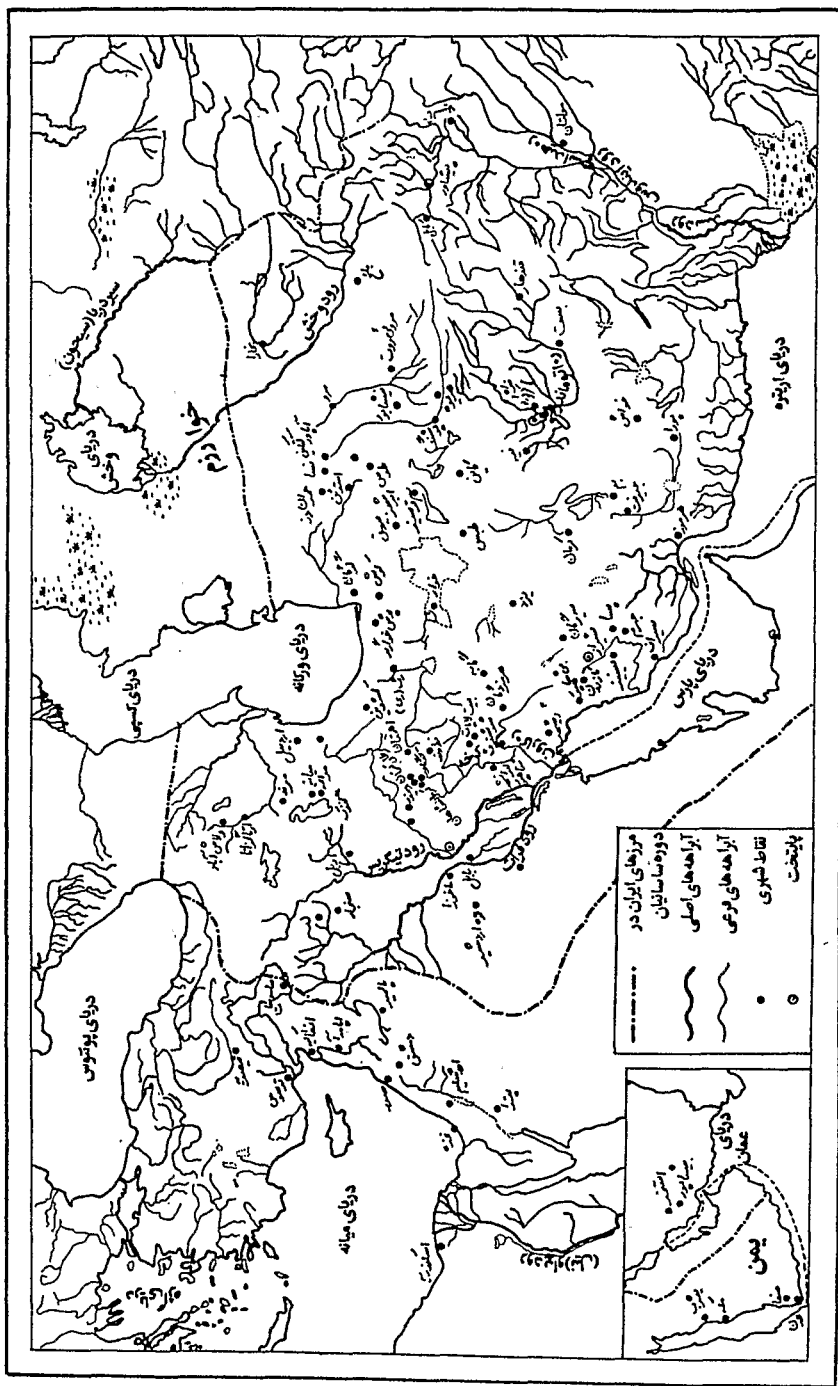
## ۶-۱-۱ ساسانیان:

دوره ساسانیان آغاز امپراطوری بزرگ با حکومت مستبد متمرکز است که از ویژگیهای آن تمایز مطلق طبقات اجتماعی و پیدایش نظام کاستی است. شهرسازی در عهد ساسانیان نیز مورد اعتنای خاص بود. پادشاهان ساسانی بتدریج شهرهای خودیار را تسخیر کرده و به ساختن قلاع و شهرهای جدید همت گماشتند. شهرهای بسیاری بنام پادشاهان ساخته شد که از آنجمله می توان شهرهای گندی شاپور، نیشابور، دارابگرد، رامهرمز و مانند آنها را نام برد. بنیاد ده شهر به نامهای اردشیر خره، به اردشیر، بهمن اردشیر، اشأ اردشیر، رام اردشیر، رام هرمز اردشیر، هرمز اردشیر، بور اردشیر و هشت اردشیر و بتن اردشیر را به اردشیر نسبت می دهند. (شهرستانهای ایران، صادق هدایت ۱۳۲۱). بنای تعدادی از شهرها نیز به شاپور نسبت داده شده است که عبارتند از شاپور، نیشابور، بدان اندیوشاپور، شاپورخواست، بلاش شاپور و پوشنگ (سلطان زاده ۱۳۶۵ ص ۴۴) و شهرهایی را هم به قباد نسبت داده اند مانند ارجان (برقباد) - حلوان (ماهات) قباد خره، شهر زور و شهر قبادش. مسلماً روند احداث شهر توسط پادشاهان همواره آهنگ ثابت و یکنواختی نداشته اند در دوره هایی که پادشاهان قدرتمند بر کشور حاکم میشدند تعداد زیادی شهر احداث میشد و در زمانی که قدر پادشاهان ضعیف میشد جریان احداث شهر کند می گردید.

در دوره ساسانیان بر خلاف دوره های قبل تعصبات مذهبی افزایش یافت و تعداد بسیاری آتشکده ساخته شد که پراهمیت ترین آنها در شهرها ساخته شد که در مواردی خود موجب پیدایش و توسعه شهرهای بزرگ گردید. سه آتشکده معروف آذر گشسب، آذر فرنیغ و آذر برزین مهر به ترتیب در سه شهر بزرگ شیز (در تخت سلیمان) کاریان (فارس) و ریوند نیشابور ساخته شدند. در دوره ساسانیان عوامل تجاری و حتی تجارت دریائی نیز موجب ایجاد شهرهایی شدند که از آنجمله ری شهر (نزدیک بوشهر) از بنادر مهمی بود که در دوره ساسانیان در خلیج فارس ساخته شد. در این رابطه ایجاد سه بندر به اردشیر نسبت داده می شود. اساساً در دوره ساسانیان اقتصاد بیشتر بر پایه کشاورزی بود تحولات زیادی در رابطه با مالکیت و شیوه های زمین داری پیدا شد اما صنعت و تجارت نیز در خیلی از زمینه ها از پیشرفتهای قابل ملاحظه ای برخوردار بود. تولید محصولات صنعتی در این دوره افزایش یافت و شهرها از مهمترین مراکز تولید محصولات صنعتی شدند.

مصنوعات نقره، پارچه های ابریشمی از محصولات معروف کشور بود. پیشه وران در شهرها فعالیت زیادی داشتند و هر رشته صنف ویژه ای داشت. از ویژگیهای مهم شهرهای این عصر وجود بازار مجهز در آنها بود که عنوان «وازارید»، «بازارید» گویای وجود این عنصر مهم میباشد.

نظام شهری بر پایه نهادهای مختلف اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی شکل می گرفت و



کیلومتر 750 600 450 300 150 0

ساسانیان: نقشه شماره ۵- شبکه شهری ایران در دوره حکومت ساسانیان

طبقات چهارگانه مؤبدان، لشکریان و دبیران و پزشکان، دهقانان و صنعتگران در ساختار اجتماعی شهرها بوجود آمدند.

به هر حال پیدایش حکومت مقتدر مرکزی، روابط بازرگانی با چین، هند، شبه جزیره عربستان، شمال و شرق افریقا و نظام کاستی در توسعه اقتصادی شهر مؤثر واقع شد. دروازه‌ها به روی کاروانهای مهم جهانی که ابریشم از آسیای مرکزی و عاج و ادویه از هند و پشم از نواحی دامداری مهم می‌آوردند گشوده شد. کالبد شهری شامل کهنه‌دوز و بخش نظامی بود که هسته اولیه را تشکیل می‌داد و در اطراف آن محلات یا قسمت اصلی شهر (شارستان یا شهرستان) قرار داشت که بوسیله حصار محصور و از کهنه‌دوز جدا می‌گردید و بخش پرونی بنام سواد یا حومه خوانده میشد که شامل مزارع کشاورزی و باغات بود. شهرهای این دوره طبق اطلس تاریخی ایران عبارتند از: استخر، دارابگرد، بابل، تیسفون، یزد، کرمان، طوس، کومش، دینور، کرمانشاهان، اردبیل، مراغه، اردشیر، هاترا و... (نقشه شماره ۵).

### خلاصه فصل اول

تمدن شهرنشینی در ایران یک تمدن قدیمی و پرتسابقه است که در ارتباط با عوامل فرهنگ شهرنشینی بین‌النهرین، مکان اولیه پیدایش شهرنشینی را یافته و در تمام فلات ایران گسترش یافته است. قدیمی‌ترین مردمی که در ایران به تمدن شهرنشینی رسیده‌اند عیلامیها بودند که شهر شوش مهمترین شهر آنها بوده است. البته قبل از حکومت عیلامیها آثار و علائم شهرنشینی در سیلک کاشان، اطراف ری، دامغان، نهاوند، جنوب ارومیه، مازندران و سیستان به ثبوت رسیده است.

پس از آمدن آریائیها به ایران شهرنشینی توسعه یافته و طبق نظر دانشمندان اقوام بیابانگرد آریائی با یکجانشینی به ایجاد شهرها پرداختند. بیشتر این شهرها خصوصیت کشاورزی - نظامی داشتند. بطور کلی شهرنشینی از نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد تدریجاً در ایران ظاهر شده و تحول یافته است.

اولین گروه از آریائیها، مادها بودند که به حکومت رسیده و شهر هگمتانه یا اکباتان (همدان کنونی) را بنیان نهادند. شهرهای این دوره در حقیقت نقاط سوق‌الجیشی پراهمیتی بودند که بر سر راههای تجاری بصورت قلعه ایجاد شده و بالاخره شهرهای نظامی را بنیان و توسعه دادند.

در دوره هخامنشی شکوه و عظمت پادشاهی در ارتباط با عناصر و ملل خارجی، ساختن جاده‌ها، روابط پولی، توسعه تجارت، شهرنشینی و شهرسازی رونق پیدا کرد. سبکهای تازه از اختلاط سبکهای ملل مختلف در شهرسازی بوجود آمد. از ویژگیهای دوران هخامنشی می‌توان رونق شهرنشینی، اهمیت و شکوه شهرسازی را نام برد. از اختصاصات عام شهرسازی

در این دوره وجود قصر سلطنتی در مرکز شهر و در کنار آن محله‌های درباری می‌باشد و در نتیجه نخستین نطفه تقسیمات کالبدی فضای شهری بر مبنای طبقات اجتماعی به علت گرد آمدن ملل مختلف در امپراطوری هخامنشی بسته می‌شود.

تصرف ایران توسط یونانیان، اختلاط اجتماعی - فرهنگی تازه‌ای از ملت‌های کاملاً متفاوت با ایران را بوجود آورد. این پیروزی امتزاج فلسفه شرقی و غربی را در شهرنشینی و شهرسازی موجب شد که به تکوین شهرهای جدید یا دولت شهرهای یونانی منجر شد. به روایتی سلوکیان نزدیک به ۴۰۰ شهر در ایران بنیان نهادند. این شهرها با هدف تأمین امنیت نواحی، توسعه داد و ستد و ارتباط تجاری در ایران بوجود آمده (نظامی - تجاری) و اختلاف اجتماعی خاصی را در درون خود دارا بودند.

اشکانیان بنا به خصلت دودمانی و معیشتی، دولت شهرهای سلوکی را از میان برداشتند. شهرنشینی در این دوره تحت تأثیر دو عامل عمده ضرورت حفظ سرزمینهای پهناور امپراطوری و توسعه بازرگانی و صنعت شتاب بیشتری گرفت. پادشاهان جهت گسترش بازرگانی به مراقبت از جاده‌های شرقی و غربی که آسیای صغیر را به خلیج فارس متصل می‌نمود همت گماشتند و شهرهایی را در مسیر جاده‌های تجاری احداث یا احیا کردند. شهر در دوره اشکانی ضمن داشتن استقلال نسبی در داخل خود و تعدیل فاصله طبقاتی، با شکل دایره‌ای و نظم شطرنجی داخلی، خود را از شهرهای دوران ما قبل متمایز می‌کند.

با آغاز امپراطوری بزرگ ساسانی شهرنشینی و شهرسازی مورد توجه خاصی قرار گرفت. شهرهای زیادی توسط پادشاهان ایجاد گردید. از اختصاصات شهر دوره ساسانی تمایز مطلق طبقات اجتماعی و پیدایش نظام کاستی بود. در این دوره تعصبات مذهبی افزایش یافته، تجارت و صنعت در شهرها رو به توسعه گذاشت. توسعه کشاورزی تحولات زیادی در روابط مالکیت و شیوه‌های زمین‌داری بوجود آورد. نظام شهری بر پایه نهادهای مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی شکل گرفت و طبقات چهارگانه موبدان، لشکریان و دبیران و پزشکان، دهقانان و صنعتگران در ساختار اجتماعی شهرها بوجود آمد.

بطور کلی شهر در دوره‌های قبل از اسلام و ایران باستان در تحول تدریجی خود در یک دوره یکهزار ساله از یک شهر اختصاصاً نظامی، بصورت قلعه، قصر سلطنتی یا محل اجتماع اقوام و طوایف مختلف، به یک شهر نظامی - تجاری با عملکردهای متمرکز بازرگانی، صنعتی و اختلاف اجتماعی تحول و تغییر شکل پیدا کرده است. این تحول با یک سابقه شهرنشینی در میان بومیان ایران و در ارتباط با عوامل فرهنگ شهرنشینی بین‌النهرین و کناره‌های دریای مدیترانه ضمن تغییرات ساختار اجتماعی - اقتصادی خود با تغییر در ساختار فیزیکی با بخش‌های زیر تحقق پیدا کرده است:

۱- کهن‌دژ که هسته اولیه شهر را تشکیل می‌داد و شامل قصر یا کاخ امپراطوری و بخش

- نظامی بود. این بخش با حصارهای بلند، خود را از بخشهای دیگر جدا می‌کرد.
- ۲- شهرستان یا شارستان که محلات یا قسمتهای اصلی شهر را بوجود می‌آورد و بوسیله حصار محصور بود.
- ۳- بخش بیرونی که بنام «سواد» یا «حومه» خوانده می‌شد. و شامل مزارع، باغات و در مواردی روستاهای پیرامونی نزدیک بوده است.

## خودآزمای فصل اول

- ۱- فرهنگ شهرنشینی ایران متأثر از شهرنشینی کدام منطقه بود؟
 

الف - مصر	ب - بین‌النهرین
ج - یونان	د - هند
- ۲- کدام مورد سیمای اولیه شهرهای آریائیها را معرفی می‌کند؟
 

الف - تجاری - سیاسی	ب - بازرگانی
ج - اداری	د - کشاورزی - نظامی
- ۳- در شهرهای هخامنشی محلات مسکونی در چه بخشی از شهر قرار داشت؟
 

الف - اطراف محلات درباری	ب - قبل از حصار بلند اطراف شهر
ج - اطراف محلات قصر سلطنتی	د - قبل از حصار پادگان
- ۴- نخستین نطفه تقسیمات کالبدی فضای شهر بر مبنای طبقات اجتماعی در چه دوره‌هایی بسته شد؟
 

الف - سلوکی	ب - بومیان
ج - ماد	د - هخامنش
- ۵- ایجاد انطاکیه پارس (بوشهر کنونی) به کدام دوره نسبت داده می‌شود؟
 

الف - ماد	ب - هخامنش
ج - جانشینان اسکندر	د - ساسانی
- ۶- طبقه مرفه شهری در دوره اشکانیان مولود کدام عامل زیر بود؟
 

الف - تجارت	ب - نظامی‌گری
ج - تیولداری	د - صنعت
- ۷- روند شهرسازی در دوره ساسانی با ..... شتاب بیشتری می‌یافت
- ۸- با افزایش تعصبات مذهبی در دوره ساسانیان و ایجاد ..... شهرهای رونق بیشتری یافتند.
- ۹- «وازارید» یا «بازارید» از عناصر مهم شهرهای کدام دوره به حساب می‌آید.
 

الف - ساسانی	ب - هخامنش
--------------	------------

- ج - اشکانی  
د - سلوکی
- ۱۰ - ساختار اجتماعی شهرها در کدام دوره از ترکیب جامعی برخوردار بود
- الف - ماد  
ب - اشکانی  
ج - هخامنش  
د - ساسانی

### سوال تشریحی فصل اول

- ۱- اختصاصات شهری و عوامل مؤثر در رونق شهرنشینی دوره ساسانی را بنویسید.

## فصل دوم

### ۱-۲ شهر و شهرنشینی پس از پیروزی اسلام

#### هدف مرحله‌ای فصل دوم:

دانشجویان در این فصل با ویژگیهای شهر و شهرنشینی پس از پیروزی اسلام در ایران آشنا می‌شوند تأثیر فرهنگ اسلامی در شهر و شهرنشینی را شناخته و با عناصر و ساختار جدید آن آشنا می‌شوند.

#### هدفهای آموزشی - رفتاری فصل دوم:

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل با استفاده از قابلیت‌های آموزشی کسب شده در فصل قبلی و آشنایی با محتوای این فصل بر هدفهای آموزشی - رفتاری زیر دست پیدا کنند:

- تأییراتی را که فرهنگ اسلامی بر شهرهای قدیم گذاشته بشناسد و عوامل مؤثر در آن را توجیه کند.

- تفاوت چهره جدید شهرهای قدیمی را با گذشته آنها باز شناسد.

- شهرهای نوین و ویژگیهای آنها را بشناسد.

- فرق بین شهرهای قدیمی و شهرهای نوین را بداند.

- ساختار فیزیکی و کالبدی شهرهای اسلامی را بشناسد.

- با نقش مسجد یکی از عناصر مهم شهرهای اسلامی آشنا شده و جایگاه آن را در

ساختار فیزیکی و اجتماعی شهر باز شناسد.

- بازار و نقش اجتماعی آن را در شهرهای اسلامی بداند.

- جایگاه بازار را در ساختار کالبدی شهرهای اسلامی بشناسد.

- نقش اقتصادی بازار را در اقتصاد شهری بداند

- با جایگاه مدرسه در کالبد فیزیکی شهرهای اسلامی آشنا باشد.

- رابطه مدرسه را با نقش آموزشی شهر باز شناسد.

- با بقیه عناصر شهری در شهرهای اسلامی آشنا باشد.

- نقش هر کدام از عناصر فوق را در کل نقش شهر بشناسد.

## ۱-۲ شهر و شهرنشینی پس از پیروزی اسلام

خاورمیانه می‌تواند مدعی طولانی‌ترین تاریخ تکامل مستمر در شهر و شهرنشینی باشد، لیکن قدمت مجموعه عواملی که بر زندگی شهری این ناحیه تأثیر پایدار داشته است از دوره اسلامی یعنی از زمان فتوحات اعراب در قرن هفتم میلادی فراتر نمی‌رود. اعراب درست در آن زمان که شهرگرائی متعاقب سرنگونی امپراطوری روم غربی، عصر مشهور به قرون تاریک را از سر می‌گذراند، سرگرم احداث شهرهای جدید و بازسازی شهرهای رومی قدیم در مصر و کشورهای واقع در کرانه شرقی مدیترانه و شهرهای ساسانی بودند.

جهان بینی اسلامی برای تحقق آرمانهایش به شهر احتیاج دارد و این امر در تغییر و تحول و توسعه آن مؤثر واقع می‌شود. در این مفهوم بعد از ظهور اسلام از زندگی سیاسی دولت شهرهای یونانی و رومی در آن خبری نیست، امتیازات طبقاتی دوران ساسانی به هم ریخته و مهمتر اینکه شهرهای اسلامی نسبت به منطقه پیرامونش امتیازات خاصی را دارا نیستند. پاشیده شدن قدرت سیاسی شهر و بدنبال آن فرو ریختن سلسله مراتب اجتماعی منجر به فرو ریختن دیوارهای شارستان و بالاخره پیوند شهر با منطقه پیرامونش می‌گردد. چه قوانین اسلامی از امتیازات استثنائی بدور هستند و بدین قرار تفاوتی بین شهر و ده قائل نمی‌گردند. شهروند شهرهای دوره اسلامی فرمانبردار احکام اسلامی، امام، خلیفه یا نمایندگان او هستند. بنابراین شهردارای زندگی شهری مستقل و خاص خود نیست. این امر نخستین تفاوت میان شهر دوره اسلامی با شهرهای قبل از خود می‌باشد. چه همانطور که ذکر گردید، شهر در دوره ساسانی محل استقرار چهار طبقه مشخص و ممتاز اجتماعی بود که عمدتاً در شهر ساکن بودند و در مقابله کامل با روستا شکل گرفته بود. اصولاً روستائیان ایران مثل طبقات رومی در زمره طبقات اجتماعی که در شهر ساکن بودند جای نمی‌گرفتند، در صورتیکه بعد از اسلام شهر در ترکیب با فضای پیرامونی، با روستاهای اطراف و در رابطه با منطقه پیرامونی مفهوم پیدا می‌نماید. به دیگر سخن شهر دوره اسلامی با تنوع کارکردی شهری به علت استقرار بازار (عنصر اقتصادی) مقر حکومتی (عنصر سیاسی)، پادگان یا قرارگاه سپاه (عنصر نظامی) و مهمتر از همه کارکرد مذهبی و زیارتی (عنصر فرهنگی) نوعی ارتباط تنگاتنگ با فضای پیرامونی و روستاهای اطراف برقرار می‌کند که مجموعه آن از جهان‌بینی اسلامی نشأت می‌گیرد. در این میان نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی - اقتصادی و حکومت‌های مستقر در آن اولویت پیدا کرده و به معنایی به شهر موجودیت می‌بخشد (احمد اشرف - نامه علوم اجتماعی - ۱۳۵۳).

با تغییر نظام اجتماعی نظم سیاسی و نظم اقتصادی و به تبع آنها ساختار کالبدی شهر تغییر یافت در سرزمین امپراطوری اسلامی سیاست شهرنشینی و شهرسازی خاصی تدوین گردید. اصولاً جهان‌بینی اسلامی برای تحقق آرمانهای خود به شهر و شهرنشینی نیاز داشت و در نتیجه عمده‌ترین تغییرات را در نظام شهری ملاحظه می‌کنیم. پدیده‌های ناشی از این سیاست به



دو شکل از نظر شهرسازی تجلی حاصل کرد:

### ۱-۲-۱ شهرهای قدیمی:

که به تبع اسلام و تغییر در ساختار اجتماعی رنگ و بوی اسلامی به خود گرفتند و از تحول و دگرگونی و گسترش طبیعی و خودجوش برخوردار شدند و با تغییر در ساختار کالبدی شکل تازه‌ای به خود گرفتند. ورود دین اسلام و فرو ریختن سلسله مراتب اجتماعی، این شهرهای قدیمی را نظمی مجدد داد و منطبق با فلسفه دین اسلام زندگی مذهبی آنها را شکل تازه‌ای بخشید.

آشکده‌ها و ویران و بجای آن مساجد جامع بنا گردید، کهنه‌ز ویران و دیوارهای آن به انضمام دیوارهای شارستان فرور یخت و باعث آبادان شدن حومه یا به اصطلاح جدید «ریض» گردید. سایر ارکان شهر دگرگون شده و بازار با نظمی تازه و با اصول و روابطی نو شروع به فعالیت نمود. گداگرد. بازار محلات شهری شکل گرفتند که غلب خواستگاه قومی، نژادی، قبیله‌ای و مذهبی داشتند و هر کدام با مسجد و بازارچه و مدرسه و حمام و عوامل دیگر مخصوص به خود استقرار یافتند. استقرار این عوامل جدید با نظمی جدید در درون شهر با الگوی جدید ظاهر گردید که تغییرات آن را در بحث‌های بعدی خواهیم دید.

### ۱-۲-۲ شهرهای نوینیا:

نخستین شهرهایی که پس از اسلامی احداث شدند اردوگاههایی بودند که برای استقرار سپاهیان مسلمان و مهاجرین تأسیس شده بود. کوفه و بصره از این نوع شهرها بودند که در دهه دوم هجری ساخته شدند. تعدادی از این شهرها در کنار شهرهای قدیمی، قلاع، نقاط استراتژیک و یا در جوار اماکن متبرکه، در راستای اهداف اسلامی بنا گردیدند. تشکیل حکومت وسیع اسلامی موجب ایجاد شهرهای جدیدی نیز گردید که می‌توان از بغداد مرکز روحانی و سیاسی خلفای عباسی نام برد. سامره نیز شهر نوینیا بود که المقصم بالله برای پایتختی برگزید.

دسته دیگر شهرهای جدید دوره اسلامی شهرهایی بودند که مردم بر کنار شهادتگاههای مزار امامان بنا کردند. مثل مشهد، قم، کربلا، نجف، کاظمین که عمدتاً از طرف شیعیان بنا گردیده‌اند و به صورت ضد قدرت عمل می‌کردند و خلفا و پادشاهان را با دشواریهای سیاسی روبرو می‌ساختند.

خارج از این دو گروه شهرهای زیادی تحول و توسعه یافته‌اند: شهرهای نیشابور، غزنین، شیراز، اصفهان، بلخ، ری، همدان، بخارا یزد از جمله شهرهای آباد و پر رونق دوران بعد از اسلام بوده‌اند.

اساساً آغاز رونق شهرنشینی در امپراطوری اسلامی را می‌توان از قرن سوم هجری و

چهارم و به نوعی تا قرن ششم هجری دانست که در آن شهرگرایی و شهرنشینی گسترش بس عظیم یافته و شهرهای بزرگ با جمعیتی حدود صد هزار نفر و بیشتر بودند و حتی جمعیت آنها را به نیم میابون نفر تخمین زده‌اند (سلطان‌زاده ۱۳۶۵-۹۷). رونق بازرگانی در امپراطوری اسلامی از مهمترین عوامل رشد این شهرها بودند این شهرها اکثراً در مسیرهای کاروان و ارتباطات بازرگانی قرار داشتند.

ساختار شهرهای اسلامی را در ادوار مهم تاریخی می‌توان توجیه کرد. از صدر اسلام تا حمله مغول به ایران و تخریب شهرها، تحولات ساخت و بافت شهرها بر مبنای دگرگونیهای سیاسی - اقتصادی حکومت‌ها، در چهار دوره مهم اتفاق افتاده است و شهرها دگرگونی‌هایی بر مبنای تغییر در ساختار حکومتی برخورد دیده‌اند:

- دوره صدر اسلام که در آن وحدت بین دستورات مذهبی و تصمیمات سیاسی وجود دارد و قدرت و مذهب دو جزء لایتجزا از همدیگر هستند.

- دوره بنی‌امیه که در آن بنای دارالاماره و مسجد جامع همزمان شروع میشود و شکافی بین تصمیم‌گیرهای سیاسی و شریعت حاصل می‌شود.

- این دوره مربوط به دوره خلافت عباسیان و شکل‌گیری امپراطوری اسلامی است که در آن قدرت سیاسی و قدرت مذهبی از همدیگر تفکیک میگردد. در این دوره مسجد از دارالاماره یا دارالخلافة فاصله گرفته و مسجد جامع از حکومت جدا می‌گردد و بتدریج مسجد به صورت یک پایگاه توده‌ای و مردمی در می‌آید.

۱- در این دوره که تقریباً از قرن ششم یا پس از تشکیل سلسله سلجوقی آغاز می‌گردد شکل و توزیع مساجد دگرگونیهای بنیادی پیدا می‌کند. حکومت و مذهب کاملاً از همدیگر تفکیک میگردد و در بعضی مواقع به صورت ابزار قدرت در دست حکام و پادشاهان در می‌آید و در مواردی مقر آن دسته از علما می‌گردد که بیشتر به امور مذهبی پرداخته و به عنوان ضد قدرت در مقابل حکام و پادشاهان عمل می‌کنند.

در دوران دوم و سوم مسجد جامع مهمترین عامل تمایز شهر از روستا بود. در صورتیکه در دوره‌های بعد ملاک داشتن مسجد جامع برای شهر و تمیز آن از روستاها با این ملاک از میان برداشته می‌شود به این معنی که علیرغم مسجد جامع داشتن وابسته بودن همه شهرها به وجود این عنصر دلیل شهر بودن آنها نمی‌توانست باشد (احمد اشرف ۱۳۵۳). گاهی وقتها روستاهائی وجود داشتند که به علت افزایش جمعیت دارای مسجد جامع بوده و قاضی و منبر هم داشتند.

### ۳-۲-۱ کالبد فیزیکی شهرهای دوره اسلامی:

دوران شکوفائی شهرنشینی و ایجاد شهر در دوره بعد از اسلام از قرن سوم هجری آغاز می‌گردد و در این زمان است که شهرسازی به معنای اخص آن در شهرهای جدید به کار گرفته میشود. این

قرن و قرن چهارم در واقع یکی از مهمترین دوره‌های تاریخی در شهرسازی و شهرنشینی ایرانیان است. و شهرهای معتبر امروز در این عصر بنیان‌گذاری شده‌اند. در این دو قرن شهرهای بزرگی که با شهرهای بین‌النهرین رقابت می‌کردند بوجود آمدند، شهرهای سیراف، ری، اصفهان، نیشابور، طوس، جرجان... نمونه‌ای از این نوع شهرها هستند.

اساساً پس از ظهور اسلام بقایای نظام شهری کهن‌دژی و شارستانی بتدریج از میان برداشته می‌شود و شهر با مفهوم اسلامی آن که متعلق به تمام اقشار و طبقات اجتماعی است شکل می‌گیرد. انجمن‌های صنفی شکل می‌گیرند، صنعت و پیشه‌وری رونق پیدا کرده و فعالیت اصناف و پیشه‌وران دامنه وسیعی پیدا میکند، ایجاد بازارهای بزرگ، رونق داد و ستد و بازرگانی را در امپراطوری اسلامی فراهم می‌آورد و شهر شکل و سیمای جدیدی به خود می‌گیرد که توسعه فضائی و استقرار عناصر عمده آن در طول تاریخ به شرح زیر بوده است:

- ارکان عمده شهر شامل دارالخلافه، دارالحکومه یا دارالاماره بجای کهن‌دژ ظاهر شده و سپس با ایجاد قصر امرا و پادشاهان مجموعه‌ای بنام ارک را پایه‌ریزی می‌کنند که در فاصله‌ای با مسجد جامع و بازار سه رکن اساسی شهر را به وجود می‌آورند و در محدوده مرکزی شهر قرار می‌گیرند. در این میان ارک به عنوان عنصر سیاسی از سایر عناصر جدا شده و با ایجاد حصار و بارو در اطراف آن به صورت کانون اصلی شهر تجلی حاصل می‌کند.

- بخش دوم شهرستان یا شارستان است که از نظر شکل‌یابی با دوره‌های قبل از اسلام تفاوتی ندارد ولی از نظر محتوا کاملاً متفاوت است. عناصر فرهنگی - مذهبی، بازار و محلات در این بخش قرار دارند اصناف و پیشه‌وران نیز در این بخش قرار دارند و اکثر طبقات و قشرهای مختلف مردم در این بخش زندگی می‌کنند. این بخش در دوره‌های بعد با داشتن حصار و برج و بارو خود را از بخش بیرونی جدا می‌کند.

- بخش سوم که اکثراً در بیرون حصار و دروازه‌های شهر قرار داشت ریض نامیده می‌شد که در حقیقت بخش کشاورزی و محل استقرار طبقات مادون جامعه، مهاجرین و روستائیان بوده است.

چنین شکل‌یابی در ساختار شهرها در دوران بعد از اسلام بتدریج در اکثر شهرهای ایران گسترش پیدا کرده و شهرهای مهم دارای چنین نظمی از نظر توسعه فضائی و مکان‌گزینی عناصر عمده شهری گردیدند. با این همه شکل‌یابی شهرها با چنین نظمی از شهری به شهر دیگری و از دوره‌ای به دوره دیگر و از سرزمینی به سرزمین دیگر متفاوت بوده و شیوه شکل‌یابی آنها مورد اختلاف شهرسازان و صاحب‌نظران قرار گرفته است.

#### ۱-۲-۴ عناصر اصلی شهرهای اسلامی:

- مسجد جامع:

به غیر از عنصر سیاسی که به‌نامهای مختلف دارالخلافه، دارالاماره و دارالحکومه و نهایتاً ارک

نامیده می‌شدند، شهرهای دوره اسلامی دو پایه اصلی داشتند: یکی مسجد جامع و دیگری بازار. مسجد جامع مرکز مذهبی - سیاسی بود و به عنوان مرکز روحانی شهر و منطقه زیر نفوذ آن در محل مناسبی بنا می‌گردید. مسجد جامع مرکز اجتماعات سیاسی و ابلاغ فرمانها و خواندن خطبه و مهمتر از همه مرکز علمی و فکری و آموزشی عالی بود. دستگاه مذهبی شامل علما، فقها، مراجع تقلید، قضات و سایر مقامات روحانی، شیخ الاسلام و امام جمعه، مهمترین عوامل پیوند و همبستگی جامعه شهری و گروههای گوناگون و جوامع روستائی اطراف شهری بود. در فراز و نشیب‌های تاریخ اهمیت و موقعیت مسجد جامع، قدرت علما و روحانیون و سایر پدیده‌های مذهبی تغییر می‌یافت ولی با اینهمه نقش خود را در یک منطقه شهری انجام می‌دادند. مدارس نیز از ارکان اصلی سازمانهای شهری بود و پایگاه پراهمیتی را در نظام شهری و منطقه‌ای در اختیار داشتند. (عباس سعیدی رضوانی، ۱۳۶۷ - آستان قدس) - مسجد علاوه بر نقش مذهبی نقش‌های اجتماعی و سیاسی را نیز دارا بود. در همین مسجد است که مسئولیت‌های دولت و بحرانهای آن با مردم در میان گذاشته می‌شد و در این مساجد است که حکم خلع خلیفه صادر و خطبه بنام امرای محلی یا خلفای دیگر خوانده می‌شد.

در ابتدا شهر، تنها می‌بایست یک مسجد جامع می‌داشت که نماز جماعت در آن برقرار می‌گردید. این ترتیب مدتی پایدار بود تا آنکه در بسیاری از شهرها مسجد جامع ظرفیت پذیرش نمازگزاران را نداشت و در عوض در بعضی شهرها آن یک جامع نیز رونقی نداشت. مدتها دستگاه خلافت با ایجاد مسجد جامع مخالفت می‌کرد و بالاخره تعداد مساجد جامع در شهرهای بزرگ افزایش یافت. بغداد با وجود بیست و هفت هزار مسجد و وجود اماکن متبرکه تنها دارای دو مسجد جامع بود که هر کدام در یک سوی دجله قرار داشتند. تا اینکه در قرن دوازدهم میلادی ۱۱ مسجد جامع در بغداد بود. (سلطان‌زاده ۱۳۶۲ ص ۱۲۳).

بدین ترتیب مسجد به عنوان نخستین پدیده جغرافیایی برخاسته از اندیشه اسلامی به عنوان یک کانون عبادی - سیاسی در سطح جهان گسترش یافت و با نقش‌های عمده‌ای که ایفا کرد خمیر مایه تغییرات نهادی در ساختار اجتماع و اصول اداری - سیاسی در سرزمینهای اسلامی گردید. هماهنگ رشد و توسعه سرزمینهای اسلامی، مساجد به صور مختلف در نقاط مختلف ظاهر گشت و به صورت شبکه سازمان یافته‌ای در سطح شهر شکل گرفت. مسجد تنها فضائی ویژه برای عبادت نبوده است، بلکه علاوه بر جلسه‌های وعظ و ارشاد مسلمین، مجالس درس و بحث نیز در آن تشکیل می‌شده است. حتی پس از اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری فضای مدرسه بصورت جدا و متمایز از مسجد پدید آمد. همواره در برخی از مساجد، تدریس علوم مذهبی تا صده و دهه‌های اخیر ادامه داشته است. علاوه بر این اغلب مساجد‌ها سنگر مبارزه اجتماعی مردم بر علیه حکام ظالم و کانون تجمع مردم در هنگام خوف و اضطراب بوده است.

مسجد جامع در شهرهای اسلامی همواره در قلب و مرکز شهر جای داشت و در دو یا چند سوی آن بازار امتداد می‌یافت و در پیرامون آن مؤسسات اجتماعی همچون دارالحکومه، کاروانسرا، میهمانخانه‌هایی برای مسافرین، محل‌هایی برای فقرا و بینوایان، دارالشفاء، خانقاه، آب انبار، حمام و مدارس قرار داشتند و سپس فضای حسینی و تکایا که مربوط به دوره صفویه می‌شود به آن اضافه شدند.

افزایش جمعیت شهرها و تغییرات ویژگی‌های اجتماعی آن در طول تاریخ بتدریج باعث افزایش تعداد مساجد در تمام شهرها شد بطوریکه امروز اکثر شهرها دارای مساجد متعددی هستند، در حال حاضر جمعاً ۱۰۸۴۱ مسجد در ۴۹۶ شهر ایران وجود دارد.

### - بازار

دومین عامل اصلی در شکل‌گیری شهرهای اسلامی بازار است که اطراف مسجد بطور خطی جای می‌گرفت. هر شهر حداقل یک بازار به صورت خطی داشت که از دروازه آغاز و به میان شهر می‌رسد و در پیرامون مسجد جامع امتداد می‌یافت. بعضی بازارها از یک دروازه تا دروازه دیگر به طور پیوسته امتداد می‌یافتند و کیلومترها طول داشتند. در اکثر شهرها بعلاوه شرایطی اقلیمی بازار سرپوشیده بود و در بعضی از شهرهای کوچک سقف بازارها از چوب یا حصیر پوشانده میشد. هر صنفی راسته خاص خود را داشت که مشاغل و صنعت‌های دیگر در آن راه نداشتند و آن بازار به نام آن صنف مشهور می‌شد. نخستین بازار بعد از مسجد بازار شمع فروشان و عطاران، مهر و تسبیح‌فروشان بود که در محدوده بلافاصله مسجد جای داشت. پس از آن بازار کتابفروشان، جواهر فروشان، صرافان و چرم‌سازان که برگرد مدارس قرار داشتند. سپس بازار پارچه فروشان یا قیصریه بود که به دلیل اهمیت صنایع نساجی پراهمیت‌ترین بازار و مرکز بازرگانی بازار بود. پس از قیصریه، بازار نجاران، مسگران، قفل‌سازان و سپس حلبی‌سازان، آهنگران قرار داشت و هرچه بازار به باروی شهر یا دروازه شهر نزدیکتر می‌شد عملکرد تغییر می‌یافت و در رفع نیاز روستائیان عمل می‌کرد. بدین ترتیب و در نهایت بازار نعلبندان، زین‌سازان، پالان‌دوزان، در آخر و نزدیک به دروازه‌ها قرار می‌گرفت. صنایعی چون دباغ‌خانه رنگرزی، سفال‌سازی آجرپزی سلاح‌خانه‌ها در فاصله کمتری از شهر قرار می‌گرفتند.

در بازار کاروانسرا، خانبار و میهمانخانه‌های متعددی برای تجار و بازرگانان بود. هر بازاری برای خودش درب و دروازه داشت که هنگام غروب آن را می‌بستند. بعضی مشاغل مثل نانوا، بقالی، کبابی، نوشابه و اغذیه فروش‌ها از این قاعده مستثنی بودند و در سراسر بازار در فضای صنف‌های گوناگون توزیع شده بودند (سلطان‌زاده ۱۳۶۲ - ص ۱۲۶). بطور کلی شکل‌گیری عناصر بازار و روند توسعه آن بستگی به کارکرد اصلی شهر و میزان رشد اقتصادی و جمعیت آن داشت. در شهرهای متوسط و کوچکی که مبادلات خارجی آنها زیاد نبود بخش قابل ملاحظه‌ای از بازار صرف تأمین نیازهای داخلی شهر و ناحیه پیرامونی می‌شد. این بازارچه‌ها

جنبه خرده‌فروشی داشتند و درصد کمی از فضاهای آن به تجارت خارجی اختصاص داشت. در صورتیکه در شهرهای بزرگ به علت عملکردهای متنوع و توسعه تجارت خارجی و نواحی پیرامونی عناصری که در خدمت تجارت خارجی بودند به بخش‌های داخلی اضافه می‌شد. بطور کلی فضای کالبدی بازار برای پاسخگویی به نیازهای جدید همواره در حال تغییر شکل بود و علاوه بر امتداد مسیر راسته اصلی و نفوذ در محله‌ها از طریق راسته‌های فرعی بخشهایی از فضاهای مسکونی اطراف بدنه راسته‌ها را نیز به خود جلب می‌کرد و آنها را به صورت سرا یا تیمچه مورد استفاده قرار می‌داد.

اساساً فضای بازار تنها به داد و ستد و بازرگانی اختصاص نداشت، بلکه به عنوان مهمترین شاهراه حیاتی شهر حتی برخی از عناصر مهم شهری را در خود جای می‌داد. بازار از نظر کارکردهای اقتصادی - اجتماعی قدرت و دامنه نفوذ وسیعی داشت.

ویژگیهای کارکردی بازار و پیوند با مراکز مهم سه‌گانه سیاسی، اقتصادی و مذهبی موجب جریان همه‌فعالیت‌های اجتماعی بسوی بازار می‌شد. در هنگام بحرانهای اجتماعی، سیاسی بخصوص در مقابله با عوامل خارجی بازار به عنوان سنگر اجتماعی مردم فعال می‌شد.

#### - مدرسه:

اصول اعتقادی اسلام بر دانش‌اندوزی و طلب علم و تفکر و اندیشه صحیح تأکید فراوان دارد. بدین جهت در آغاز یکی از نقشهای مهم مسجد پرداختن به امر آموزش بود. در قرنهای دوم و سوم هجری شمار مکتبها، معلمان روبه افزایش نهاد و چندان رو به گسترش گذاشت که حتی دامنه آن به روستاها نیز کشیده شد. در دوره‌های مختلف تاریخی توجه خاصی به ساختن مدارس می‌شد. مدارس نظامیه نیز از آنجمله‌اند که در دوره سلجوقی ساخته شدند. در دوره صفویه نیز توجه خاصی به ساختن مدارس در اصفهان، مشهد، و بعضی از شهرهای ایران معطوف گردید. خصوصیت مهم مدرسه‌ها یعنی جنبه مذهبی آنها یکی از عوامل مهم تعیین کننده موقعیت آنها در شهر بود. تعدادی از آنها در کنار مسجد جامع و سایر مراکز مذهبی ساخته می‌شدند. در شهرهای بازرگانی - تولیدی به علت اهمیت بازار و نقش آن به عنوان شاه‌رگ ارتباطی، هموار تعدادی از مدرسه‌ها در امتداد کالبد بازار احداث شدند.

در محله‌های مسکونی نیز در پی انگیزه مذهبی یا برای عمران و آبادی محله مسکونی اقدام به احداث مجموعه‌های عمومی از محله و مدرسه می‌شد. مدارس علاوه بر کارکردهای مذهبی دارای کارکرد سیاسی و اجتماعی بودند. دانش پزشکی نیز از طریق این مدارس در کشورهای اسلامی توسعه یافت.

#### - سایر عناصر:

خارج از عواملی که ذکر شد شهرها از عناصر و دستگاههای علمی و رفاهی دیگری نیز برخوردار

بودند که از آنجمله رصدخانه، کتابخانه، حمام، حسینیه و تکایا، خانقاه یا زاویه، مزارات، سقاخانه و سایر مؤسسات خیریه می‌باشند.

مکان‌گزینی هر یک از آنها در شهر و توجه به آنها بر مبنای اهداف مذهبی یا سیاسی متفاوت بوده است: کاروانسرا در بطن اقتصادی شهر در محدوده بازار و نزدیک به دروازه‌های شهر قرار می‌گرفت. رصدخانه دستگاه علمی دیگری بود که در جهان اسلام به آن توجه خاص می‌شد و نشان می‌داد که خارج علوم فقهی و دینی به علوم تجربی و علوم محض نیز توجه خاص مبذول می‌گردد. لذا تأسیس رصدخانه به عنوان سازمان محض علمی مرکز تعلیم نجوم و علوم وابسته به آن بود. ایجاد کتابخانه به عنوان یک عنصر فرهنگی و در کنار مدارس و گاهی وقتها قصر امرا و پادشاهان از قدیم در شهرهای ایران رواج داشت. از آنجا که تطهیر بدنی به اشکال گوناگونی از وظایف دینی به شمار می‌آید از قدیم گرمابه‌هایی ساخته شد و امروز تمام شهر یا حتی روستا دارای حمام بوده و هستند. این حمامها به صورت منظم برای شعایر اسلامی و نیز ملاحظات بهداشتی به کار می‌روند.

وجود خانقاه، زاویه، آرامگاهها و اماکن متبرکه، سقاخانه، تکایا و حسینیه‌ها از اماکن مذهبی مهم و معتبری هستند که درادوار مختلف تاریخی و بنابر اعتقادات مذهبی شهریان از منزلت خاصی برخوردار بوده و عامل مهم در شکل دادن شهرهای اسلامی بودند.

### خلاصه فصل دوم:

دوران رشد و رونق شهرنشینی در خاورمیانه به دنبال ظهور اسلام، آخرین دوره‌ای به حساب می‌آید که خاورمیانه پیشاهنگ فرهنگ شهری به شمار می‌رفت. جهان‌بینی اسلامی برای تحقق آرمانهایش به شهر احتیاج دارد و این امر در تغییر و تحول توسعه شهر مؤثر واقع می‌شود. بعد از ظهور اسلام، زندگی سیاسی دولت شهرها، امتیازات طبقاتی درهم ریخته و فروپاشی نظام اجتماعی منجر به فروپاشی دیوارهای شارستان و بالاخره پیوند شهر با منطقه پیرامونش می‌گردد.

شهر دوره اسلامی دارای زندگی شهری مستقل و خاص خود نبوده و با فضای پیرامونی مفهوم پیدا می‌نماید. با تغییر نظم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، شهرنشینی و نظام شهری خاصی در امپراطوری وسیع اسلامی بوجود آمد.

این امر به دو شکل متجلی شد: ۱- تحول دگرگونی شهرهای قدیمی، ۲- ایجاد شهرهای نوین.

آغاز رونق شهرنشینی در امپراطوری اسلامی را می‌توان از قرن سوم و چهارم هجری و به نوعی تا ابتدای قرن هفتم هجری دانست. در این دوره شهرنشینی و شهرسازی گسترشی بس عظیم یافته و شهرهای بزرگ با جمعیتی حدود صد هزار نفر و بیشتر، و حتی با جمعیت نیم

میلیون نفر بوجود آمدند. رونق بازرگانی از مهمترین عوامل رشد این شهرها بودند. عناصر اصلی شهر شامل دارالخلافه یا دارالحکومه، مسجد جامع، بازار، مدرسه، کاروانسرا، حمام و... بود که مجموعاً کالبد فیزیکی شهر را در سه بخش نشان می‌دادند: ۱- ارک (دارالحکومه، دارالاماره...) ۲- شهرستان یا شارستان، ۳- ربض.

## خودآزمای فصل دوم

- ۱- بعد از پیروزی اسلام شهرهای ایرانی قبل از اسلام کدام ویژگی هم را دست دادند؟
 

الف - نقش صنعتی	ب - نقش ارتباطی
ج - استقلال ویژه	د - نظم ویژه
- ۲- «ربض» با فروپاشی کدام عنصر شهری مرتبط بود؟
 

الف - پادگان	ب - محلات مسکونی
ج - مقر سلطنتی	د - شارستان
- ۳- مسجد و دارالاماره که در ساختار اجتماعی شهرها نقش هماهنگ ایفا می‌کردند و در چه دوره‌یی از هم فاصله گرفتند؟
 

الف - عباسی	ب - صدر اسلام
ج - اموی	د - بعد از عباسی
- ۴- بازار در شهرهای اسلامی بصورت ..... در اطراف مسجد احداث می‌شد.
 

الف - عطاران	ب - پارچه فروشان
ج - شمع فروشان	د - صرافان
- ۵- «قیصریه» مربوط به کدام صنف تجاری بود؟
 

الف - جواهری	ب - زین سازان - پالان دوزان
ج - پارچه فروشی	د - بقالی - اغذیه فروشی
- ۶- کدام مورد در تمام دسته‌های بازار شهرهای دوره اسلامی مشاهده می‌شد؟
 

الف - جواهری	ب - زین سازان - پالان دوزان
ج - پارچه فروشی	د - بقالی - اغذیه فروشی
- ۷- در شهرهای متوسط و کوچکی که مبادلات خارجی آنها زیاد نبود بخش قابل ملاحظه‌ای از بازار صرف تأمین نیازهای ..... و ..... می‌شد.
- ۸- نظامیه‌ها مراکز آموزشی بودند که ساختن آنها از ..... آغاز شد.



۹- مدارس و مراکز آموزشی در شهرهای بازرگانی - تولیدی در امتداد  
..... ساخته می‌شد.

۱۰- مکان‌گزینی کاروانسراها در شهرها در محدوده ..... و نزدیک  
..... قرار می‌گرفت.

### سؤال تشریحی فصل دوم

۱- ساختار کالبدی و عناصر عمده شهری در امپراطوری اسلامی را به‌طور  
خلاصه بنویسید.

## فصل سوم

### ۱-۳ شهر و شهرنشینی از پیروزی اسلام تا عصر معاصر

#### هدف مرحله‌ای فصل سوم

در این فصل دانشجویان با فرآیند شهر و شهرنشینی در ایران بعد از پیروزی اسلام و تا عصر معاصر آشنا شده و با عوامل جدید نشأت گرفته از فرهنگ اسلامی در شکل‌گیری شهرها و ساختار اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آن قرین می‌شوند.

#### هدفهای آموزشی - رفتاری فصل سوم

از دانشجویان انتظار می‌رود با مطالعه این فصل و با استفاده از فصول قبلی بر هدفهای آموزشی - رفتاری زیر است پیدا کنند.

- با ویژگیهای شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان آشنا باشد.
- ویژگیهای شهر و شهرنشینی در دوره خوارزمشاهیان را بداند.
- با تحولات شهر و شهرنشینی در دوره ایلخانیان آشنا شده و ویژگیهای آن را باز شناسد.
- با ویژگیهای شهر و شهرنشینی در دوره صفویه آشنا باشد.
- تحولاتی را که شهر و شهرنشینی در دوره بعد از صفویه و تا انقلاب مشروطیت بخود دیده آشنا باشد.

- تفاوتهای دوره‌های فوق را از هم باز شناسد.

- تحولات و ویژگیهای شهر و شهرنشینی این دوره از تاریخ ایران را نسبت به دوره‌های

قبل بشناسد.

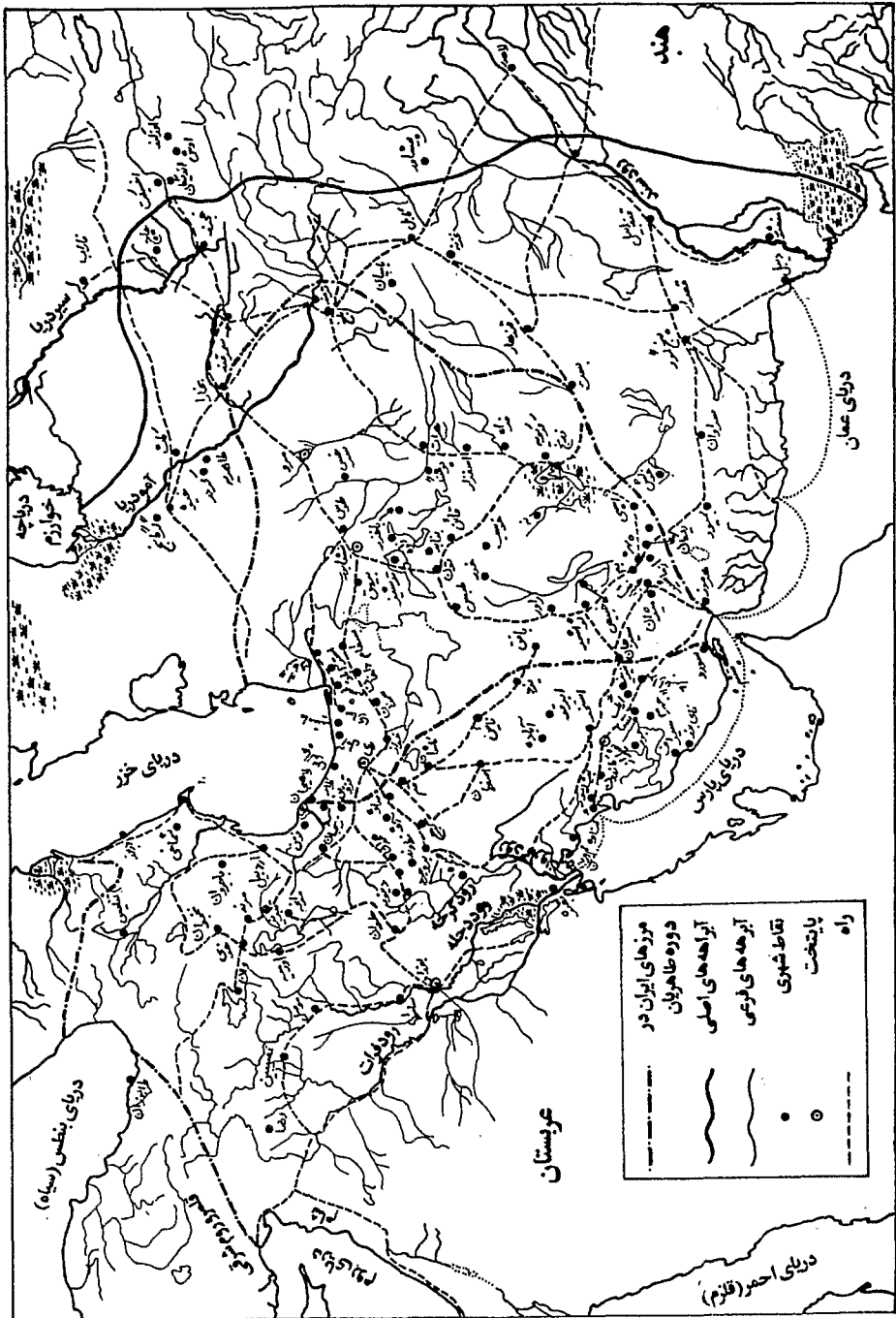
### ۱-۳-۱ سلجوقیان و خوارزمشاهیان:

فتح ایران در سال ۶۶۴ میلادی، بر سبیل مسلمانان که جهان‌بینی جدیدی مبنی بر برابری و برادری ارائه داد باعث سقوط شهرهای ایران شد. بدین طریق در سرزمین پهناور امپراطوری نوبنیاد اسلامی سیاست شهرسازی خاصی تدوین گردید. اقتصاد شهری در قرنهای اول و دوم هجری دچار فترت و انحطاط شد تا اینکه پیدایش حکومت‌های محلی در قرنهای سوم و چهارم هجری به بهبود اقتصادی کشور منجر شده و دوران شکوفائی شهرگرایی و شهرنشینی بعد از اسلام از قرن سوم هجری آغاز می‌گردد. در این زمان شهرسازی به معنای اخص آن در شهرهای جدید به کار گرفته می‌شود. در اواخر قرن سوم هجری سازمان شهری آنچنان مراحل از تکامل خود را طی می‌کند که علیرغم تمامی تحولات جهانی آثار و میراث خود را تا قرن بیستم نیز می‌کشاند. فروریختن دیوارهای شارستان و به عبارتی فروریختن سلسله مراتب اجتماعی باعث آبادان گردیدن ریض یا حومه شهرها گردید و در حقیقت وحدت جدائی‌ناپذیر بین کشاورزی، تجارت و صنعت بوجود آمد. و در نتیجه شهرها و روستاها در پیوندهای منطقه‌ای نظام همبسته‌ای را بوجود آوردند. (نقشه‌های ۶ و ۷)

قرن چهارم هجری مترادف با استقرار سیاسی، مذهبی مستقلی در ایران است. این قرن در واقع یکی از مهمترین مقاطع شهرنشینی شهرگرایی کشور بوده است، که در این عصر بینانگداری می‌گردند. بقایای آثار قبل از اسلام (کهندژ شارستان) به کلی در این قرن از میان برداشته می‌شود و شهر با مفهومی اسلامی که متعلق به تمام اقشار و طبقات اجتماعی است بینانگذار می‌گردد شهرهای بزرگی مثل سیراف، ری، اصفهان، نیشابور، طوس، جرجان... شکل می‌گیرند که با شهرهای بین‌النهرین رقابت می‌کردند. باغداری و کاشت درختان میوه توسعه یافته و صنعت نساجی در این دوره پیشرفت شایانی کرد و پارچه و مصنوعات ایران در نواحی دور دست به فروش می‌رفت. رونق تولید و عرضه محصولات صنعتی به احداث تعداد زیادی کارگاه و کارخانه در شهرها منجر شد. مبادلات اقتصادی بین شهرها رونق گرفت حتی متخصصان و صنعتگران در پی کار از شهری به شهر دیگر می‌رفتند. حمل و نقل دریائی در قرن چهارم و بدنبال آن در قرن پنجم توسعه یافت. رونق داد و ستد و پیشرفت بازرگانی موجب پیدایش نهادهایی برای تسهیل و تسریع روابط پولی و تجاری گردید. در اثر رونق و گسترش بازارهای داخلی و خارجی شهرنشینی از توسعه سریعی برخوردار گردید و اکثر شهرهای ایران دارای صدها هزار نفر جمعیت شدند.

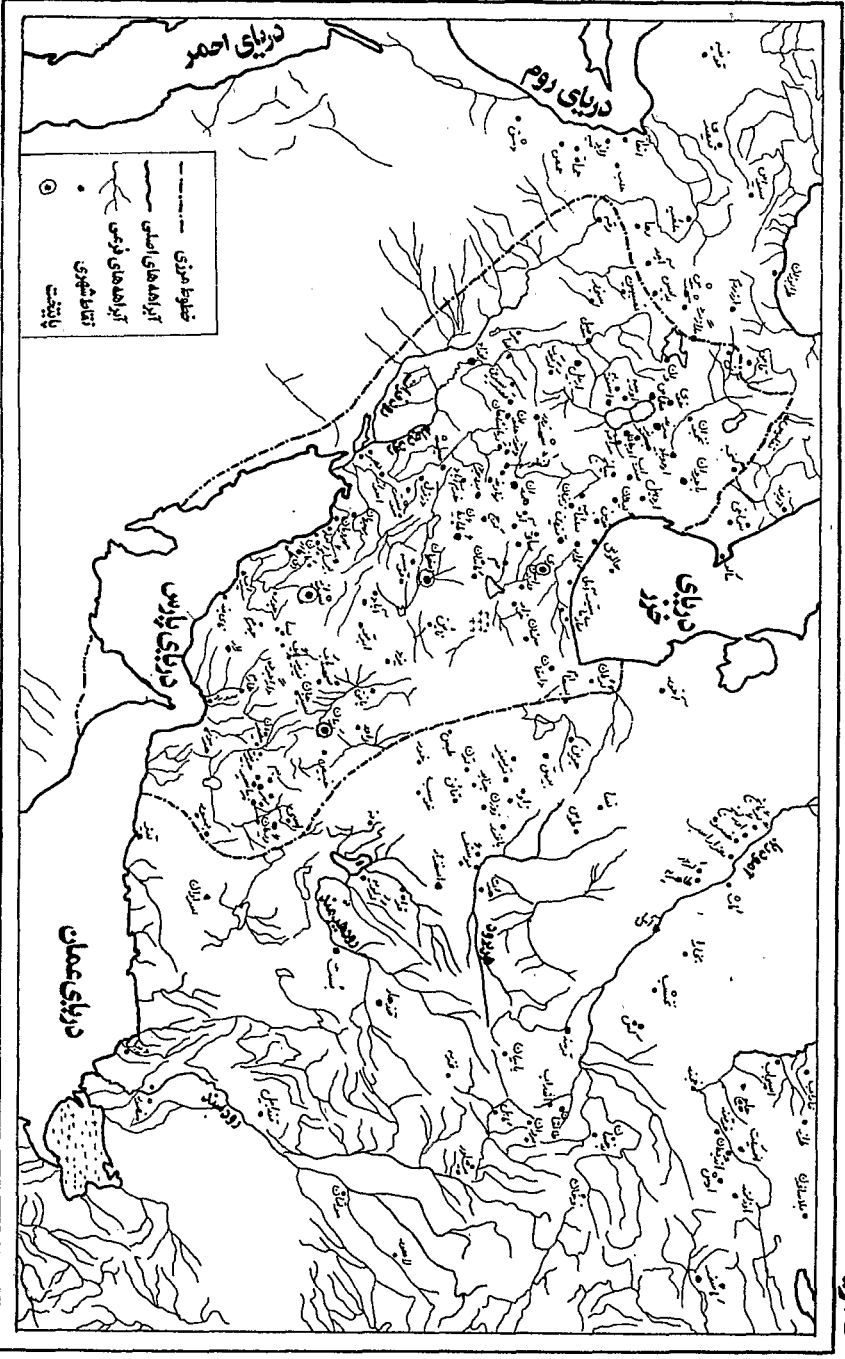
انقلاب فرهنگی - سیاسی ایران که اوج آن در قرن چهارم هجری بود. با آمدن ترکان به ایران و تشکیل دولت سلجوقی در ماوراءالنهر و خراسان بتدریج دوران افول خود را آغاز می‌کند. همزیستی فرهنگی بین بقایای فرهنگ گذشته ایرانیان و فرهنگ مهاجمین ترک مغول ضمن اینکه با اشاعه فرهنگ ترک در نواحی وسیعی از فلات ایران و فلات آناتولی آشکار

طاهریان نقشه شماره ۶- شبکه شهری ایران در قرن اول و دوم هجری (اطلس تاریخی ایران).



TAHIRIDS

# آل بویه



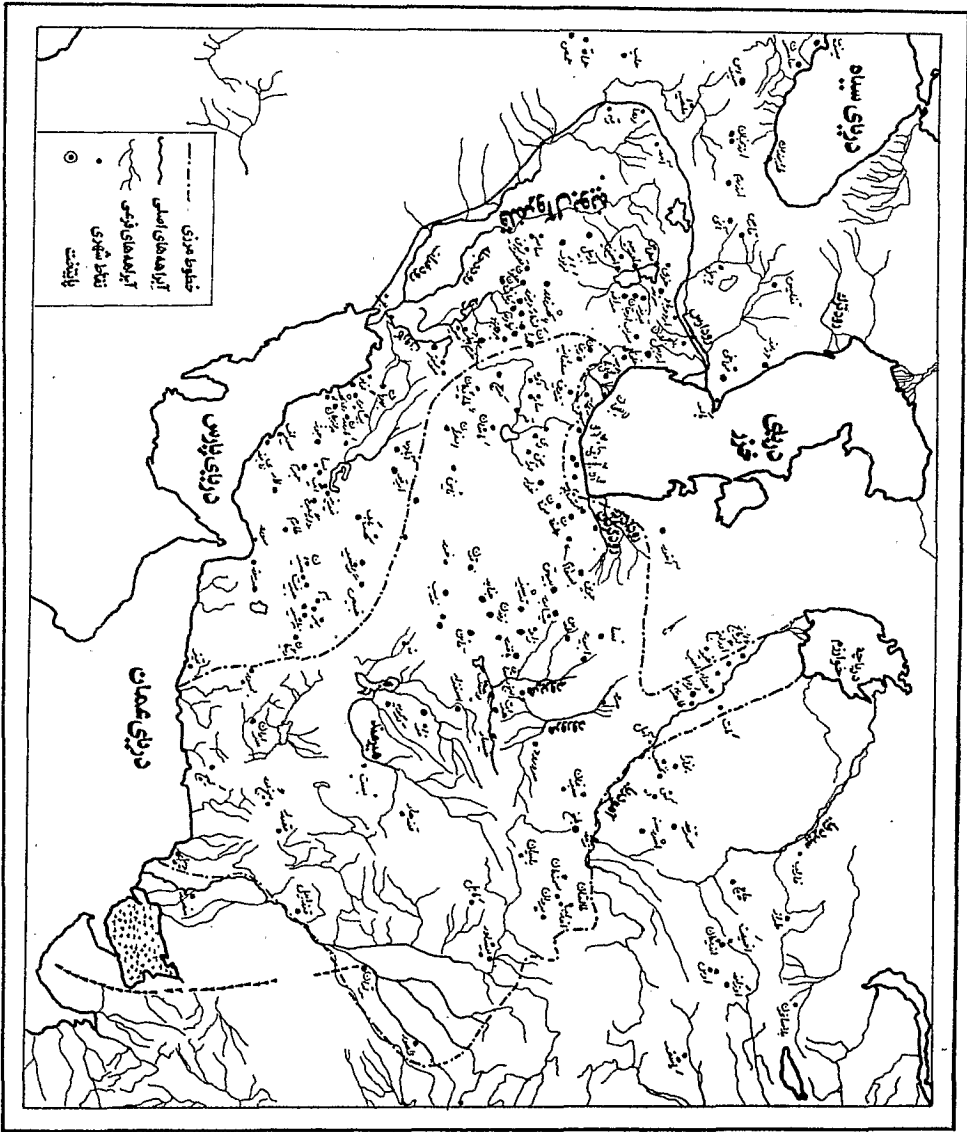
آل بویه: نقشه شماره ۷- شبکه شهری ایران در دوران حکومت آل بویه (اطلس تاریخی ایران)

می‌گردد در طول تاریخ و در جریان استمرار خود باهم نزدیکی پیدا می‌کند. برخورد تازه واردین بدون شک در توسعه کوچ نشینی و زندگی چوپانی یک عملکرد اساسی بوده و در نتیجه به تغییر پراکندگی جوامع روستایی و تغییر نظام شهری و دگرگونی نوع زندگی در سطح وسیعی منجر شده است.<sup>۱</sup> در آغاز تشکیل حکومت سلجوقی در اوایل قرن پنجم شهرها به رشد متعارف خود ادامه می‌دهند ولی بتدریج با دگرگونیهای اجتماعی و سیاسی، دگرگونیهای عمده در ساختار فیزیکی و اجتماعی شهرها بوجود می‌آید. دوره سلجوقیان به تعبیری شکل‌گیری زمین‌داری بزرگ و تشدید و تحکیم نظام تیولداری است. زمین دارین و تیولداران با ساکن شدن در شهرها علاوه بر نزدیکی با مقامات حکومتی که خود نیز جزء آنها بودند محله‌های شهری، اصناف و اجتماعات روستائی را تحت سلطه خود می‌گیرند. بدین طریق محلات شهری جلوه‌گر تضادها، پراکندگی قومی می‌گردد. کالبد شهر مجموعه‌ای از محلاتی است که هر یک در اطراف خود باروئی دارند و هر محله با دروازه‌هایی از روستاهائی که از لحاظ فرقه‌ای، مذهبی و قومی با آن نزدیکی دارند مربوط می‌گردد.

مجموعه عوامل فوق که نتیجه تغییر در نظام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور بود بتدریج در نظام شهری و کالبد شهرهای ایران مؤثر واقع شده و موجبات افول دوران شکوفایی شهری بعد از اسلام را فراهم می‌آورد و این امر با حمله مغول تشدید شده و تا زمان صفویه ادامه می‌یابد. (نقشه شماره ۸، ۷، ۹، ۱۰)

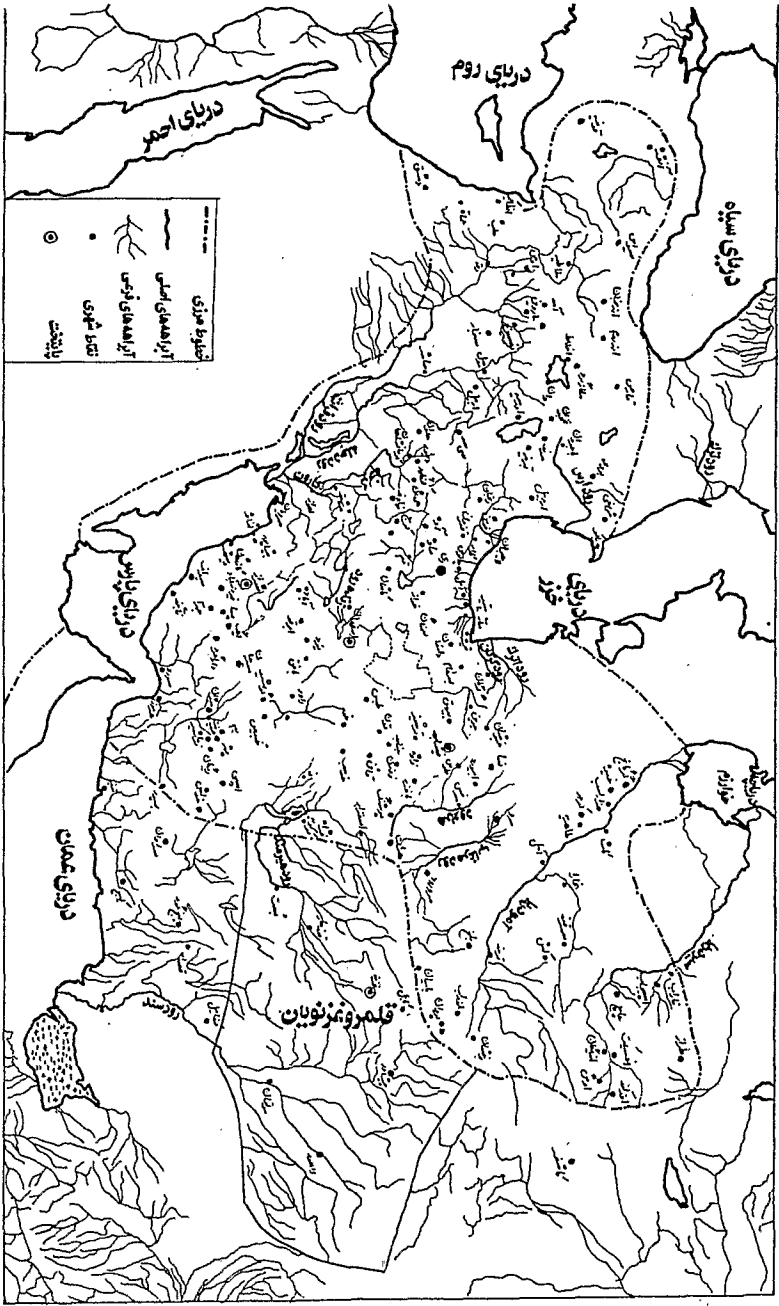
## ۲-۳-۱ ایلخانیان:

یورش مغول در آغاز قرن هفتم هجری بنیانهای شهرنشینی و زندگی شهری را از هم گسسته و شهرگرایی را از میان برداشت. طوایف مغول که در سطح تمدنی پائینتر از ایرانیان قرار داشتند و هنوز بر مبنای روابط عشیره‌ای، قومی و ایلیاتی زندگی می‌کردند نهاد اصلی تمدن برتر یعنی شهرها را هدف عمده حملات خود قرار دادند. در نتیجه حمله مغولها میلیونها نفر در سراسر کشور از دم تیغ گذرانده و صدها شهر و آبادی بزرگ ویران شدند. نظام تولید عشیره‌یی حاکم بر آنها مانع از درک اهمیت شهر و شهرنشینی در بین آنان شد. طبیعی است که در اثر چنین ضربه‌ای چه لطمه و خسارت جبران ناپذیری بر شهر و شهرنشینی و به طور کلی به نیروهای تولید جامعه وارد آمد که جبران آن ناممکن گشت. از هم پاشیده شدن نظامهای آبیاری و نسق‌های زراعی، دگرگونی در روش‌های تیولداری زمان سلجوقیان، کشاورزی را از رونق انداخت و نهادهای روستائی را به زوال کشاند. از دیگر سو گرفتن مالیاتهای سنگین از کسبه و پیشه‌وران شهری، اقتصاد شهری را دچار حسیص و رکود کرد. کاهش شدید و ناگهانی جمعیت شهری در اثر قتل عام و کشتار مغولها و ویرانی شهرها و روستاها از نخستین آثار مخرب حمله مغول به حساب می‌آید. غارت ثروت و دارائی اعیان و اشراف شهرها توسط مغولها یکی از عوامل مهمی بود که



۱۵۰ ۷۵ ۰ ۷۵ ۱۵۰ km

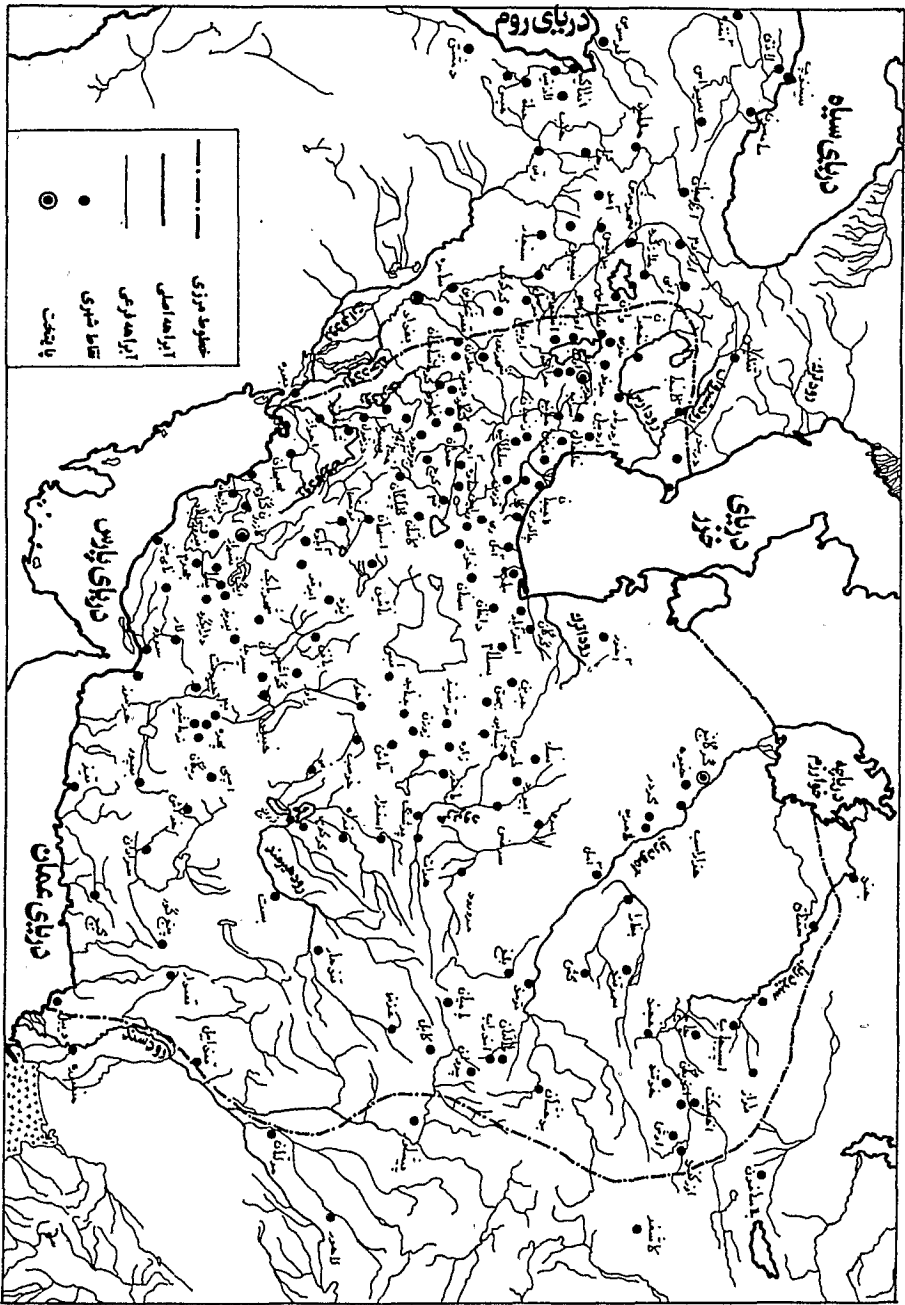
غزویان: نقشه شماره ۸- شبکه شهری ایران در دوره حکومت غزویان (اطلس تاریخی ایران).



سلجوقیان: نقشه شماره ۹- شبکه شهری ایران دوره حکومت سلجوقیان (اطلس تاریخی ایران)



خوارزمشاهیان



خوارزمشاهیان: نقشه شماره ۱۰- شبکه شهری ایران دوره خوارزمشاهیان (اطلس تاریخی ایران)

امکان احیاء و بازسازی سریع شهرها و مناطق ویران شده را غیرممکن ساخت. قتل و به اسارت گرفتن و انتقال صنعتگران ماهر، رواج رباخواری و سیاست‌های غلط اقتصادی از دیگر عوامل رکود شهرنشینی در دوره مغول به شمار می‌آیند.

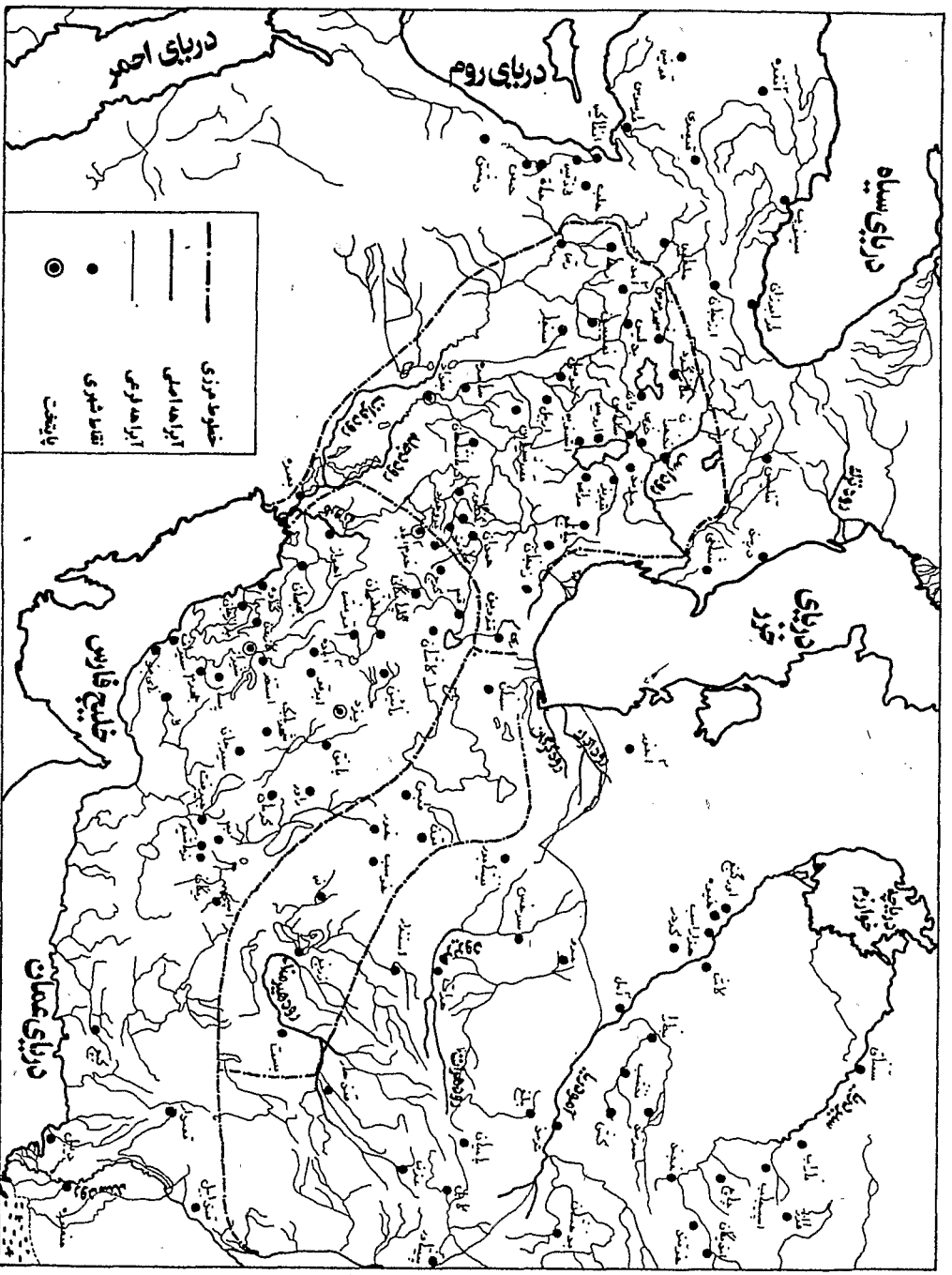
در سنوات بعد برخی از جانشینان چنگیز که بتدریج شیوه چادرنشینی را کنار نهاده بودند و با فرهنگ غنی و برتر ملت‌های مغلوب آشنا شده بودند به فکر جبران بخشی از خرابیهای حاصل از حمله چنگیز افتاده‌اند. اوکتای فرمانی مبنی بر عمارت و آبادانی بعضی از شهرهای ویران شده مانند بخارا، هرات، گنجه، ترمذ و نیشابور را صادر کرد. سایر جانشینان نیز اقداماتی در جهت بازسازی معدودی از شهرها انجام دادند. شهرهای نواحی فارس و کرمان مورد هجوم سپاه مغول واقع نشد. در شهرهای بزرگ این نواحی مانند شیراز در تحت حکومت اتابکان فارس زندگی کمابیش به روال معمول ادامه یافت. کرمان نیز تحت قیمومیت قراخانیان و آل مظفر از ویرانی یورش مغول مصون ماند.<sup>۱</sup> (نقشه شماره ۱۱)

نخستین فعالیت مؤثر شهرسازی از عهد غازان خان آغاز شد. از زمان غازخان به علت یکجانشین شدن مغولان در سرزمینهای فتح شده و روی آوردن آنها به جهان‌بینی اسلامی، بازگانی رونق مجدد یافت و شهرنشینی رونق محدودی گرفت. در اثر اصلاحاتی که در زمان او انجام شد، بسیاری از شهرها آباد شدند. این آبادانی در شهرهایی که از سوی ایلخانان به پایتختی برگزیده شدند شدت بیشتر می‌یافت. سیاستهای اقتصادی اجتماعی غازان خان کمابیش در دوره جانشین وی الجایتو ادامه یافت. (نقشه شماره ۱۲)

بطور کلی در دوره ایلخانان اصول شهرسازی بر تصمیمات فوری و خودسرانه امرای مغول متکی بود. چنانکه سلطانیه بر حسب امر سلطان محمد خدابنده به شکل شطرنجی ساخته شد و تمام ساکنین آن را از تبریز، مراغه، اردبیل و دیگر نقاط به این شهر کوچ دادند، ولی بلافاصله بعد از سلطان محمد خدابنده شهر تخلیه و اکنون تنها مقبره سلطان محمد در آن بجای مانده است.

شورش‌های پیاپی اواخر حکومت ایلخانان و بالاخره یورش تیمور گوکانی سبب خرابی و سقوط مجدد تعدادی از شهرها و آبادیهای کشور شد و یورش تیمور نقطه اوج شورش‌ها و حملات مختلف بود که سراسر قرنهای هشتم و نهم هجری را شامل می‌شد. نمونه بارز آن در دوران تیمور شهر سمرقند بود که به قیمت ویران شدن شهرهای دیگر تمام شد. تیمور برای آنکه به شهر سمرقند و نواحی پیرامون آن عظمت بخشد و آن را برتر و با شکوه‌تر از سایر شهرها جلوه دهد، روستاهائی در اطراف آن ایجاد کرد و نامهائی مانند سلطانیه، شیراز، مصر و دمشق برای آنها انتخاب کرد. به علاوه هر چه عوامل و عناصر مطلوب شهری در دیگر شهرها وجود داشت یا به سمرقند منتقل کرد و یا چیزی که در سمرقند می‌ساخت عین آن را در شهرهای دیگر از میان برداشت.

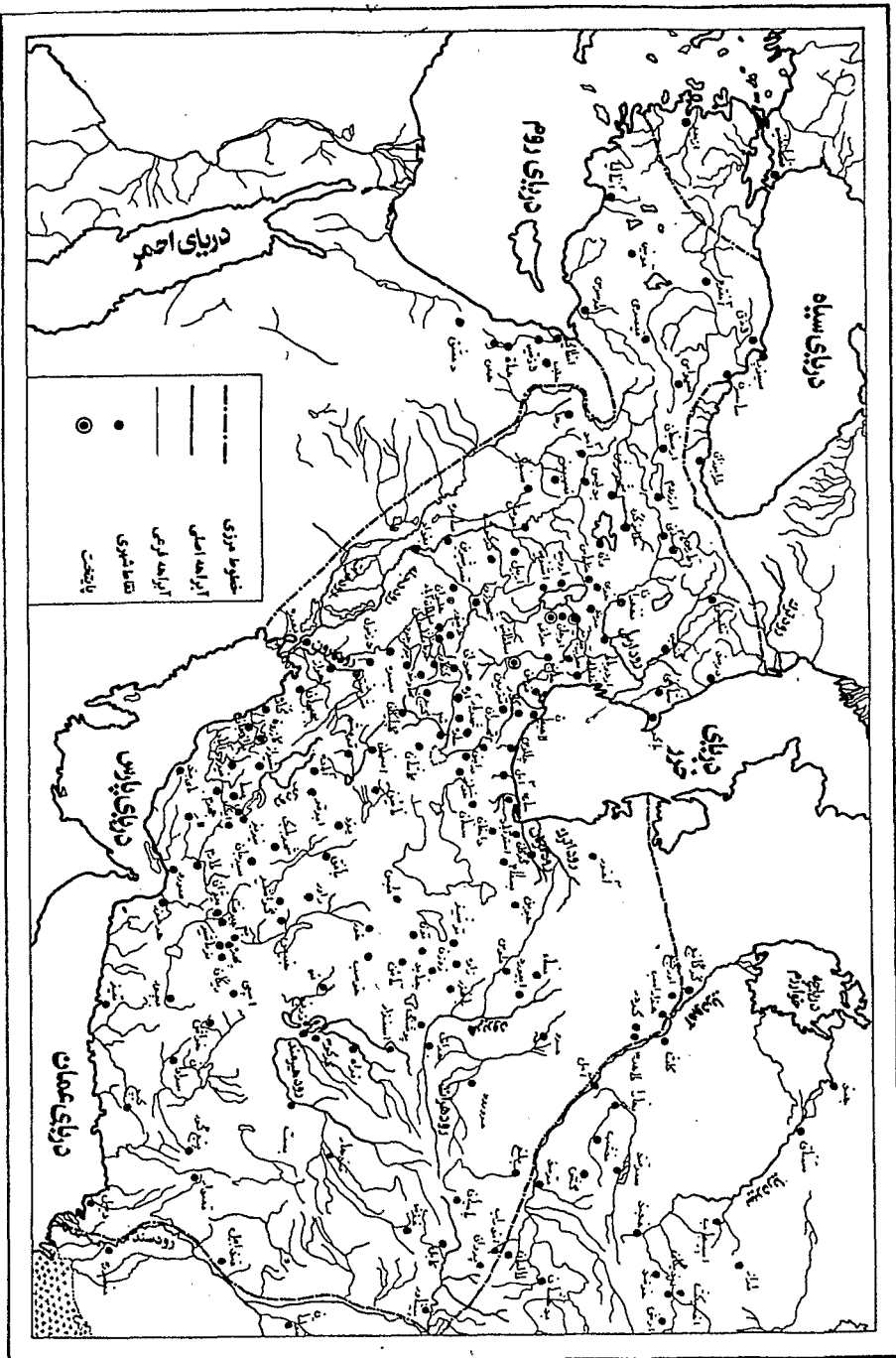
سلسله‌های محلی و سلاطین آل مظفر



سلسله‌های محلی و سلاطین آل مظفر: نقشه شماره ۱۱- شبکه شهری ایران در دوره آل مظفر (اطلس تاریخی ایران)

۱۵۰ ۷۵۰ ۱۵۰ ۲۵۰ ۳۵۰ ۴۵۰ ۷۵۰ km

ایلیخانان ایران (حکومت غازان خان)



ایلیخانان ایران (حکومت غازان خان): نقشه شماره ۱۲ - شبکه شهری ایران در دوره حکومت ایلیخانان ایران (اطلس تاریخی ایران).

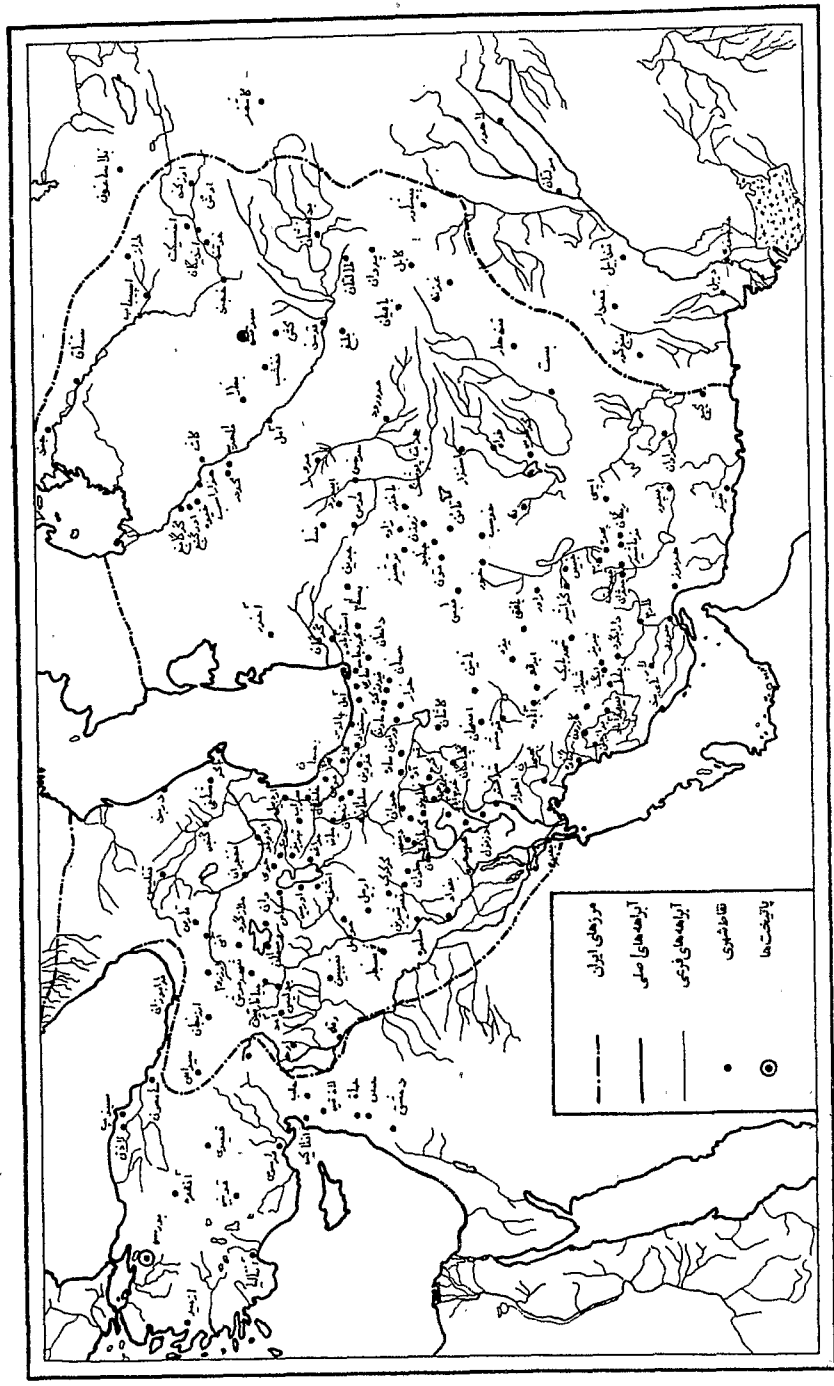
خسارتها و زیانهای ناشی از حمله تیمور تنها در ویران کردن برخی از شهرها و قتل عام توده‌های مردم خلاصه نمی‌شد بلکه او صنعتگران و نیروهای متخصص نواحی فتح شده و شهرهای صنعتی و بازرگانی را به اجبار به ماوراءالنهر فرستاد تا در آنجا به کار اشتغال ورزند و زمینه پیشرفت صنعتی و آبادی شهرها و نواحی آنجا فراهم شود. در شهرهای ایران در این دوره هیچگونه امنیت قضائی و اجتماعی وجود نداشت و فساد اخلاقی و تنزل هنجارهای اجتماعی و نابسامانی و پریشانی وضع توده‌های مردم از نتایج و عواقب دوره فرمانروائی تیمورگورکانی بود.

حکومت شاهرخ فرزند تیمور فرصتی بدست داد تا در قرن نهم هجری (۸۰۷) شهرها رونقی مجدد یابند. شاهرخ سیاست کشور گشایانه پدر را رها کرد و اصلاحاتی در زمینه امور مالیاتی و کشاورزی پدید آورد. اقدامات عمرانی برای بازسازی و احیاء شهرها صورت گرفت. ایجاد حکومت‌های مستقل محلی بخصوص در نواحی مرکزی و جنوبی ایران سبب گردید که شهرگرائی و شهرنشینی رشدی آرام پیدا کند. بازرگانی رونقی تازه یافت. قرن نهم هجری مصادف با قدرت مجدد علماء و روحانیون در شهرهاست و مدارس و مساجد در این قرن دوباره به عنوان نهادی ضد قدرت درآمدند و انجمن‌های صنفی و روحانیون قدرت بیشتری کسب کردند. (نقشه شماره ۱۳)

### ۳-۳-۱ صفویه

ایجاد وحدت سیاسی و اداری کشور در دوران صفویه با تکیه بر مذهب شیعه با پایگاه اجتماعی بسیار عظیمی در بین طبقات محروم جامعه و ایلات ترک تبار، توانست متمرکزترین حکومت ایرانی بعد از سلسله ساسانی را در ایران بوجود آورد. کاهش جنگها و درگیریهای داخلی و آرامش نسبی توانست سبب رونق اقتصادی کشور شود. تشکیل حکومت متمرکز صفوی همزمان با دوره رنسانس و حرکت‌های استعماری اتفاق افتاد. تشکیل این حکومت در ارتباط با وجود امپراطوری عثمانی که مانع بزرگی بر سر راه حرکات استعماری اروپائیان به حساب می‌آید، مورد استقبال شدید اروپائیان قرار گرفت. و موجبات سفرهای سیاسی جهانگردان، سفراء سیاحان و مستشاران اروپائی را به سرزمین ایران فراهم آورد. این جریانات به همراه سرکوب آشوبهای داخلی و مقابله با تجاوزات ازبکها و عثمانیها که در طول حکومت صفویه ادامه داشت و وحدت سیاسی و اقتصادی کشور را تأمین می‌کرد، در زمان شاه عباس اول به اوج خود رسید. ایجاد حکومت مستقل و قدرت مرکزی عوامل و شرایط گسترش بازرگانی و پیشرفت صنایع و کشاورزی را فراهم آورد. این نظام حکومتی سیاست ارضی جدیدی را دنبال کرد و در نتیجه ملوک‌الطوایفی از میان برداشته شد و نظام اقطاع و تیولداری فردی جای خود را به تیولداری متمرکز دولتی بخشید.

تیموریان (شاهرخ)



0 75 00 150 300 450 600 750 km

تیموریان (شاهرخ): نقشه شماره ۱۳ - شبکه شهری در دوره تیموریان (اطلس تاریخی ایران).

کشمکش‌های سیاسی به خصوص با امپراطوری عثمانی که در غرب قرار داشت موجب جابجایی متوالی پایتخت از غرب به مرکز ایران گردید. بدین طریق پایتخت از اردبیل به تبریز و از آنجا به قزوین و سرانجام به اصفهان انتقال یافت. پادشاهان صفوی بخصوص شاه عباس پس از استحکام قدرت مرکزی برای بهبود اوضاع کشور اصلاحاتی انجام دادند. مالیاتها کاهش یافته و تسهیلات لازم برای داده و ستد فراهم گردید. این حکومت با توجه به توسعه تجارت و احداث راهها و کاروانسراها سیاست شهرنشینی فعالی را دنبال کرد. روابط اقتصادی - سیاسی ایران با کشورهای اروپائی نیز سیاست شهرنشینی فعالی را دنبال کرد. روابط اقتصادی - سیاسی ایران با کشورهای اروپائی گسترش یافت. از این طریق تجهیزات و کمک‌هایی به منظور تقویت ارتش ایران در برابر تجاوزات عثمانی فراهم آمد و کاربرد سلاح گرم به مفهوم نظامی به عنوان عاملی در تحکیم نظام صفوی و کاهش قدرت خانها و نقش قلعه‌ها جایگاه خاصی پیدا کرد. از طرف دیگر گسترش روابط با اروپا، افزایش بازرگانی خارجی کشور را موجب گردید. صدور کالاهای تجارتي از جمله ابریشم - قالی پارچه‌های گوناگون، مصنوعات چرمی، شمشیر، مروارید، فیروزه، توتون، پسته، بادام و غیره رونق بیشتری یافت. توسعه حرف و صنایع در زمان شاه عباس ترقی چشم‌گیری پیدا کرد و به تبع آن به شهرنشینی و شهرسازی رونقی تازه بخشید. افزایش و رونق تجارت مستلزم وجود راهها و جاده‌های امن بود. برای سهولت حرکت کاروانها تعداد زیادی کاروانسرا در جاده‌های مهم تجاری احداث گردید. امنیت راهها توسط حکام و راهداران تضمین گردید. جاده‌های بین قاره‌ای ابریشم و ادویه و ایجاد شهرهای بزرگ موجبات رونق و شکوفائی اقتصادی را فراهم آورد. زمینهای بسیاری زیر کشت رفت. کاروانهای زیادی در جاده‌ها مشغول آمد و شد گردیدند و خواربار و گندم و جو و سایر مواد خوراکی به حد وفور رسید. به تبع رونق اقتصادی و تمهیدات لازم امنیتی شهرنشینی و شهرسازی به نقطه اوج خود به خصوص در زمان شاه عباس رسید. سیمای درهم ریخته و متروک شهرها دگرگون شده و نظمی تازه یافتند و بار دیگر حیات اقتصادی و اجتماعی این شهرها از سر گرفته شد. مجموعه‌های بی‌شمار از شهرها ساخته شدند و عناصر شهری نسبت به دوره‌های قبل منزلت و اعتبار تازه‌ای پیدا کردند. بخشی از این مجموعه‌ها و عناصر تاکنون باقی مانده و به عنوان عناصر شهرسازی و شهرنشینی سنتی ما شناخته شده‌اند. میراث فرهنگ شهری امروز شهرهای ایران در اکثر موارد یادگاری از دوران صفویه در کالبد و چهره خود دارند. کالبد فیزیکی اکثریت قریب به اتفاق شهرهای ایران تا چند دهه اخیر هم از نظر ساخت و هم از نظر عناصر متشکله، مجموعه‌ای از بقایای دوران صفویه یا استمرار و ادامه رونق شهرنشینی دوران صفویه بوده است.

در اثر رونق داد و ستد، افزایش تولیدات کشاورزی و محصولات صنعتی و نقل و انتقال کالا و مبادلات خارجی بسیاری از شهرها بخصوص اصفهان، تبریز، کاشان و قزوین توسعه

یافتند. ساختار فیزیکی شهرها دگرگون شده و محلات جدیدی در جوار سایر محلات پدید آمدند. سیاحاتی که در این دوره از ایران دیدن کرده‌اند از تراکم جمعیت شهرنشین و رونق بازارها حکایت دارند. بازار به عنوان عنصر مهم اقتصادی در نظام شهری جایگاه پراهمیتی پیدا کرد و این مسئله عملاً به فعالیت‌های انجمن‌های صنفی افزود. نظام اداری خاصی بر شهرها حاکم شد و بر بازار نظارت یافتند و تشکیلات منظمی پیدا کردند.

خلاصه اینکه سیمای شهری ایران در عصر صفویه به دنبال ایجاد شبکه شهری بهم پیوسته ملی توسعه فیزیکی مطلوب یافته و مجموعه‌ها و عناصر شهری موجب تقویت عملکردهای شهری شد. و بالاخره عوامل شهری از پیشه‌وران و کسبه گرفته تا بازرگانان به دلیل اهمیت نقش آنها در حیات شهری اعتبار و نیروی اجتماعی - اقتصادی ویژه‌ای را پیدا کرده و شهرنشین رونق و شکوه دیرینه خود را باز یافت. (نقشه شماره ۱۴)

#### ۴-۳-۱ بعد از دوره صفوی تا انقلاب مشروطیت:

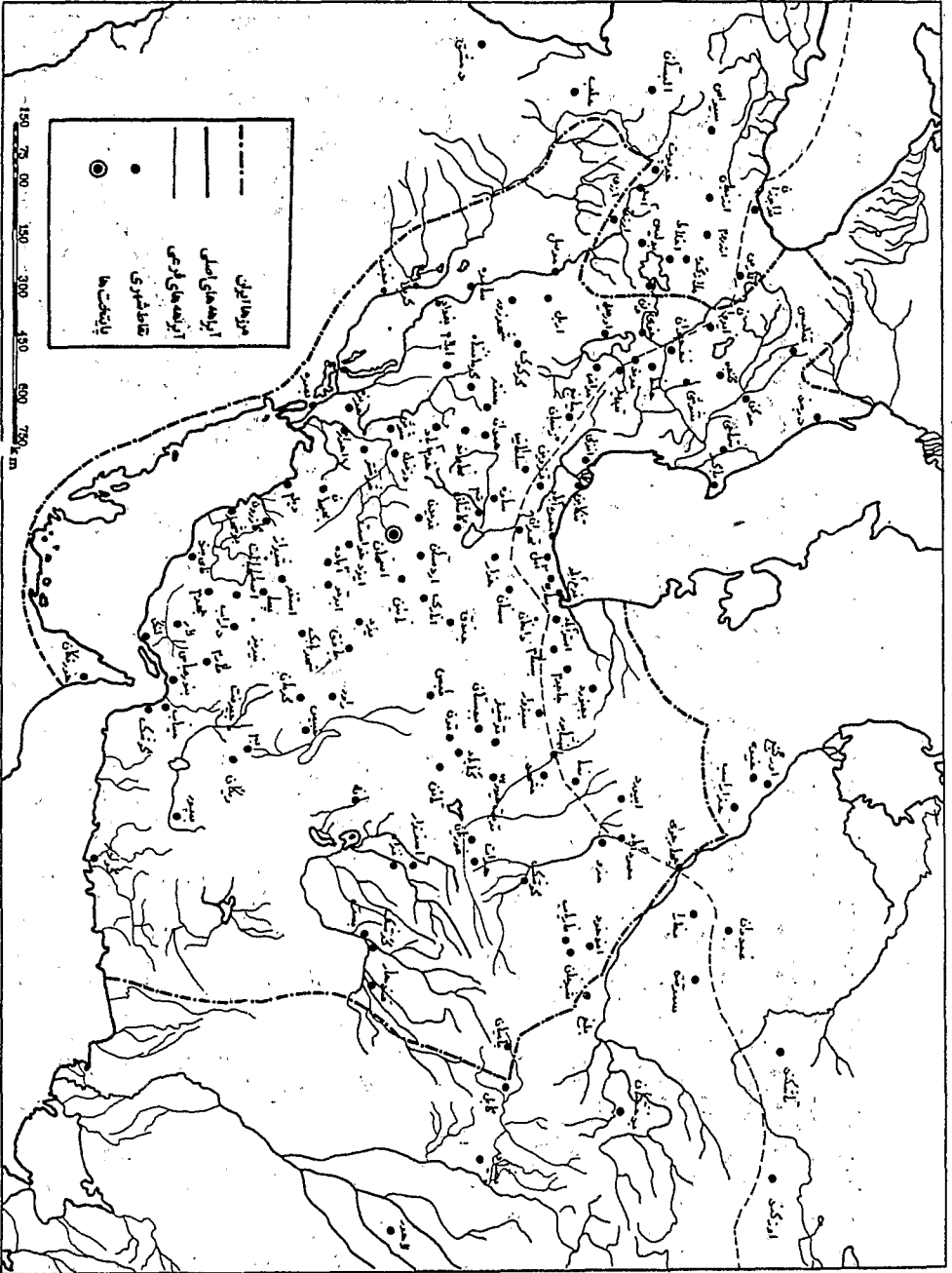
به دنبال انقراض دولت صفوی و از میان رفتن حکومت قدرتمند مرکزی در اثر تهاجم افغانها، ملوک الطوائفی از نو در ایران پا گرفته و کشمکش‌های ایلی و عشیره‌ای مجدداً آغاز گردید. امنیتی راهها از میان برداشته شده و بازرگانی و تجارت دچار رکورد شد. قرن دوازدهم در ایران قرن هرج و مرج و حکومت قبایل، زوال شهرنشین و تقلیل جایگاه، ارزش و اهمیت آن در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور است. این وضع تا به قدرت رسیدن حکومت قاجار عملاً شدت یافته و تا اواسط قرن سیزدهم ادامه دارد.

در این دوره به علت بروز هرج و مرج، انتقال قدرت از درون شهرها به مناطق خان‌نشین و بین طوائف و قبایل چادرنشین آغاز و مجدداً تفوق زندگی عشیره‌یی بر شهر به وجود آمد. پس از افغانها، نادرشاه به قدرت رسید. ولی سراسر دوره نادرشاه صرف جنگ و مبارزه با دشمنان خارجی شد. با اینکه توانست یکپارچگی و وحدت ارضی کشور را تأمین کند ولی جنگهای او هزینه‌های سنگینی بر دوش مردم تحمیل کرد. وی برای تأمین هزینه‌های جنگ نه تنها مالیاتهای پیش از توان و طاقت مردم وضع کرد، بلکه بخش مهمی از درآمدها را به جنگ اختصاص داد. بدین ترتیب وضع اقتصادی بعضی از نواحی کشور به ویژه نواحی مرکزی به شدت خسارت دید. نادر اصفهان و نواحی آن را نیمه ویران یافت. بدین جهت در نواحی شرقی که آسیب کمتری دیده بودند اقامت گزید و پایتخت خود را به مشهد منتقل کرد. در زمان او علیرغم پیدایش یک قدرت مقتدر، شهرنشین نتوانست احیاء گشته یا از رکورد بیرون آید. (نقشه شماره ۱۵).

عده کریم خان زند دوره اعتلای جامعه ایران بود. در زمان او اقدامات بسیار سودمندی در راه پیش برد اقتصاد کشور صورت پذیرفت. شبکه آبیاری احیاء شد. مالیاتها کاهش یافته و امنیت و آرامش نسبی حاکم بر کشور امکان آبادانی و توسعه را فراهم آورد. صنایع تجدید و برای

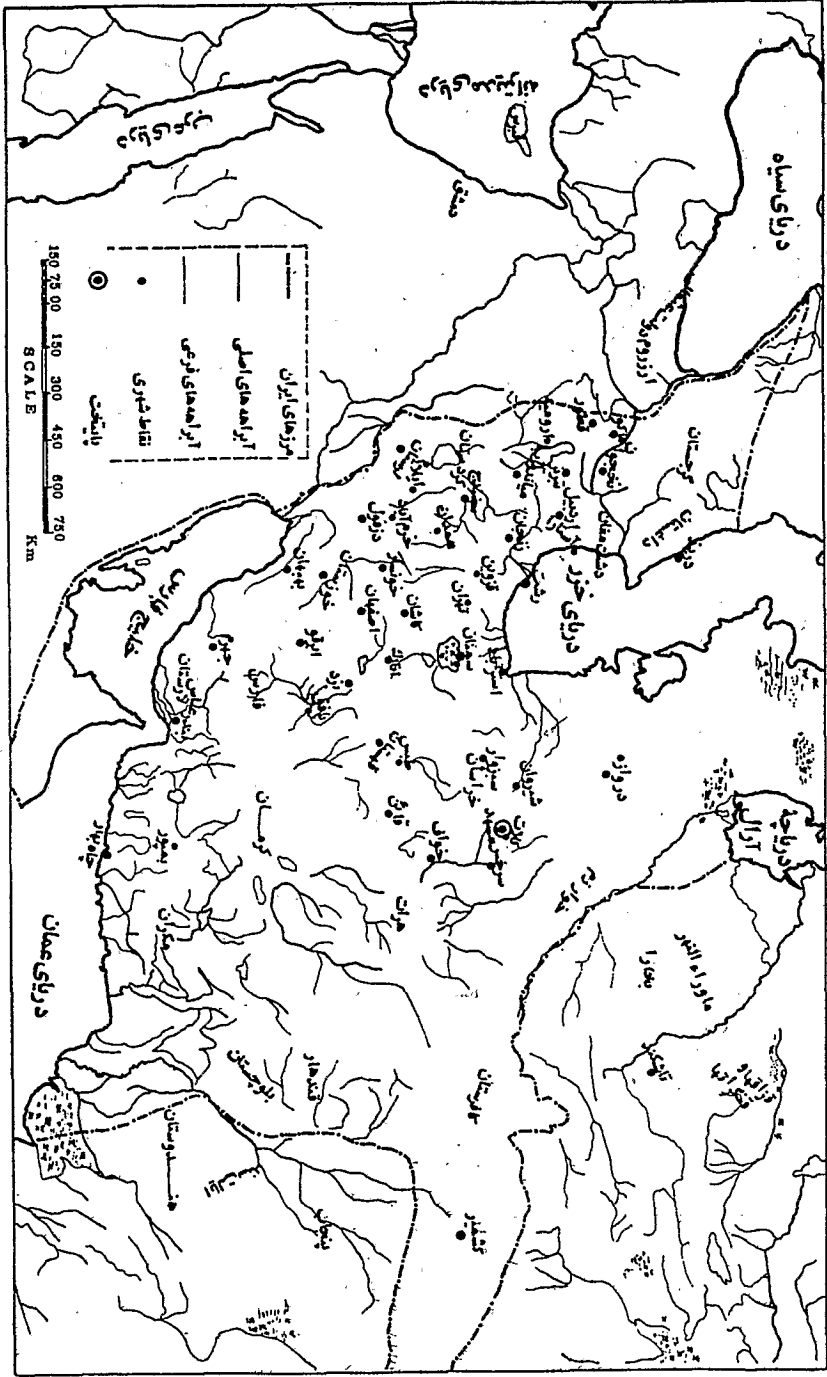


صفویه (شاه عباس کبیر)



صفویه (شاه عباس کبیر): نقشه شماره ۱۴ - شبکه شهری ایران در دوره حکومت صفویان (اطلس تاریخی ایران)

### ایران در زمان نادرشاه افشار



ایران در زمان نادرشاه افشار: نقشه شماره ۱۵- شبکه شهری ایران در دوره حکومت نادرشاه افشار (اطلس تاریخی ایران)

توسعه تجارت خارجی اقدامات مفیدی انجام شد. تعداد بسیاری از شهرها آباد گردید و نواحی مرکزی و جنوبی ایران بخصوص استان فارس و شهر شیراز اعتبار تازه‌ای یافتند. (نقشه شماره ۱۶)

دوره حکومت قاجاریان سرآغاز وابستگی اقتصادی ایران به کشورهای بیگانه بوده اگر دوران حکومت صفوی را آغاز روابط سیاسی اقتصادی ایران با دول خارجی بنامیم دوران حکومت قاجار در ادامه چنین روندی وابستگی سیاسی - اقتصادی نامیده می‌شود. در این دوره دخالت‌های دولتهای خارجی در امور داخلی ایران، مشکلات و موانع اقتصادی کشور را افزایش داد. دوره قاجار آغاز تغییرات بنیادی در فرهنگ جامعه ایران هم بود. ایران در عصر قاجار موقعیت استراتژیکی مهمی پیدا می‌کند، راههای زمینی و بنادر از نظر اروپائیان به خصوص دولت انگلستان برای رسیدن به هندوچین اهمیت پیدا می‌کند و از نظر روسها ایران تنها کشور مطلوب برای دست یافتن به دریاهای آزاد است. مبارزات سیاسی قوت گرفته و موقعیت سرزمینی ایران، حرکات استعمارگران روس و انگلیس را شدت می‌بخشد. رقابت سیاسی این دو نیروی استعمارگر اساساً در راستای مشترک حمایت از نهادهای کهن حکومتی، حفظ وضع موجود سیاسی، حمایت از اعیان و اشراف ایجاد اغتشاش و تحریکات در نواحی مختلف ایران انجام می‌گیرد که خارج از تضعیف حکومت مرکزی موجب جدا شدن بخش عظیمی از سرزمینهای حاشیه‌ای از پیکره سرزمین ملی می‌گردد (نقشه شماره ۱۷).

این دوره همزمان با انقلاب صنعتی اروپا و نفوذ سرمایه‌داری اروپائی در بازارهای ایرانی است. خصوصیات بنیانی نظام سیاسی - اقتصادی کشور در دوره قاجار به روال شرایطی بود که در قرون متمادی بر این کشور حاکم بود و با شرایط جدید انقلاب صنعتی و سرمایه‌داری جهانی سازگاری کمتری داشت. از اواخر قرن دوازدهم هجری، هجوم سرمایه‌داران جهانی به ایران آغاز می‌گردد. و باعث پیوستگی روزافزون ایران به بازار جهانی می‌شود. با هجوم محصولات صنعتی و کالاهای خارجی به بازارهای ایران و عدم رقابت یا عدم امکان رقابت با آنها، صنایع بومی رو به انحطاط می‌گذارد و کشور به سوی تولید کالاها و مواد اولیه‌ای روی می‌آورد که بازارهای خارجی به آن نیاز دارند. سرمایه ملی حالت وابستگی پیدا می‌کند و بخش عظیمی از سرمایه و تولیدات ملی بوسیله شرکتهای خارجی تصاحب و غارت می‌گردد. این امر موجب انتقال بخش عظیمی از سرمایه ملی به خارج از کشور می‌شود. از این رو فعالیت‌های صنعتی در شهرهای اصفهان، کاشان، تبریز، کرمان، مشهد رو به زوال می‌گذارد و این شهرها به انبار کالاهای خارجی تبدیل می‌گردند. بدین ترتیب دگرگونی در بنیانهای اقتصادی شهری حاصل می‌گردد. شکل‌بندی

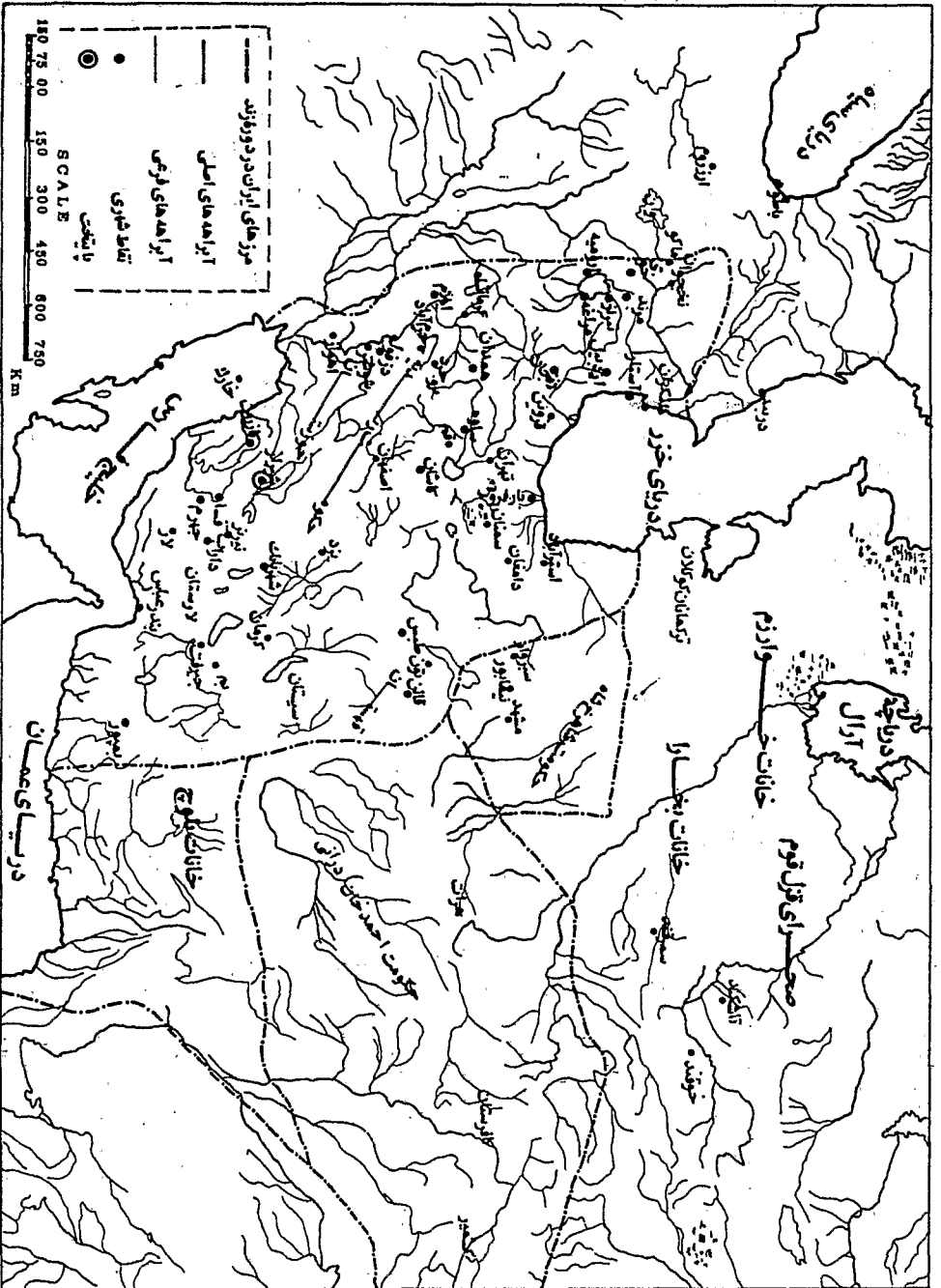
۱. در این مورد نگاه کنید به: جغرافیای اصفهان - میرزا حسین تحویلداز به کوشش منوچهر ستوده تهران،

جدیدی در نظام اجتماعی - اقتصادی شهرهای ایران بخصوص شهرهای بزرگ و از آن جمله تهران که از آغاز دوره قاجاریه به پایتختی انتخاب شده است به وجود می آید. قشربندی سنتی گذشته از کسبه و بازرگانان که در قرون متمادی بر شهرهای این کشور حاکم بوده جای خود را به قشربندی تازه اجتماعی - اقتصادی میدهد. قشر تازه‌ای به نام تجار که فعالیت عمده آنها روابط تجاری با کشورهای خارجی و عاملیت توزیع کالاهای خارجی بود در سطح جامعه شهری ظاهر می‌گردد. این گروه و سرمایه‌گذاران خارجی برای منافع شخصی خود و دولت‌هایشان در مورد اخذ امتیازات اقتصادی از دولت ایران به رقابت می‌پردازند. و گاهی اوقات مقامات دولتی برای برقراری موازنه بین دولت‌های رقیب امتیازاتی به آنها می‌دادند. با این همه عدم حمایت دولت از بازرگانان داخلی در برابر خارجیان و خصوصیات منفی تجار ایرانی و عدم فعالیت در یک رشته و زمینه خاص موجب عدم پیشرفت کار بازرگانان و سرمایه‌داران ایرانی را فراهم آورد و وابستگی آنها را به سرمایه‌داری جهانی تشدید کرد. ورود غیر منتظره و نابهنگام سرمایه‌های خارجی و سرمایه‌داری جهانی و وابسته شدن تجارت کشور به تجارت جهانی، دگرگونیهای بنیادی در شیوه زیست و تولید ایران بخصوص در شهرها بوجود آورد. تولیدات کشاورزی در جهت رفع نیاز کشورهای صنعتی گرایش یافت. تکامل صنایع بومی و حتی حرکت برای بینانگذاری صنعت جدید از تکاپو افتاد. صنایع بومی پویایی خود را از دست داد و از هرگونه حرکت برای توسعه کشور جلوگیری کرد.

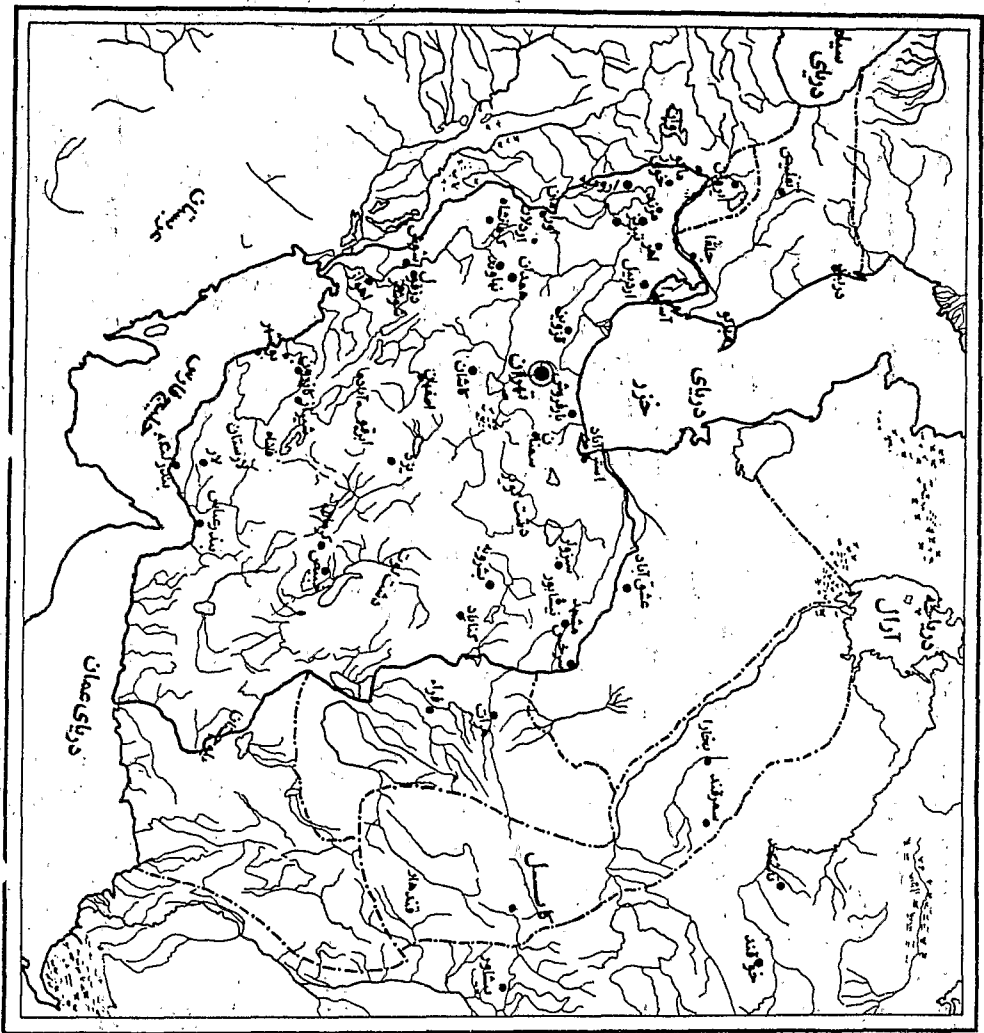
بازرگانان، تجار و سرمایه‌داران خارجی به طور روزافزون بظرف کشور ایران برگشته و از طریق مبادلات، استقراض و تأسیس شرکتهای بازرگانی در تمام شهرهای ایران نفوذ می‌کنند و موجبات دگرگونی در مبادله‌های اقتصادی شهرها را فراهم می‌آورند.

چنین تحولاتی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه شدت می‌یابد. عصر حکومت ناصرالدین شاه نقطه عطفی در دگرگونی اجتماعی - اقتصادی کشور و بنیانهای اقتصادی اجتماعی شهرها می‌باشد. در این دوره درآمد ملی مبتنی بر درآمدهای سرزمینی حاصل از تولیداری و تعهدات مالی ایالتی و ولایتی و بالاخره مستمری و اجاره‌ای که نوعی جریان سرمایه ملی را از پائین به بالا بوجود آورده بود و بخشی از اعتبارات ملی را بطور غیرمستمر و غیرقابل برگشت در نظام اداری سیاسی سنتی آن زمان تشکیل می‌داد، به یک جریان تمرکز ثروت و درآمد ملی با اعطای امتیازات و شیوه‌های جدید مالیاتی و اقتصادی در دست پادشاه و پایتخت نشینان که تهران را به عنوان الگوی توسعه غربی انتخاب کرده بودند تبدیل گردید. در این جریان فقط بخش محدودی از درآمدهای ناشی از جریانات جدید اقتصادی در تشکیلات اداری سیاسی کشور تزریق می‌شد ولی بتدریج زمینه‌های لازم در جهت وابستگی‌های منطقه‌ای

# ایران پس از نادرشاه افشار (زندیه)

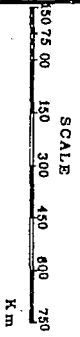


ایران پس از نادرشاه افشار (زندیه): نقشه شماره ۱۶- شبکه شهری ایران در دوره حکومت کریم خان زند (اطلس تاریخی ایران)



ایران در دوره قاجاریه

- مرزهای ایران در آغاز دوره قاجار
- مرزهای فعلی ایران
- آبراهه‌های اصلی
- آبراهه‌های فرعی
- پایتخت



نقشه شماره ۱۷ - مرزهای سیاسی و شبکه شهری ایران در دوره حکومت قاجاریه (اطلس تاریخی ایران)

- ناحیه‌ای و بالاخره شهرها به دگرگونیها و تحولات اقتصادی اجتماعی پایتخت و درآمد ملی فراهم گردید. مقدمات توسعه تهران به عنوان پایتخت سیاسی کشور و مظهر قدرت اقتصادی و مرکز انتقال مظاهر فرهنگ غربی و سرمایه‌دارای جهانی، مدل‌های تولید و مصرف خارجی و شیوه‌های زیستی اروپائی به مناطق نواحی و شهرهای دیگر فراهم گردید. تهران خارج از دگرگونیهای بنیادی که در نظام اقتصادی و اجتماعی کشور بوجود آمده بود، با افزایش نقش خود در سازماندهی فضای ملی از طریق قدرت سیاسی و امکانات توزیع درآمد ملی با اعمال معدود کارهای عمرانی و زیربنائی ملی بتدریج به یک حرکت از بالا به پائین در توزیع درآمد و سازماندهی فضای ملی دست می‌زند. بدین طریق امکان دگرگونی بنیادی اقتصادی - اجتماعی شهرها که تا آن زمان مجموعه هویت و شخصیت خود را از عوامل ناحیه‌ای و در وابستگی به آن پیدا کرده بودند فراهم و مهیا گردید.

بطور کلی از نیمه دوم قرن نوزدهم، موضوع صدور سرمایه در کنار صدور کالا در دستور روز امپریالیسم قرار گرفت و غارت دو جانبه ثروتهای ملی ایران آغاز گردید. واگذاری امتیازات گوناگون به سرمایه‌داران خارجی از نیمه دوم قرن ۱۹ بخصوص از سالهای ۱۸۶۰ به بعد در زمان ناصرالدین‌شاه آغاز گردید و تا اوایل قرن بیستم ادامه یافت. امپریالیسم نه تنها به سرمایه‌گذاری در امور معادن و راهسازی و ایجاد کارخانجات، بلکه به سرمایه‌گذاری در امور غیرکشاورزی علاقه فراوان نشان می‌داد. در اواخر قرن نوزدهم قریب یازده مؤسسه بزرگ مالی انگلستان سرمایه خود را در ایران به کار انداخته بودند. سرمایه‌های بیگانه در ایران در امور گوناگون نظیر راهسازی، راه آهن، بانک، شیلات، معادن، پرداخت وام، تلگراف و غیره بکار انداخته می‌شود. عمده محصولات ایران در این دوره مواد خام بوده و در سال ۱۸۸۹ اقلام صادراتی ایران ۳۵ قلم ماده خام بود که مهمترین ارقام آن به ترتیب عبارت بودند از:

تریاک ۱/۹۰۰/۰۰۰ تومان

ابریشم ۱/۳۶۴/۰۰۰ تومان

پنبه ۵۰۰/۰۰۰ تومان

اقلام فوق در حدود ۵۰ درصد مقدار کل صادرات ایران را در این سال شامل می‌شد مابقی که عبارت بودند از:

آنقوزه، مازو، کتیرا، تنباکو و توتون، خشکبار، زعفران، پوست، چرم، نیل، برنج، خرما دانه‌های گیاهی، مواد رنگی، نمک ادویه و غیره، ۵۰ درصد بقیه صادرات را تشکیل می‌دادند. در مقابل اجناس صادراتی اجناس صنعتی و اشیاء لوکس از اروپا به ایران وارد می‌گردید. این اجناس در درجه اول شامل «چلوار، چیت، پارچه‌های پیراهنی سفید و خاکستری، ظروف مسی، شمع، اسلحه و مهمات از انگلستان، پارچه‌های نخی، قند و شکر، نفت، شمع، چراغ، ظروف، آئینه، فلزات، کالسکه، سماور از روسیه، قند، شیشه‌آلات، ظروف چینی پارچه و اجناس

ایریشمی از فرانسه، شیشه، بلور قاشق و پارچه‌های پشمی از آلمان و اطریش، چای، چلوار، دارو و پارچه‌ای حریر از هندوستان بود.

سیاست اروپا درباره ایران صدور هر چه بیشتر کالا به ایران، برای فلج نمودن صنایع دستی و پیشه‌وری بومی، جلوگیری از صنعتی شدن کشور و صدور مواد خام از ایران و تبدیل این کشور به کشور نیمه مستعمره بود. در این میان دو دولت روسیه و انگلستان به رقابت چشم‌گیری دست زده‌اند. و کشورهای آلمان، اطریش، فرانسه و سایر کشورهای اروپایی در درجات بعدی قرار داشتند. در سالهای ۱۱-۱۹۱۰ کل واردات ایران از کشورهای خارجی ۸۷ میلیون روبل بود که از این مبلغ ۳۹ میلیون روبل یعنی ۴۶٪ از آن کالاهای روسیه بود و بقیه به سایر کشورها اختصاص داشت.<sup>۱</sup> (جداول شماره ۲۰۱).

بازتاب چنین دگرگونی اقتصادی و چرخش تجاری استعماری به همراه حمله و نفوذ فرهنگی انحطاط و تلاشی مناسبات اقتصادی و اجتماعی کهن و تشدید آن می‌باشد که نه تنها کل نظام اقتصادی - اجتماعی کشور بلکه همه شهرها را نیز تغییر داد. روند تصاعدی صدور کالا به ایران اختلال عظیمی در امور اقتصادی ایران بوجود آورد. این روند بخش عظیمی از ثروتهای ملی ایران را روانه امپراطوری‌های بزرگ مالی و صنعتی بین‌المللی نمود و اقتصاد و سیاست ایران را بازیچه بوالهوسی آنها ساخت.

صدور کالا به ایران رقابت خردکننده‌ای را با تولیدات پیشه‌وری و خانگی در شهر و روستا بوجود آورد که به دنبال آن شهرها دچار دگرگونی بنیادی گردید. به جز دو شهر تهران و تبریز که در جریان چنین دگرگونی به دلیل توسعه روابط کالائی سود می‌جستند بقیه شهرها دچار دگرگونی و انحطاط صنعتی و کاهش جمعیت گردیدند. شهرهای اصفهان، کاشان، یزد، مشهد، رشت، قزوین و شیراز به شهرهای ورشکسته و تخریب شده بدل شدند. صنایع پیشه‌وری، تولیدات صنعتی و مواد اولیه صنعتی رو به انحطاط گذاشتند. شهرها در نتیجه بسط مناسبات نوین سرمایه‌داری رکود همه جانبه‌ای را بر چهره خود پیدا کردند.

به گزارش سیاحان و جهانگردان تمام این دوره حاکی از تنزل ارزش و اهمیت شهری و خرابی و کاهش نیروی پیشه‌وری و تولیدکنندگان صنعتی است. همانطور که گفته شد تنها دو شهر تبریز و تهران رو به توسعه بودند. با این همه تبریز علیرغم داشتن ۲۰۰ هزار نفر جمعیت در سال ۱۸۹۰ نسبت به سال ۱۶۷۳ که در حدود ۵۵۰ هزار نفر جمعیت داشته، ۳۵۰ هزار نفر کاهش نشان می‌داد. همه اسناد و شواهد از کاهش چشم‌گیر جمعیت شهرها و افول رونق کسب و پیشه‌وری حکایت دارند؛ به عنوان نمونه شهر اصفهان دیگر آن پایتخت با شکوه دوره صفویه

۱. نگاه کنید به: محمد رضا فشاهی: تکوین سرمایه‌داری در ایران (۱۷۹۶-۱۹۰۵)، تهران، انتشارات گوتنبرگ ۱۳۶۰



جدول شماره ۱

جدول صادرات و واردات به ایران به فاصله سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۱ (به هزار قران)

نام کشور	واردات در سال ۱۹۰۱-۲	واردات در سال ۱۹۰۰-۱۱	افزایش	کاهش	نسبت
روسیه	۱۱۳/۷۵۵	۲۱۹/۵۵۹	۱۰۵/۸۰۳	-	نزدیک به دو برابر
انگلستان و هند	۱۲۵/۲۵۳	۱۸۹/۶۶۵	۶۶/۴۱۱	-	۱/۵ برابر
عثمانی	۱/۴۸۵	۱۵/۲۶۸	۴۷/۵۳	-	۱/۵ برابر
آلمان	۲۳۸۲۰	۱۳/۹۷۷	۱۱۵۹	-	۶/۵ برابر
فرانسه	۲۳۸۷۷	۱۳/۶۷۳	-	۱۰۲۱۳	-
اطریش	۱۲۰۸۰	۱۰/۸۴۷	-	۱/۲۳۲	-
بلژیک	۸۶۷	۸/۱۳۶	۸۰۶۹	-	۸ برابر

محمد علی - جمالزاده: گنج شایگان - ص ۶۳

جدول شماره ۲

جدول ورود منسوجات و ارزش آن به (هزار قران) در سال ۱۹۱۰

نوع پارچه	انگلستان	هندوستان	روسیه	مجموعه دولت	مجموعه واردات از ممالک دیگر
پارچه پنبه‌ای	۷۰۱۹۷	۹۷۳۹	۵۶۳۰۳	۱۳۶/۲۴۰	۱۴۲/۷۷۱
پارچه پشمی	۵۳۲۹	۴۹۷	۱/۳۷۰	۷/۱۹۷	۱۴/۶۵۶
پارچه ابریشمی	۶۱۸	۳۸۲	۴۳۷	۷/۱۱۵۱۴۳۸	
پارچه کتان	۱۰۷	۴۵	۶۹۹	۸۵۲	۸۶۳
پارچه توری	۵۸	۵۰	-	۱۰۸	۱۲۹
پارچه متفرقه	۱۴۶۱	۱۱۰	۱۴۳	۱۷۰۶	۳/۴۴۷
مجموع	۷۷/۷۷۲	۱۰/۸۱۶	۵۸/۹۵۴	۱۴۷/۵۴۳	۱۶۸/۹۸۴

نبوده سیر انحطاطی آن باعث تجمع فقط ۵۰ هزار نفر جمعیت در یک شهر بیش از یک میلیون نفری (۲۰۰ هزار خانوار در دوران شاه عباس اول) بود. در سال ۱۸۸۱ قزوین تقریباً ۲۰ هزار نفر (۴۰۲۲ خانوار) جمعیت داشته، در صورتیکه در گذشته (۱۶۷۴) ۱۰۰ هزار نفر جمعیت داشته است.<sup>۱</sup> شهر کاشان در اواخر قرن نوزده به علت کسادی بازار صنعت حریر باقی (ابریشم کار) نزدیک به  $\frac{۲}{۳}$  جمعیت خود را از دست داد. شهر رشت و شهر شوشتر نیز از شهرهایی بودند که به کاهش جمعیت مبتلا شدند. شهر ۶۰ هزار نفری رشت در سال ۱۸۸۲ به ۲۵ هزار نفر در اوایل قرن ۱۹ رسید. ۲۰ هزار نفر جمعیت شوشتر به ۴ تا ۵ هزار نفر در این دوره تنزل یافت. شهر یزد جمعیتش در اوایل قرن ۱۹ حدود ۱۰۰ هزار نفر بود که در اواخر قرن به زحمت به ۷۰ هزار نفر رسید.

### خلاصه فصل سوم:

پس از آمدن ترکان به ایران و تشکیل سلسله سلجوقی و متعاقب آن هجوم مغولها به ایران بتدریج دوران افول شهرنشینی در ایران آغاز شد. همزیستی فرهنگی بین بقایای فرهنگ گذشته و فرهنگ مهاجمین ترک و مغول ضمن اینکه با اشاعه فرهنگ ترک در نواحی وسیعی از فلات ایران و فلات آناتولی آشکار گردید، بتدریج ادامه و شدت یافت و به تغییر نظام شهری و تغییر نوع زندگی در سطح وسیعی منجر شد. تغییر در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور، بتدریج در تغییر نظام شهری و کالبد شهری ایران مؤثر واقع شده و موجبات افول دوران شکوفائی شهری بعد از اسلام را فراهم آورد.

یورش مغول بنیانهای شهرنشینی در زندگی شهری را از هم گسست. قتل و به اسارت گرفتن، انتقال صنعتگران ماهر، رواج رباخواری و سیاستهای غلط اقتصادی از عوامل عمده رکود شهرنشینی در دوره مغول به شمار می آید.

نخستین آثار فعالیت شهرسازی در این دوره از عهد غازان خان آغاز شد. در این دوره اصول شهرسازی بر تصمیمات فوری و خودسرانه امرا قرار داشت. تا اینکه شورشهای پیاپی دوره ایلخانان و بالاخره یورش تیمورگورکانی سبب خرابی و سقوط مجدد تعداد زیادی از شهرها در سراسر قرنهای هشتم و نهم هجری شد.

ایجاد وحدت سیاسی در دوره صفویه، امکانات گسترش بازرگانی و پیشرفت صنایع و در نتیجه توسعه شهرنشینی و رونق و آبادی شهرها را فراهم آورد. سیمای درهم ریخته و متروک شهرها نظمی تازه یافته و بار دیگر حیات اقتصادی و اجتماعی شهرها از سر گرفته شد. رونق اقتصادی و امنیت ملی موجب احیای اعتبار نیروهای اجتماعی - اقتصادی شهر شده و شهرنشینی رونق و شکوه دیرینه خود را بازیافت. میراث فرهنگ شهری امروزه شهرهای ایران،

۱. شاردن - ژان - سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباس، تهران، امیرکبیر ۱۳۳۵.

در اکثر موارد یادگاری از دوران صفویه در کالبد و چهره خود دارند.

با انقراض دولت صفوی، حکومت ملوک الطوائفی مجدداً در ایران پا گرفت. قرن دوازدهم در ایران قرن هرج و مرج، حکومت قبایل، زوال شهرنشینی و تقلیل جایگاه و ارزش آن در نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور شد. از انقراض صفوی تا انقلاب مشروطیت فقط عهد کریم خان زند بود که اقدامات سودمند در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی انجام گرفت و در بخش‌هایی از کشور شهرنشینی ارزش و اعتبار پیدا کرد.

دوران حکومت قاجاریه در آغاز روابط سیاسی - اقتصادی ایران با کشورهای خارجی، جریان وابستگی سیاسی - اقتصادی را بوجود آورد. دخالت‌های دولتهای خارجی در امور داخلی، مشکلات و موانع اقتصادی، آشنائی با فرهنگ غربی، تغییرات بنیادی در فرهنگ جامعه ایران و نظام شهری بوجود آورد. چنین تحولاتی در دوره سلطنت ناصرالدین شاه شدت بیشتری گرفت. سلطنت ناصرالدین شاه نقطه عطفی در دگرگونی اجتماعی و اقتصادی کشور و شهرها می‌باشد. با هجوم محصولات صنعتی و کالاهای خارجی به بازارهای ایران و عدم امکان رقابت با آنها، صنایع بومی رو به انحطاط گذاشت. بدین طریق سرمایه ملی در حالت وابسته قرار گرفته و این امر موجب انتقال بخش عظیمی از سرمایه ملی به خارج از کشور شد. فعالیت‌های صنعتی و تولیدی در شهرها رو به کاهش گذاشته و قشرهای جدیدی از کسبه، و بازرگانان در شهرها بوجود آمد.

با این جریان، مقدمات توسعه تهران به عنوان پایتخت سیاسی کشور و مظهر قدرت اقتصادی و مرکز انتقال مظاهر فرهنگ غربی و سرمایه‌داری جهانی فراهم آمد. نظام و شبکه شهری از حالت قبلی خارج و نظامی تازه در شهرنشینی ایران شروع به رشد نمود.

## خودآزمای فصل سوم

۱- دوران شکوفایی شهر و شهرگرایی در جهان اسلام از کدام قرن، هجری آغاز شد.

الف - سوم

ب - اول

ج - دوم

د - چهارم

۲- وحدت جدایی ناپذیر کشاورزی با تجارت و صنعت کدام نظام هم‌بسته‌ی را به وجود آورد.

الف - قدرت مرکزی و شهرها

ب - سیاست و مذهب

ج - محلات داخلی شهر

د - شهر و روستا

۳- تضاد در محلات شهر و پراکندگی قومی در شهرهای زمان سلجوقی مولود کدام عامل زیر بود

- الف - مهاجرت اقوام مختلف شهر  
 ب - اوضاع سیاسی خاص  
 ج - نفوذ تیولداران شهری  
 د - اوضاع اجتماعی خاص
- ۴- کدام عامل در ابتدای حکومت ایلخانان مانع درک اهمیت شهر و شهرنشینی از طرف آنان شد  
 الف - دشمنی مردم شهر با آنها  
 ب - نظام تولید عشیره‌بی  
 ج - مالکیت اقتصاد تجاری  
 د - عدم ارتباط با دیگر ملل
- ۵- پیشرفت‌های صنعتی در شهرهای ماورالنهر در پناه کدام عامل صورت گرفت  
 الف - قرار گرفتن شهرها بر سر راه تجارت  
 ب - توجه حکام محلی به امر صنعت  
 ج - کوچاندن صنعتگران به این منطقه  
 د - رونق شهر و شهرنشینی در آن
- ۶- زوال شهرنشینی در قرن دوازده هجری مولود کدام عامل بود  
 الف - از بین رفتن تیولدارای فردی  
 ب - تضاد اجتماعی محلات شهر  
 ج - رونق تیولداری دولتی  
 د - حمله افغانه
- ۷- شهر و شهرنشینی در نواحی مرکزی و جنوبی به ویژه فارس در دوره ..... رونق چشم‌گیری یافت.
- ۸- ورود کالاهای خارجی به ایران در دوره قاجار که موجب اضمحلال فعالیت‌های تولیدی داخلی شد به جز دو شهر ..... و ..... به ورشکستگی اقتصادی شهرهای دیگر شد.
- ۹- در دوره قاجار، قشر جدیدی از اқشار شهری بنام تجار که فعالیت عمده آنها ..... بود به ویژه در تهران به وجود آمد.
- ۱۰- به گزارش جهانگردان در دوره قاجار به کاهش نیروی پیشه‌وری موجب تنزل اهمیت ..... می‌شود.

## سؤال تشریحی فصل سوم

۱- چه عواملی بعد از صفویه رکود شهرنشینی را موجب گردید؟

## فصل چهارم

### ۱-۴: شهر و شهرنشینی در دوره معاصر

#### هدف مرحله‌ای فصل چهارم:

در این فصل دانشجویان با ویژگیهای شهر و شهرنشینی در عصر معاصر ایران آگاه می‌شوند. تحولات اقتصادی - اجتماعی دوره معاصر همانگونه که در دنیا در روند شهر و شهرنشینی مؤثر بود در ایران نیز قویاً در فرآیند شهرگرایی مؤثر افتاده و سیمای جدیدی از پراکندگی شهرها و مورفولوژی شهری را به وجود آورده است که در سلسله مطالب این فصل دانشجویان با ابعاد مختلف آن آشنا خواهند شد.

#### هدفهای آموزشی - رفتاری فصل چهارم:

از دانشجویان انتظار می‌رود با مطالعه این فصل با آموزشهای کسب شده از فصول قبل بر هدفهای آموزشی - رفتاری زیر دست یابند:

- بر ویژگیهای اجتماعی شهر و شهرنشینی در دوره معاصر آگاه باشد.
- رشد جمعیت شهری را شناخته و بر عوامل مؤثر در آن آگاه باشد.
- ساختار جمعیت شهری را شناخته و عوامل مؤثر در آن را بداند.
- ویژگیهای اقتصادی شهرهای معاصر را بداند.
- تحولات اقتصادی و تأثیر آن بر رشد شهر و توسعه شهرگرایی را بداند.
- بر امر سازمان‌یابی شهر آگاه باشد.
- کارکردهای شهری را بداند.
- عوامل مؤثر در کارکردهای شهری را بشناسد و آنها را توجیه کند.
- ویژگیهای کالبدی شهرها را بداند.
- نقش انقلاب مشروطیت را در تحول حیات شهر و شهرنشینی بداند.
- مراحل مختلف رشد و توسعه شهری را از آغاز قرن چهاردهم تا اصلاحات ارضی و اجرای قانون آن را بداند.

- ویژگیهای هر مرحله از رشد و توسعه شهری را در آغاز قرن چهاردهم بشناسد.
- ترکیب اجتماعی جمعیت شهری را تا اولین سرشماری رسمی کشور بداند (۱۳۳۵).

- پراکندگی فضایی جمعیت شهری را تا اولین سرشماری رسمی کشور بدانند (۱۳۳۵).
- مفهوم و ماهیت رشد شتابان شهرنشینی را در دوره معاصر بدانند.
- از بازتاب فضایی رشد شتابان شهرنشینی باخبر باشد.
- بازتاب جمعیتی رشد شتابان شهرنشینی را بدانند.
- مفهوم یکپارچگی بازار داخلی را که تأثیر عمده در نقش‌یابی اقتصادی شهر دارد، بدانند.
- نقش تجارت خارجی دوره پهلوی و اثر ورود کالاهای خارجی را در فعالیت‌های اقتصادی شهرهای ایران بدانند.

### ۱-۴-۱ انقلاب مشروطیت عصری نو در حیات شهرنشینی ایران:

علیرغم اصلاحات پراکنده‌ای که در دوران حکومت ناصرالدین شاه توسط میرزاتقی‌خان امیرکبیر، میرزا حسین‌خان سپسالار انجام شد و مسافرت‌های شاه به کشورهای اروپائی که فکر انجام اصلاحاتی را در او برانگیخته بود، دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی ناشی از قرار گرفتن در حلقه سیاسی - اقتصادی کشورهای اروپا تغییرات سوئی در نظام اجتماعی و بنیادهای فرهنگی کشور بوجود آورد. نابسامانی‌های داخلی، نفوذ سیاسی کشورهای بیگانه و رقابت آنها با همدیگر، تضعیف بنیادهای تولید ملی، پیوستگی و ادغام در بازار جهانی، پیدایش قشر جدیدی تجار و سرمایه‌داران داخلی و وابستگی شدید آنها به دول استعمارگر، برتری مالی سرمایه‌داران بر اوضاع و احوال اقتصادی دولتی و تضعیف نظام دیوانی گذشته، انجام اصلاحات را در تمام زمینه‌های دچار اشکال می‌کرد. تشکیلات سیاسی کشور و پادشاه وقت نیز به علت قرار گرفتن در چنین چرخه و تحولات اجتماعی - اقتصادی قادر به تغییر اوضاع یا علاقه‌مند به تغییر آن نبودند. سرانجام مجموعه عوامل فوق زمینه ضداستعماری مردم ایران و انقلاب مشروطیت را فراهم آورد. رهبری این جنبش را گروهی از روشنفکران، روحانیون و بازرگانان بر عهده داشتند و هر یک بنا بر زمینه‌های موجود مبانی تئوریک، بسیج توده‌ها و به حرکت در آوردن آنها و تأمین منابع مالی را در طول انقلاب مشروطیت به عهده گرفتند.

انقلاب مشروطیت نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی شهر و شهرنشینی ایران می‌باشد. از این دوره نظام ایلی و تسلط حکومت قبیله‌ای که در طول تاریخ بر ایران حکومت داشته، رو به انحطاط می‌گذارد. این نظام سنتی دیوانی که مرکز حکومت خود را در شهرها ولی مرکز قدرت را در خارج از شهر و در درون قبایل مستقر ساخته بود، با ظهور نهضت مشروطه بتدریج از تکاپو افتاده و ریشه‌های قدرت و حکومت در شهرها استقرار می‌یابد. جامعه شهری و شهرنشینان و بورژوازی شهری به عنوان عوامل حکومتی و قدرت در صحنه سیاسی کشور ظاهر می‌گردند. اقشار مختلف جامعه شهری با پیدایش قشر جدیدی از طبقات بورژوازی شهری و با تکیه بر سرمایه‌داری و تجارت خارجی، فاعلیت اقتصادی و استقلال بیشتری را نسبت به جوامع

روستائی بالاخص جوامع عشایری پیدا می‌نمایند. بهمین دلیل است که اغلب مبارزات ضدمشروطه با تحریکات خارجی از درون جوامع غالباً غیر شهری و از درون این طوایف آغاز می‌گردد.

انقلاب مشروطه با اینکه نتوانست زمینه‌های نوپای اقتصادی - اجتماعی نظام شهری را تغییر دهد و از وابستگی اقتصادی و ورود در حلقه اقتصاد جهانی جلوگیری نماید ولی در دگرگونی نظام دیوانی کهن و دیرینه ایران مؤثر واقع شده و بصورت عاملی در جریان توسعه به نفع شهر ظاهر گردید. نظام ایلی و عشیره‌ای دیرینه را تضعیف یا آن را از تکاپو انداخت و مقدمات استقرار یک حکومت مرکزی و امنیت ملی را تا اندازه‌ای فراهم نمود. زندگی و معیشت شهری که مفاهیم تازه‌ای را از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه بخصوص در شهرهای بزرگ کشور پیدا کرده بود تثبیت گردید.

مجموعه حوادث و تحولات فوق بدلیل وابستگی‌های اقتصادی و گسترش روابط اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری نقش شهر را به عنوان جایگاه تحقق روابط سرمایه‌داری افزایش داده و نقش بزرتری شهر را در جامعه باز کرد. از این روست که علیرغم مبارزات ضداستعماری و ضداستبدادی و پیدایش افکار ناسیونالیستی و روشنفکری جریان تحولات به سود سرمایه‌داری و تثبیت و توسعه روابط سرمایه‌داری عمل کرده است. و بالمال تحولات اقتصادی - اجتماعی با شروع تحول شیوه‌های تولید پیش سرمایه‌داری و توسعه مناسبات سرمایه‌داری و شروع و گسترش آن به صورت تمدنی بورژوائی در جوامع شهری شروع به تظاهر می‌نماید.

در دوران مشروطیت سرمایه‌داران خارجی بیش از پیش به ایران روی می‌آوردند و به سرمایه‌گذاریهایی بزرگ اقدام می‌کنند. این سرمایه‌گذارها عمدتاً شامل اکتشافات، بهره‌برداری و تصفیه نفت، بهره‌برداری از شیلات، تأسیس چند رشته راه‌آهن در کشور است و از این طریق کلیه جریانات سالم سرمایه‌داری ملی را از میان برمی‌دارد. تحرکات و مناسبات فوق مناسبترین جایگاه و مرکز ارتباط خود را در شهرها می‌یابند. این سرمایه‌گذاران و وابستگان خارجی به دلایل خاص اقتصادی - اجتماعی با اینکه از ایجاد روابط پنهان با جوامع سنتی ایلی بخاطر دسترسی به نواحی قشلاقی که ذخائر عهده نفت را در اختیار داشتند سود می‌جستند ولی نهایتاً برای جلب و تسخیر بازارهای ایران و ادغام کامل آن در بازارهای جهانی از متلاشی شدن نظام سنتی جوامع ایران حمایت می‌کردند. عوامل مذکور موجب رونق شهرنشینی و شهرگرائی کشور شد. ولی با اینهمه شهرنشینی در شهرهایی رونق یافت که از دیرباز نقش بازرگانی و تجاری عمده‌ای را بر عهده داشتند و در شرایط موجود با پذیرش جریانات عظیم بین‌المللی بر اهمیت خود افزوده و به سرعت درهای خود را به روی قدرت صنعتی و استعمارگر گشودند. این تحولات در گسترش فضای فیزیکی شهرها چندان مؤثر واقع نشد و بجز شهر تهران و چند شهر



بزرگ که در جریان این تحولات قرار داشتند بقیه شهرها دگرگونی چندانی در فضای فیزیکی خود نشان ندادند. عوامل توسعه فضائی مانند تأسیس کارخانجات بزرگ توسعه راهها و محورهای اطراف شهری، مهاجرت و سایر عوامل رشد فضائی محدود بود. تا پیش از سال ۱۳۰۴ گویا تنها هشت کارخانه مدرن تولیدی تأسیس شده بود (۳ کارخانه نساجی، یک کارخانه چوب بری، دو کارخانه کبریت سازی، یک کارخانه بافندگی و یک کارخانه صابون سازی) ولی صنایع کوچک از رونق بیشتری برخوردار بود.<sup>۱</sup> با این همه تغییرات بنیادی در نظام اجتماعی - اقتصادی شهرها آشکار بود. این تغییرات که ناشی از توسعه صنعت، تجارت، تقلید از الگوهای تولید و مصرف کشورهای غربی و فرهنگ غربی بود، بنیان اقتصادی شهر را که همواره متکی بر مازاد اقتصاد روستایی به شیوه تولید در بخش کشاورزی و انتقال و تمرکز بخش اعظم این تولیدات به صورت بهره مالکانه در شهرها بود دگرگون کرد. شهرها با پذیرش بنیادهای اقتصادی جدید و برخورداری از مازاد اقتصاد ملی ناشی از درآمدهای مختلف مثلاً نفت از مجموعه پیکره اقتصادی ناحیه منطقه فاصله گرفتند و شیوه‌های اقتصادی و عملکردهای تازه‌ای را آغاز کردند. با این همه همانطور که گفته شد علیرغم تغییرات ساخت تولیدی و اجتماعی، تغییرات فضائی چشم‌گیری در کالبد فیزیکی شهرها و دگرگونی در استقرار جغرافیائی جمعیت حاصل نگردید.

## ۲-۴-۱- شهر و شهرگرایی از آغاز قرن چهاردهم تا اصلاحات ارضی: (۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰)

اوضاع اجتماعی سیاسی ایران در اواخر دهه آخر قرن سیزدهم، دول اروپائی، بخصوص دولت انگلستان را تشویق کرد که برای حفظ منافع خود اقدام به مداخلات سیاسی و تشکیل حکومت‌های وابسته در ایران کند. این سیاست در راستای ایجاد حکومت مرکزی قوی و تضعیف و نابودی قدرتهای محلی بخصوص ریشه کنی کامل نظام ایلی، تکوین و یکپارچگی بازارهای داخلی و پیوستگی کامل آن به بازارهای جهانی انجام گرفت. استقرار حکومت دیکتاتور رضاخان و بالاخره تثبیت حکومت پهلوی فرایند چنین سیاست و تفکری بود که می‌توانست به این خواسته‌ها جامه عمل بپوشاند. استقرار سلطنت پهلوی سرآغاز عصر جدیدی در تاریخ ایران است. این عصر با عناوین مختلفی چون دوران تجدد طلبی، مدرنیسم، تجددگرایی و مانند آن خوانده شده است. این عصر سر منشأ کلیه تحولات اقتصادی - اجتماعی قرن حاضر تلقی شده و پیدایش غالب نهادهای نوین به این دوران باز می‌گردد.

شروع تحولات شهرسازی و شهرنشینی به مفهوم جدید آن تا حد زیادی مربوط به این روزگار است و آنچه اکنون در این عصر ما شاهدیم بی‌تردید متأثر از رویدادهای این دوران مهم تاریخی

کشورمان میباشد. این دوران حلقه اتصال سیر تکامل شهر در ایران درگذشته و حال به شمار می آید. در چنین روندی است که به سرعت تلاش می شود که شهرها جامه سنت از تن در آورده و جامه تجدد بر اندام خود نمایند.<sup>۱</sup>

تحولات اقتصادی - اجتماعی معاصر ایران یا دقیقتر شروع تحول شیوه های تولید پیش سرمایه داری و توسعه مناسبات سرمایه داری و شروع گسترش آن همه با روی کار آمدن رضاخان در ایران مقارن است. دوران رضا شاه دوران استقرار نهادهای زیربنائی و روبنائی بورژوازی در ایران است و بهمین دلیل این دوران سرآغاز کلیه تحولات اجتماعی و اقتصادی معاصر ایران است که ضرورت های توسعه روابط سرمایه داری در یک کشور عقب مانده و ادغام آن در نظام سرمایه داری را ایجاب می نمود.

رضاخان در دوره ای از هرج و مرج داخلی با اتکاء به نیروی نظامی و با شعارهایی از هرج و مرج و برقراری امنیت و توسعه اقتصادی با حمایت از طبقات مسلط جامعه شامل مالکان، تجار سوداگر، مرحله گذار به سرمایه داری و وابستگی جهانی را پی ریزی کرد. این شرایط منجر به روند نوسازی گردید که به علت تقلید از کشورهای پیشرفته بتدریج نهادهای تولید کالاهای مصرفی سرمایه داری و بورژوازی را از یک سو و واردات کالاهای صنعتی را از سوی دیگر در کشور رواج داد. در نتیجه مصرف کالاهای وارداتی و روند نوسازی پس از وقفه ای که در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در آن رخ می دهد پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ همچنان تا اصلاحات ارضی، دهه ۱۳۴۰، که از آن زمان به بعد شهرنشینی ابعاد تازه ای به خود گرفته و رشد شتابان شهرنشینی واقعی و شهری آغاز می گردد، ادامه می یابد. این دوره شهرنشینی را به دلیل کندی فرهنگ آن شهرنشینی بطنی نامیده اند و به سه دوره ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰: آغاز نوسازی و رشد شتابان آن ۲- ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ دوره وقفه روند نوسازی و ۳- ۱۳۳۲ تا اصلاحات ارضی دوره ادامه روند نوسازی می توان تقسیم کرد.<sup>۲</sup>

یکپارچگی روزافزون بازار داخلی شرط حیات شیوه تولید سرمایه داری است، به عبارت دیگر سرمایه داری در مرحله جنینی خود با یکپارچه کردن دائمی بازار داخلی زمینه آزادی نیروی کار را فراهم می آورد. یکپارچه شدن بازار داخلی از نظر فیزیکی یا فضائی بیش از هرچیز مستلزم وجود ارتباطات میان بازارهای محلی است که نیازمند گسترش ارتباطات و راههای میان شهری است. از این رو گسترش راههای مواصلاتی بین شهرها، استفاده از نقلیه موتوری ایجاد راه آهن و بهبود راههای داخل شهرها در برنامه دولت قرار می گیرد. در سال ۱۳۰۲ مؤسسه ای موسوم به

۱. نوید سعیدی رضوانی. شهرنشینی و شهرسازی در دوره ۲۰ ساله ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ه شمسی (دوران حکومت رضاخان) - فصلنامه تحقیقات جغرافیائی شماره ۲۵ تابستان ۱۳۷۱ ص ۱۴۰

۲. شهرنشینی در ایران: فرخ حسامیان - گیتی اعتماد - محمدرضا حائری - تهران، انتشارات آگاه - ۱۳۶۳ - ص ۲۲.

اداره طرق و شوارع در وزارت فوائد عامه تأسیس شد و برنامه‌های راه‌سازی در دستور کار قرار گرفت و از آن زمان تا سال ۱۳۱۷ در حدود ۲۲۴۰۰ کیلومتر جاده جدید در کشور احداث شد. هم‌زمان با توسعه راهها، تعداد قابل ملاحظه‌ای وسیله نقلیه وارد شبکه حمل و نقل کشور گردید. به منظور تسهیل، سرمایه‌گذاران و نیز تحکیم قدرت دولت مرکزی و ایجاد امنیت، می‌بایست دستگاه‌های دولتی نیز دستخوش تحول گردند و دستگاه اداری منسجمی در کشور پی‌ریزی شود. از این رو وزارتخانه‌های متعددی از قبیل وزارت طرق و شوارع، وزارت تجارت و فوائد عامه، وزارت پیشه و هنر، وزارت اقتصاد، وزارت مالیه، وزارت عدلیه، وزارت داخله، پست و تلگراف و غیره در کشور ایجاد گردید.

تغییر در بنیادهای اقتصادی - اجتماعی شهر با نظمی که از گذشته شروع شده بود با تفکر نوسازی بتدریج شدت می‌یابد. روند نوسازی از نظر اقتصادی مستلزم تجدید ساختارها و تغییر در الگوی مصرف جامعه است. و آن نیز احتیاج به یکپارچگی و بسط بازار داخلی است. ولی به علت فقدان پویای صنعتی و در نتیجه فقدان یک بورژوازی صنعتی، دولت در این راه پیش قدم می‌شود که با گسترش زیر ساختهای ارتباطی و اقتصادی مجموعه عوامل توسعه را به خود اختصاص می‌دهد. مجموعه عوامل فوق جایگاه مطلوب خود را در درون شهرها می‌یابد و از این طریق تغییر در بنیادهای اقتصادی شهر و سایر عوامل شهری فراهم می‌آید. شهر بر خلاف گذشته، به عنوان عنصری در سازماندهی فضای ملی، به صورت کانون توزیع امواج فرهنگی، اجتماعی در نظام نوین و مکانی برای انتقال و جابجائی درآمد ملی ظاهر می‌گردد. و با اینکه روابط سرمایه‌داری هنوز سبب دگرگونی گسترده ساخت اقتصاد سنتی پیش سرمایه‌داری در روستا نشده است، شهر به عنوان کانون مهم در سرزمین ملی ظاهر گشته و نقش سرزمینی قلمروهای مختلف جغرافیائی کاهش می‌یابد. بطور کلی به دنبال جهت‌گیری اصلی برنامه‌های عمرانی به سوی گسترش زیر ساخت‌های صنعتی و اقتصادی و ایجاد زمینه برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و خارجی با جایگزینی الگوی واردات و حذف عملکرد سنتی، نقش و اهمیت شهرها افزایش می‌یابد. بنیادهای اقتصادی و عملکرد شهرها دگرگون می‌شود. این عوامل و توجه روزافزون به شهرنشینی و شهرگرایی، شهر را در نظام سیاسی - اداری کشور برجسته و نمایان جلوه داد.

با گذشت زمان، افزایش درآمد ناشی از درآمد حاصله از نفت و سایر درآمدها، استقراض و سرمایه‌گذاریهای خارجی، توسعه مداوم روابط کالائی، شهرها را به کانون عمده جذب و انتقال مجموع این فعالیت‌ها و توزیع آن در سطح ملی مبدل ساخت. در این شرایط نوعی حرکت و جریان سرمایه و درآمد ملی از بالا به پائین انجام می‌گیرد که قسمت اعظم آن در شهر تهران و

شهرهای بزرگ رسوب کرده و بخش محدودی به داخل شهرهای کوچک جریان می‌یابد. در اکثر موارد جریان سرمایه در این قسمت متوقف شده و از حرکت به درون روستاها باز می‌ایستد. هنوز روستاها به علت نظام ارباب و رعیتی، جامه سنت مصرفی و تولیدی کشاورزی گذشته و روابط اجتماعی کهن را به تن دارند و در جریان این تحولات قرار نگرفته‌اند. در حقیقت از دیده‌گاههای مختلف اجتماعی - اقتصادی با شهر فاصله می‌گیرند. شهر قوه محرکه تازه‌ای گرفته است و بتدریج قوه محرکه‌ای را که قبلاً از روستا می‌گرفت کاهش داده و خود به قوه محرکه روستا بدل می‌شود. زندگی و معیشت شهری از این پس مفهوم و رنگ دیگری پیدا می‌کند و به جلوه‌گاه مدرنیزاسیون و مرکز عوامل و عملکردهای تازه در می‌آید. عناصر تازه از قبیل کارخانجات صنعتی، تولیدات صنعتی جدید، مؤسسات مالی جدید مثل بانکها و بیمه، عوامل جدید اقتصادی - تجاری مثل شرکتها، آژانسهای وارداتی کالا، مؤسسات مهم حمل و نقل و غیره متوالیاً و در جوار بخش سنتی و قدیمی شهر ظاهر شده و اقتصاد دو گانه‌ای را در شهر بوجود می‌آورند. هدف نهایی این گسترش و یکپارچه کردن بازار شهری فروپاشی نظام سنتی زندگی و معیشت شهری است.

از طرف دیگر ایجاد یک حکومت مقتدر مرکزی که بتواند بر کلیه شئونات سیاسی، نظامی، اداری کشور نظارت داشته باشد مستلزم داشتن یک سیستم و نظام اداری منسجمی است که بتواند نظم نوین را در سطح ملی برقرار نماید. از این رو دولت ضمن تأسیس وزارت خانه‌های مختلف شعبات و ادارات وابسته به آنها را به همراه سازمانهای انتظامی نظامی و امنیتی در درون شهرها ایجاد نمود. همه این دستگاهها در جهت تسهیل دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی و پی‌ریزی ساختارهای - مالی برای توسعه سرمایه‌داری و اعمال قدرت مرکزی بودند. ایجاد و توسعه چنین سازمانهایی (دوایر دولتی) به همراه سازمانهای مالی مثل بانکها، اطاقهای بازرگانی، مؤسسات بیمه شرکتها حمل و نقل و غیره، در درون شهرها ساختار اجتماعی شهرها را دچار دگرگونی کرد. با پیدایش قشری از کارمندان (دوایر) و حقوق بگیران دولتی و کارگران، جریان سرمایه ملی و نفوذ عوامل اقتصادی - سیاسی نیز به درون شهرها فراهم گردید و قشر تازه‌ای به اقتشار سنتی جامعه شهری افزوده شدند. ساختار اشتغال سنتی در درون شهرها گسستگی حاصل کرده و تغییراتی در آن بوجود آمد. تعدادی از مشاغل رو به اضمحلال گذاشت یا کاهش پیدا کردند. امکانات اشتغال جدید از طرف دیگر فراهم آمده و رو به افزایش گذاشت و این دگرگونیها تغییرات و تحولات و عملکرد شهرها را به دنبال داشته و زمینه‌های دگرگونی اجتماعی را موجب شد.

تثبیت سیاسی حکومت، پیدایش حکومت مرکزی، ایجاد امنیت و توسعه راهها که به دنبال سرکوب ایلات و عشایر با اعمال سیاست تخته قاپو و جلوگیری از کوچ فصلی آنها حاصل شده بود بتدریج محدودیتهای فضائی شهرها را از بین برد. برج و باروها درهم ریخته و تراکم

حاصل از ناامنی‌های گذشته در درون حصارها و برج و باروها موجود رو به کاهش گذاشت. شهرها از نظم بسته و متراکم خود خارج شدند و مقدمات توسعه فضائی شهرها فراهم گردید. در ادامه این روند بعضی شهرها به توسعه فضائی نیز دست زدند.

با این همه توسعه فضائی شهر در زمان رضاشاه چندان معنی دار نبود و گسترش فضائی به کندی پیش می‌رفت. اساساً دگرگونی در ساختار فیزیکی شهرهای ایران در این دوره بطور محتوائی انجام می‌گرفت و در قالب آن تغییرات چندانی حاصل نگردید. تغییر در ساختار و عناصر و ترکیبات اجزائی آغاز می‌گردد. تصویب قوانین شهری و اصطلاحاً قانون بلدیه در ارتباط با تثبیت املاک، مسائل مربوط به تعریض و توسعه معابر و نوسازیها، زمینه‌های دگرگونی در بافت فیزیکی شهرها را فراهم کرد. در این راستا برای اولین بار شهرهای کوچک آن زمان نیز دچار دگرگونی شدند. مجموعه شهرها: «مهر پهلوی» که عبارت از دو خیابان متقاطع با یک میدان در وسط آن بود به چهره خود یافتند. این خیابانها اکثراً از مدخل شهر تا محل خروجی آن در مسیر جاده‌های ورودی و خروجی شهر احداث گردیده بودند. خیابان دیگری که اکثراً از توسعه معابر و گذرگاههای عمومی حاصل شده بود آن را قطع می‌کرد. ایجاد میدان و چهارراه هم به عنوان بخش حکومتی در مقابل میادین سنتی شهر ضروری بود. ایجاد چنین محورهای بدون هیچ تردیدی در جهت فروپاشی عناصر و اجزای سنتی شهرها انجام می‌گرفت و توسعه آنها در جهت تضعیف عملکردهای بازار و مکان‌گزینی عملکردهای تازه در چنین محورهای بود. چنین مداخلاتی برای حل مسئله گردش کالا و سرمایه، استفاده از وسایط نقلیه موتوری و تعمیر آن نیز ضروری بود. عمومیت یافتن اتومبیل و سایر وسایط نقلیه آمد و شد شهری به طور بارزی اثرات خود را در روی طرح زمینهای شهری ایران در این سنوات بطور مقدماتی اعمال نمود.

بطور کلی شهرهای ایران در این دوره شاهد تغییرات و دگرگونیهای بسیاری بودند. زیرا علاوه بر آنکه بخش عمده سرمایه‌گذارها در آن انجام می‌شد. احداث خیابانهای متعدد ساخت و سیمای آنها را به کلی دگرگون کرد. تعداد زیادی ساختمان اداری، آموزشی، عمومی در امتداد خیابانهای تازه، احداث و بنا گردید و به این ترتیب روندی که منجر به انزوای بافت قدیم و فرسودگی هر چه بیشتر آنها می‌گردید، آغاز شد.

با چنین ملاحظاتی توسعه فضائی ناشی از شهرنشینی و شهرگرایی این دوره به ناچار در محدوده بسیار ناچیزی تحقق مینیابد و شهرها بسیار کند توسعه می‌یابند. حتی سیمای کالبدی آنها نیز در اجزاء متشکله نه در ترکیب عناصر مهم غیرقابل تغییر باقی می‌ماند. اکثر شهرهای ایران تا چند دهه پیش آثار و علائمی از عناصر و میراث شهری دوره‌های گذشته تا دوره صفوی را بر چهره خود داشتند و شاید تا امروز هم آنرا حفظ کرده‌اند. بافت فیزیکی شهرهای ایران تا نیم قرن اخیر در حقیقت ادامه و روند تحولات و وصله‌کاریهای مستمری بودند که بعد از آغاز سلسله صفوی بتدریج در آنها نضج گرفته بود و مداخلات و خواستها و تصمیم‌گیریهای حکومتیهای

بعدی روی آنها تأثیر گذاشته بود. چنین ساختار کهن و قدیمی یکپارچه، دستخوش تغییر و دگرگونی شده و خارج از تغییر دریافت قدیمی خود بتدریج بافت تازه‌ای را بصورت هاله‌ای در اطراف خود مشاهده می‌نماید.

در مجموع دلایل چنین دگرگونیهای بطئی و رشد کند شهرنشینی در این دوره را علیرغم فشارهای حکومتی در درجه اول باید در نوپائی سرمایه‌داری و مقاومت یا حداقل عدم انطباق نظام سنتی جدید، عدم نفوذ یا عدم امکان نفوذ سرمایه‌داری در ساخت اقتصادی روستا و ضرورت زمان دانست. ازین جهت دگرگونیها در تغییرات فضائی و استقرار جغرافیائی جمعیت بازتاب مهمی نیافته است. اطلاعات و ارقام جمعیت شهرنشین ایران از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ نشان می‌دهد که رشد جمعیت شهری بطور متوسط  $2/65$  درصد بوده است و کل جمعیت شهری ایران علیرغم افزایش طبیعی جمعیت از  $2/768/000$  نفر در سال ۱۳۰۰ به  $7/718/000$  نفر در سال ۱۳۴۰ رسیده است. در صد جمعیت شهری نیز چشم‌گیر نبوده است و از ۲۸ درصد نسبت به کل جمعیت در سال ۱۳۰۰ به  $34/5$  درصد در سال ۱۳۴۰ رسیده است. افزایش جمعیت شهری تا سال ۱۳۲۰ تقریباً یک میلیون نفر بوده است یعنی  $3/773/000$  نفر در سال ۱۳۳۰ (جداول شماره ۳ و ۴ و ۵).

این ارقام نشان می‌دهند که انعکاس تحولات اقتصادی و اجتماعی در فضا همواره نیازمند زمان است. به عبارت دیگر تغییری که در روابط تولید در یک مقطع رخ می‌دهد برای تبدیل به تغییر فضائی به زمان احتیاج دارد و به یکباره در فضا بازتاب نمی‌یابد. بدین ترتیب گرچه تحول عمیق در نظام اقتصادی - اجتماعی ایران از دهه ۱۳۰۰ آغاز می‌شود لیکن در مراحل آغازین هنوز نمی‌توان از بازتاب فضائی این تحولات به شکل شهرنشینی و مهاجرت وسیع برای شهرها سخن گفت.<sup>۱</sup>

بدین ترتیب بازتاب فضائی دگرگونیهای اجتماعی - اقتصادی در درجه اول تغییر در ترکیب عناصر شهری است و محتوای شهرها دچار دگرگونی میشود و توسعه فضائی شهرها به علت محدودیت در مهاجرت به تأخیر می‌افتد.

بدنبال طرحهای عمرانی کشور، طرحهای شهری نیز بطور پراکنده نه بطور جامع در تغییرات ریخت و بافت شهرها به کار گرفته می‌شود اولین طرح شهری که در این سالها برای مداخله در سطح شهرها به وزارت داخله پیشنهاد شد طرح شهر همدان بود. سپس برای تعدادی معدودی از شهرها مثل اصفهان، سنندج، بیجار، ارومیه طرحهای جامعی پیش‌بینی شده ولی بلا استفاده باقی ماندند. بقیه شهرها نیز برنامه مدون و یکدستی اساساً نداشتند.

از تعداد شهرها در این دوره تا سال ۱۳۳۵ اطلاع دقیقی در دست نیست زیرا در این دوره

تعریف دقیقی از شهر ارائه نشده بود ولی طبق قانون تقسیمات کشوری که در آبانماه سال ۱۳۱۶ به تصویب مجلس رسید ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم گردید. (جداول شماره ۶). این تقسیمات تا سال ۱۳۳۵ اصلاح و شهرهای جدید بر تعداد آنها اضافه شد. البته خارج از ۴۹ مرکز شهرستان که وجود داشت نقاط شهری دیگری در تابعیت از مراکز شهری وجود داشتند که عملکردهای شهری داشتند و دارای بلدیة یا شهرداری و انجمن شهر بودند (نقشه شماره ۲۳). طبق سرشماری که از سال ۱۳۱۸ تا سال ۱۳۲۰ جریان داشت ۳۵ شهر در ایران سرشماری شدند که جمعیت این ۳۵ شهر بالغ بر ۲/۲۷۸/۳۶۱ نفر بوده است.<sup>۱</sup>

جدول شماره ۳ رشد شهرنشینی در ایران ۱۳۰۰ - ۱۳۵۵

رشد متوسط سالانه	۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ رشد سریع	۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ رشد سریع
رشد جمعیت شهری	۲/۶۵	۳/۴۲
رشد طبیعی جمعیت	۲/۱۲	۲/۷۷
رشد طبیعی جمعیت مهاجر	۰/۵۳	۱/۶۵

ایران در آئینه آمار - مرکز آمار ایران ۱۳۶۳

جدول شماره ۴ تحول استقرار فضائی جمعیت در ایران ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۵ (به هزار نفر)

سال	کل جمعیت	جمعیت شهرنشینی		جمعیت روستائی	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۰۰	۹۷۰۷	۲/۷۱۸	۲۸	۶۹۸۹	۷۲
۱۳۱۰	۱۱۱/۸۵	۳/۲۱۰	۲۸/۷	۷۹۷۵	۷۱/۳
۱۳۲۰	۱۲/۸۳۳	۳/۷۷۳	۲۹/۴	۹۰۶۰	۷۰/۶
۱۳۳۰	۱۶/۲۳۷	۴/۹۳۶	۳۰/۴	۱۱۳۰۱	۶۹/۶
۱۳۴۰	۲۲۳۷۲	۷/۷۱۸	۳۴/۵	۱۴/۶۵۴	۶۵/۵
۱۳۵۰	۳۰/۰۲۰	۱۲/۳۹۸	۴۱/۳	۱۷/۶۲۲	۵۹/۷
۱۳۵۵	۳۳/۷۰۹	۱۵/۸۵۵	۴۷	۱۷/۸۵۴	۵۳

ایران در آئینه آمار - مرکز آمار ایران ۱۳۶۳

۱. حبیب‌الله خزانه و ابوالقاسم سادات دریا بندری: پیش‌بینی و گذشته نگری جمعیت شهری و روستائی ایران تا سال ۱۳۷۰ - تهران - سازمان برنامه و بودجه

## جدول شماره ۵

برآورد جمعیت کشور و جمعیت شهری طبق برآورد باری یر - اقتصاد ایران - به هزار نفر

سال	کل جمعیت	جمعیت شهری		جمعیت روستائی	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۰۰	۱۱/۲۷۰	۲/۴۱۰	۲۱/۰۱	۹/۰۶۰	۷۸/۹۹
۱۳۱۰	۱۲/۷۷۰	۲/۶۸۰	۲۰/۹۸	۱۰/۰۹۰	۷۹/۰۲
۱۳۲۰	۱۴/۷۶۰	۳/۳۳۰	۲۲/۵۶	۱۱/۴۳۰	۷۷/۴۴
۱۳۳۰	۱۸/۰۲۰	۵/۱۱۰	۲۸/۳۵	۱۲/۹۱۰	۷۱/۶۴
۱۳۴۰	۲۳/۴۸۰	۸/۲۷۰	۳۵/۲۳	۱۵/۲۱۰	۶۴/۷۷
۱۳۴۹	۳۰/۳۵۰	۱۳/۱۰۰	۴۳/۱۶	۱۷/۲۵۰	۵۶/۸۲

## جدول شماره ۶

تقسیمات کشوری در سال ۱۳۱۶ (۱)

استان	نام	شهرستان
استان اول	شهرستانهای	اراک، زنجان، قزوین، ساوه، رشت، شهنسوار (تنگابن)
استان دوم	شهرستانهای	قم، کاشان، سمنان، ساری، گرگان و تهران
استان سوم	شهرستانهای	نیریز، اردبیل
استان چهارم	شهرستانهای	رضائیه (ارومیه)، خوی، مهاباد، مراغه، بیجار
استان پنجم	شهرستانهای	ایلام، همدان، سنندج، کرمانشاه، شاه‌آباد (اسلام آباد)
استان ششم	شهرستانهای	خرم‌آباد، گلپایگان، اهواز - خرم‌شهر - بهبهان، بروجرد
استان هفتم	شهرستانهای	شیراز، فسا، آباد، لار، بوشهر
استان هشتم	شهرستانهای	کرمان، بم، بندرعباس، خاش، زابل
استان نهم	شهرستانهای	سهند، بیرجند، بجنورد، قوچان سبزوار، گناباد تربت حیدریه
استان دهم	شهرستانهای	اصفهان، یزد

۱- گزارش توجیهی طرح تقسیمات کشوری - وزارت کشور ۱۳۴۹

متأسفانه به علت آغاز جنگ جهانی و اشغال ایران توسط متفقین بقیه شهرها سرشماری نشد. تا بالاخره در سال ۱۳۳۵ اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن انجام گردید. طبق این سرشماری ایران دارای ۱۸۶ شهر بود که غالباً نقاط بیش از ۵ هزار نفر جمعیت به مفهوم شهر سرشماری شده بودند. این تعداد با مجموع نقاط شهری کمتر از ۵ هزار نفر (۱۳ شهر) جمعاً ۱۹۹ شهر را شامل می‌شد. توزیع فضایی و شبکه شهری ایران در این دوره در نقشه شماره ۱۸ نشان داده



شده است. بطور کلی با اینکه بین برآوردهای اظهار شده درباره جمعیت کشور و شهرها تا سال ۱۳۳۵ اختلاف نظر وجود دارد ولی چنین نتیجه گرفته می شود که شهرنشینی تا سال ۱۳۲۰ رشد اندکی داشته و آهنگ سریع رشد شهرنشینی بر پایه برآورد «باری بر» از سال ۱۳۲۵ آغاز شده است. زیرا از همین سال است که اندیشه برنامه ریزی که از سالهای پیش مورد نظر بوده در سطح مقدماتی تحقق یافت و بالاخره با تأسیس سازمان برنامه و بودجه اولین برنامه هفت ساله در سال ۱۳۲۸ به تصویب مجلس رسید. در برنامه هفت ساله اول و دوم اختصاص سهم عظیمی از بودجه پیش بینی شده به توسعه امور اجتماعی و بهبود شرایط زندگی شهرها موجبات تحول دز روند شهرنشینی را فراهم آورد. براساس این برنامه ها بخشی از بودجه های مزبور صرف احداث تعدادی درمانگاه، بیمارستان، مدرسه و کارگاههای حرفه ای و کشاورزی شد. در ۴۰ شهر لوله کشی آب صورت گرفت. اسفالت خیابانهای ۶۶ شهر انجام شد و به ۱۴۴ شهر برق داده شد.

### ۳-۴-۱ ترکیب اجتماعی و پراکندگی فضائی جمعیت شهری ایران تا اولین سرشماری عمومی ۱۳۳۵

فقدان سازمانهای آماری ایران در گذشته موجب گردید که آمار دقیقی از جمعیت ایران و پراکندگی آن به دست نیاید. بدین جهت در طول سه قرن از آغاز صفویه به این طرف مجموعه آمارهای جمعیتی با حدس و گمان و تقریب، بخصوص با اختلاف زیاد اعلام گردیده است. مسلماً تغییرات مرزی و وسعت سرزمین در دوره های مختلف تاریخی بر این اختلافات دامن زده است. به علاوه کمبود سازمانهای آماری در این مورد بر این اختلافات افزوده است.

در دوره صفویه به دلیل توسعه روابط ایران با کشورهای اروپائی و شروع تغییرات دگرگونیها در نظام سیاسی، اداری و اقتصادی برای شناخت تعداد جمعیت کشور و ایالات مختلف تلاشهایی شد. افزایش تعداد سیاحان اروپائی و علاقه آنان به اطلاع از جمعیت ایالات و شهرهای بزرگ و مقایسه آن با جمعیت کشورها یا شهرهای اروپایی که در مواردی جنبه سیاسی و استعماری داشت، موجب افزایش آگاهیهای جمعیتی شد. برآورد جمعیتی سیاحان اروپائی از جمعیت شهرهای آن روز کشور ما نشانگر وجود تمرکزهای مهم جمعیتی است. در قرن ۱۷ شاردن سیاح فرانسوی که چند سالی را در ایران گذرانده بود، جمعیت ایران را ۴۰ میلیون نفر اعلام کرد. اگرچه ممکن است در این تخمین محدوده آسیای مرکزی، ارمنستان، قفقاز و افغانستان و بخشی از پاکستان نیز منظور گردیده باشد، ولی با این همه این رقم تا اندازه ای اغراق آمیز بنظر می رسد. این سیاح جمعیت شهر تبریز را ۵۵۰ هزار نفر و جمعیت شهر اصفهان را علیرغم نظر دیگران که حدود یک میلیون نفر گفته اند، ۶۰۰ هزار نفر برآورد کرد. و آن را معادل بزرگترین شهر آن روز یعنی لندن دانسته است.

به استناد اسناد و مدارک موجود باید قرن هفدهم را که کشور از صلح و آرامش و توسعه

تجارت و فعالیت‌های اقتصادی بسیاری برخوردار بوده است، یکی از ادوار مهم رشد و افزایش جمعیت محسوب داشت. با سپری شدن این قرن به ویژه سالهای بعد از ۹۷۹ شمسی بتدریج ثبات و آرامش عهد شاه عباس از ایران رخت برپست. کشور مورد هجوم مجدد عثمانیها قرار گرفت و سرانجام بر اثر حمله افغانها دوران جدیدی از جنگهای داخلی و کشتارهای بی‌رحمانه آغاز شد. اصفهان، شیراز، قزوین، یزد و تبریز و حتی شهرهای کم‌اهمیت تاراج شدند و بیش از  $\frac{۲}{۳}$  جمعیت خود را از دست دادند. این صدمات در شهرهای بزرگتر بمراتب بیشتر بود و در اغلب موارد آنها را به آبادیهای بسیار کم اهمیت تبدیل گردانید. جمعیت تبریز به ۳۰ هزار نفر رسید و جمعیت اصفهان به کمتر از صد هزار نفر کاهش یافت و در سالهای بعد به صورت شهر ویرانه‌ای که دارای «۵ هزار خانوار» بود درآمد.<sup>۱</sup>

غلیرغم کوتاهی دوره‌های صلح و ثبات، جمعیت ایران در اواخر قرن هیجدهم به رقم پائین‌تری رسید و تا نیمه دوم قرن نوزدهم نیز بر همان حال باقی ماند. در سال ۱۸۰۶ ژویر جمعیت ایران را  $۶/۵۶۲/۰۰۰$  نفر نوشت طبق محاسبه او ترکیب جمعیت ایران عبارت بود از:

۱- شهرنشینان و روستائیان (سکنه ثابت)	۵/۷۲۰/۰۰۰ نفر
۲- چادرنشینان	۷۵۲/۰۰۰ نفر
۳- ارمنیها	۷۰/۰۰۰ نفر
۴- زرتشتیان	۲۰/۰۰۰ نفر
۵- یهودیان و دیگران	در محاسبه نیامده
۶- تیره‌های ناشناس	در محاسبه نیامده

جمع  $۶/۵۶۲/۰۰۰$  نفر

اندکی بعد مالکم جمعیت ایران را شش میلیون نفر برآورد نمود. از نظر او علل کمبود جمعیت عبارت از پیدایش پی‌درپی خاندانهای شاهی، حکومت‌های استبدادی، فساد، ازدواج در سن و سال پائین و مهاجرت بود. در سال ۱۸۵۰ رالینسن تعداد جمعیت را ۱۰ میلیون نفر، در سال ۱۸۵۸ واتسن بین ۵ تا ۱۰ میلیون نفر، در ۱۸۷۳ دکتر پولاک در حدود ۶ میلیون نفر و بالاخره در سال ۱۸۸۴ ژنرال شیندلر میزان جمعیت ایران را  $۷/۶۵۳/۶۰۰$  نفر برآورد کرد. طبق محاسبه او جمعیت ایران در سال ۱۸۸۴ عبارت بوده است از:

۱- شهرنشینان	۱/۹۶۳/۸۰۰ نفر	۲۵/۵ درصد
۲- روستائیان	۳/۷۸۰/۰۰۰ نفر	۴۹/۴ درصد

۳- صحرانشینان ۱/۹۰۹/۸۰۰ نفر ۲۵/۱ (اعراب، ترکها، کردها و لکها بلوچ و کولی، بختیاری و لر)

جمع ۷/۶۵۳/۶۰۰ ۱۰۰ درصد

در سال ۱۸۹۰ لرد کرزن جمعیت ایران را ۸/۰۵۵/۵۰۰ نفر نوشته است.<sup>۱</sup> جدول تقسیمات جمعیتی از نظر لرد کرزن به شرح زیر بوده است.

۱- شهرنشینان	۲/۰۶۳/۰۰۰ نفر	۲۵/۶ درصد
۲- روستائیان	۳/۹۷۸/۵۰۰ نفر	۴۹/۴ درصد
۳- چادرنشینان	۲/۰۱۴/۰۰۰ نفر	۲۵ درصد شامل:
۱- اعراب	۲۷۴/۵۰۰ نفر	
۲- ترک و تاتار	۷۶۰/۰۰۰ نفر	
۳- کرد و لک	۷۰۰/۰۰۰ نفر	
۴- بلوچ	۲۲/۰۰۰ نفر	
۵- لر	۲۵۷/۰۰۰ نفر	

جمع کل ۸/۰۵۵/۵۰۰ نفر

کتاب تاریخ اقتصادی ایران، دوره قاجار از قول محققین و مسافرین خارجی بین سالهای

۱۸۳۷ تا ۱۹۱۰ جمعیت ایران را به شرح زیر اعلام می‌کند.<sup>۲</sup>

۱۸۳۷	۵ میلیون
۱۸۵۸	۵ میلیون
۱۸۶۹	۵ میلیون
۱۸۹۴	۷/۵ میلیون
۱۹۱۰	۸ میلیون

گرچه بررسی دقیق‌تر از قام مذکور به دلیل فقدان هر نوع آمار و اطلاعات رسمی در این زمینه ناممکن است، لکن حتی نگاهی گذرا به تعداد جمعیت شهری، روستائی و عشایری طبق جداول زیر که در آن تعدادی از سیاحان و جهانگردان در مورد جمعیت شهری و روستائی و عشایری ایران اعلام نظر کرده‌اند تفاوت‌های زیادی را نشان می‌دهد.

۱. لرد کرزن: ایران و قضیه ایران: ترجمه وحید مازندرانی، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۹ شمسی

۲. تاریخ اقتصادی ایران (دوره قاجار) چارلز عیسوی، ترجمع یعقوب آژند تهران - گستره ۱۳۶۲

## برآورد جمعیت ایران در سالهای ۱۲۶۳ تا ۱۲۸۷ شمسی (به هزار نفر)

اسم افراد	جمعیت شهرها	جمعیت روستاها	جمعیت عشایر	کل
هوتوم شیندلر ۱۲۶۳ شمسی	۱۹۸۴	۴/۷۸۰ نفر	۱/۹۱۰ نفر	۷/۶۵۴ نفر
زولوتاریف ۱۲۶۳ شمسی	۱۵۰۰	۳/۰۰۰	۱/۵۰۰	۶/۰۰۰
جورج کرزن ۱۲۷۰ شمسی	۲/۲۵۰	۴/۵۰۰	۲/۲۵۰	۹/۰۰۰
مزودف ۱۲۸۷ شمسی	۲/۵۰۰	۵/۰۰۰	۲/۵۰۰	۱۰/۰۰۰

اساساً تا سال ۱۳۰۴ مؤسسه یا سازمان خاصی که قانوناً موظف به جمع‌آوری آمار و اطلاعات لازم باشد در کشور وجود نداشت. «اداره احصائیه کل مملکتی» که تشکیل آن در سال ۱۳۰۳ به تصویب هیأت دولت رسیده بوده عملاً فعالیت خود را از سال ۱۳۰۴ آغاز کرد. ولی علیرغم وظیفه‌ای که در تعیین تعداد نفوس و تهیه آمارهای اجتماعی، مالی، بهداشتی و حوادث به عهده داشت، لیکن تا سال ۱۳۱۸ تنها وقایع چهارگانه را ثبت کرد. در خردادماه سال ۱۳۱۸ قانون سرشماری عمومی به تصویب مجلس رسید و دستور اجرای آن صادر شد. لکن اداره کل آمار و ثبت احوال به جای انجام سرشماری عمومی، طرح سرشماری ۳۵ شهر کشور را تهیه و آن را تدریجاً اجراء کرد و تا شهریور ۱۳۲۰ سرشماری از آنها را به پایان رساند. در این سرشماری تهران با ۵۴۰/۰۸۲ نفر پرجمعیت‌ترین و فیروزکوه با ۳۰۴۲ نفر کم‌جمعیت‌ترین شهرها بوده است. گرچه اغلب شهرهای بزرگ آن زمان را می‌توان در بین ۳۵ شهر مذکور پیدا کرد لکن نباید جمعیت ۲/۲۶۴/۸۶۶ نفری آنها را کل جمعیت شهری و یا رقمی نزدیک به آن دانست، چه تعدادی زیادی از شهرهای متوسط از جمله اهواز، خرم‌آباد، بروجرد، سنندج، ارومیه، مراغه، خوی، ساری، بابل، آمل، گرگان، ری، سبزوار، نیشابور، بیرجند و بسیاری از شهرهای کوچک را در بر نمی‌گرفته است. بر پایه برآورد قسمت جمعیت شناسی سازمان ملل متحد در سالهای ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹ (۱۹۴۰ میلادی) حدود ۱۶ درصد از جمعیت کشور، یعنی بالغ بر ۲/۲۴۰/۰۰۰ نفر در شهرهای بیش از ۲۰ هزار نفری سکونت داشته‌اند و جمعیت مجموعه نقاط شهری ۳/۰۵۵/۰۰۰ نفر بوده است. بدین ترتیب حدود ۷۴ درصد از جمعیت شهری که نزدیک به ۲۶ درصد کل جمعیت کشور بوده است تحت پوشش نخستین تلاش گسترده سرشماری سالهای ۱۳۱۸ - ۱۳۲۰ قرار داشته است. تا اینکه در سال ۱۳۳۵ نخستین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران انجام شد که نه تنها در امر برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار گرفت بلکه در مطالعات تاریخی جمعیت نیز مورد استفاده بوده است.<sup>۱</sup>

۱. حبیب‌الله زنجانی، جمعیت و شهرنشینی در ایران منبع قبلی ص ۱۰

جدول شماره ۷: اسامی و جمعیت تقریبی تعدادی از شهرهای ایران در سال ۱۸۶۸

ردیف	نام شهر	تعداد جمعیت	ردیف	نام شهر	تعداد جمعیت
۱-	مشهد	۷۰/۰۰۰	۲۳-	آمل	۸/۰۰۰
۲-	تهران	۸۵/۰۰۰	۲۴-	استرآباد	۱۸/۰۰۰
۳-	اصفهان	۶۰/۰۰۰	۲۵-	بسطام	۷/۰۰۰
۴-	یزد	۴۰/۰۰۰	۲۶-	شاهرود	۸/۰۰۰
۵-	کرمان	۳۰/۰۰۰	۲۷-	نیشابور	۸/۰۰۰
۶-	شیراز	۲۵/۰۰۰	۲۸-	سبزوار	۱۲/۰۰۰
۷-	بوشهر	۱۸/۰۰۰	۲۹-	قوچان	۱۰/۰۰۰
۸-	دزفول	۱۵/۰۰۰	۳۰-	بجنورد	۸/۰۰۰
۹-	بروجرد	۱۰/۰۰۰	۳۱-	ترشیز	۱۰/۰۰۰
۱۰-	کرمانشاهان	۳۰/۰۰۰	۳۲-	کاشان	۲۰/۰۰۰
۱۱-	همدان	۳۰/۰۰۰	۳۳-	قم	۱۲/۰۰۰
۱۲-	سنه	۲۰/۰۰۰	۳۴-	گلپایگان	۱۰/۰۰۰
۱۳-	مراغه	۱۵/۰۰۰	۳۵-	سمنان	۱۶/۰۰۰
۱۴-	خوی	۲۰/۰۰۰	۳۶-	ارومیه	۳۵/۰۰۰
۱۵-	تبریز	۱۱۰/۰۰۰	۳۷-	کازرون	۲۵/۰۰۰
۱۶-	اردبیل	۱۰/۰۰۰	۳۸-	برازجان	۶/۰۰۰
۱۷-	زنجان	۲۰/۰۰۰	۳۹-	خرم آباد	۲/۰۰۰
۱۸-	قزوین	۲۵/۰۰۰	۴۰-	محمره (خرمشهر)	۳/۰۰۰
۱۹-	شوشتر	۲۵/۰۰۰	۴۱-	اهواز	۷۰۰
۲۰-	رشت	۱۸/۰۰۰	۴۲-	بندرعباس	۵/۰۰۰
۲۱-	ساری	۱۵/۰۰۰	۴۳-	دامغان	۱۳/۰۰۰
۲۲-	بارفروش	۱۰/۰۰۰			

جدول شماره ۸: اسامی و جمعیت تقریبی تعدادی از شهرهای ایران در سال ۱۸۹۰

ردیف	نام شهر	تعداد جمعیت	ردیف	نام شهر	تعداد جمعیت
۱-	قزوین	۴۰/۰۰۰	۲۳-	بوشهر	۱۵/۰۰۰
۲-	مشهد	۴۵/۰۰۰	۲۴-	یزد	۷۵/۰۰۰
۳-	سبزوار	۱۸/۰۰۰	۲۵-	کرمان	۴۰/۰۰۰
۴-	نیشابور	۱۰/۰۰۰	۲۶-	خرم‌آباد	۲/۰۰۰
۵-	شاهرود	۵/۰۰۰	۲۷-	بروجرد	۱۷/۰۰۰
۶-	دامغان	۱۳/۰۰۰	۲۸-	محمره (خرمشهر)	۲/۰۰۰
۷-	سمنان	۱۶/۰۰۰	۲۹-	اهواز	۷۰۰
۸-	تهران	۲۰۰/۰۰۰	۳۰-	بندرعباس	۵/۰۰۰
۹-	استرآباد	۸/۰۰۰	۳۱-	دزفول	۱۵/۰۰۰
۱۰-	ساری	۸/۰۰۰	۳۲-	شوشتر	۲۵/۰۰۰
۱۱-	آمل	۸/۰۰۰	۳۳-	بارفروش	۱۰/۰۰۰
۱۲-	رشت	۲۵/۰۰۰	۳۴-	بسطام	۷/۰۰۰
۱۳-	تبریز	۲۰۰/۰۰۰	۳۵-	گلپایگان	۱۰/۰۰۰
۱۴-	مراغه	۱۵/۰۰۰	۳۶-	سنه	۲۰/۰۰۰
۱۵-	ارومیه	۳۵/۰۰۰	۳۷-	کاشان	۲۰/۰۰۰
۱۶-	کرمانشاه	۴۰/۰۰۰	۳۸-	بجنورد	۸/۰۰۰
۱۷-	همدان	۲۰/۰۰۰	۳۹-	قوچان	۱۰/۰۰۰
۱۸-	قم	۲۵/۰۰۰	۴۰-	خوی	۲۰/۰۰۰
۱۹-	اصفهان	۷۵/۰۰۰	۴۱-	اردبیل	۱۰/۰۰۰
۲۰-	شیراز	۲۵/۰۰۰	۴۲-	زنجان	۲۰/۰۰۰
۲۱-	کازرون	۲۵/۰۰۰	۴۳-	ترشیز	۱۰/۰۰۰
۲۲-	برازجان	۶/۰۰۰			

#### ۴-۴-۱ رشد شتابان شهرنشینی در دوران معاصر

بعد از کودتای ۱۳۳۲ دولت امریکا نقش اصلی رهبری اقتصادی - سیاسی ایران را بر عهده گرفت و پیوستگی ایران به بازار جهانی ضرباتی سریعتر یافت. در تقسیم جهانی کار بین کشورهای جهان سوم نقش ایران بر مبنای اقتصاد تک محصولی و مبتنی بر نفت تعیین گردید. براساس این سیاست تولید زراعی مبتنی بر رفع نیازهای ضروری غذائی کشور عمدتاً به فراموشی سپرده شد و کشاورزی تجاری و صادراتی در جهت رفع نیازهای شهری مورد توجه واقع شد. به دنبال رشد روز افزون نیاز غرب به نفت و اهمیت استراتژیکی آن موقعیت ایران در درون نظام امپریالیستی جهانی افزایش یافت.

در مقابل، دگرگونیهای بنیادی اقتصادی - اجتماعی کشور که منجر به افزایش خواستهای مردم در تمام زمینهها بود، مقدمات تنشهای آینده را فراهم می کرد. بعلاوه رکود اقتصادی سالهای ۱۳۳۰ و دور ماندن جوامع روستائی از تحولات سرمایه داری ایجاب می کرد که نوعی حرکت اصلاحی و اجتماعی در صحنه ملی به ظهور به پیوندند. این اصلاحات در بطن انقلاب به اصطلاح سفید در سال ۱۳۴۱ اعلام و به مورد اجرا گذاشته شد که اصلاحات ارضی یکی از مهمترین موارد این اصلاحات بود. انجام این اصلاحات اهداف مهمی را تعقیب می کرد که مهمترین آنها عبارت بودند از:

۱- زمینه سازی لازم برای ورود سرمایه داری پیرامونی و سرمایه گذاری خارجی در صنایع بخصوص صنایع موتتاژ و صنایع مصرفی دیگر به علت وجود نیروی کار ارزان با شعار رشد صنعتی کشورهای جهان سوم.

۲- تخصیص هر چه بیشتر امکانات و سرمایهها به بخش صنعت و تسلیم تمام عیار ایران به بازار جهانی.

۳- تضعیف تولید مواد غذائی حیاتی و کاهش سهم این محصولات در کل تولیدات کشاورزی ملی، بخاطر خروج بخش عظیمی از کارگران کشاورز از پیکره اقتصادی روستا.

۴- ایجاد جریان مداوم نیروی کار از روستا به شهر بخاطر رفع نیاز روز افزون صنایع شهری به نیروی کار.

به هر حال رژیم حاکم بر کشور که بخاطر از بین بردن آزادیهای سیاسی به هرگونه تلاشی برای استحکام پایههای قدرت خود و تضعیف پتانسیل انقلابی متوسل می شد، اصلاحات ارضی را در سال ۱۳۴۱ به منظور جلوگیری از نضج جنبشهای دهقانی، توسعه خرده مالکی، تضعیف قدرت اربابان، متلاشی نمودن مناسبات کهن ارباب و رعیتی، مهیا نمودن زمینه مناسب برای یکپارچگی بازار داخلی و فروش تولیدات صنعتی در روستا، ذخیره نیروی انسانی اضافی روستا برای صنایع در حال توسعه شهری، به تصویب رساند. و به مورد اجرا گذاشته شد.

ولی اصلاحات ارضی به غیر از برهم زدن نظام ارباب رعیتی به هیچ یک از اهداف خود نرسید و به سبب مخرومیت حداقل ۵۰ درصد از کل جمعیت کشاورز از دسترسی به زمینهای کشاورزی، اکثر آنها در تنگنا قرار گرفته و اجباراً خانه و کاشانه خود را رها و روانه شهرها شدند. سرعت بخشیدن به توسعه سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاری و تمرکز بخشی عظیمی از درآمدهای ملی در درون شهرها و انباشت تدریجی این سرمایه‌ها در دست شهرنشینان، شکاف حاصل بین جامعه روستائی و شهری را افزایش داد. در نتیجه اختلاف پتانسیلی بین نواحی جغرافیائی بوجود آمد و موج مهاجرت بطرف شهرها تسریع گردید.

در چنین حالتی شهرها در دو جهت دچار دگرگونی شدند: جریان سرمایه‌ها به توسعه شهر و دگرگونی سریع عملکردهای شهری منجر و بازتاب آن در گسترش فضائی شهر نیز منعکس گردید. از طرف دیگر موج عظیم مهاجران، حاشیه‌نشینی، خرابه‌نشینی و مجتمع‌های مختلفی از حلبی‌آبادها و حصیرآبادها را در اطراف شهرها ایجاد کرد. جمعیت مهاجر بطور روزافزون در این مکانها بر روی هم انباشته شدند. دگرگونیهای اقتصادی در شهر تصفیه قشرهای اجتماعی و اکولوژی اجتماعی شهر را در درون آن تشدید کرد. این عوامل به همراه طرحهای توسعه شهری، زمینهای اطراف بافت موجود شهرها را در یک سیاست سوداگری زمین و حمایت دولت براساس الگوها و طرحهای جدید پیشنهادی مورد دست‌اندازی قرار داده و شهرها به گسترش همه جانبه توسعه فضائی خود دست زدند. تأسیسات تازه و توسعه صنایع نیز به اشغال فضاهای اطراف شهری کمک کردند.

بدین ترتیب به دنبال اصلاحات ارضی شاهد گسترش فضائی همه جانبه همه شهرها هستیم در صورتیکه قبل از آن جز در مقاطع محدود تاریخی و شهرهای محدود، شهرها در درون خود به دگرگونی دست‌زده بودند. بر همین منوال تعداد شهرها بخصوص شهرهای بزرگ رو به افزایش گذاشت و انباشت جمعیت مهاجر موجب افزایش جمعیت در تمام شهرها بخصوص شهرهای بزرگ شد. هجوم روستائیان ساخت شهر را در تمام سطوح آن به زیر سؤال برد. و بالاخره ناهماهنگی شهری عمومیت یافت. نظم اکولوژیکی شهرها بهم ریخته و سیاست غرب‌گرائی حکومت فعالیتهای فرهنگی را تشدید و جریان غرب‌گرائی با توسعه رسانه‌های گروهی و اثرپذیری از فرهنگ غربی، به مجموعه ساختارهای شهری اثرات چشم‌گیری بر جای گذاشت. جاذبه‌های شهرنشینی، با ایجاد تسهیلات رفاهی و فراغت و تفریحی افزایش یافت و تضاد شدیدی بین روستا و شهر فراهم آمد. فرآیند چنین تحولاتی سبقت و پیشی گرفتن افزایش جمعیت و توسعه شهری از توسعه اقتصادی کشور است. بدین ترتیب شهرنشینی سریع به صورت شهرنشینی «مشکل‌زار» نمایان می‌گردد که نه بخش خصوصی می‌تواند ابتکار عملی را در حل مشکلات آن به عهده گیرد و نه نیروهای مولد از طریق بودجه‌های عمرانی دولتی می‌توانند به نیازهای آن پاسخ مستمری بدهند. به عبارت دیگر توسعه روابط سرمایه‌داری در



بطن یک اقتصاد تک محصولی متکی بر صادرات نفت سبب در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی از یک سو و رشد سریع شهرها هم در تعداد و هم در ابعاد از سوی دیگر شد. حاصل این دو روند مهاجرت از روستا به شهرها بود که در نهایت به شکل مشکلات متعدد در سطح شهرها تجلی حاصل کرد. در چنین شرایطی پاسخگویی مستمر به نیازهای شهرنشینی مستلزم تحول در الگوی توسعه اقتصادی است.

#### ۵-۴-۱ بازتاب فضائی - جمعیتی رشد شتابان شهرنشینی:

فرآیند تحولات و شکاف عمیق اقتصادی بین جامعه روستائی و جامعه شهری، مهاجرت گسترده از روستا به شهرها، رشد سریع و شتابان جمعیت شهرها و تعداد آنها بود. اصلاحات ارضی به غیر از برهم زدن نظام ارباب رعیتی به هیچ یک از اهداف خود نرسید. هرچند که در اثر اصلاحات ارضی عده‌ای از رعایا صاحب زمین شدند اما از آنجا که مقدار زمینی که برای هر یک از آنها تعلق گرفت بسیار اندک بود، مخارج آنها را تأمین نمی‌کرد. یکی دیگر از علل مهاجرت روستائیان بعد از اصطلاحات ارضی، ماشینی شدن کشاورزی بود. این تحول منجر به بیکار شدن بخشی از نیروی کار روستائی شد. بدون اینکه برای جلوگیری از عوارض آن برنامه‌ای تهیه شده باشد. اگر افزایش جمعیت روستائی در اثر رشد طبیعی جمعیت و عدم امکان اشتغال در روستا نیز به حساب آورده شود، ابعاد و دشواریهای ناشی از روند فوق آشکار می‌شود. این عوامل دافعه در کنار عوامل جاذبه یعنی ویژگیهای مثبت شهرها با آن دگرگونیها وسیع اقتصادی و نیاز به نیروی کار، موجب کاهش روزافزون شاغلین در بخش کشاورزی و مهاجرت روستائیان شد.

برآوردها و آمارگیریهایی که تا سال ۱۳۳۵ انجام گرفته نشان می‌دهد که تعدادی از شهرهای کشور تا این سرشماری مهاجر فرصت بوده یا حداقل به افزایش جمعیت خود دست نزده‌اند. در صورتیکه همه شهرهای فوق از سال ۱۳۳۵ به بعد مهاجر پذیر شده‌اند.<sup>۱</sup> بر مبنای جداولی که در پیش آورده شد، علیرغم اختلاف در ارزیابی تعداد جمعیت کشور و جمعیت شهری و روستائی، این واقعیت وجود دارد که جمعیت شهری کشور در اواخر قرن سیزدهم هجری شمسی در حدود ۲۵ درصد کل جمعیت کشور بوده است. با اینکه طبق برآورد مرکز آمار ایران این رقم در سال ۱۳۰۰ حداکثر، ۲۸ درصد را نشان می‌دهد. تا اینکه این رقم در سرشماری ۱۳۳۵ به ۳۱/۴ درصد افزایش می‌یابد (جدول شماره ۱۶) طبق محاسبات و ارزیابیهای انجام شده در سال ۱۳۰۰ رقم مطلق جمعیت شهری ۲/۷۱۸/۰۰۰ نفر بوده که در سال ۱۳۳۵ این رقم به ۵/۹۵۳/۵۶۲ نفر می‌رسد.

۱. مهدی امانی: شهرکرائی و شهرنشینی در ایران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۵۰

این افزایش در مقابل توسعه بهداشت، واپس نشستن مرگ و میر و سایر عوامل رفاهی شهرها می‌تواند فقط با افزایش طبیعی جمعیت توجیه گردد. با اینهمه افزایش اندک جمعیت شهری نمایان است. با مراجعه به جدول شماره ۵ طبق برآورد مرکز آمار ایران رقم جمعیت شهری در سال ۱۳۲۰ نسبت به سال ۱۳۰۰ نیز فقط ۰/۷ درصد افزایش داشته و رقم مطلق آن نیز چشم‌گیر نبوده است. در عین حال در اواخر قرن سیزدهم کاهش جمعیت شهری یا عدم افزایش آن کاملاً متصور است. مجموعه عوامل بیانگر عدم تغییر یا دست نخوردگی ساخت روستا و بطور کلی روابط اورگانیک شهر و روستا در این دوره می‌باشد. در دوره‌های بعد از سال ۱۳۲۰ نیز این افزایش قابل توجه نیست. مقایسه جمعیت شهری سالهای ۱۳۲۰ و ۱۳۳۵ نشان می‌دهد که افزایش مطلق جمعیت شهری در این فاصله فقط حدود ۰/۰۰۰/۲۸۰ نفر است و تغییر درصد یا افزایش جمعیت شهری نیز چندان زیاد نمی‌باشد (۲۸ در مقابل ۳۱/۴ درصد).

در حقیقت می‌توان حدس زد که تا سال ۱۳۳۵ به جز تهران و تبریز شهرهای دیگر کشور به افزایش جمعیت دست نزده‌اند و ارقام اضافی نیز در حقیقت نتیجه افزایش طبیعی جمعیت پس از کسر مهاجرت احتمالی ساکنان این شهرها به طرف تهران بوده است. بعلاوه مهاجرت‌های خارجی که از اواخر قرن سیزدهم متداول بود یا جهت‌گیریهای جمعیتی به طرف سرزمین‌های نفت‌خیز نیز در این دگرگونی مؤثر بوده است.

تحول ناگهانی در رشد جمعیت شهرنشین کشور بر پایه برآورد مرکز آمار ایران از سال ۱۳۴۰ به بعد آغاز شد و این روند به دنبال اصلاحات ارضی شدت یافت. طبق سرشماری سال ۱۳۴۵ رقم مطلق جمعیت شهرنشین به ۹/۷۱۴/۶۱۲ نفر و درصد آن به ۳۹ افزایش یافت. افزایش مطلق جمعیت شهرنشین، یعنی تقریباً ۲ برابر شدن آن نسبت به سال ۱۳۳۵ و درصد افزایش ۱۰ ساله گویای توسعه جمعیت شهری و جابجائی سریع جمعیت روستائی به طرفی شهرهاست. رشد سالیانه جمعیت شهرها در این فاصله ۵/۱ بوده که با توجه به رشد طبیعی جمعیت که ۳/۱ درصد را نشان می‌داد چشم‌گیر است. در این دوره شهرها در طبقات جمعیتی مختلف رشدی معادل ۲/۳ تا ۸/۴ درصد داشتند که اکثراً از رشد طبیعی بالاتر بوده و مهاجرپذیری آنها را نشان می‌دهد. (جدول شماره ۹ و ۱۰). بطور کلی در این دوره میزان رشد سالانه جمعیت شهرنشین بیش از سه برابر رشد سالانه جمعیت روستائی بوده یعنی ۵/۱ درصد در مقابل ۱/۶ درصد و نزدیک به دو برابر افزایش طبیعی جمعیت کشور.

رشد انفجاری جمعیت شهرنشین و رشد شتابان واقعی آن بعد از سالهای ۱۳۴۵ آغاز می‌گردد که بازتاب واقعی اصلاحات ارضی و سرمایه‌گذاریهای ملی و رشد سریع سرمایه‌گذاریهها در شهرها می‌باشد که منجر به فروپاشی کامل نظام‌های تولیدی ماقبل سرمایه‌داری به همراه تکمیل و توسعه مناسبات جدید در شهرها شد و باعث تشدید جریانات مهاجرتی گردید. بخش کشاورزی با رشد کم خود هر چه بیشتر به یک بخش حاشیه‌ای در کل اقتصاد کشور بدل شد، و

جدول ۹- تعداد شهرها، جمعیت و میزان رشد سالانه آنها بر حسب طبقات جمعیتی براساس نتایج سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن.

متوسط رشد	۱۳۶۵				۱۳۵۵				۱۳۴۵				۱۳۳۵				طبقات جمعیتی شهرها
	مجموع جمعیت	تعداد شهرها	متوسط رشد	تعداد شهرها	مجموع جمعیت	تعداد شهرها	متوسط رشد	تعداد شهرها	مجموع جمعیت	تعداد شهرها	متوسط رشد	تعداد شهرها	مجموع جمعیت	تعداد شهرها			
۶۵.۵۵			۴۵.۵۵				۴۵.۳۵										
۶/۱	۱۷۹۷۸۳۵۳	۴۱	۵/۸	۲۳	۹۹۵۵۶۵۵	۲۳	۶/۴	۱۴	۵۶۶۷۰۱۲	۱۴	۳۰۵۰۵۴۵	۹	۱۰۰ هزار نفر و بالاتر				
۷/۵	۳۱۵۴۹۳۳	۴۶	۳/۷	۲۲	۱۵۳۱۵۸۷	۲۲	۵/۴	۱۵	۱۰۶۹۸۰۶	۱۵	۶۳۲۹۵۳	۹	۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری				
۴/۲	۳۳۲۰۴۹۹	۶۷	۳/۶	۴۵	۱۵۳۹۶۴۹	۴۵	۳/۵	۳۰	۱۰۰۸۱۳۱۳	۳۰	۷۶۴۷۱۶	۲۲	۲۵ تا ۵۰ هزار نفری				
۳/۴	۲۲۹۹۸۳۶	۱۴۵	۴/۱	۱۰۹	۱۶۴۸۷۸۹	۱۰۹	۲/۳	۷۲	۱۱۰۳۷۵۳	۷۲	۸۷۶۹۰۷	۵۶	۱۰ تا ۲۵ هزار نفری				
۳/۲	۸۳۲۷۶۶	۱۱۳	۴/۸	۱۶۸	۱۱۵۷۳۶۹	۱۶۸	۲/۴	۱۱۸	۷۹۴۵۳۷	۱۱۸	۶۲۸۴۴۱	۴۰	۵ تا ۱۰ هزار نفری				
۲۷/۶	۲۴۸۵۲۱	۶۴	۱۱/۴	۶	۲۱۶۳۱	۶	۴/۸	۱۸	۷۲۴۲۹	۱۸	۴۵۳۱۳	۱۲	۵ تا ۵ هزار نفری				
	۹۵۴۳	۲۰	-	-	-	-	۸/۴	۴	۴۰۳۳	۴	۱۸۰۰	۱	زیر ۲ هزار نفری				

راهنمای جمعیت شهرهای ایران - جنبه اله زنجانی - فریدون رجایی

جدول ۱۰- جمعیت پیش‌بینی شده شهرهای تریک از طبقات جمعیتی در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۰.

سال	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
طبقات جمعیت شهرها	۱۷۹۷۸۴۵۳	۱۸۹۰۶۶۱۹	۱۹۸۸۶۱۹۳	۲۰۹۲۰۲۴۹	۲۲۰۱۲۰۵۷	۲۳۶۵۱۱۹
۱۰۰ هزار نفر و بالاتر	۳۱۵۴۹۴۳	۳۳۳۴۸۱۹	۳۵۲۵۸۳۵	۳۷۸۸۷۳۱	۳۹۴۴۳۰۲	۴۱۷۳۴۱۰
۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر	۲۳۲۰۴۹۹	۲۴۶۷۱۵۵	۲۶۲۳۷۹۱	۲۷۹۴۳۳۷	۲۹۷۶۸۲۹	۳۱۷۳۳۸۶
۲۵ تا ۵۰ هزار نفر	۲۲۹۹۸۳۶	۲۴۲۵۰۷۰	۲۵۵۸۴۴۵	۲۷۰۰۶۹۴	۲۸۵۳۲۱۵	۳۰۱۴۰۷۱
۱۰ تا ۲۵ هزار نفر	۸۳۷۶۶	۸۶۱۵۴۴	۸۹۷۰۷۴	۹۳۴۴۱	۹۷۳۷۲۹	۱۰۱۵۱۰۶
۵ تا ۱۰ هزار نفر	۲۴۸۵۲۱	۲۵۵۰۹۸	۲۶۴۳۳۰	۲۷۳۹۸۲	۲۸۴۰۷۴	۲۹۴۶۳۲
کمتر از ۲ هزار نفر*						

به علت وجود شهرهای واقع در مناطق جنگی، پیش‌بینی جمعیت برای برخی از شهرهای واقع در این طبقه جمعیتی صورت نگرفته است.

راهنمای جمعیت شهرهای ایران

متابولیسیم اقتصادی از حیث مازاد اقتصادی قابل سرمایه‌گذاری هر چه بیشتر وابسته به صدور نفت و منابع ارزی حاصل از آن شد. و بالاخره آغاز مرحله دوم سرمایه‌گذاری صنعتی با الگوی جایگزینی واردات و تنوع یافتن نسبی ساخت صنعتی و تغییر کامل الگوی مصرف جامعه، شرایط توسعه فزاینده‌ای را در نیاز به کار و نیروی انسانی در شهرها افزایش داد. نتیجه چنین دگرگونی پیشی گرفتن آهنگ شهرنشینی از آهنگ رشد نیروهای مولد و ایجاد ناموزونی در بخش اشتغال شهرها و بالاخره رشد انگلی مشاغل کاذب و ریشه‌دار شدن مشکلات شهری است.

سرشماری سال ۱۳۵۵ افزایش چشم‌گیری جمعیت کل و جمعیت شهری را نشان می‌دهد. بر مبنای این آمارگیری جمعیت کل کشور به ۳۳/۱۰۸/۷۴۴ نفر و تعداد جمعیت شهرنشین به ۱۵/۸۵۵/۰۰۰ نفر می‌رسد که ۴۷ درصد جمعیت کل بوده است. این تعداد جمعیت نزدیکی رقم جمعیت شهرنشین را به جمعیت روستانشین نشان می‌دهد. در برآوردهای اولیه جمعیت شناسان و اقتصاددانان، تساوی جمعیت شهرنشین و روستانشین را برای سالهای ۱۳۵۹-۶۰ پیش‌بینی کرده بودند و این نسبت برای سال ۱۳۷۹ یعنی سال ۲۰۰۰، ۶۸ درصد کل جمعیت برآورد شده بود. (جدول شماره ۱۱ و ۱۲ و ۱۳)<sup>۱</sup>

جدول شماره ۱۱ برآورد جمعیت شهری و روستائی ایران طی سالهای ۱۳۳۵-۱۳۷۹ (به هزار نفر)

سال	جمعیت کل کشور	جمعیت شهرنشینی	جمعیت روستانشین
۱۳۳۵	۱۸/۹۵۴	۵/۹۵۳	۱۲/۷۵۳
۱۳۴۵	۲۵/۰۷۸	۹/۷۹۴	۱۵/۲۸۴
۱۳۴۹	۲۹/۰۱۵	۱۱/۹۳۶	۱۷/۷۹
۱۳۵۶	۳۵/۶۸۰	۱۶/۷۹۴	۱۸/۸۸۶
۱۳۵۹	۳۸/۹۸۵	۱۹/۴۳۷	۱۹/۵۴۸
۱۳۶۹	۴۹/۸۹۴	۳۰/۳۴۶	۱۹/۵۴۶
۱۳۷۹	۵۷/۹۱۰	۳۹/۳۲۰	۱۸/۵۸۰

در فاصله دو سرشماری ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ رشد متوسط سالانه جمعیت شهرنشین نزدیک به ۴/۴۲ درصد بوده است که نزدیک به دو برابر رشد طبیعی جمعیت یعنی ۲/۷۱ درصد می‌باشد. میزان رشد سالانه در طبقات مختلف جمعیتی شهرها تا ۵/۸ درصد افزایش داشته و بیشتر در شهرهای بالای صدهزار نفر جمعیت صدق می‌کرد و شهرهای کوچکتر رشد منفی نشان می‌دادند (جدول شماره ۹). این مسئله نتیجه تمرکز سرمایه‌گذارها، توسعه شهرهای بزرگ و

۱. شهرکهای روستائی و روابط آن با مسائل شهرنشینی، وزارت مسکن و شهرسازی ۱۳۵۲. چاپ دانشکده علم و صنعت

رشد زیر ساخت‌های اقتصادی و رفاهی در این گروه از شهرها می‌باشد. بدین ترتیب شهرهای بزرگتر به ضرر شهرهای متوسط و کوچکتر و روستا شهرها عمده‌ترین توسعه رشد و افزایش جمعیت را به خود اختصاص داده، علیرغم سهم محدود این گروه از شهرها که جمعاً ۲۳ شهر را تشکیل می‌دهد در مقابل ۲۸۳ شهر کمتر از ۲۵ هزار نفری از رشد بیشتری برخوردار بوده‌اند. یکی از بارزترین نمونه‌های چنین افزایش جمعیت توسعه فضائی و فیزیکی اکثر شهرها بخصوص شهرهای بزرگ است که در اکثر آنها به صورت حاشیه‌نشینی یا زاغه‌نشینی ظاهر گردید. دگرگونی در ساخت‌اشتغال، ساخت‌اقتصادی و تغیر ساخت جمعیتی شهرها را بوجود آورد.

جدول ۱۲- میانگین جمعیت شهرهای هر یک از طبقات جمعیتی در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۰

۱۳۷۰	۱۳۶۹	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	طبقات سال جمعیت شهرها
۵۶۵۰۰۳	۵۳۶۸۷۹	۵۱۰۲۵۰	۴۸۵۰۲۹	۴۶۱۱۳۷	۴۳۸۲۹۹	۱۰۰ هزار نفر و بالاتر
۹۰۷۲۶	۸۵۷۴۶	۸۱۰۵۹	۷۶۶۴۹	۷۲۲۹۶	۶۸۵۸۶	۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر
۴۷۳۶۴	۴۴۴۳۰	۴۱۷۰۷	۳۹۱۷۶	۳۶۸۲۳	۳۴۶۳۴	۲۵ تا ۵۰ هزار نفر
۲۰۷۸۷	۱۹۶۷۰	۱۸۶۲۵	۱۷۶۴۴	۱۶۷۲۵	۱۵۸۶۱	۱۰ تا ۲۵ هزار نفر
۸۹۸۳	۸۶۱۷	۸۲۶۹	۷۹۳۹	۷۶۴۴	۷۳۷۰	۵ تا ۱۰ هزار نفر
۴۶۰۴	۴۲۲۹	۴۲۸۱	۴۱۳۰	۳۹۸۶	۳۸۸۲	۲ تا ۵ هزار نفر کمتر از ۲ هزار نفر*

\* به علت وجود شهرهای واقع در مناطق جنگی، پیش‌بینی جمعیتی صورت نگرفته است.  
راهنمای جمعیت و شهرهای ایران - حبیب‌الله زنجانی - فریدون رجائی

جدول ۱۳

میانگین رشد سالانه جمعیت شهرهای هر یک از طبقات جمعیتی در سالهای ۱۳۶۶-۱۳۷۰.

میزان متوسط رشد در دوره پیش‌بینی (۱۳۷۰-۶۶)	طبقات جمعیت شهرها
۵/۲	۱۰۰ هزار نفر و بالاتر
۵/۸	۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر
۶/۵	۲۵ تا ۵۰ هزار نفر
۵/۶	۱۰ تا ۲۵ هزار نفر
۴/۰	۵ تا ۱۰ هزار نفر
۳/۵	۲ تا ۵ هزار نفر
-	زیر ۲ هزار نفر

راهنمای جمعیت و شهرهای ایران - حبیب‌الله زنجانی - فریدون رجائی

## خلاصه فصل چهارم

انقلاب مشروطیت نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی شهر و شهرنشینی ایران می‌باشد. انحطاط نظام ایلی و حکومت قبیله‌ای و نظام دیوانی سنتی، ریشه‌های قدرت و حکومت را در شهرها مستقر ساخت. جامعه شهری و شهرنشینان و بورژوازی شهری به عنوان عوامل حکومتی و قدرت در صحنه سیاسی کشور ظاهر شدند. تحولات سیاسی و اقتصادی داخلی و گسترش روابط اقتصادی، اجتماعی با نظام سرمایه‌داری، نقش شهر را به عنوان جایگاه تحقق روابط سرمایه‌داری افزایش داده و نقش برتری شهر را در حیات جامعه باز کرد.

با استقرار حکومت پهلوی سرآغاز جدیدی در تاریخ شهرنشینی ایران حاصل شد. شهرها شروع به تحول و دگرگونی نمودند. این تغییر با عناوین مختلف تجدد طلبی، مدرنیسم و تجددگرایی در حیات ملی و شهرنشینی ظاهر شده و سرمنشاء کلیه تحولات اقتصادی - اجتماعی قرن حاضر تلقی شده است. شروع تحولات شهرسازی و شهرنشینی به مفهوم جدید آن تا حد زیادی مربوط به این دوره از تاریخ است. این دوران حلقه اتصال و سیر تکامل شهر در ایران در گذشته و حال به شمار می‌آید. تغییر در بنیادهای اقتصادی - اجتماعی شهرها در پیوند با نظمی که از گذشته شروع شده بود با تفکر مدرنیزاسیون بتدریج شدت یافت. شهر به عنوان کانون مهم در سرزمین ملی ظاهر گشته و با افزایش درآمدهای ملی به خصوص درآمد حاصله از نفت، شهرها به کانون عمده جذب و انتقال این درآمدها در سطح ملی تبدیل شدند. به دنبال جهت‌گیری اصلی برنامه‌ریزی بسوی گسترش زیر ساخت‌های صنعتی و اقتصادی و سرمایه‌گذاری در شهرها به تدریج بنیادهای اقتصادی شهرها و عملکرد آنها دگرگون شد. بدین طریق توجه روز افزون به شهر و شهرگرایی، شهر را در نظام سیاسی - اداری کشور برجسته و نمایان جلوه داد. با وجود اینکه توسعه فضائی ناشی از این دگرگونیها در شهرها بسیار کند تحقق یافته، ولی شهرها تغییرات بنیادی در ساختار و محتوای خود را یافتند. شهرها ضمن تغییر بافت قدیم بافت تازه‌ای را بصورت هاله‌ای در اطراف خود پیدا کردند.

با تمرکز سرمایه در درون شهرها بتدریج اختلاف سطح درآمد بین شهر و روستا افزایش یافت. انجام اصلاحات ارضی مناسبات کهن ارباب و رعیتی را در هم ریخته و موجب مهیا شدن زمینه‌های لازم برای یکپارچگی بازار داخلی، نفوذ تولیدات صنعتی در روستا و ذخیره نیروی انسانی اضافی روستا برای صنایع در حال توسعه شهری شد. مجموعه این عوامل موجبات مهاجرت‌های وسیعی را از روستاها به شهر فراهم آورد.

در چنین حالتی شهرها در دو جهت دچار دگرگونی شدند: جریان سرمایه‌ها به دگرگونی سریع عملکرد شهرها منجر شده و از طرف دیگر موج عظیم مهاجران، حاشیه‌نشینی را در اطراف شهرها بوجود آورد و نتیجتاً شهر به گسترش همه جانبه و توسعه فضائی خود دست زد. هجوم روستائیان ساختار شهر را در تمام سطوح آن به زیر سؤال برده و بالاخره ناهماهنگی و

دوگانگی را در ساختار فیزیکی، اقتصادی و اجتماعی شهرها بوجود آورد. بدین ترتیب دوران رشد سریع شهرنشینی آغاز شده و نتایج آن بصورت شهرنشینی مشکل‌زا نمایان گردید. توسعه روابط سرمایه‌داری در بطن یک اقتصاد تک محصولی متکی بر صادرات نفت سبب در حاشیه قرار گرفتن بخش کشاورزی، مهاجرت وسیع روستائیان و رشد سریع شهرها هم در تعداد و هم در ابعاد آنها شد.

بازتاب فضائی رشد شتابان شهرنشینی بصورت افزایش تعداد نقاط شهری در یک دوره سی ساله (۱۳۴۵-۶۵) به ۳ برابر آن و افزایش تعداد جمعیت در این فاصله زمانی به ۴/۵ برابر ظاهر شده است. درصد شهرنشینی در این فاصله زمانی از ۵۰ درصد کل جمعیت کشور تجاوز کرده و به ۵۴/۳٪ کل جمعیت کشور رسیده است. روند افزایش جمعیت شهرها علیرغم انقلاب اسلامی و دگرگونی در وضع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از تکاپو باز نایستاد و با سرعت فزاینده‌ای به رشد خود ادامه داد و در یک دوره ۱۳ ساله (۱۳۷۰) رقم درصد جمعیت شهری به ۵۸ درصد کل جمعیت کشور افزایش یافت.

## خودآزمای فصل چهارم:

۱- در دوره پس از اعلام مشروطیت چه نقشی از شهرها بیشتر موجب رشد و توسعه آنها شد؟

الف - بازرگان

ب - نظامی

ج - مرزی

د - صنعتی

۲- در چه دوره‌هایی شهر به عنوان عنصری مهم در سازماندهی فضای ملی ظاهر می‌شود؟

الف - قبل از ناصرالدین شاه

ب - آغاز قرن سیزدهم هجری

ج - آغاز قرن چهاردهم هجری

د - دوره ناصرالدین شاه

۳- کدام عامل بسته شهرها در آغاز قرن چهاردهم هجری به هم ریخت؟

الف - رشد اقتصادی

ب - نظام میانی جدید

ج - نظام اداری جدید

د - ایجاد امنیت

۴- ساختمانهای دولتی در چه دوره‌هایی بیشتر تغییر را در سیمای کالبدی شهرها به وجود آورد؟

الف - قبل از جنگ جهانی اول

ب - پهلوی

ج - قاجار

د - قبل از جنگ جهانی دوم

۵- اولین طرح شهری مربوط به کدام شهر بود؟

الف - همدان

ب - تبریز



- ج - تهران  
 ۶- در سال ۱۳۲۰ چند درصد جمعیت ایران شهری بود؟  
 الف - ۲۲/۵۶  
 ب - ۲۸/۳۵  
 ج - ۲۰/۹۸  
 د - ۲۱/۰۱
- ۷- براساس اظهار نظر ..... آهنگ سریع رشد شهرنشینی از سال ..... آغاز شده است.
- ۸- براساس سرشماری سال ۱۳۲۰ پرجمعیت‌ترین شهر ..... و کم جمعیت‌ترین شهر کشور ..... بوده است.
- ۹- بدنبال اجرای قانون اصلاحات ارضی شاهد ..... شهرها در کشور بوده‌ایم
- ۱۰- با افزایش مجموعه تسهیلات رفاهی در شهر تضاد بین ..... و ..... افزایش یافت.

### سؤال تشریحی فصل چهارم

۱- مراحل عمده و سیر تحول شهرنشینی ایران را در دوره شهرنشینی بطنی توضیح

دهید.

## فصل پنجم ۱-۵ تحولات شهر و شهرنشینی در جمهوری اسلامی

### هدف مرحله‌ای فصل پنجم

در این فصل دانشجویان، با تحولات شهر و شهرنشینی در نظام جمهوری اسلامی ایران آشنا می‌شوند. عوامل مؤثر در تحولات فوق و چهره جدید شهر و شهرنشینی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

### هدفهای آموزشی - رفتاری فصل پنجم

از دانشجویان انتظار دارد که با مطالعه این فصل و اطلاعات کسب شده از فصول قبل بر اهداف آموزشی - رفتاری زیر دست پیدا کنند.

- با تحولات شهر و شهرنشینی در نظام جمهوری اسلامی ایران آشنا شود.

- افزایش نقاط شهری و سیر تحول آن را بداند.

- با سطح‌بندی جمعیتی شهرهای ایران در نیم قرن اخیر آشنا باشد.

### ۱-۵-۱ ادامه جریان رشد شهرنشینی در بعد از انقلاب اسلامی:

بازتاب فضایی انقلاب اسلامی و نتایج آن خیلی زود نمایان گردید. مسائل و مبارزات سیاسی، جریان‌ات و مبادلات فکری و انقلابی، شهر را به کانون عمده این تحولات تبدیل کرد. دگرگونیهای اقتصادی و اجتماعی که بعد از هر انقلابی رخ می‌دهد در ایران نیز مجموعه عوامل را به نفع شهر سوق داد. شهرها که روندها رو به افزایش رشد را از یک دهه پیش آغاز کرده بودند با رشد فزاینده‌ای بر جمعیت خود افزودند. شروع و ادامه جنگ تحمیلی نیز این جریان را سرعت داد. جابه‌جایی جمعیت از مناطق جنگ‌زده به طرف نواحی دور از بحران جنگ که همه آنها را یکجا به درون شهر منتقل می‌کرد، جابه‌جائیهای نیروهای جوان به خصوص از نواحی روستایی به جبهه‌ها و نهایتاً به درون شهرها روز به روز بر جمعیت شهرها افزود. مهاجرین خارجی از کشورهای افغانستان و عراق نیز سرعت رشد شهرها را افزایش دادند. بنا به آمارهای غیررسمی نزدیک به ۳ میلیون افغانی که بیش از  $\frac{۳}{۴}$  آنها در شهرها ساکن بوده‌اند در ایران زندگی می‌کردند. افزایش زاد و ولد نیز به علت عدم کنترل جمعیت و تبلیغات به رشد شهرنشینی بیش از پیش

کمک کرد. (در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ رشد طبیعی جمعیت کشور ۳/۹ درصد در سال بوده است.) در سرشماری سال ۱۳۶۵ کل جمعیت کشور ۴۹/۴۴۵/۰۰۰ نفر بود و جمعیت شهرنشین ۲۶/۹۵۲/۰۰۰ نفر که ۵۴/۳ درصد کل جمعیت کشور را تشکیل می‌داد. در این دوره جمعیت شهرنشین و جمعیت کل کشور بر خلاف انتظار از رشد بیشتری برخوردار بوده و رشد سالانه جمعیت شهری نزدیک به ۷/۱ درصد بوده است. این درصد افزایش در سطوح جمعیتی شهرهای ایران به جز یک مورد منفی آن هم در شهرهای ۵ تا ۱۰ هزار نفری بین ۳/۲ تا ۲۷/۶ درصد متغیر است (جدول شماره ۹). در این دوره بیش از ۱۱ میلیون نفر بر جمعیت شهری اضافه گردید. این دهه به خاطر عبور جمعیت شهرنشین ایران از مرز ۵۰ درصد جمعیت کل کشور به عنوان یک دهه مشخص در تاریخ ایران است!

از عوامل مشخصه این دوره افزایش جمعیت شهرهای پرجمعیت و فاصله گرفتن آنها از شهرهای متوسط کشور بوده و هفت شهر بزرگ کشور به سرعت بر جمعیت خود افزودند و به موازات شهر تهران به کانونهای عهده جذب جمعیت تبدیل شدند. شهرهای بالای صد هزار نفری به ۴۱ شهر افزایش پیدا کرد، شهرهای مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، باختران و قم به همراه بقیه شهرهای بالای صد هزار نفری عمده‌ترین جمعیت شهری را در خود جذب کردند. مجموعه شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر با رشد سالانه متوسط برابر ۶/۱ نزدیک به ۶۶ درصد کل جمعیت شهری را به خود اختصاص دادند و با مجموع شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر که ۴۶ شهر را شامل می‌شد و بالاترین نرخ رشد جمعیت را نیز داشتند (۷/۵ درصد) و جمعاً ۸۷ شهر را تشکیل می‌دادند بیش از ۷۷ درصد جمعیت شهری را در خود جای دادند (جدول شماره ۹) مجموعه دگرگونیهای فضایی فوق بیانگر افزایش سریع وزن و سهم جمعیت شهری و نظام شهری در سازمان‌یابی فضای ملی است و همه عوامل را به نفع شهر تغییر داد.

در سرشماری سال ۱۳۷۰ سهم جمعیت شهری به کل جمعیت کشور به ۵۷/۰۲ درصد افزایش یافت و تعداد شهرها به ۵۱۴ رسید. از کل جمعیت کشور که ۵۵/۸۳۷/۱۶۳ نفر بود، ۳۱/۸۳۶/۵۹۸ نفر در شهرها و بقیه در روستاها ساکن بودند. تعداد شهرهای بالای یکصد هزار نفری به ۴۸ و شهرهای میلیونی به ۴ افزایش یافت. بالاترین تعداد شهرها به شهرهای ۱۰ تا ۲۵ هزار نفر تعلق داشت. تغییرات چشمگیری در نظام شهری نسبت به سرشماری ۱۳۶۵ احساس نمی‌شود ولی روند رشد با کاهش محسوس ادامه دارد رشد سالانه جمعیت شهری نزدیک به ۴ درصد در سال است که نسبت به رشد سال ۱۳۶۵ که ۷/۱ درصد بوده کاهش یافته است.<sup>۲</sup> مجموعه عوامل فوق از یک آرامش نسبی در جریان تحولات شهری و افزایش جمعیت

۱. دکتر علی‌اصغر نظری - جغرافیای جمعیت ایران، تهران، کیتاشناسی ۱۳۶۸ ص ۱۵۹.

۲. آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰ - نتایج عمومی کل کشور. مرکز آمار ایران، شهریور ۱۳۷۲.

و تعداد شهرها حکایت دارد ولی با این همه و در عین کاهش روند رشد، افزایش جمعیت شهری در پنج سال (۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰) به میزان تقریبی ۵ میلیون نفر رقم قابل توجهی را نشان می‌دهد که می‌تواند مسائل و مشکلات شهر و شهرنشینی را که پی‌آمدها و بازتابهای اقتصادی - اجتماعی آن هنوز در سطح ملی منعکس است مطرح نماید.

در سطح ناحیه‌ای دگرگونی در سهم جمعیت شهری و روستایی و گرایش به شهرنشینی و تغییرات آن یکسان نیست. درصد جمعیت شهری در استان تهران تغییری حاصل نکرده ولی جمعیت تهران به ۶۴/۶۷۵/۵۲۷ نفر افزایش یافته‌است. درصد جمعیت شهری در همه استانها روبه افزایش گذاشته ولی در استانهای آذربایجان شرقی، خوزستان، کردستان، ایلام، مرکزی و همدان افزایش چشمگیرتر است. در کل کشور در استانهای تهران، کرمانشاه، خوزستان، اصفهان، یزد درصد جمعیت شهری از درصد متوسط جمعیت شهرنشین کشور بالاست و در سایر استانها هنوز به مرز متوسط ملی نرسیده‌است. استانهای گیلان، مازندران، آذربایجان غربی، کرمان، سیستان و بلوچستان، کردستان، همدان، چهارمحال بختیاری، مرکزی، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان درصد شهرنشین آنها از ۵۰ درصد پایینتر است و در این میان کهگیلویه و بویر احمد با ۳۰/۴۴ درصد جمعیت شهرنشین پایینترین درصد جمعیت شهرنشین را داراست (جدول شماره ۱۴).

سهم جمعیت شهرنشین استانها در کل جمعیت شهرنشین کشور نیز مبین عدم تعادل در پراکندگی جمعیت شهرنشین در سطح ملی است. در کل کشور استان تهران با ۲۷/۲ درصد جمعیت شهری سهم خود را همچنان افزایش داده‌است و شهر تهران به تنهایی ۲۰/۳۳ جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای داده‌است ولی سهم خود را نسبت به جمعیت شهرنشین کشور در سال ۱۳۶۵ کاهش داده‌است. استانهای خراسان، با ۹/۶۳ درصد، اصفهان ۷/۶۹، آذربایجان شرقی ۷/۲۱ و خوزستان و فارس تقریباً ۶ درصد پس از تهران بیشترین درصد جمعیت شهرنشین را به خود اختصاص داده‌اند. در این میان کهگیلویه و بویر احمد با ۰/۴۷٪، ایلام ۰/۶۶٪، چهارمحال بختیاری با ۰/۸۷٪، به ترتیب کمترین سهم را از جمعیت شهرنشین دارا هستند (جدول شماره ۱۵).

پراکندگی شهرها در سطح اساسی تغییرات زیادی نسبت به سال ۱۳۶۵ پیدا نکرده‌است و تغییرات در تقسیمات اداری موجباتی را در افزایش تعداد شهرها فراهم آورده‌است. نقاط شهری در استانهای تهران، خوزستان، کردستان افزایش داشته‌است و در اکثر استانها ثابت مانده‌است.<sup>۱</sup> (جدول شماره ۱۵).

۱. مجموع اطلاعات از آمارگیری جمعیت در سال ۱۳۷۰ استخراج شده‌است. (مرکز آمار ایران)

## ۲-۵-۱ افزایش نقاط شهری و سطح‌بندی جمعیتی آنها در نیم قرن اخیر

افزایش تعداد نقاط شهری از موارد مشخص در دهه‌های اخیر و در دوره رشد شتابان شهری است. تا سال ۱۳۳۵ تعریف مشخصی از شهر و وجه تمایز مستقلاً بین شهر و روستا وجود نداشت. سوابق تاریخی و عوامل سیاسی - اداری در تمایز نقاط شهری و روستایی مؤثر بودند. تا اینکه در سرشماری سال ۱۳۳۵ مجموعه نقاطی که بیش از ۵ هزار نفر جمعیت داشتند و جزو نقاط شهری و کمتر از این جزو نقاط روستایی به حساب آمدند. در چنین حالتی تعداد نقاط شهری در سال ۱۳۳۵ به ۱۸۶ رسید که با مجموعه نقاط بین ۲ تا ۵ هزار نفر جمعیت و دارای شهرداری جمعاً ۱۹۹ نقطه شهری را شامل می‌شد. در این میان بیشترین نقاط شهری به طبقات جمعیتی ۵ تا ۲۵ هزار نفر تعلق داشت و به جز تهران شهر یک میلیونی و بالاتر نداشتیم. از مجموعه نقاط شهری فقط ۸ شهر بالای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت داشتند رقم تعداد شهرهای این دوره سرشماری در مقایسه با تقسیمات سیاسی سال ۱۳۱۶ که شرح آن گذشت و نقاط شهری دیگری که اسناد و مدارک تا اواخر قرن سیزده هجری شمسی به شهر بودن آن نقاط شهادت می‌دهند قابل توجه است و شاید بتوان قبول کرد که تعداد شهرها در این فاصله به دو برابر افزایش یافته‌است. ولی آنچه مسلم است نقاطی بر جمع شهرها افزوده شده‌اند که قبلاً جزو مناطق روستایی به حساب می‌آمدند و تصمیم‌گیریهای اداری - سیاسی و سایر عوامل موجب شده‌اند که در زمره نقاط شهری به حساب بیایند (جدول شماره ۱۶ و ۱۸ و ۱۹).

در سرشماری سال ۱۳۴۵ تعداد نقاط شهری با کمتر از دو هزار نفر جمعاً به ۲۷۲ شهر رسید که در مقایسه با سال ۱۳۳۵، ۷۳ شهر بر تعداد شهرها افزوده شده بود. در همین دوره نیز تعداد نقاط شهری ۵ تا ۲۵ هزار نفر با ۱۹۱ شهر بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده بودند. تعداد شهرهای بالای صد هزار نفر تا اندازه‌ای افزایش داشته و به ۱۳ شهر افزایش یافته‌است این مسئله بیانگر افزایش جمعیت در نقاط شهری بلند اندام در فاصله دوره سرشماری است (جدول شماره ۱۶ و ۱۸ و ۲۰).

بر مبنای سرشماری سال ۱۳۵۵ تعداد شهرها به ۳۷۳ می‌رسد که رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد (نزدیک به ۱۰۰ شهر) ولی آهنگ افزایش تعداد شهرها و نحوه آن مثل گذشته است و بیشتر بر تعداد شهرهای بین ۵ تا ۲۵ هزار نفر افزوده شده‌است موردی که حائز اهمیت است افزایش تعداد شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر و تا اندازه‌ای بالای صد هزار نفر است که جمعیت‌پذیری شهرهای متوسط را به علت سرمایه‌گذاریهای ملی نشان می‌دهد. در این دوره شهرهای نیم میلیونی در شبکه شهری ایران پیدا می‌شوند (جدول شماره ۱۶ و ۱۷ و ۲۱).

نقاط شهری در سرشماری سال ۱۳۶۵ با رشد بیشتری افزایش یافته‌است و تعداد آن به ۴۹۶ رسیده‌است. در مقایسه با دوره‌های دیگر سرشماری آهنگ و نحوه دگرگونی در شبکه شهری تغییر زیادی نکرده ولی تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. شهرهای ۵ تا ۲۵ هزار نفر باز هم در

حال افزایش بوده و بالاترین رقم را نشان می‌دهند. به علت تعریف جدیدی که از شهر در این دوره شده بود (داشتن شهرداری) نقاط شهری بین ۲ تا ۵ هزار نفر هم افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. نقاط شهری بالای یکصد هزار نفری افزایش یافته و به ۴۱ شهر رسیده‌است. به‌طور کلی افزایش تعداد نقاط کم جمعیت و افزایش جمعیت نقاط پرجمعیت و شهرهای متوسط در این دوره نمایانتر است. (جدول شماره ۱۶ و ۱۷ و ۲۲).

سرشماری سال ۱۳۷۰ تغییر چندانی را با سال ۱۳۶۵ نشان نمی‌دهد، تعداد شهرها به ۵۱۴ (۵ + ۵۰۹) رسیده و افزایش چندان قابل ملاحظه نیست. با در نظر گرفتن اینکه بعضی از شهرها مانند قصرشیرین، نوسود، موسیان، مهران هنوز خالی از سکنه هستند و شهرهایی مثل بانیکان و اروندکنار با شهرهای دیگر سرشماری شده‌اند. طبقه‌بندی شهرها نیز تغییرات زیادی را نشان نمی‌دهد. از نکات بارز این دوره پیدایش و ظهور شهرهای میلیونی به تعداد ۴ شهر در شبکه شهری ایران است و تعداد نقاط بالای یکصد هزار نفر نیز از رقم ۴۱ به ۴۷ رسیده‌است. (جدول شماره ۲۳).

جدول (۱۴) تعداد و درصد جمعیت شهری - روستایی - متحرک استانهای کشور در سال (۷۰)

درصد	جمعیت متحرک	درصد	جمعیت روستایی	درصد	جمعیت شهری	کل جمعیت	
۰/۶	۳۶۳۹۷۴	۲۲/۳۳	۲۳/۶۳۶/۵۹۱	۵۷/۰۲	۳۱/۸۳۶۵۹۸	۵۵/۸۳۷/۱۶۳	کل کشور
۰/۰۰۴	۲۳۱	۱۳/۰۹	۱/۳۰۸/۲۱۹	۸۶/۹	۸/۶۷۳/۶۵۹	۹۹۸۲۳۰۹	تهران
-	-	۵/۰۱	۵۹۱۴۳۴	۴۹/۹	۵۹۱/۱۷۷	۱/۱۸۲/۳۱۱	مرکزی
۰/۰۲	۴۸۷	۵۹/۹	۱۳۲۰۲۰۴	۴۰	۸۸۳/۳۵۶	۲/۲۰۴/۰۴۷	گیلان
۰/۰۹۹	۳۷۷	۵۹/۴	۲۲۵۳۴۴۵	۴۰/۵	۱/۵۳۹/۳۲۷	۳/۷۹۳/۱۴۹	مازندران
۰/۶۷	۳۰۰۴۰	۴۷/۳۸	۲۰۹۴۷۸۶	۵۱/۹	۲/۲۹۵/۵۱۷	۴۴۲۰۳۴۳	آذربایجان ش
۰/۰۵	۵۰۱	۵۲/۵۵	۱۲۰۰۲۷۲	۴۷/۴	۱۰۸۳۲۳۵	۲۲۸۴۲۰۸	آذربایجان غ
۱/۲۳	۲۱۵۹۱	۳۹/۳۱	۶۲۷۵۶۳	۵۹/۳۶	۹۶۳۰۰۵	۱۶۲۳۱۵۹	کرمانشاه
۱/۶۵	۲۰۳۹۹	۳۸/۵۷	۱۲۳۵۰۱۳	۶۰/۷۸	۱۹۳۰۴۴۰	۳۱۷۵۵۵۲	خوزستان
۱/۸۰	۶۳۷۱۶	۲۴/۹۹	۱۵۹۴۲۶۵	۵۳/۲۱	۱۸۸۵۸۴۷	۳۵۴۳۲۸۸	فارس
۳/۹۰	۷۲۵۵۰	۵۰/۴۴	۹۳۹۶۶۳	۴۵/۶۶	۸۵۰۵۲۹	۱۸۶۲۵۴۲	کرمان
۰/۲۷	۱۵۷۳۲	۴۸/۷۳	۲۹۳۰۳۳۲	۵۱	۳۰۶۷۲۳۶	۶۰۱۳۲۰۰	خراسان
۰/۶۹	۲۵۴۰۴	۳۲/۷۹	۱۲۰۷۴۱۷	۶۶/۵۲	۲۴۴۹۶۲۳	۳۶۸۲۴۴۴	اصفهان
۱/۰۳	۱۴۸۵۱	۵۵/۷۰	۸۱۰۵۶۸	۴۳/۲۷	۶۲۹۶۸۳	۱۴۵۵۱۰۲	سیستان و بلوچستان
۰/۰۲	۲۱۶	۵۲/۵۳	۶۴۷۹۲۵	۴۷/۴۵	۵۸۵۳۳۹	۱۲۳۳۴۸۰	کردستان
۰/۱۳	۲۰۵۱	۵۷/۶۸	۹۵۲۵۱۶	۴۲/۱۹	۶۹۶۷۵۳	۱۶۵۱۳۲۰	همدان
۳/۳۲	۲۴۷۹۳	۵۹/۶۱	۴۴۵۴۹۸	۳۷/۰۷	۲۷۷۰۰۶	۷۴۷۲۹۷	چهارمحال بختیاری
۲/۰۸	۳۱۲۵۴	۴۷/۳۵	۷۰۹۵۹۴	۵۰/۶۷	۷۶۰۹۳۰	۱۵۰۱۷۷۸	لرستان
۳/۵۱	۱۵۳۵۷	۴۸/۵۸	۲۱۴۲۱۸	۴۷/۹۱	۲۱۱۱۱۸	۴۴۰۶۹۳	ایلام
۴/۰۶	۲۰۱۷۵	۶۵/۵۱	۳۲۵۴۱۹	۳۰/۴۳	۱۵۱۱۴۵	۴۹۶۷۳۹	کهگیلویه و بویراحمد
۰/۲۹	۲۰۴۱	۴۸/۴۲	۳۳۶۱۳۶	۵۱/۲۹	۳۵۶۰۸۵	۶۹۴۲۵۲	بوشهر
۰/۰۹	۱۴۸۸	۵۳/۶۸	۹۵۳۴۸۹	۴۶/۲۳	۸۲۱۱۵۶	۱۷۷۶۱۳۳	زنجان
-	-	۳۸/۳۷	۱۷۵۸۰۹	۶۱/۶۳	۲۸۳۳۱۶	۳۵۸۱۲۵	سمنان
۰/۰۰۷	۵۲	۳۱/۹۴	۲۲۰۷۷۱	۶۸/۰۵	۴۷۰۲۹۶	۶۹۱۱۱۹	یزد
۰/۰۰۵	۴۶۸	۵۸/۶۹	۵۴۲۱۴۵	۴۱/۳۰	۳۸۱۸۲۰	۹۲۴۴۳۳	هرمزگان

جدول (۱۵) تعداد و درصد جمعیت شهری - روستایی - متحرک استانها نسبت به کل کشور  
در سال (۷۰)

شرح	جمعیت کل	درصد	جمعیت شهری	درصد	جمعیت روستایی	درصد	جمعیت متحرک	درصد
کل کشور	۵۵۸۳۷۱۶۳	%۱۰۰	۳۱۸۲۶۵۹۸	%۱۰۰	۲۳۶۱۰۵۶۵	%۱۰۰	۳۶۲۹۷۴	%۱۰۰
تهران	۹۹۸۲۳۰۹	۱۷/۸	۸۶۷۳۶۵۹	۲۷/۳	۱۳۰۸۲۱۹	۵/۵۳	۴۲۱	۰/۱۲
مرکزی	۱۱۸۲۳۶۱	۲/۱	۵۹۱۱۱۷۷	۱/۸۶	۵۹۱۴۳۴	۲/۵۰	-	-
گیلان	۲۲۰۴۰۴۷	۳/۹	۸۸۳۳۵۶	۲/۷۷	۱۳۲۰۲۰۴	۵/۵۹	۴۸۷	۰/۱۳
مازندران	۳۷۹۳۱۴۹	۶/۷	۱۵۳۹۳۲۷	۴/۸	۲۲۵۳۸۲۲	۹/۵۳	۳۷۷	۰/۱۰
آذربایجان ش	۴۴۲۰۳۳۳	۷/۹	۲۲۹۵۵۱۷	۷/۲۱	۲۰۹۴۷۸۶	۸/۸۶	۳۰۰۴۰	۸/۲۵
آذربایجان غ	۲۱۸۲۲۰۸	۴/۰۹	۱۰۸۳۲۳۵	۳/۲۰	۱۲۰۰۴۷۲	۵/۰۸	۵۰۱	۰/۱۴
کرمانشاه	۱۶۲۲۱۵۹	۲/۹	۹۶۳۰۰۰۵	۳/۰۲	۶۳۷۵۶۳	۲/۷۰	۲۱۵۹۱	۵/۹۳
خوزستان	۳۱۷۵۸۵۲	۵/۶	۱۹۳۰۴۴۰	۶/۰۶	۱۲۲۵۰۱۳	۵/۱۸	۲۰۳۹۹	۵/۶۰
فارس	۳۵۴۳۲۸۸	۶/۳	۱۸۵۵۸۲۷	۵/۹۲	۱۵۹۴۲۶۵	۶/۷۴	۶۳۷۱۶	۱۷/۵
کرمان	۱۸۶۲۵	٪۳۳	۸۵۰۵۲۹	۲/۶۷	۹۳۹۴۶۳	۳/۹۸	۷۲۵۵۰	۱۹/۹
خراسان	۶۰۱۳۳۰۰	۱۰/۷	۲۰۶۷۲۳۶	۹/۶۳	۲۹۳۰۲۳۲	۱۲/۴۰	۱۵۷۳۲	۴/۳۲
اصفهان	۳۶۸۲۴۴۴	۶/۵۹	۲۴۴۹۶۳۳	۷/۶۹	۱۲۰۷۴۱۷	۵/۱۱	۲۵۴۰۴	۶/۹
سیستان و بلوچستان	۱۴۵۵۱۰۲	۲/۶	۶۲۹۶۸۳	۱/۹۸	۸۱۰۵۶۸	۳/۴۳	۱۴۸۵۱	۴/۰۸
کردستان	۱۲۳۳۴۸۰	۲/۲	۵۸۵۳۳۹	۱/۸۲	۶۴۷۹۲۵	۲/۷۴	۲۱۶	۰/۰۶
همدان	۱۶۵۱۳۲۰	۲/۶۵	۶۹۶۷۵۳	۲/۱۹	۹۵۲۵۱۶	۴/۰۳	۲۰۵۱	۰/۵۶
چهارمحال و بختیاری	۱۷۴۷۲۹۷	۱/۳۳	۲۷۷۰۰۰۶	۰/۸۷	۴۵۰۲۹۸	۱/۸۸	۲۴۷۹۳	۶/۸۱
لرستان	۱۵۰۱۷۷۸	۲/۶۸	۷۶۰۹۳۰	۲/۳۹	۷۰۹۵۹۴	۳/۱۰	۳۱۲۵۴	۸/۵۸
ایلام	۴۴۰۶۹۳	۰/۷۸	۲۱۱۱۱۸	۰/۶۶	۲۱۴۲۱۸	۰/۹۱	۱۵۳۵۷	۴/۲
کهگیلویه و بویراحمد	۴۹۶۷۳۹	۰/۸۸	۱۵۱۱۴۵	۰/۴۷	۳۳۵۲۱۹	۱/۳۸	۲۰۱۷۵	۵/۵۴
بوشهر	۶۹۴۲۵۲	۱/۲۴	۳۵۶۰۸۵	۱/۱۲	۳۳۶۱۲۶	۱/۴۳	۲۰۴۱	۰/۵۶
زنجان	۱۷۷۶۱۳۳	۳/۱	۸۲۱۱۵۶	۲/۵۸	۹۵۳۴۸۹	۴/۰۳	۱۴۸۱	۰/۴۳
سمنان	۴۵۸۱۲۵	۰/۸۲	۲۸۳۳۱۶	۰/۸۹	۱۷۵۸۰۹	۰/۷۴	-	-
یزد	۶۹۱۱۱۹	۱/۲۳	۴۷۰۲۹۶	۱/۴۸	۲۲۰۷۷۱	۰/۹۳	۵۲	۰/۰۲
هرمزگان	۹۲۴۴۳۳	۱/۶۵	۳۸۱۸۲۰	۱/۲۰	۵۴۲۱۴۵	۲/۲۹	۴۶۸	۰/۱۳



جدول شماره ۱۶- فهرست تعداد شهرهای کشور به تفکیک استان در چهار دوره سرشماری

ردیف	استان ۱۳۳۵	تعداد شهر	استان ۱۳۴۵	تعداد شهر	استان ۱۳۵۵	تعداد شهر	استان ۱۳۶۵	تعداد شهر
۱-	مرکزی	۱۵	مرکزی	۲۱	مرکزی	۳۲	مرکزی	۱۵
۲-	گیلان	۱۲	گیلان	۱۷	گیلان	۱۹	گیلان	۳۱
۳-	مازندران و گیلان	۲۴	مازندران	۲۳	مازندران	۳۷	مازندران	۲۷
۴-	آذربایجان شرقی	۲۰	آذربایجان شرقی	۲۲	آذربایجان شرقی	۳۴	آذربایجان شرقی	۴۰
۵-	آذربایجان غربی	۷	آذربایجان غربی	۱۲	آذربایجان غربی	۱۲	آذربایجان غربی	۲۰
۶-	کرمانشاهان	۱۵	کرمانشاهان	۱۱	کرمانشاهان	۱۰	کرمانشاهان	۱۴
۷-	خوزستان و لرستان	۲۳	خوزستان	۱۹	خوزستان	۲۴	خوزستان	۲۴
۸-	فارس و بنادر	۱۹	فارس	۲۴	فارس	۲۸	فارس	۳۴
۹-	کرمان	۹	کرمان	۱۱	کرمان	۱۳	کرمان	۲۲
۱۰-	خراسان	۱۴	خراسان	۲۱	خراسان	۳۲	خراسان	۴۷
۱۱-	اصفهان و بزد	۳۲	اصفهان	۳۷	اصفهان	۴۲	اصفهان	۴۸
۱۲-	کردستان	۳	سیستان و بلوچستان	۵	سیستان و بلوچستان	۷	سیستان و بلوچستان	۱۱
۱۳-	سیستان و بلوچستان	۶	لرستان	۶	کردستان	۷	کردستان	۱۰
۱۴-			همدان	۱۰	همدان	۱۲	همدان	۱۲
۱۵-			کل جزایر و بنادر بحر عمان	۴	چهارمحال بختیاری	۱۲	چهارمحال بختیاری	۱۲
۱۶-			چهارمحال بختیاری	۹	لرستان	۸	لرستان	۱۰
۱۷-			بنادر و جزایر خلیج فارس	۴	ایلام	۴	ایلام	۱۳
۱۸-			سمنان	۴	کهگیلویه و بویراحمد	۳	کهگیلویه و بویراحمد	۵
۱۹-			کهگیلویه و بویراحمد	۳	بوشهر	۵	بوشهر	۱۱
۲۰-			ایلام	۴	زنجان	۵	زنجان	۱۴
۲۱-			کردستان	۶	سمنان	۱۰	سمنان	۱۱
۲۲-					یزد	۹	یزد	۱۲
۲۳-					هرمزگان	۶	هرمزگان	۱۳
۲۴-					تهران		تهران	۲۰
		۱۹۹		۲۷۷		۳۷۳		۴۹۶

استخراج از: جمعیت و شهرنشینی در ایران: حبیب‌اله زنجانی - و منابع مرکز آمار ایران

جدول شماره ۱۷- تعداد و درصد جمعیت شهرنشین کشور به تفکیک استان در دوره ۵۵-۶۵

استان ۱۳۵۵	تعداد جمعیت	درصد شهرنشینی	استان ۱۳۶۵	تعداد جمعیت	درصد شهرنشینی
کل کشور	۳۳۷۰۸۷۴۴	۴۷	کل کشور	۲۹۴۴۵۰۱۰	۵۲/۳
مرکزی	۱۱۶۵۱۷۰۳	۸۷/۲	تهران	۸۷۱۲۰۸۷	۸۶/۵
گیلان	۱۵۸۱۸۷۲	۲۹/۲	مرکزی	۱۰۸۲۱۰۹	۲۲
مازندران	۲۳۸۷۷۱۷۱	۳۲/۵	مازندران	۳۲۱۹۳۴۶	۳۸/۵
آذربایجان شرقی	۳۱۹۷۶۸۵	۳۷/۲	آذربایجان شرقی	۲۱۱۲۰۸۲	۲۸/۶
آذربایجان غربی	۱۲۰۷۶۰۲	۷/۳۱	آذربایجان غربی	۱۹۷۱۶۷۷	۲۵/۸
کرمانشاهان	۱۰۳۰۷۱۲	۲۲/۹	کرمانشاهان	۱۲۶۲۹۶۵	۵۶/۲
خوزستان	۲۱۸۷۱۱۸	۵۸/۳	خوزستان	۲۶۸۱۹۷۸	۵۵/۲
فارس	۲۰۳۵۵۸۲	۲۲/۹	فارس	۳۱۹۳۷۶۹	۵۰/۹
کرمان	۱۰۹۱۱۲۸	۳۲/۲	کرمان	۱۶۲۲۹۵۸	۲۳
خراسان	۳۲۶۲۳۹۸	۳۸/۱	خراسان	۵۲۸۰۶۰۵	۲۸/۳
اصفهان	۱۹۶۹۹۶۵	۶۳	اصفهان	۳۲۹۴۹۱۶	۶۲/۱
کردستان	۷۸۲۴۲۰	۲۴/۳	سیستان و بلوچستان	۱۱۹۷۰۵۹	۲۰/۷
سیستان و بلوچستان	۶۶۲۲۹۲	۲۴/۵	کردستان	۱۰۷۸۴۱۵	۳۹/۷
همدان	۱۰۸۸۰۲۴	۲۹/۹	همدان	۱۵۰۵۸۲۶	۳۷/۲
چهارمحال بختیاری	۳۹۲۳۵۷	۳۵/۶	چهارمحال بختیاری	۶۳۱۱۷۹	۳۶/۲
لرستان	۹۳۳۹۳۹	۳۱/۵	لرستان	۱۳۶۷۰۲۹	۲۶/۷
ایلام	۲۴۶۰۲۴	۱۹/۸	ایلام	۳۸۲۰۹۱	۴۱
کهگیلویه و بویراحمد	۲۴۴۳۷۰	۱۲/۶	کهگیلویه و بویراحمد	۴۱۱۸۲۸	۲۷
بوشهر	۳۴۷۸۶۳	۳۲/۲	بوشهر	۶۱۲۱۸۳	۵۰
زنجان	۵۸۰۵۷۰	۲۴/۹	زنجان	۱۵۸۸۶۰۰	۲۳
سمنان	۲۹۲۱۱۳	۳۸/۷	سمنان	۲۱۷۰۳۵	۵۸/۷
یزد	۳۵۶۸۲۹	۶۱/۲	یزد	۵۷۲۰۲۸	۶۶/۵
هرمزگان	۲۶۲۴۴۰	۲۶/۷	هرمزگان	۷۶۲۲۰۶	۲۰/۲
			گیلان	۲۰۸۱۰۳۷	۳۷/۷

استخراج از: جمعیت و شهرنشینی در ایران: حبیب‌الله زنجانى و منابع آماری مرکز آمار ایران

جدول شماره ۱۸- تعداد و درصد جمعیت شهرنشین کشور به تفکیک استان در دوره ۳۵-۴۵

استان ۱۳۳۵	تعداد جمعیت	درصد شهرنشینی	استان ۱۳۴۵	تعداد جمعیت	درصد شهرنشینی
کل کشور	۱۸۹۵۴۷۰۴	۳۱/۴	کل کشور	۲۵۰۷۸۹۲۳	۳۹
مرکزی	۲۷۱۷۳۰۹	۶۶/۸	مرکزی	۴۹۷۹۰۸۱	۷۰/۴
مازندران	۱۶۸۳۹۰۵	۲۱/۶	آذربایجان شرقی	۲۵۹۶۴۳۹	۲۹/۱
آذربایجان شرقی	۲۱۴۲۲۷۰	۲۵/۴	آذربایجان غربی	۱۰۸۷۱۸۲	۲۵/۵
آذربایجان غربی	۷۲۱۱۳۶	۲۲/۳	گیلان	۱۷۵۲۵۰۴	۲۲
خوزستان و لرستان	۲۰۶۸۵۰۳	۳۶/۶	مازندران	۱۸۴۱۶۳۷	۲۳/۹
فارس و بنادر بحر عمان	۱۳۲۰۶۱۴	۲۸/۹	کرمانشاهان	۷۷۶۴۰۹	۳۵/۹
کرمان	۷۸۳۳۴۵	۱۷	خوزستان	۱۵۷۸۰۷۹	۵۶
خراسان	۲۰۰۷۵۸۱	۲۱/۴	فارس	۱۴۳۹۸۰۴	۴۰/۳
اصفهان و یزد	۱۵۱۳۵۷۷	۳۸/۶	کرمان	۷۶۱۸۵۱	۲۵/۸
کردستان	۵۵۵۴۱۳	۱۱/۲	خراسان	۲۴۹۷۳۸۱	۲۹/۱
سیستان و بلوچستان	۴۲۸۳۶۳	۸/۷	اصفهان	۱۷۰۳۷۰۱	۵۱/۴
گیلان	۱۶۲۹۶۹۹	۱۹/۷	کردستان	۶۱۹۵۷۳	۱۶/۵
کرمانشاهان	۳۳۷۶۹۸۹	۲۶/۳	سیستان و بلوچستان	۴۵۴۹۹۶	۱۵/۸
			همدان	۸۸۹۸۸۸	۲۵/۹
			لرستان	۶۸۶۳۰۷	۲۴/۱
			کل جزایر و بنادر بحر عمان	۳۴۶۴۱۰	۱۵/۳
			چهارمحال بختیاری	۲۹۸۴۴۸	۲۹/۳
			بنادر و جزایر خلیج فارس	۲۵۱۹۲۱	۲۱/۷
			سمنان	۲۰۷۷۸۶	۴۰/۵
			کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۱۳۱۹	۹/۵
			ایلام	۱۴۸۳۰۷	۱۳/۶

استخراج از: جمعیت و شهرنشین در ایران حبیب‌اله زنجانی و منابع آماری مرکز آمار ایران

جدول شماره ۱۹ - توزیع شهرهای کشور بر حسب استانها در طبقات جمعیتی در سال ۱۳۳۵

نام استان	جمعیت	درصد شهرنشینی	تعداد شهرها	طبقات جمعیتی بر حسب ۱۰۰۰ نفر														
				بالاتر از ۱۰۰۰	۵۰۰ تا ۱۰۰۰	۳۰۰ تا ۵۰۰	۱۰۰ تا ۳۰۰	۵۰ تا ۱۰۰	۲۵ تا ۵۰	۱۰ تا ۲۵	۵ تا ۱۰	۲ تا ۵	کمتر از ۲					
کل کشور	۱۸۹۵۴۷۰۴	۳۱/۴	۱۹۹	۱	۸	۹	۲۲	۵۶	۹۰	۱۲	۱	۱۹۹						
مرکزی	۲۷۱۷۳۰۹	۶۶/۸	۱۵	۱	۲	۲	۱	۶	۴	۱	۱	۱۵						
گیلان	۱۶۲۹۶۹۹	۱۹/۷	۱۲	۱	۱	۱	۲	۳	۴	-۱		۱۲						
مازندران	۱۶۸۳۹۰۵	۲۱/۶	۲۴	۱	۱	۱	۵	۵	۱۳	۱	۱	۲۴						
آذربایجان شرقی	۲۱۴۲۲۷۰	۲۵/۴	۲۰	۱	۱	۱	۱	۶	۹	۲	۲	۲۰						
آذربایجان غربی	۷۲۱۱۲۶	۲۲/۳	۷	۱	۱	۱	۱	۳	۲			۷						
کرمانشاهان	۱۳۷۶۹۸۹	۲۶/۳	۱۵	۱	۱	۱		۵	۷	۱	۱	۱۵						
خوزستان و لرستان	۲۰۶۸۵۰۳	۳۶/۶	۲۳	۲	۲	۱	۵	۵	۱۰			۲۳						
فارس و بندرعمان	۱۳۲۰۶۱۴	۲۸/۹	۱۹	۱	۱	۲	۷	۷	۸	۱	۱	۱۹						
کرمان	۷۸۳۳۵	۱۷	۹	۱	۱	۱	۳	۴	۴	۱	۱	۹						
خراسان	۲۰۰۷۵۸۱	۲۱/۴	۱۴	۱	۱	۲	۵	۵	۶			۱۴						
اصفهان و یزد	۱۵۱۳۵۷۷	۳۸/۶	۳۲	۱	۱	۲	۲	۵	۲۱	۲	۲	۳۲						
کردستان	۵۵۵۴۱۳	۱۱/۲	۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱			۳						
سیستان و بلوچستان	۲۲۸۲۶۳	۸/۷	۶	۲	۱	۱	۲	۲	۱	۲	۱	۶						

استخراج از: جمعیت و شهرنشینی در ایران: دکتر حبیب‌الله زنجانی - منابع آماری و مرکز آمار ایران

جدول شماره ۲۰- توزیع شهرهای کشور بر حسب استانها در طبقات جمعیتی در سال ۴۵

نام استان	جمعیت	درصد شهرنشینی	تعداد شهر	طبقات جمعیتی بر حسب ۱۰۰۰ نفر								
				کمتر از ۲	۲ تا ۵	۵ تا ۱۰	۱۰ تا ۲۵	۲۵ تا ۵۰	۵۰ تا ۱۰۰	۱۰۰ تا ۳۰۰	۳۰۰ تا ۵۰۰	۵۰۰ تا ۱۰۰۰
کل کشور	۲۵۰۷۸۹۲۳	۳۹	۲۷۲	۴	۱۸	۱۱۹	۷۲	۳۰	۱۵	۱۰	۳	۱
مرکزی	۴۹۷۹۰۸۱	۷۰/۴	۲۱		۱	۶	۶	۱	۳	۳		۱
آذربایجان شرقی	۲۵۹۶۴۳۹	۲۹/۱	۲۲		۲	۱۰	۶	۱	۲		۱	
آذربایجان غربی	۱۰۸۷۱۸۲	۲۵/۵	۱۲		۱	۵	۳	۲		۱		
گیلان	۱۷۵۲۵۰۴	۲۲	۱۷		۱	۷	۵	۲	۱			
مازندران	۱۸۴۱۶۳۷	۲۳/۹	۲۳		۱	۷	۸	۶		۱		
کرمانشاهان	۷۷۶۴۰۹	۳۵/۹	۱۱		۲	۴	۴			۱		
خوزستان	۱۵۷۸۰۷۹	۵۶	۱۹			۱۰	۳	۱	۳	۲		
فارس	۱۴۳۹۸۰۴	۲۰/۳	۲۴			۱۳	۷	۳		۱		
کرمان	۷۶۱۸۵۱	۲۵/۸	۱۱			۷	۳					
خراسان	۲۲۹۷۳۸۱	۲۹/۱	۲۱			۹	۵	۶		۱		
اصفهان	۱۷۰۳۷۰۱	۵۱/۴	۳۷			۷	۱۸	۷		۱		
کردستان	۶۱۹۵۷۳	۱۶/۵	۶			۱	۲	۲				
سیستان و بلوچستان	۴۵۴۹۹۶	۱۵/۸	۵			۲	۱	۱				
همدان	۸۸۹۸۸	۲۵/۹	۱۰			۵	۳	۱		۱		
لرستان	۶۸۶۳۰۷	۲۴/۱	۵			۱	۲		۲			
کل جزایر و بنادر عمان	۳۴۶۴۱۰	۱۵/۳	۴			۳		۱				
چهارمحال و بختیاری	۲۹۸۲۴۸	۲۹/۳	۹			۷	۲					
بنادر خلیج فارس	۲۵۱۹۲۱	۲۱/۷	۴			۲	۲					
سمنان	۲۰۷۷۸۶	۴۰/۵	۴			۱	۱	۲				
کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۱۲۱۹	۹/۵	۳	۲								
ایلام	۱۴۸۳۰۷	۱۳/۶	۴	۲	۱							

استخراج از جمعیت و شهرنشینی در ایران: حبیب‌اله زنجانی - منابع آماری مرکز آمار ایران

جدول شماره ۲۱- توزیع شهرهای کشور بر حسب استانها در طبقات جمعیتی در سال ۵۵

نام استان	جمعیت	درصد شهرنشینی	تعداد شهر	طبقات جمعیتی بر حسب ۱۰۰۰ نفر									
				کمتر از ۲	۲ تا ۵	۵ تا ۱۰	۱۰ تا ۲۵	۲۵ تا ۵۰	۵۰ تا ۱۰۰	۱۰۰ تا ۳۰۰	۳۰۰ تا ۵۰۰	۵۰۰ تا بالاتر از ۱۰۰۰	
کل کشور	۲۳۷۰۸۷۴۴	۴۷	۳۷۳		۶	۱۶۸	۱۰۹	۴۵	۱۲۲	۱۷	۲	۳	۱
مرکزی	۱۱۶۵۱۷۰۳	۸۷/۲	۳۲		۱۸	۱۸	۵	۲	۲	۲	۲		
گیلان	۱۵۸۱۸۷۲	۲۹/۲	۱۹		۸	۷	۲	۱	۱	۱	۱		
مازندران	۲۳۸۷۱۷۱	۳۲/۵	۳۷		۱۷	۱۲	۲	۲	۶	۲			
آذربایجان شرقی	۳۱۹۷۶۸۵	۳۷/۲	۳۴		۱۹	۸	۴	۱	۱	۱		۱	
آذربایجان غربی	۱۴۰۷۶۰۴	۳۱/۷	۱۴		۳	۶	۱	۱	۱				
کرمانشاهان	۱۰۳۰۷۱۴	۴۲/۹	۱۰		۲	۶	۱	۱					
خوزستان	۲۱۸۷۱۱۸	۵۸/۳	۲۴		۷	۷	۵	۱	۱	۳			
فارس	۲۰۳۵۵۸۲	۴۲/۹	۲۸		۱۲	۱۰	۳	۳	۲				
کرمان	۱۰۹۱۱۴۸	۳۲/۲	۱۳		۶	۳	۳	۲					
خراسان	۳۲۴۴۳۹۸	۳۸/۱	۳۲		۱۳	۱۱	۵	۲	۲			۱	
اصفهان	۱۹۶۹۹۶۵	۶۳	۴۲	۱	۲۳	۱۱	۴	۲	۲				
کردستان	۷۸۲۴۴۰	۲۴/۳	۷		۱	۴	۱	۱	۱				
سیستان و بلوچستان	۶۶۴۲۹۲	۴۲/۵	۷		۴	۱	۱	۱	۱				
همدان	۱۰۸۸۰۲۴	۲۹/۹	۱۲		۶	۳	۲	۲	۱				
چهارمحال بختیاری	۳۹۴۳۵۷	۳۵/۶	۱۲		۸	۳	۲	۱	۱	۲			
البرز	۹۳۳۹۳۹	۲۱/۵	۸		۳	۲	۱	۱	۱				
ایلام	۲۴۶۰۲۴	۲۹/۸	۴		۲	۲	۱	۱	۱				
کهگیلویه و بویراحمد	۲۴۴۳۷۰	۱۲/۶	۳		۲	۱	۱	۱					
بویشهر	۳۴۷۸۶۳	۳۴/۴	۲		۲	۱	۱	۱					
زنجان	۵۸۰۵۷۰	۲۴/۹	۶		۱	۲	۲	۱	۱				
سمنان	۲۹۲۱۱۳	۳۸/۷	۷		۴	۳	۳						
یزد	۳۵۶۸۲۹	۶۱/۲	۱۲		۵	۳							
هرمزگان	۲۶۴۴۴۰	۲۶/۷	۶		۱	۴							

استخراج از: کتاب جمعیت و شهرنشینی در ایران: حبیب‌اله زنجانی: منابع آماری مرکز آمار ایران

جدول شماره ۲۲- توزیع شهرهای کشور بر حسب استانها در طبقات جمعیتی در سال ۱۳۶۵

نام استان	جمعیت	درصد شهرنشینی	تعداد شهر	طبقات جمعیتی بر حسب ۱۰۰۰ نفر									
				کتر از ۲	۲ تا ۵	۵ تا ۱۰	۱۰ تا ۲۵	۲۵ تا ۵۰	۵۰ تا ۱۰۰	۱۰۰ تا ۳۰۰	۳۰۰ تا ۵۰۰	۵۰۰ تا ۱۰۰۰	بالاتر از ۱۰۰۰
				۲	۵	۱۰	۲۵	۵۰	۱۰۰	۳۰۰	۵۰۰	۱۰۰۰	
کل کشور	۴۹۴۵۰۱۰	۵۴/۳	۴۹۶	۲۰	۶۴	۱۱۳	۱۴۵	۶۷	۴۶	۳۲	۱	۶	۲
تهران	۸۷۱۲۰۸۷	۸۶/۵	۲۰	۱	۵	۶	۶	۳	۳	۳		۱	۱
مرکزی	۱۰۸۲۱۰۹	۴۴	۱۵	۴	۳	۵	۵	۱	۱	۱			
گیلان	۲۰۸۱۰۳۷	۳۷/۷	۳۱	۲	۱۲	۱۱	۳	۱	۱	۱			
مازندران	۳۴۱۹۳۲۶	۳۸/۵	۴۷	۶	۹	۱۶	۷	۲	۲	۵			
آذربایجان شرقی	۴۱۱۴۰۸۴	۴۸/۶	۴۰	۸	۱۱	۱۰	۵	۳	۳	۲		۱	
آذربایجان غربی	۱۹۷۱۶۷۷	۲۵/۸	۲۰	۱	۴	۷	۱	۱	۱	۱		۱	
کرمانشاهان	۱۴۶۲۹۶۵	۵۶/۲	۱۴	۴	۱	۳	۱	۳	۱			۱	
خوزستان	۲۶۸۱۹۷۸	۵۵/۴	۲۴	۱		۵	۶	۵	۲			۱	
فارس	۳۱۹۳۷۶۹	۵۰/۹	۳۴	۱	۸	۱۲	۸	۱	۲			۱	
کرمان	۱۶۲۲۹۵۸	۴۳	۲۲	۳	۵	۸	۲	۲	۱			۱	
خراسان	۵۲۸۰۶۰۵	۴۸/۳	۴۷	۱	۱۲	۱۰	۴	۵	۲			۱	
اصفهان	۳۲۹۴۹۱۶	۶۴/۱	۴۸	۵	۱۴	۱۵	۸	۲	۲			۱	
سیستان و بلوچستان	۱۱۹۷۰۵۹	۴۰/۷	۱۱	۳		۴	۱						
کردستان	۱۰۷۸۴۱۵	۳۹/۷	۱۰			۳	۲	۳					
همدان	۱۵۰۵۸۲۶	۳۷/۶	۱۲	۱		۳	۱	۲					
چهارمحال و بختیاری	۶۳۱۵۷۹	۳۶/۴	۱۲	۱	۲	۷	۱	۱					
لرستان	۱۳۶۷۰۲۹	۴۶/۷	۲۰	۱		۲	۲	۳					
کبکیلویه و بویراحمد	۴۱۱۸۲۸	۲۷	۵	۱	۱	۱	۱	۱					
بوشهر	۶۱۲۱۸۳	۵۰	۱۱	۱	۱	۴	۱	۲					
زنجان	۱۵۸۸۶۰۰	۴۳	۱۴	۲	۳	۳	۴	۲					
یزد	۵۷۴۰۲۸	۶۶/۵	۱۲	۱	۱	۴	۱	۳					
سمنان	۴۱۷۰۳۵	۵۸/۷	۱۱	۲	۲	۲	۱	۲					
هرمزگان	۷۶۳۲۰۶	۴۰/۴	۱۳	۱	۲	۶	۱	۲					
ایلام	۳۸۲۰۹۱	۴۱	۱۳	۲	۲	۲	۱	۲					

استخراج از: کتاب جمعیت و شهرنشینی در ایران: حبیب‌اله زنجانی و منابع آماری مرکز آمار ایران

جدول شماره ۲۳- تعداد شهرهای ایران به حسب طبقات جمعیتی و به تفکیک استانهای کشور در سال ۱۳۷۰

شرح	کمتر از ۲	۲-۵	۵-۱۰	۱۰-۲۵	۲۵-۵۰	۵۰-۱۰۰	۱۰۰-۲۵۰	۲۵۰-۵۰۰	۵۰۰-۱۰۰۰	۱۰۰۰+	جمع
کل کشور	۷	۲۷	۱۱۰	۱۵۵	۸۶	۵۶	۳۰	۱۰	۴	۴	۵۰۹
تهران	-	۱	۴	۴	۴	۲	۳	۱	۲	۱	۲۲
مرکزی	-	۲	۵	۴	۲	۱	-	۱	-	-	۱۵
گیلان	۱	۱	۱۱	۹	۶	۲	-	۱	-	-	۳۱
مازندران	۲	۶	۷	۱۵	۱۰	۴	۶	-	-	-	۴۷
آذربایجان ش	-	۵	۱۳	۱۰	۶	۱	۲	۱	۱	۱	۴۱
آذربایجان غ	-	-	۴	۵	۴	۵	۲	۱	-	-	۲۰
کرمانشاه	-	-	۳	۴	۲	۲	-	-	۱	-	۱۴
حوزستان	-	۱	۱	۹	۵	۸	۲	-	۱	-	۲۷
فارس	-	۱	۵	۱۷	۸	۴	-	-	۱	-	۳۶
کرمان	-	۲	۵	۱۰	۲	۲	۱	۱	-	-	۲۳
خراسان	۱	۱۱	۱۲	۱۰	۴	۴	۲	-	-	۱	۴۷
اسفهان	۱	۳	۱۳	۱۵	۹	۴	۳	-	-	۱	۲۹
سیستان و بلوچستان	-	۳	۱	۱	۳	۲	-	۱	-	-	۱۱
کردستان	-	-	۱	۲	۴	۲	۱	-	-	-	۱۰
مدان	-	۱	۳	۳	۲	۱	۱	۱	-	-	۱۲
چهارمحال بختیاری	-	-	۱	۱۰	۱	۱	-	-	-	-	۱۳
لرستان	-	-	۱	۲	۲	۳	۲	-	-	-	۱۰
ایلام	-	۴	۲	۲	-	-	۱	-	-	-	۱۱
کهگیلویه و بویراحمد	-	-	۲	-	۲	۱	-	-	-	-	۵
بوشهر	-	۱	۳	۴	۱	۱	۱	-	-	-	۱۱
زنجان	-	۱	۳	۲	۲	۱	۱	۱	-	-	۱۵
سمنان	-	۲	۴	۲	۱	۲	-	-	-	-	۱۱
یزد	۱	۱	۲	۶	۲	-	-	۱	-	-	۱۳
هرمزگان	۱	۲	۳	۵	۱	-	۱	-	-	-	۱۳

۱. قصر شیرین ۲. نوسود ۳. باینکان ۴. اروندکنار × موسیان ۲. مهران

### خلاصه فصل پنجم

افزایش سریع رشد شهرنشینی ایران که از دو دهه قبل آغاز شده بود، بعد از انقلاب اسلامی نیز ادامه یافت. مسائل و مبارزات سیاسی، دگرگونیهای اقتصادی و اجتماعی که بعد از هر انقلاب رخ می دهد مجموعه عواملی بودند که در ابتدا رونق شهرنشینی را موجب شدند. از طرف دیگر شروع و ادامه جنگ تحمیلی نیز جریان را سرعت داد. جابجایی جمعیت از مناطق جنگ زده به طرف نواحی امن و مهاجرین خارجی به خصوص مهاجرین افغانی نیز از جمله عواملی بودند که در این دوره شهرنشینی سرعت بخشیدند. در نتیجه جمعیت شهرنشینی کشور نزدیک به ۲۷ میلیون نفر یعنی ۵۴/۳ درصد کل جمعیت کشور رسید. رشد جمعیت کل کشور و جمعیت شهری بر خلاف انتظار بود و رشد سالانه جمعیت شهری ۷/۱ درصد بوده است. این دوره



به خاطر عبور جمعیت شهرنشین کشور از مرز ۵۰ درصد جمعیت کل کشور به عنوان یک دهه مشخص در تاریخ ایران است. در این دوره ۷ شهر پرجمعیت کشور از شهرهای متوسط و کوچک فاصله بیشتری گرفتند و به موازات تهران به کانونهای عمده جمعیتی تبدیل شدند. جمع شهرهای بالای یکصد هزار نفری به ۴۱ شهر رسید. به طور کلی در این دوره مجموعه دگرگونیهای فضایی بیانگر افزایش سهم و وزن جمعیت شهری و نظام شهری در سازمان یابی فضای ملی است.

در سرشماری سال ۱۳۷۰ سهم جمعیت شهری به کل جمعیت کشور به ۵۷/۰۲ درصد یعنی نزدیک به ۳۲ میلیون نفر رسید و تعداد شهرها به ۵۱۴ افزایش یافت. مجموعه عوامل در این دوره از یک آرامش نسبی در جریان تحولات شهری و افزایش جمعیت شهری و تعداد شهرها حکایت دارد.

در فاصله دو سرشماری سال ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ در سطح ناحیه ای دگرگونیهایی ملاحظه می شود. درصد جمعیت شهرنشین استان تهران تغییری حاصل نکرده ولی جمعیت تهران نزدیک ۴۵۰ هزار نفر افزایش داشته است. درصد جمعیت شهری در استانهای آذربایجان شرقی، خوزستان، کردستان، ایلام و همدان افزایش چشمگیری داشت. در استانهای تهران، کرمانشاه، خوزستان، اصفهان و یزد درصد جمعیت شهری از درصد متوسط جمعیت شهرنشین کشور بالا و در سایر استانها پائینتر بوده است.

در کل استان تهران با ۲۷/۲ درصد بالاترین و چهارمحال بختیاری با ۰/۸۷ درصد کمترین سهم را از جمعیت شهرنشین کشور داشتند.

افزایش تعداد شهرها نیز از موارد مشخص در دوره بعد از انقلاب است. در سرشماری سال ۱۳۶۵ نقاط شهری رشد بیشتری داشته است و تعداد آنها به ۴۹۶ رسید که در مقایسه با دوره های سرشماری قبلی رشد بیشتری را نشان می داد. در دوره ۵ ساله بعدی آهنگ رشد نقاط شهری کاهش داشته است و جمعاً به ۵۱۴ نقطه شهری افزایش یافته است. از نکات بارز این دوره پیدایش و ظهور شهرهای میلیونی است که به تعداد ۴ شهر در شبکه شهری ایران ظاهر شده است.

## خودآزمای فصل پنجم

### سوالات تستی

۱- در سرشماری سال ۱۳۶۵ جمعیت شهری کشور به چند درصد رسید؟

ب - ۵۴/۳ درصد

الف - ۵۷/۰۲ درصد

د - ۵۵ درصد

ج - ۵۳/۴ درصد

۲- رشد جمعیت شهری در فاصله دو سرشماری ۶۵ - ۱۳۵۵ چند درصد بوده است؟

الف - ۵ درصد

ب -  $3/2$  درصد

ج -  $7/1$  درصد

د -  $3/9$  درصد

۳- شهرهای پرجمعیت در دوره سرشماری ۱۳۶۵ چه ویژگی داشتند؟

الف - افزایش جمعیت و فاصله گرفتن از شهرهای متوسط

ب - افزایش جمعیت و نزدیک شدن به تهران

ج - افزایش محدود جمعیت

د - افزایش جمعیت به موازات افزایش جمعیت شهرهای متوسط

۴- سرشماری سال ۱۳۷۰ از نظر جمعیت شهری بیانگر کدام یک از خصوصیات بارز زیر است.

الف - از رشد بی‌رویه شهرهای بالای یکصد هزار نفر حکایت دارد.

ب - از رشد بی‌رویه شهرهای بالای یکصد هزار نفر حکایت دارد.

ج - از رشد بیشتر جمعیت شهری نسبت به سرشماری سال ۱۳۶۵ حکایت دارد.

د - از یک آرامش نسبی در جریان تحولات شهری حکایت دارد.

۵- سهم جمعیت شهرنشین در کدام یک از دو استان کشور بالاست؟

الف - تهران - یزد

ب - تهران - خوزستان

ج - تهران - اصفهان

د - اصفهان - سمنان

### سؤالات تکمیلی

۱- در سرشماری سال ۱۳۷۰ سهم جمعیت شهری به کل جمعیت کشور به ..... درصد افزایش

یافت.

۲- مجموعه دگرگونیهای فضایی در دوره سرشماری سال ۱۳۶۵ بیانگر افزایش سریع سهم و

وزن ..... در سازمانیابی فضای ملی است.

۳- رشد سالانه جمعیت شهری در سرشماری سال ۱۳۷۰ نزدیک به ..... درصد در سال

بوده است.

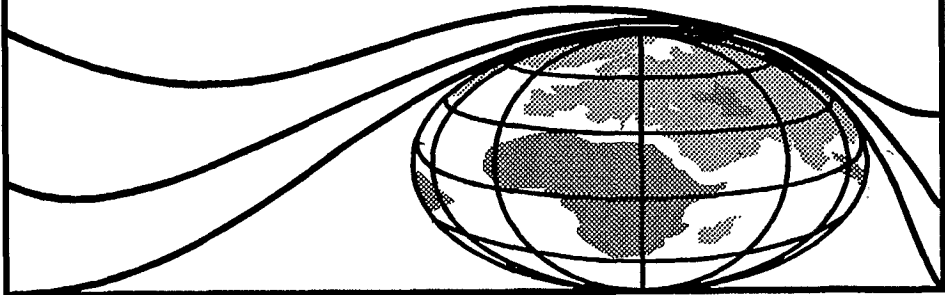
### سؤال تشریحی

سهم و وزن جمعیت شهری را در دوره سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ با هم مقایسه نمایید؟

## بخش دوم: شهر و شهرنشینی در ارتباط با محیط طبیعی

### هدف مرحله‌ای بخش دوم:

در این بخش دانشجویان با عوامل و شرایط طبیعی و عناصر سازنده محیط طبیعی مؤثر در پدیده شهر و شهرنشینی آشنا و نحوه تأثیر آنها را بر مکان‌گزینی و شکل‌گیری شهرهای ایران باز خواهند شناخت.



## مقدمه

خصوصیات جغرافیای طبیعی کشور گویای بسیار از واقعیت‌های محیطی و نقش آن در استقرار جوامع انسانی و تکوین و معیشت آنهاست. این موضوع تاکنون کمتر از دید علمی مورد بررسی قرار گرفته است در حالیکه در توزیع جغرافیائی شهرهای ایران ویژگیهای جغرافیای طبیعی از عوامل مهم در مکانیابی آنها بوده است.

عوارض طبیعی مانند کوهها، بیابانها، کویرها، دریاها از مهمترین عوارض طبیعی در ممانعت از گسترش شهرها شده است. در صورتیکه عوارض طبیعی مانند دشت‌ها، جلگه‌ها، آب و هوا، رودها و دریاها علت وجود و گسترش شهرها را موجب شده‌اند. می‌توان گفت دشتها و جلگه‌ها بستر مناسبی برای فعالیت گروههای انسانی در کانونهای شهری به شمار می‌روند. اقلیم مساعد و وجود رودها و دریاها می‌توانند توسعه فزاینده شهرها را موجب گردد.

از سوی دیگر برخی عوارض طبیعی نیز گسترش شهرها را مانع می‌گردند. اصولاً بنیادهای جغرافیائی در جذب جمعیت، شرایط اکولوژیکی خاص خود را طلب می‌کنند که عدم تعادل در آن موجبات بر هم خوردن شرایط زیست محیطی را فراهم می‌کند. بدین ترتیب توجه به موقعیت، مکان‌گزینی و نحوه استقرار شهرها از نظر طبیعی در درون نظام شهری ایران ضرورت حاصل می‌کند. توجه به پراکندگی جغرافیایی شهرهای ایران بطور چشمگیری تبعیت از قانونمندی طبیعی را نشان می‌دهد. وسعت و جهت‌گیری ارتفاعات و پراکندگی و نقش آنها در تقسیم سرزمین، وجود کویرهای وسیع، فقر پوشش گیاهی، پایین بودن نزولات جوی، بالا بودن درجه حرارت و تغییرات شدید آن، کمبود منابع آب شیرین و جریانانات دائمی از مهمترین محدودیت‌های طبیعی هستند که به محدودیت پراکندگی فضا‌های مناسب توسعه در پهنه کشور منتهی می‌شود. بعلاوه فضا‌های مناسب توسعه نیز چنانچه با تراکم شهری بیش از سقف قابلیت‌هایشان مواجه شوند با محدودیت‌ها روبرو خواهند شد.<sup>۱</sup>

بطور کلی خصوصیات طبیعی کشور گویای بسیاری از واقعیت‌های محیطی و نقش آن در استقرار جوامع انسانی و تکوین فعالیت و معیشت آنهاست. در توزیع جغرافیایی شهرهای ایران موقعیت و ویژگی‌های جغرافیای طبیعی از جمله موقعیت ریاضی، عامل ناهمواری و ارتفاع مکان (توپوگرافی)، اقلیم، منابع آب، پوشش گیاهی و خاک از عواملی مهم هستند که باید مورد توجه قرار گیرند.

۱. اصغر نظریان: لزوم تعادل بخشی نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران در طرح‌ریزی کالبدی: سمینار طرح‌ریزی کالبدی کشور:

اصفهان ۲۳ تا ۲۵ دی ماه ۷۰. وزارت مسکن و شهرسازی

## فصل اول

### ۱-۲ نقش بنیادهای جغرافیایی در شکل‌گیری شهرهای ایران

#### هدف مرحله‌ای فصل اول:

در این فصل دانشجویان با نقش بنیادهای جغرافیایی مؤثر در مکان‌گزینی در رشد شهرهای ایران آشنا خواهند شد. بنیادهای جغرافیایی چون عرض جغرافیایی، وضعیت توپوگرافیکی ... که هر کدام زیرمجموعه‌های متعددی نیز دارند بعنوان قطبی از قطب‌های دو گانه عمده جغرافیا یعنی، انسان و محیط در شکل‌گیری پدیده شهر که حاصل فعالیت‌های انسان با ویژگیهای تکنولوژیکی خود و محیط است، نقش عمده دارد که در این فصل به شرح ماهیت و عملکرد آنها اشاره شده است.

#### هدفهای آموزشی - رفتاری فصل اول

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بر اهداف آموزشی - رفتاری زیر دست پیدا کنند و با استفاده از هدفهای ورودی که بعنوان هدفهای رفتاری - آموزشی در درس پیش‌نیاز مطرح شده بتوانند مسائل مربوط به نقش عوامل طبیعی و بنیادهای جغرافیایی در مکان‌گزینی شهرها و رشد آنها را تجزیه و تحلیل کنند.

- از پراکندگی شهرهای ایران در ارتباط با عرض جغرافیایی اطلاع دانسته و چهره این پراکندگی را ترسیم کنند.

- تفاوت پراکندگی که در مقاطع عرض‌های ۳۰-۲۵ و ۳۰-۳۵ و ۴۰-۳۵ را دانسته و دلایل آن را توجیه کند.

- پراکندگی جمعیت شهری را در مقاطع سه‌گانه عرض جغرافیایی بداند

- با مفهوم نقش عوامل توپوگرافیک در مکان‌گزینی شهرها آشنا باشد.

- نقش‌های مختلفی را که عوارض زمین در مکان‌گزینی شهرها اعمال می‌کنند بشناسد.

- ارتفاع ۱۲۰۰ متر به بالا و رابطه آن را با مکان‌گزینی شهرها و رشد آنها بداند

- سیمای پراکندگی شهرهای ایران را در ارتفاع ۱۲۰۰ متر به بالا ترسیم و دلایل آن را

توجیه کند.

- جمعیت شهری و تعداد شهرهای مستقر در ارتفاع ۱۲۰۰ متر به بالا را بداند.

- جمعیت شهری و تعداد شهرهای مستقر در ارتفاع بین ۹۰۰ الی ۱۲۰۰ را بداند
- از موقعیت جلگه‌های ساحلی واقع در ارتفاع ۰-۳۰۰ متر در ارتباط با مکان‌گزینی شهرها و رشد آنها آگاه باشد.
- سیمای پراکندگی شهرهای ایران را در نواحی جلگه‌های ساحلی واقع در ارتفاع ۰-۳۰۰ ترسیم و دلایل آن را توجیه کند.
- جمعیت شهری و تعداد شهرهای واقع در جلگه‌های ساحلی واقع در ارتفاع ۰-۳۰۰ را بداند و تفاوت آن را با وضعیت‌های توپوگرافی دیگر توجیه کند.
- از موقعیت فلات داخلی ایران در ارتفاع ۳۰۰-۹۰۰ متر و نقش آن در مکان‌گزینی و رشد شهرها آگاه باشد.
- سیمای پراکندگی شهرهای ایران را در داخل فلات ایران و در ارتفاع بین ۳۰۰-۹۰۰ متر ترسیم و دلایل آن را توجیه کند.
- تفاوت بین سیمای پراکندگی شهرهای داخل فلات ایران در ارتفاع بین ۳۰۰-۹۰۰ متر را با سایر تقسیمات توپوگرافیکی ایران بشناسد.
- جمعیت شهری و تعداد شهرهای ایران را در داخل فلات ایران و در ارتفاع بین ۳۰۰-۹۰۰ متر را بشناسد.
- با استفاده از دانش جغرافیایی ماخوذ از درس‌های پیش‌نیاز وضعیت توپوگرافیکی مناسب در مکان‌گزینی و رشد شهرهای ایران را توجیه کند.
- نقش منابع آب را در مکان‌گزینی و توزیع شهرهای ایران را بداند
- وضعیت مکان‌گزینی و رشد شهرهایی را که به دریاها حاشیه‌ی ایران تکیه کرده‌اند، بداند.
- نقش رودخانه در مکان‌گزینی شهرهای ایران و رشد آنها را بداند
- نقش آبهای زیرزمینی چون قنات و چشمه را در مکان‌گزینی شهرهای ایران بداند.
- نقش منابع آب ذخیره‌ی چون آب انبارها و سدها را در مکان‌گزینی شهرها و رشد آنها بداند.

### ۱-۱-۲ مکان‌گزینی شهرهای ایران در عرض‌های مختلف جغرافیایی:

موقعیت ایران از نظر استقرار در عرض جغرافیایی با یک اختلاف ۱۵ درجه در عرض‌های شمالی تنوع در اقلیم و گرایش به استقرار مکانهای انسانی در ارتفاعات متفاوت را توجیه می‌نماید. طبقه‌بندی شهرها از نظر استقرار آنها در عرض‌های مختلف جغرافیایی نشان می‌دهد که از کل ۴۹۶ نقطه شهری موجود در سرشماری سال ۱۳۶۵، ۲۳۳ شهر یعنی ۴۶/۹۷ درصد در عرض جغرافیایی ۳۵ تا ۴۰ درجه یعنی در بخش شمالی کشور قرار گرفته‌اند که ۱۵/۷۵۰/۰۰۰

نفر جمعیت شهری یعنی ۵۸/۷۷ درصد کل جمعیت شهری را شامل می‌شود. ۱۹۵ شهر یعنی ۳۹/۳۱ درصد شهرها با ۳۰/۸۶ درصد کل جمعیت شهری در عرض ۳۰ تا ۳۵ درجه استقرار پیدا کرده‌اند. در این میان فقط ۶۸ شهر یعنی ۱۳/۷۲ درصد از شهرها با ۱۰/۲۶ درصد جمعیت شهری در عرض ۲۵ تا ۳۰ مستقر شده‌اند. (نمودار شماره ۱).<sup>۱</sup>

چنین بی‌نظمی در پراکندگی شهرهای ایران در عرض‌های مختلف جغرافیایی تفاوت در ویژگی‌های اقلیمی، زیست محیطی و سایر شرایط طبیعی را بازگو می‌کند. بدین ترتیب پراکندگی نقاط شهری، چهره و منظره جغرافیائی آنها شرایط اقلیمی و ارتفاع‌گزینی تابعی است از موقعیت هندسی این شهرها که بطور نسبی در شرایط جغرافیائی شهرها مؤثر واقع می‌شوند. در این میان بخش شمالی کشور علی‌رغم محدودیت‌های سرزمینی (وسعت کم، کوهستانی بودن منطقه) به تراکم بیشتر شهرها امکان داده است. در صورتیکه بخش میانی و جنوبی علی‌رغم وسعت سرزمین و محدودیت ارتفاع به چنین تراکمی اجازه نداده است. مقایسه وضع موجود با مکان‌گزینی شهرها در سال ۱۳۴۵ در عرض‌های مختلف نیز نشان می‌دهد که تغییرات حاصل در افزایش تعداد جمعیت شهری نیز در انطباق با عرض جغرافیایی از این قانونمندی تبعیت نموده است. (نمودار شماره ۲).

توزیع نامساوی و ناهماهنگ شهرها و جمعیت شهری در کشور سالهای اخیر نیز متناسب با افزایش عرض جغرافیائی و دوری از مناطق بالنسبه گرم و خشک ایران و میل به نواحی معتدل با بارش زیادتر به تعداد جمعیت شهرنشین و شهرهای ایران افزوده است: براساس سرشماری سال ۴۵ در عرض جغرافیایی کم (۲۵ تا ۳۰ درجه عرض شمالی) فقط ۷۷۸۴۹۹ نفر جمعیت شهری که معادل ۸/۱ درصد کل جمعیت شهری ایران بوده در ۳۸ شهر با ۱۵/۴ درصد کل شهرهای ایران سکونت داشتند.

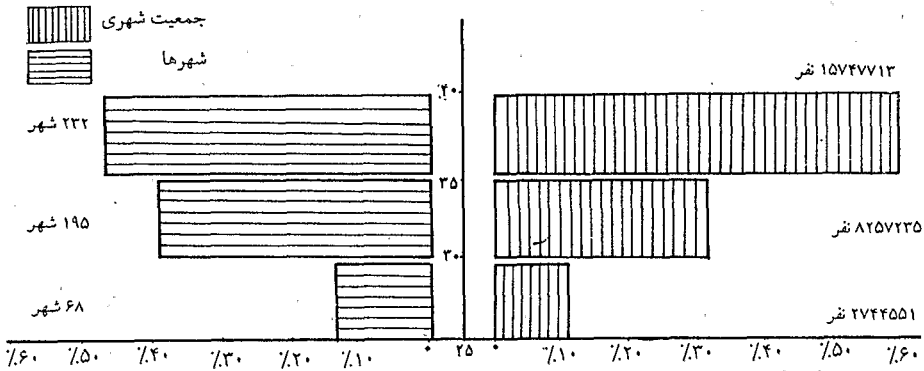
بدین ترتیب آب و هوای گرم، عدم بارندگی و سایر عوارض نامساعد جغرافیایی ناحیه‌ای ضعف تراکم جمعیت را سبب شده است این عوامل تکاثف و توده‌گرایی جمعیت شهری را در بین مدار ۲۵ تا ۳۰ درجه عرض شمالی کاهش داده و تنها شهر شیراز بعنوان شهر بزرگ در بین آنها به دلایل ویژه خودنمایی کند. بین مدار ۳۰ تا ۳۵ بیش از ۳ میلیون جمعیت شهرنشین در ۱۰۸ شهر ایران یا به معنای دیگر ۳۱/۸ درصد جمعیت شهری در ۴۳/۲ درصد کل شهرهای ایران سکنی گزیده بودند. و بالاخره بین مدار ۳۵ تا ۴۰ عرض شمالی ۵/۸ میلیون نفر جمعیت شهرنشین در ۱۰۳ شهر و یا ۶۰/۱ درصد کل جمعیت شهرنشین در ۴۱/۳ درصد شهرهای ایران سکونت داشتند.<sup>۲</sup> (جدول شماره ۲۴ و نمودار شماره ۲)

۱. در طبقه‌بندی موقعیت ریاضی شهرها از کتاب «فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور» تألیف: دکتر محمدحسین بابلی زردی انتشارات آستان قدس رضوی ۱۳۶۷ استفاده شده است.

۲. دکتر یدالله فرید: مقدمه به روش تحقیق شهرهای ایران: انتشارات دانشگاه تبریز ۱۳۴۹. ص ۱۵۳-۱۵۸

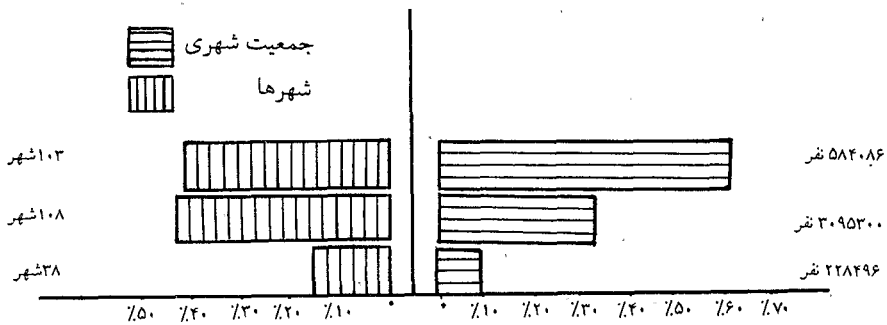
نمودار شماره ۱:

توزیع شهرها و جمعیت شهری ایران بر حسب عرض جغرافیایی در سال ۱۳۶۵



نمودار شماره ۲:

توزیع شهرها و جمعیت شهری ایران بر حسب عرض جغرافیایی در سال ۱۳۴۵



جدول شماره ۲۴ - توزیع شهرها و جمعیت شهری ایران بر حسب عرض جغرافیایی در

سالهای ۴۵-۱۳۶۵

۱۳۶۵		جمعیت		۱۳۴۵		جمعیت		عرض جغرافیایی	ردیف
شهرها	جمعیت	شهرها	جمعیت	شهرها	جمعیت	شهرها	جمعیت		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
۲۲۳	۴۶/۹۷	۵۸/۷۷	۱۵۷۴۷۷۱۳	۴۱/۳	۱۰۳	۶۰/۱	۵۸۴۰۸۱۶	۴۰-۶۳۵	۱
۱۹۵	۳۹/۳۱	۳۰/۸۷	۸۲۵۷۲۳۵	۴۳/۳	۱۰۸	۳۱/۸	۳۰۹۵۳۰۰	۳۵-۶۳۰	۲
۶۸	۱۳/۷۲	۱۰/۲۶	۲۷۴۴۵۵۱	۱۵/۴	۳۸	۸/۱	۷۷۸۴۹۹۶	۳۰-۶۲۵	۳
۴۹۶	۱۰۰	۲۶۷۴۹۹۹۹	۱۰۰	۲۴۹	۱۰۰	۹۷۱۴۶۱۲			جمع



مقایسه نمودار شماره ۱ و ۲ بیانگر این واقعیت است که با افزایش عرض جغرافیایی، میل شهرنشینی در ایران زیاد می‌شود و از جنوب به شمال نه تنها جمعیت شهرها توسعه می‌یابد بلکه تعداد شهرها نیز اضافه می‌گردد. مقایسه دو نمودار نشان می‌دهد که میل به شهرنشینی در عرض‌های بالاتر در حال افزایش است. تعداد شهرها از رقم ۱۰۳ در سال ۱۳۴۵ به رقم ۲۲۳ در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است و جمعیت شهرنشین نیز تقریباً ۳ برابر شده است. در حالیکه در عرض‌های متوسط و پایین تعداد و رقم جمعیت شهرنشین نسبت به سال ۱۳۴۵ افزایش مناسب با عرض ۳۵ تا ۴۰ درجه را نشان نمی‌دهد.

این امر در درجه اول ناشی از موقعیت و شرایط مناسب زیست محیطی، دسترسی به منابع آب، آب و هوای معتدل و مهمتر از همه پتانسیل جمعیتی کافی به نسبت عرضهای پایین‌تر می‌باشد. بعلاوه استقرار تهران به عنوان پایتخت کشور در این عرض که به تبعیت از شرایط اداری و سیاسی و اقتصادی و بالاخره با نقش عظیم خدماتی جاذب، جمعیت انبوهی را در خود گرد آورده است از دلایل دیگر افزایش جمعیت در این عرض می‌باشد. با این همه افزایش تعداد شهرها و افزایش جمعیت شهرهای بزرگ حاکی از تکاثف جمعیتی و میل به شهرگرایی شدید در این منطقه می‌باشد.

## ۲-۱-۲ ویژگیهای توپوگرافیک و نقش آن در مکان‌گزینی شهرها:

در توزیع جغرافیائی شهرهای ایران ویژگیهای جغرافیایی طبیعی بخصوص عامل ناهمواری یکی از عوامل مهم در مکان‌گزینی شهرها بوده است. تقسیمات ناحیه‌ای ایران در ارتباط با عامل ناهمواری، تمایز چشم‌گیری را در استقرار و مکان‌گزینی شهرها نشان می‌دهد که علیرغم هم‌گونی‌های ناحیه‌ای و جوه تمایز خاصی را در درون خود آشکار می‌نماید. عوارض ناهمواری در درجه اول به صورت عامل اصلی، نقش تعیین‌کننده در تقسیمات ناحیه‌ای ایران دارند و شرایط اقلیمی نیز خود نتیجه نحوه پراکندگی ناهمواریها بویژه عامل ارتفاع است. بنابراین در رابطه با مکان‌گزینی شهرها و پراکندگی آنها در ایران جهت‌گیری کوهها و ناهمواریهای آن عامل اصلی و سایر عوامل طبیعی کم و بیش به تبع از آن نقش ایفا کرده‌اند. اهمیت این عامل و تنوع آن از یک طرف موجب پیدایش نواحی متعدد طبیعی و از طرف دیگر، پیچیدگیهایی در تعیین محدوده واحدهای جغرافیایی و اشکال آن را بوجود می‌آورد. نقش ناهمواریها از دو جهت مشخص: شکل ناهمواریها و میزان ارتفاع ظاهر می‌شود.

این دو پدیده اغلب بطور مشترک و یا جداگانه در خصوصیات مسائل جغرافیایی نواحی مختلف سهیم‌اند که در مکان‌گزینی شهرهای ایران بطور مؤثر مشارکت دارند. نواحی جغرافیایی ایران در ارتباط با عامل ناهمواری و ویژگیهای مشخص جغرافیایی ایران، گونه‌های متفاوتی را از

ویژگی‌های توپوگرافیک نشان می‌دهند که در تقسیمات ناحیه‌ای زیر قابل تفکیک هستند.

- نواحی کوهستانی از ارتفاع ۹۰۰ متر به بالا

- نواحی پایکوهی و دره‌های داخلی ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ متر

- نواحی و جلگه‌های ساحلی تا ۳۰۰ متر ارتفاع

- فلات داخلی ایران ۳۰۰ تا ۹۰۰ متر ارتفاع

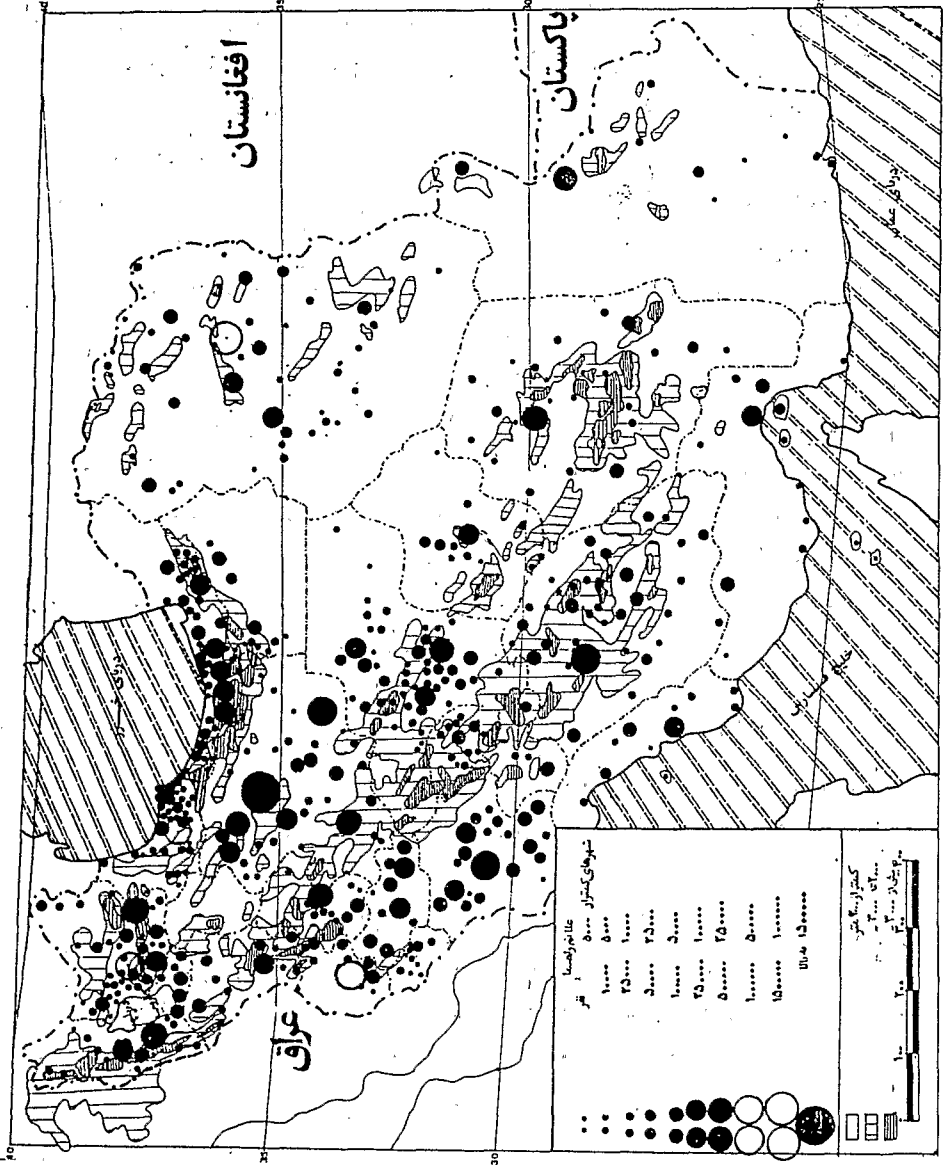
هر یک از نواحی جغرافیایی فوق شرایط اکولوژیکی و زیستی معینی را ارائه می‌دهند. بنابراین استقرار جوامع انسانی از جمله توزیع جغرافیایی شهرهای ایران به تناسب نقش و چگونگی کارکرد شهری در تمام نواحی جغرافیایی یکسان نیست. بطور کلی می‌توان گفت که بیشتر شهرهای ایران در دشت‌های پایکوهی و نواحی جلگه‌ای یا داخل دره‌ها یا دشت‌های همواز پای گرفته‌اند. زیرا شرایط زیست محیطی و معیشتی مساعد در این نواحی امکان استقرار انسانها را بیشتر فراهم می‌سازد.

طبق جدول شماره ۲۵ از کل ۴۹۶ شهر در سرشماری سال ۱۳۶۵، ۱۱۳ شهر در ارتفاع کمتر از ۳۰۰ متر در نواحی و جلگه‌های ساحلی، ۵۱ شهر در ارتفاع ۳۰۰ تا ۹۰۰ متر در فلات داخلی ایران ۶۱ شهر در ارتفاع ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ متر، در دره‌های داخلی و نواحی پایکوهی و ۲۷۱ شهر در نواحی کوهستانی استقرار یافته‌اند. (نقشه شماره ۱۸) و (جدول شماره ۲۶)

جدول شماره ۲۵: توزیع شهرها و جمعیت شهری ایران بر حسب ارتفاع مکان در دو سرشماری ۱۳۶۵-۱۳۴۵.

ردیف	ارتفاعات	سال ۱۳۴۵		سال ۱۳۶۵	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	تا ۲۸ متر	۵۱	۱۹/۶۹	۳۳	۶/۶۵
۲	۳۰ تا ۳۰۰ متر	۱۵۶۱۰۶۶	۱۶/۰۶	۸۰	۱۶/۱۲
۳	۳۰۰ تا ۹۰۰ متر	۳۴۷۳۵۶	۲/۵۷	۵۱	۱۰/۲۸
۴	۹۰۰ تا ۱۲۰۰ متر	۱۱/۵۸	۲۴۷۳۵۶	۶۱	۱۲/۲۹
۵	۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر	۲۵/۱۳	۵۸۴۸۴۸۲	۹۶	۱۹/۳۵
۶	۱۵۰۰ تا ۲۱۵۰ متر	۳۰/۱۱	۱۸۶۳۵۲۳	۱۵۱	۳۰/۰۴
۷	۲۱۵۰ متر به بالا	۳/۴۷	۹۴۱۸۵	۲۴	۴/۸۳
	جمع	۲۴۹	۹۷۱۴۶۱۲	۴۹۶	۱۰۰

۱. دکتر محمدتقی رهنمائی: مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی - جغرافیا: مرکز مطالعات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی ۱۳۶۹ ص ۷۵-۷۶



نقشه شماره ۱۸ - پراکنندگی و مکان‌گزینی شهرهای ایران بر حسب عرض جغرافیایی و ارتفاع مکان

## - نواحی کوهستانی:

عامل ناهمواری و عوارض ناشی از آن همانند دره، تپه، رودخانه جنگل و نظایر آن نقش مؤثری در شکل‌گیری شهرهای ایران دارند. اصولاً شهرهای کوهستانی به دلیل مشکلات نفوذ در آنها که فقط از طریق دره‌ها میسر می‌باشد، مشکلات دسترسی به علت محدودیت گذرگاههای ارتباطی و محدودیت فضا، فرم خاصی از شکل‌یابی فضایی و مکان‌گزینی جغرافیایی را عرضه می‌دارند. نواحی کوهستانی به دلیل شکل ظاهری زمین، اقلیم نامساعد، وجود زمینهای ناهموار، دره‌های پر شیب و تنگ، عدم امکان تشکیل خاک و رسوبات کافی مراکز سکونتی چندان مساعدی را نشان نمی‌دهند و شهرنشینی و استقرار شهرها را دچار مشکل می‌نمایند. اساساً وجود عوارض طبیعی در نواحی کوهستانی باعث پراکندگی جوامع انسانی شده و از تراکم و تمرکز بیشتر آنها در اکثر نواحی جلوگیری می‌نماید.

کانونهای جمعیتی هم از نظر استقرار و هم از نظر روابط با همدیگر دچار مشکل هستند. عوامل نامساعد اقلیمی بخصوص در زمستان به این پراکندگی و عدم ارتباط کمک می‌کند. جوامع انسانی اکثراً در داخل دره‌های عریض با امکان دسترسی به آب استقرار یافته‌اند و کانون‌های پرجمعیت نیز در داخل این دره‌ها شکل می‌یابند. بطور کلی متناسب با شرایط محیطی و موقعیت ریاضی هر مکان تحت تأثیر درجه حرارت، هر چه ارتفاع افزایش یابد از تعداد شهرها و جوامع انسانی کاسته می‌شود. به این معناکه در عرضهای بالا شهرها به ارتفاعات پایین ولی در عرض‌های کم به ارتفاعات بلند کشیده می‌شود. با این همه عامل ارتفاع و عوارض طبیعی، ناهمواریها از عوامل محدود کننده در توسعه و رشد و گسترش شهرها محسوب می‌گردند. موقعیت ناحیه‌ای شهرهای ایران که اکثراً پسرکرانه وسیعتری را طلب می‌نمایند در نواحی کوهستانی محدود می‌گردد و همچنین بعلت عدم وجود زمین‌های مستعد کافی برای کشاورزی زمینه تولیدات زراعی کم و مبادله بازار تولیدات کشاورزی در آنها دچار مشکل می‌شود.

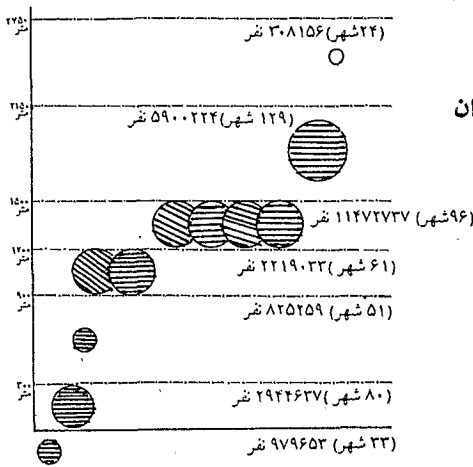
نتیجه اینکه نواحی کوهستانی و عوارض ناشی از آن علاوه بر اینکه محدودیت‌هایی را در توسعه فضایی شهرها، تشکیلات اجزائی، ارتباطی و فنی داخلی ایجاد می‌نمایند، ساخت‌های فضایی را بطور بهم پیوسته و فشرده در کنار همدیگر قرار داده و زمینه‌های ارتباط با فضای پیرامونی، پیوستگی‌ها، توسعه فضائی در روابط با پسرکرانه‌ها را نیز محدود می‌نمایند. وجود چنین ناهمواریها عملاً شهرهای کوهستانی را با مشکلاتی در طرحهای توسعه و برنامه‌ریزی فضایی مواجه می‌سازد. از طرف دیگر ارتفاع‌گزینی شهرها و توزیع نامتعادل آنها در ارتفاعات مختلف زمینه‌های عدم تعادل در نظم فضایی را فراهم می‌آورد. بدین طریق عامل ناهموار به نسبت افزایش ارتفاع نقش محدود کننده‌ای در توسعه و گسترش شهرها بازی می‌کند و عدم دسترسی به زمین‌های مناسب و کافی برای جمعیت‌پذیری و زمینهای مناسب و کافی برای تولیدات کشاورزی در فضای ناحیه‌ای محدودیت و تنگناهای جدی مطرح می‌نماید.

جدول ۲۶- نحوه توزیع شهرهای ایران بر حسب ارتفاع از سطح دریا و جمعیت در سال ۱۳۶۵.

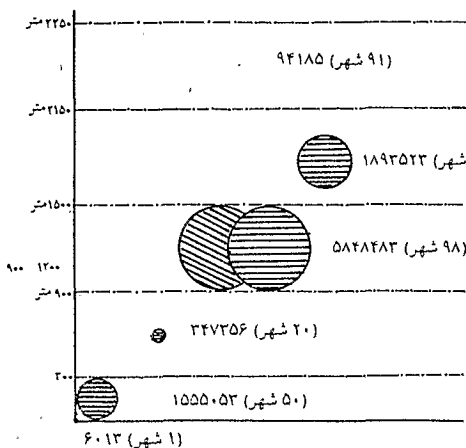
باصغرتر جمعیت (شهرهای چنگزده)	پیش از ۱۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰۰	۷۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰	۲۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰ تا ۲۵۰۰۰۰	۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰	کثرتراز		جمع	جمعیت ارتفاع (متر)
											تا ۱۰۰۰۰	بیش از ۲۵۰۰۰		
۹	۲	۲	۲	۳	۸	۲۴	۲۸	۶۷	۱۴۶	۱۱۱	۶۴	۱۱	۹۸	۲۸۰۱۰۰
۲	-	-	۱	۱	۵	۱۷	۸	۱۷	۲۹	۲۱	۹	۴	۲۹	۱۰۰۰۴۰۰
۴	-	-	-	-	۲	۲	۲	۲	۱۳	۳	۲	-	۲۷	۴۰۰۰۹۰۰
۱	-	-	-	-	-	۲	۲	۲	۶	۸	۷	۱	۷۸	۸۰۰۰۱۲۰۰
-	۱	۱	-	۱	۴	۱۳	۱۴	۱۰	۲۳	۱۴	۱۰	۲	۱۲۲	۱۲۰۰۱۶۰۰
۱	-	۱	۱	۱	۹	۱۲	۱۹	۱۲	۳۵	۲۹	۱۸	۱	۹۴	۱۶۰۰۲۰۰۰
-	-	-	-	-	۲	۲	۲	۲	۲۵	۲۱	۱۵	۲	۳۳	۲۰۰۰۲۴۰۰
-	-	-	-	-	-	-	۱	۲	۱۳	۱۳	۳	-	۵	۲۴۰۰۲۸۰۰
-	-	-	-	-	-	-	-	-	۲	۲	-	۱	۴۹۶	جمع کل

\* دکتر محمد تقی رهنمایی: مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی ۴- جغرافیا مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری - وزارت مسکن و شهرسازی - ۱۳۶۹

با اینحال موقعیت سرزمینی و شرایط جغرافیایی کشورمان موجب شده است که اکثر شهرها در ارتفاعات شکل بگیرند. در یک نگاه از کل ۴۹۶ نقطه شهری در سال ۱۳۶۵. ۳۰۸ شهر یعنی ۶۲٪ از کل شهرها با ۸۰/۷۲ درصد از کل جمعیت در ارتفاع بین ۹۰۰ تا ۲۱۵۰ متر استقرار یافته‌اند. و ۲۴ شهر نیز با ۱/۵ درصد جمعیت شهری در ارتفاع بالاتر از ۲۱۵۰ متر استقرار یافته‌اند. (جمعاً ۳۳۲ شهر با ۸۲/۲۲ درصد جمعیت شهری) (نمودار شماره ۳ و ۴ جدول شماره ۲۴). چنین ارتفاع‌گزینی در شهرهای ایران شناخت همه جانبه طبیعی و جغرافیایی و سازگاری با شرایطی را که این محیط بر آن عرضه می‌دارد ضروری می‌سازد. مکان‌گزینی شهرها ایران در این نواحی معلول عوامل گوناگونی است: بدون شک تاریخ پر آشوب کشورمان در زایش شهرها و ارتفاع‌گزینی جمعیت شهری ایران نقش قاطعی داشته است. عدم امنیت و ناامنی‌های دوران گذشته جمعیت شهرنشین ایران را به منظور دفاع از خود به سینه کش‌کوهها که ناظر بر معابر



نمودار شماره ۳:  
توزیع جغرافیایی شهر و جمعیت شهر و جمعیت ایران  
بر حسب ارتفاع مکان در سال ۱۳۶۵



نمودار شماره ۴:  
توزیع جغرافیایی شهر و جمعیت شهر و جمعیت ایران  
بر حسب ارتفاع مکان در سال ۱۳۴۵

جلگه‌های ناامن که همیشه در معرض تاخت و تاز اقوام مهاجم بوده است کشانده<sup>۱</sup> و در خیلی از شهرها جای پای ضرورت‌های تاریخی قابل درک است. با این همه سایت<sup>۲</sup> و مکان اولیه شهرها بر روی فلات ایران با منابع آب پیوستگی و وابستگی نزدیکی دارد و نقشه شهرها با همین امر ترسیم گردیده است. بر همین منوال در تلفیق با عواملی که ذکر شد شهرهای ایران بطور وسیعی بر روی جلگه‌های پایکوهی وابسته به این منابع آب به وجود آمده‌اند. بالاخره شهرها در ارتفاع گزینی به متوسط ارتفاع فلات ایران که از لحاظ درجه حرارت مطلوب بود توجه داشتند. به عبارتی با در نظر گرفتن شرایط طبیعی و جغرافیایی و شناخت همه جانبه طبیعی و سازگاری شرایطی که محیط بر آنان عرضه می‌دارد، سکونتگاه خود را انتخاب کرده‌اند و مناسب‌ترین مکان را برای سکونت خود در مرتفعات بین ۹۰۰ تا ۱۵۰۰ متر برگزیده‌اند. با این همه تعداد شهرهایی که ارتفاع خود را بیش از این برگزیده‌اند کم نیستند و شهرهای بالای ۱۵۰۰ متر و حتی بیش از ۲۰۰۰ متر ارتفاع نیز تعداد بیشتری به خود اختصاص می‌دهند. ۳۹ شهر در ارتفاعات بیش از ۲۰۰۰ متر و ۱۳۴ شهر در ارتفاع بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متر استقرار یافته‌اند. (جمعاً ۱۷۳ شهر). این شهرها جمعاً ۲۳/۵۷ درصد جمعیت شهری را در خود جای داده‌اند. در سالهای اخیر به علت استقرار و اسکان جامعه عشایری کشور در بعضی از نواحی مرتفع، شهرهای با ارتفاع بیشتر افزایش یافته است و اکثراً نواحی روستا به افزایش جمعیت خود دست زده و بصورت روستا شهرهای جدید ظاهر شده‌اند. ولی همانطور که بحث شد محدودیت‌های طبیعی به توسعه فضایی و افزایش جمعیت این شهرها روی خوش نشان نداده و اکثراً این شهرها دارای جمعیت کمتری هستند. علی‌رغم تحولی که امروز در زمینه تکنولوژی حاصل شده است نحوه گسترش فضائی این شهرها مسائل جدی‌تری را مطرح می‌نمایند. این شهرها بخاطر محدودیت‌های طبیعی برای اعمال نقش مرکزیت نسبت به منطقه خود به تقویت نقشهای مناسب با شرایط کوهستانی نیازمند هستند. و از آنجا که امکان توسعه زمین‌های کشاورزی به دلیل محدودیت توپوگرافیکی ممکن نیست. تقویت بخشهای جانبی ضرورت حاصل می‌نماید.

در ارتباط با پراکنش سرزمینی، نواحی آذربایجان، زنجان، کردستان شمالی و مرکزی و بخش عظیمی از کوهستانهای غربی (زاگرس داخلی و بلند) و امتداد آن به طرف جنوب شرق، شمال خراسان و البرز مرکزی اکثر این شهرها را در خود جای داده‌اند. این نواحی در عین کوهستانی بودن از پتانسیل بالای جمعیتی و اقتصادی برخوردار هستند و سلسله‌ای بهم پیوسته از شهرهای کوهستانی در این نواحی استقرار یافته‌اند و اکثر شهرهای مرتفع نیز در این نواحی قرار دارند. از میان شهرهای بالای ۲۰۰۰ متر ارتفاع از چند شهر چون: بردسیر، آباده، دهاقان، رینه لاریجان، .... می‌توان نام برد.

۱. دکتر یدالله فرید: مقدمه به روش تحقیق شهرهای ایران - اشارات دانشگاه تبریز ۱۳۴۹ ص ۱۶۴.

### - نواحی پایکوهی و دره‌های داخلی:

مرتفعات بین ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ متر در شرایطی تا ۱۵۰۰ متر با توجه به حد متوسط ارتفاع فلات ایران و موقعیت جغرافیائی آن مناسب‌ترین مکان را برای مکان‌گزینی شهرهای ایران نشان می‌دهند. چنین ارتفاعی در داخل دره‌های کوهستانی و پایکوهی مشرف به دشت‌ها و جلگه‌ها بخصوص فلات مرکزی ایران امکانات لازم را جهت دستیابی به زمینهای کافی برای استقرار شهر و پسرکرانه ناحیه‌ای و مهم‌تر از همه دستیابی به منابع آب جاری و زیرزمینی را فراهم می‌آورد. اصولاً شهرهای اولیه که جنبه سیاسی و نظامی هم داشتند ناگزیر بودند که در منطقه حاصل‌خیز قرار گیرند و با اتکا به اقتصاد روستائی و کشاورزی ادامه حیات دهند. این شهرها اساساً وابسته به یک جریان آب رودخانه‌ای در دامنه و بر روی جلگه‌های پایکوهی توسعه پیدا می‌کنند یا اینکه بوسیله قنات و آبهای زیرزمینی مشروب می‌شوند.

شهرهای ایران بطور وسیعی بر روی جلگه‌های پایکوهی وابسته برای منابع آب به وجود آمده‌اند. شهرهای تهران، کرج، قزوین، سمنان، دامغان، نیشابور، سبزوار، اصفهان، شیراز، بروجرد، تبریز و شهر بیرجند و بجنورد، تربت حیدریه، باختران، میانه، خوی، ارومیه، مراغه، اردبیل و زنجان در این ارتفاعات و بر روی نواحی پایکوهی و دره‌های داخلی مناطق کوهستانی رشد و توسعه یافته‌اند. در شهرهای اصفهان، شیراز، اراک و همدان اختلاف ارتفاع کم، قابلیت‌های پدولوژیکی، شیب ملایم، امکانات دسترسی به سفره‌های آبهای زیرزمینی و آبهای جاری سهولت و امکانات ارتباطی، امکانات توسعه فضائی شهر، شرایط قابل تعدیل آب و هوایی از طریق ارتفاع‌گزینی مسکن شهری و برخورداری از شرایط جلگه و کوهستانی از عواملی هستند که به توسعه و گسترش این شهرها در این نواحی امکان داده‌اند.

در طول تاریخ هم‌چنین شرایطی با توجه به موقعیت دفاعی و امکان دسترسی به نواحی حاصل‌خیز جلگه‌ای و پایکوهی موجب رشد و شکوفائی شهرهای باستانی شده است.

در سرشماری سال ۱۳۶۵، ۶۱ شهر با ۵/۷۷ درصد از کل جمعیت شهری ایران در ارتفاع ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ و ۹۶ شهر با ۴۲/۸۸ درصد از جمعیت شهری ایران در ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر استقرار داشتند. مقایسه مقدار شهرها و درصد جمعیت شهری در این ارتفاعات با نواحی دیگر نشان می‌دهد که کمتر از  $\frac{1}{3}$  شهرهای کشور در این نواحی قرار گرفته ولی نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت شهری را در خود جای داده‌اند.

### - نواحی جلگه‌های ساحلی:

#### الف: جلگه‌های ساحلی شمال ایران

نواحی جلگه‌های ساحلی شمال و جنوب ایران دو واحد جغرافیایی متفاوتی عرضه می‌دارند. گیلان و مازندران دو واحد جغرافیائی مستقلی هستند که شباهت‌های زیادی با همدیگر دارند.



جلگه باریکی که صدها رودخانه راه خود را به طرف دریا باز کرده و با یک فرسایش شدید رسوبات را پایین آورده و جلگه‌هایی را ایجاد می‌نماید. عمل خاک با شدت بیشتری انجام می‌گیرد، رطوبت شدید و بارندگی بیشتر از ویژگیهای مهم این ناحیه است.

با در نظر گرفتن عامل دریا و کوهستان، ناحیه جلگه‌ای بصورت پیوسته در نوار طولانی با عرض حداکثر ۳۰ تا ۷۰ کیلومتری کشیده شده است. اختلاف ارتفاع با کوهستان در یک فاصله ۷۰ تا ۸۰ کیلومتر زیاد است و گاهی به ۳۰۰۰ متر می‌رسد. رودخانه‌ها خیلی زود به سطح اساس خود نزدیک می‌شوند و در کنار هر رودخانه بزرگ جلگه مربوط به آن رودخانه دیده می‌شود، تنها چیزیکه جلگه را از همدیگر جدا می‌کند دره‌روخانه‌ها هستند. ترکیب اقلیم و خاک موجب پیدایش پوشش گیاهی متراکمی شده است که بصورت جنگل، مرتع و زمینهای مزروعی پیوسته ظاهر شده‌اند. اثر این موضوع به جمیع زندگی انسانها منعکس شده است. شیوه زندگی، مسکن، تولید، اقتصاد و طرق ارتباطی و مهمتر از هم توزیع جغرافیائی جمعیت بر همین مبنا صورت گرفته است. در نتیجه توزیع جغرافیائی انسان در گیلان و مازندران معتدلتر و موزون‌تر از جاهای دیگر است. اقتصاد ناحیه بر کشاورزی خصوصاً کشت متمرکز تکیه می‌کند. پس از آن استفاده از جنگل اهمیت می‌یابد ولی از صنایع تبدیلی مهم و سنگین خبری نیست. در نتیجه از اجتماعات خیلی فشرده نیز خبری نیست. توزیع موزون جمعیت به تبعیت از توزیع متعادل باران موجب پیدایش توازن در پیدایش شهرها و افزایش متعادل جمعیت آنها می‌گردد. با اینکه فرهنگ شهرنشینی قدمت چندانی ندارد و شمال ایران بخصوص منطقه گیلان در مسیر حوادث مهم تاریخی قرار نگرفته است ولی از دو قرن به این طرف که روابط بازرگانی با کشور روسیه ایجاد شده و نفوذ امپراطوری روسیه در دریای خزر افزایش یافته است شهرنشینی پیشرفت یافته است. جلگه گیلان و مازندران تفاوتهایی را نسبت به هم نشان می‌دهند. منطقه مازندران نسبت به گیلان کم باران و هرچه به شرق نزدیک‌تر شویم ریزش‌های جوی کاهش پیدا کرده و جلگه وسیعتر می‌گردد. شرایط زیست محیطی و اقتصاد کشاورزی نیز به نسبت آن تغییر می‌کند. در گیلان در امتداد دره سفید رود، دره بطرف دریا بازتر می‌شود و در هر بخش که بطرف دریا انشعاب حاصل می‌کند. شهری را در کنار خود ایجاد می‌نماید. بدین ترتیب منظومه‌ای از شهرها در کنار رودخانه‌ها و در فاصله‌ای از دریا به نسبت عرض جلگه متغیر می‌گردد بموازات ساحل دریا کشیده می‌شود که جاده‌های ارتباطی در شکل دادن آنها نقش حساس بازی کرده و منظومه را بصورت خطی درآورده است. بر خلاف نواحی دیگر ایران که اشرف نواحی کوهستانی و مناطق پایکوهی به نواحی پست جلگه‌ای موجبات ایجاد شهرهایی را در دامنه کوهستان و یا در دل آن فراهم می‌آورند. در این جا وجود جنگل و شرایط توپوگرافیکی و اختلاف ارتفاع شدید کوهستان و جلگه به ایجاد شهرها امکان نداده است؛ با اینکه معاش و زندگی انسانی در شمال در گذشته‌های دور در وابستگی به نواحی کوهستانی و جنگلی شکل گرفته‌اند و سوابق تاریخی بر

این امر دلالت دارند. در البرز مرکزی سوابقی از اجتماعات نسبتاً بزرگ انسانی ملاحظه شده است و به تراکم جمعیت امکان داده است و دیرپاترین حیات دهقانی را در این نواحی می توان جستجو کرد. <sup>۱</sup> که از استقلال نسبی سیاسی هم برخوردار بوده است و جمعیت پذیری آن به دوره های قبل از میلاد مسیح می رسد.

با این همه شبکه شهری ایران در شمال ایران از ناحیه ای به ناحیه دیگر متفاوت است. از آستارا تا انزلی بصورت خطی از انزلی تا رامسر یا تنکابن بصورت منظومه ای شعاعی، قطاعی <sup>۲</sup> و دوباره از تنکابن تا نور و محمودآباد به صورت خطی، از آمل باز به صورت منظومه ای، در تبعیت از شرایط توپوگرافیکی در می آید. در شرق مازندران به علت قدمت سکونت و شهرنشینی و شرایط اقلیمی و همجوار با قبایل کوچ نشین شرایط شهرنشینی همگنی با شهرهای نواحی خشک و پایکوهی ملاحظه می گردد.

وجود نظم سلسله مراتبی موزون در نظام شهری، فواصل کم شهرها از همدیگر با پیوند محدود ناحیه ای و پسرکرانه های دور دست کوهستانی، عدم عوارض طبیعی خشن، لغزش به طرف دریا و جاده های ارتباطی از ویژگیهای عمده شهرهای ساحلی شمالی ایران می باشند. طبق آمار سال ۱۳۶۵، ۶۶ نقطه شهری در نواحی شمالی ایرانی قرار دارند و از آن تعداد ۳۳ شهر در ارتفاع کمتر از صفر با ۳/۶۶ درصد جمعیت شهری ایران و ۳۳ شهر تا ۳۰۰ متر با ۳/۸۹ درصد از کل جمعیت شهری ایران قرار دارند. سه شهر پارس آباد، بيله سوار و سرخس نیز در ارتباط با دریای خزر و نواحی پست آن جزء شهرهای ساحلی شمرده می شوند که در استانهای آذربایجان شرقی و خراسان قرار دارند.

۱۲۳ شهر در ارتفاع کمتر از ۳۰۰ متر در ایران قرار دارند که کلاً ۱۴/۶۶ از کل جمعیت شهری را در خود جای داده اند.

#### ب: نواحی و جلگه های ساحلی جنوب ایران:

سواحل جنوبی ایران بر خلاف سواحل شمالی نظم یکدستی را نشان نمی دهد. در غرب، جلگه خوزستان به علت شرایط توپوگرافیکی و حاصلخیزی خاک با شرایط نامساعد اقلیمی نظام شهرنشینی متفاوت با نواحی ساحلی شرق سواحل جنوبی را نشان می دهد.

جلگه خوزستان از نظام شهرنشینی موزون برخوردار است. به دلیل قدمت تاریخی و در دوره های اخیر به علت فعالیت های اقتصادی حاصل از استخراج و پالایش نفت، استقرار صنایع

۱. دوپلانول: جغرافیای شمال ایران: لاریجان سرزمین بلند در دامنه خشک البرز: ترجمه دکتر سیروس سهامی - انتشارات

دانشگاه مشهد تیرماه ۱۳۵۸، ص ۲۱۰-۸۵

۲. دکتر رهنمایی، ص ۹۲

سنگین و نقش بندرگاهی، شهرنشینی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. شهرهای قدیمی با سوابق تاریخی ممتد که به عیلامی‌ها می‌رسد مانند: شوش، دزفول، شوشتر و بهبهان بر قدمت شهرنشینی در این منطقه افزوده است. به علاوه شهرهای این منطقه در ارتباط با جوامع ایلی، کوچ‌نشینی نظم خاصی را از نظر فیزیکی و مکان‌گزینی حوزه نفوذ خود نشان می‌دهد. که در شمال ایران و نوار ساحلی جنوبی بطرف شرق قابل مشاهده نیست. بدین ترتیب جلگه خوزستان در ارتباط با سوابق تاریخی گذشته خود و نظم جدید ناشی از شرایط جدید اقتصادی و وابستگی نظام سرمایه‌داری و ارتباط با نظام‌های ایلی .... منظومه‌ای از شهرهای با بافت و نقش قدیمی و سنتی و شهرهای با خصوصیات کالبدی جدید را در خود گرد آورده است. بطرف شرق شرایط تغییر می‌کند. محدودیت جلگه ساحلی که گاهی وقتها دریا و کوهستان را در ارتباط نزدیک با همدیگر قرار می‌دهد شرایط اقلیمی گرم و خشک، محدودیت منابع آب و شیرین و خاک، موقعیت ارتباطی خیلی ضعیف و به دور از شبکه‌های ارتباطی و منظومه‌های شهری داخل کشور، مجموعه شهرهای این منطقه را در واحدهای کوچکتر و کم جمعیت با فعالیت‌های محدود صیادی بوجود آورده است. تنها شهر مهم و پزاهمیت، شهر بوشهر است که در کنار خرابه‌های شهر قدیمی و با مسافتی با خرابه‌های شهر باستانی سیراف در ارتباط با موقعیت استراتژیکی و تجاری شکل گرفته است و شرایط و سیاست اداری موجود کشور به توسعه آن را امکان داده است. سایر شهرها بصورت واحدهای کوچکتر، جداگانه و پراکنده در یک نوار خطی در کنار دریا قرار گرفته‌اند.

ضعف ساختارهای اقتصادی بجز در نواحی که آنها در سالهای اخیر به علت استخراج گاز (کنگان) صدور نفت و سرمایه‌گذاریهای جدید در زمینه تجاری و ارتباطی (بندر لنگه و گناوه)، توسعه یافته‌اند، از ویژگیهای عمده شهرهای این نواحی است. بطرف شرق موقعیت جلگه‌ای سواحل تنگه هرمز با موقعیت استراتژیکی و بندری مهم و با سوابق تاریخی در وابستگی به دریا موجب ایجاد بندر معروف بندرعباس (گامبرون قدیم) شده است که ضمن ارتباط محدود با پسرکانه سرزمین ولی ارتباط فشرده حمل و نقل، پیوستگی شهرهای این ناحیه را در ارتباط با پیکره شبکه شهری ایران قرار داده است.

در سواحل جنوبی دریای عمان از تنگه هرمز تا گواتر بجز بندر معروف چاه‌بهار و کنارک که به علت سرمایه‌گذاریهای اقتصادی و نظامی توانسته‌اند موقعیت ویژه‌ای را در ارتباط، با شبکه شهری بلوچستان بوجود آورند، شهر معروف قابل ملاحظه نیست. موقعیت جدا افتاده این نواحی با پیکره ملی و محدودیت‌های زراعی، ساکنان این ناحیه را در ارتباط مستقیم با دریا قرار داده است.

خلاصه اینکه مجموعه شهرهای سواحل خلیج فارس و دریای عمان به علت محدودیت‌های ناشی از عوامل جغرافیائی بجز در نواحی جلگه‌ای که امکان پیشروی دز خشکی فراهم آمده است، در یک نوار ساحلی استقرار یافته‌اند و با ارتباط ضعیف با پسرکانه سرزمینی و نواحی روستائی اطراف ضمن احساس محدودیت در توسعه فضائی، بنیادهای ضعیف اقتصادی و افزایش جمعیت منظمه‌ای از شهرهای کوچک و کمی جمعیت را بصورت خطی بوجود آورده‌اند.

از کل ۱۱۳ شهری که در ارتفاع پایین‌تر از ۳۰۰ متر قرار دارند جمعاً ۴۴ شهر در نواحی جلگه‌های ساحلی جنوب استقرار پیدا کرده‌اند که نزدیک به ۶/۹۴٪ کل جمعیت شهری را شامل می‌شود.

### - فلات داخلی ایران -

فلات داخلی ایران و بخشی از ناهمواریها و دره‌های مشرف به سواحل جنوبی ایران با شرایط جغرافیایی خاص خود، منظومه‌ای از شهرها، با جمعیت کمتری را در خود جای داده‌اند. سرزمین‌های نمکی کویرهای داخلی ایران حوضه‌های مسدودی را بوجود آورده‌اند که به علت شرایط اقلیمی فلات مرکزی ایران از هر جهت معرف خصوصیات و حالات حوضه‌های شطی با جریان ضعیف هستند. در این قسمت چندین حوضه با طبیعت متفاوتی مشاهده می‌شود که صفت مشترک آنها رودخانه‌های با دبی نامنظم و کم آب، یک دوره کوتاه طغیان و کاهش سریع مقدار آب آنهاست.

هر چه از غرب به شرق نزدیک‌تر می‌شویم رودخانه‌ها در فصول گرما خشک‌تر و وسعت حوضه‌ها که معمولاً گودالهای کوچک و پراکنده هستند محدودتر می‌گردد. اختلاف شدید سالیانه و شبانه‌روزی درجه حرارت، طولانی بودن دوره گرم و کوتاه بودن دوره سرما به همراه حداقل نزولات جوی و جریانات، رودخانه‌ها قادر به تشکیل خاک نمی‌باشند.

شرایط فوق‌الذکر هرگز مساعد به رشد نباتی نبوده‌اند، لذا ضعف شدید پوشش گیاهی در این منطقه وجود دارد. همین ضعف پوشش گیاهی به نوبه خود موجب می‌گردد که عمل فرسایش آبها و بادها در کویر بسیار شدید باشد و خاک شدیداً فرسوده می‌گردد. تمام این عوامل به همراه عوامل جوی و حدتی به نواحی مرکزی ایران داده است. و تنها نواحی حاشیه‌یی است که تفاوتی را نشان می‌دهند. بدین جهت جز چند شهر مهم مثل قم، کاشان، یزد، کرمان، بسم، زاهدان، رفسنجان، نائین که به علت شرایط اقلیمی خاص خود را به ارتفاعات کشانده‌اند، بقیه شهرها کم جمعیت و تعداد آنها نیز کمتر می‌باشد.

مهمترین عامل از نظر استقرار انسان در این نواحی آب است که در استقرار نواحی شهری و روستایی دخالت دارد. روستاها اکثراً در طول منابع آبی گرد آمده و بصورت واحه‌ای درآمدہ‌اند

و تنها استفاده از منابع زیرزمینی در کمی یا زیادی جمعیت آنها در ارتباط با میزان خاک مؤثر واقع می‌شود. اشکال متنوع استفاده از آب و شبکه آبرسانی سنتی از عوامل تعیین‌کننده روابط اجتماعی، پراکندگی و مورفولوژی جوامع انسانی و شهرهای فلات مرکزی ایران است.

بطور کلی فلات مرکزی ایران به دلیل شرایط نامساعد جغرافیائی محیط مطلوبی را برای استقرار انسان و تکوین شهرنشینی فراهم نمی‌آورد و به جز شهرهای واحه‌ای که علت وجودی آنها با امکان دسترسی به آب و خاک خوب توجیه می‌شود، شهرهای پرجمعیتی در این ناحیه به وجود نیامده است. به همین ترتیب اقلیم خشک و گرم حاکم و کمبود منابع آب در شکل‌یابی و خصوصیات کالبدی و ابعاد شهرهای مستقر در این نواحی نقش تعیین‌کننده دارند.

عدم دسترسی به نواحی روستایی پرجمعیت به جز نواحی پایکوهی مشرف به این فلات خشک موجب شده است که این شهرها اکثراً کم جمعیت باشند و اصولاً منظومه‌های شهری پرجمعیت در این ارتفاع ملاحظه نمی‌گردد. بعضی از شهرها علی‌رغم اینکه در کنار منابع آب و مسیر کاروانهای قدیمی واقع شده و قدمت تاریخی دارد ولی اکثراً امروز کم جمعیت هستند.

در حال حاضر کلاً ۵۱ شهر در ارتفاع ۳۰۰ تا ۹۰۰ متر استقرار یافته‌اند که عملاً در فلات مرکزی ایران هستند. مجموعه این شهرها فقط ۱۰/۲۸ درصد از کل جمعیت شهری را در خود جای داده‌اند.

به جز شهرهایی که در ارتفاعات واقع در فلات مرکزی ایران استقرار یافته‌اند تنها چند شهر پرجمعیت و قدیمی مثل کازرون، طبس، زابل، بهبهان، ایرانشهر، تایباد، جیرفت و گرمسار را می‌توان در این منطقه ملاحظه کرد و بقیه شهرها اکثراً کمتر از ده هزار نفر جمعیت دارند.

### ۳-۱-۲ آب و نقش آن در مکان‌گزینی و توزیع جغرافیایی شهرهای ایران:

پیدایش، توسعه و مکان‌گزینی شهرهای ایران به تبعیت از ویژگیهای خاص زمانی و مکانی از گذشته‌های دور تا امروز، در وابستگی و نزدیکی آب شکل گرفته‌اند و نقشه شهرهای ایران نیز با همین امر ترسیم گردیده است: چه شهرها، وابسته به یک جریان آب رودخانه‌ای در دامنه و بر روی جلگه‌های پایکوهی توسعه پیدا کرده باشند و یا اینکه بوسیله قنوات و آبهای زیرزمینی مشروب گردند. شهرهای ایران بطور وسیعی بر روی جلگه‌های پایکوهی وابسته به این منابع آب بوجود آمده‌اند. علیرغم ضرورت شرایط امنیتی، دفاعی و غیره بر روی فلات ایران در طول تاریخ، خیلی سریع لزوم ایجاد شهر در نزدیکی منابع آب جلوه‌گر شده و شهرهای جلگه‌ای و پایکوهی بوجود آمده‌اند. بدون شک بموازات پیشرفت‌ها و توسعه کشاورزی آبی و بالاخره تکنیک قنات، گسترش فضائی شهرها و افزایش جمعیت آنها، نقش آب افزایش یافته است.<sup>۱</sup>

بطور کلی فلات ایران به دلیل تنوع اقلیمی و چشم انداز محیط طبیعی در همه جا از منابع آب جاری مطمئن برخوردار نیست. از این رو در بسیاری از شهرهای ایران آب مورد نیاز مردم از منابع زیرزمینی مانند چشمه و قنات تأمین می شود. توجه به نقشه پراکندگی جغرافیائی شهری در ایران نشان می دهد که بی قرینگی خاص در شبکه شهری ایران وجود دارد. در پراکندگی جغرافیائی مورد اشاره شهرهای بیشتر در نواحی دیده می شوند که بارندگی کافی برای کشاورزی و تأمین آب مورد نیاز شهرها وجود دارد. بدین جهت نواحی مرکزی، شرقی و جنوب شرقی ایران به تکوین تعداد محدودی از جوامع شهری امکان داده و شهرهای موجود در این مناطق هم در شرایطی دور از منابع رطوبتی و با انزوای خاص جغرافیائی، همواره دور از جریانات مهم زمان بسر برده اند. شهرهای واحه ای ایران نیز اغلب در محل تلاقی فلات مرکزی و رشته کوه های مشرف بر آنها نمودار گشته اند. بر عکس این نواحی، در شمال ایران عامل رطوبت، دست یابی به آب مورد نیاز را امکان پذیر ساخته و آب مسئله مهمی را مطرح نکرده و شهرها در وابستگی به عوامل اقتصادی و اجتماعی دیگر شکل یافته اند.<sup>۱</sup>

دسترسی به منابع آب در شهرهای ایران به ۳ صورت امکان پذیر است.

۱- آبهای جاری رودخانه ای

۲- آبهای جاری زیرزمینی شامل قنات و چشمه

۳- آبهای ذخیره ای شامل آب انبارها و سدها (جدول شماره ۲۷)

آبهای رودخانه ای مهم در تکوین و توسعه شهرهای مهم و پرجمعیت نقش مهم و مؤثری دارند و اکثراً شهرهای ایران به کنار رودخانه ها و یا کنار دریاها کشیده شده اند. در بسیاری

جدول شماره ۲۷- آب و توزیع جغرافیائی شهر و جمعیت شهری ایران در سال ۱۳۴۵

مکان انتخابی شهرها	تعداد شهرها	درصد کل شهرها	جمعیت شهری	درصد کل جمعیت شهری
شهرهای رودخانه کنار	۱۵۲	۶۱	۴/۳۳۹/۰۴۷	۴۴/۶
شهرهای دریا کنار	۲۲	۸/۹	۶۵۴/۵۵۴	۶/۸
شهرهای دور از دریا و رودخانه	۷۵	۳۰/۱	۴/۷۲۱/۰۱۱	۴۸/۶
جمع	۲۴۹	۱۰۰	۹/۷۱۴/۶۱۲	۱۰۰

منبع: دکتر یداله فرید، مقدمه بر روش تحقیق شهرهای ایران ص ۱۸۱

۱. حسین شکویی. جغرافیای شهری: جلد دوم. تیریز ۱۳۵۲ (ص ۳۹۳)

از شهرهای پرجمعیت مثل اصفهان، اهواز و تعداد زیادی از شهرهایی که امروز در ارتباط با توسعه اقتصادی به گسترش فضائی و افزایش جمعیت خود دست زده‌اند از مزایای استقرار در کنار رودخانه‌های پر آب برخوردار بوده‌اند. طبق آمارگیری سال ۱۳۴۵ نزدیک به ۶۱ درصد از کل شهرها در کنار رودخانه‌ها قرار داشتند که ۴۴/۶ درصد کل جمعیت شهری را شامل می‌شده است.

بخش دیگری از شهرهای ایران آب مورد نیاز خود را از منابع زیرزمینی مانند چشمه و قنات تأمین می‌نمایند. حیات و شکل‌گیری این شهرها از طریق میزان بازده قنات امکان‌پذیر گشته است و اکثر شهرهای داخلی فلات ایران با استفاده از آب قنات به تکوین و حیات خود ادامه می‌دهند. این نوع انتقال آب از نواحی کوهستانی به دشتهای مزروعی و شهرهای پرجمعیت با حفرة کانالهای زیرزمینی در بسط و توسعه جوامع انسانی بخصوص جوامع شهری مؤثر بوده است. از این رو جوامع شهری و روستایی ایران امکانات مساعد را در استفاده از منابع زیرزمینی در شیبهای ملایم با فاصله متناسب از پای تپه‌ها یافته‌اند.

در اجتماعاتی که بدلائل متعدد ذخیره آب اجتناب‌ناپذیر است، غالباً مساکن فشرده به هم، آب انبارهای محله و کوچه‌ها را در بر می‌گیرند و شکل یابی خود را از آنها طلب می‌کنند. آب انبارها در شهرهای کویری غالباً عنصر اصلی تشکیل دهنده محلی شهر می‌باشند. در شهرهای کویری نظیر، کاشان، یزد، نائین و... غالباً آب انبارها توأم با مسجد یا امام‌زاده، حمام، بازار و میدان، مجموعه مرکز شهر را ارج و زندگی می‌بخشند. حتی در شهرهایی مانند اصفهان آب انبارها در برآوردن نیاز محلی مردم شهر نشین مؤثر بوده‌اند.<sup>۱</sup>

نقش آب در چهره و مورفولوژی شهری در ایران نیز جلوه‌گر است و در شکل‌گیری و بافت محلات مؤثر واقع می‌گردد. از این رو در نواحی که بهره‌برداری از آب قنات نقش اساسی در تکوین و پیدایش شهرها بازی می‌کند، ساختمانها، کوچه‌ها و گذرگاهها، اغلب در تبعیت از جریان آب و در طول آبروها و آبرسانها شکل می‌گیرند. شکل‌بندی اجتماعی نیز در تبعیت از نحوه استفاده و میزان استفاده از این آنها انجام گرفته است. مطالعات انجام یافته در مورد شهرهای مختلف از جمله شهر اصفهان، کرمان بهترین مثال در تعیین این موضوع می‌باشند.<sup>۲</sup> بطور کلی اوضاع طبیعی، خشکی و کم‌آبی فلات ایران در پراکندگی شهری مؤثر افتاده و انزواگزینی آنها را تقویت کرده است. مسئله آب نه تنها در اعصار گذشته بلکه امروز سبب افزایش جمعیت شهرها و بکار گرفتن مهارتهای عالی فنی که خود از موجبات توسعه صنایع شهری و

۱. حسین شکوئی. جغرافیای شهری ... ص ۳۹۴

۲. سیروس شفقی: جغرافیای شهر اصفهان - دانشگاه اصفهان ۱۳۵۳.

کشاورزی پیرامون شهرها و بالاخره افزایش مصرف آبهاست، آب را به عنوان عامل توزیع شهر و جمعیت شهری ایران قرار داده است. بدین ترتیب نقش آب نه تنها در توزیع شهر و جمعیت شهری ایران تضعیف نمی‌گردد، بلکه لغزش مکان جغرافیائی شهرهای قدیمی و تکوین شهرهای نوزاد را به کنار آبهای جاری و نواحی پر آب از طریق ایجاد سدها و مهار کردن آنها بوجود می‌آورد.

تأمین آب شهرها، امروز به دنبال افزایش سریع جمعیت شهری به یکی از مسائل پراهمیت زندگی شهری تبدیل شده است و در کنار خود به بروز مشکلات جانبی نیز دست زده است. امروز صد در صد نقاط شهری کشور از آب لوله کشی استفاده می‌کنند که خود مسائلی را مطرح می‌نماید. استفاده از آبهای کشاورزی، کاهش سطح زیر کشت، مسئله آبهای مصرفی، و تخلیه آنها در اراضی شهری، بروز ناهنجاریهای فیزیکی در سطح و عمق زمین، بالا آمدن سطح آبهای زیرزمینی در اراضی پائین دست شهرها، عدم تعادل اکولوژیکی و عمومیت یافتن استفاده از مواد شیمیایی مضر از مسائلی هستند که امروز در تأمین آب و استفاده از آن در سطح شهرها مطرح می‌گردد.

در تأمین آب مورد نیاز شهرها، بخشی از آنها از سدها و آب بندهای محلی استفاده می‌کنند مانند شهرهای تهران، همدان، اهواز، اصفهان، بخش عظیمی از شهرهای کشور آب مورد نیاز خود را ذخائر زیرزمینی بدست می‌آورند و با حفر چاههای عمیق و استفاده از منابع آبی سنتی ذخایر آبی لازم را تأمین می‌نمایند. انتقال آب از مسافتهای دور در سالهای اخیر بخصوص در نواحی جنوبی و داخلی ایران مورد توجه قرار گرفته است. آب شهر بوشهر از مسافتی بیش از ۱۰۰ کیلومتر از چاههای اطراف رودخانه شاپور به این شهر می‌رسد و خیلی از شهرها آب مورد نیاز خود را از فواصلی نزدیک به ۵۰ کیلومتر از سدهای نزدیک به آنها تأمین می‌نمایند: در تهران، اصفهان... پروژه‌هایی برای انتقال آب در مسافتهای بیشتر در دست اقدام است. در شرایط فعلی نزدیک به ۳۲۳ نقطه شهری (۶۵/۱۲ درصد از شهرها) بیش از ۹۰ درصد آب مصرفی واحدهای مسکونی خود را از آب لوله کشی تأمین می‌نمایند. شهرهای بزرگ کشور آب مصرفی مورد نیاز واحدهای مسکونی خود را از آب لوله کشی تأمین می‌نمایند: تهران ۹۴/۲۳٪، مشهد ۹۴/۴۷٪، اصفهان ۹۲/۲٪، تبریز ۸۸/۹۹٪، شیراز ۹۷/۵۸٪، باختران ۸۹٪، قم ۹۴/۴۶٪، اهواز ۹۷/۴۷٪، اراک ۸۴/۱۸٪، یزد ۹۸/۴۴٪، سنندج ۷۲/۰۶٪، کرمان ۹۷/۷۳٪، رشت ۶۸٪، زاهدان ۶۶/۰۸٪، بندرعباس ۹۴/۰۸٪ و بوشهر ۹۸/۴٪. درصد محدودی از شهرها وجود دارند که درصد واحدهای مسکونی آنها که آب مورد نیاز خود را از آب لوله کشی تأمین می‌نمایند نزدیک یا کمتر از ۵۰٪ می‌باشد. چند نقطه شهری خیلی کوچک واقع در نواحی جنوبی ایران درصد واحدهای مسکونی دارای آب لوله کشی کمتری دارند: بندر ریگ ۰/۱۴٪، گناوه ۰/۴۳٪



بطور کلی اکثر شهرهای ایران به دلایل محدودیت‌های اقلیمی و دسترسی به آبهای جاری و قابل حصول، به ذخیره و لوله‌کشی آب روی آورده‌اند. خارج از رعایت شرایط بهداشتی و دسترسی به حداقل نیازهای زندگی شهری که مورد توجه است، محدودیت دسترسی به آب و شرایط جوی در این امر دخالت مستقیم دارد. بطوریکه در بسیاری از شهرهای استان گیلان درصد واحدهای مسکونی دارای آب لوله‌کشی نسبتاً پائینتر است: لاهیجان  $۷۸/۳۰\%$ ، لنگرود  $۶۷/۱۳\%$ ، رشت  $۶۸\%$ ، رودسر  $۶۸/۷۴\%$  و پیشرفت تکنولوژی و دسترسی به آب لوله‌کشی که انتخاب مکانهای سکونت را در بخش‌های مختلف مقر یک شهر آسان می‌نماید، موجب گسترش فضائی شهرها در محورهای مختلف و افزایش جمعیت آنها گردیده است. امروز آنچه در تکوین و توسعه شهرها نقش عمده‌ای را باز می‌کند امکان دسترسی به منابع آب در محدوده جغرافیایی یک شهر است نه امکان انتقال و جریان آن که در گذشته در ساخت و بافت و مکان‌گزینی شهرها، نقش اساسی را ایفا می‌کرد. با اینهمه در بررسی جغرافیائی شهری ایران به خوبی وابستگی میان زندگی شهری و دسترسی به منابع آب مشخص و روشن است. بعلاوه با استقرار واحدهای صنعتی و کارگاهی در شهر، مصارف صنعتی آب نیز بدان اضافه شده و نیاز شهرها را به آب افزایش داده است و تنها رفع نیازهای مصرفی خانگی مطرح می‌گردد.

مسئله آب و انتقال آن نقش کمتری در این شبکه بازی می‌کند، ولی در توسعه و افزایش جمعیت شهرها مؤثر است. کمبود آب در سطح کشور عدم جریان دائمی رودخانه‌ها و خشکی هوای بخشی از سواحل دریاهای جنوبی و فلات داخلی ایران به شکلی که در گذشته به شکل‌گیری شبکه شهری ایران منجر شده، در شرایط فعلی نیز نقش خود را بطور قاطع بازی می‌کند.

خارج از منابع آب، بعضی شرایط آب و هوائی نیز به موازات عوامل دیگر محیطی از عوامل مؤثر در تکوین، مکان‌گزینی، توسعه و شکل‌گیری بافت‌های شهری به حساب می‌آیند. هر گونه دخل و تصرف انسانی در محیط نیز به مقدار زیاد تابع شرایط آب و هوائی است: دما، بارش، فشار، رطوبت یا نم نسبی هر یک از نواحی جغرافیائی ایران یا بطور کلی تقسیمات اقلیمی ایران در تکوین شبکه شهری ایران مؤثر بوده و هستند.

## خلاصه فصل اول

خصوصیات طبیعی کشور گویای بسیاری از واقعیت‌های محیطی و نقش آن در استقرار جوامع انسانی و تکوین فعالیت و معیشت آنهاست. بدین ترتیب در توزیع جغرافیائی شهرهای ایران ویژگی‌های جغرافیائی طبیعی از جمله موقعیت جغرافیائی، ناهمواری و ارتفاع مکان (توپوگرافی)، اقلیم، منابع آب، پوشش گیاهی و خاک از عواملی هستند که باید مورد توجه قرار بگیرند.

موقعیت ایران از نظر استقرار در نیمکره شمالی با یک اختلاف  $15^\circ$  موجب تنوع در اقلیم و گرایش به استقرار مکانهای انسانی در ارتفاعات متفاوت شده است. از کل ۴۹۶ نقطه شهری موجود در سرشماری ۱۳۶۵، ۹۷/۴۶٪ آنها در عرض جغرافیایی  $40^\circ$  تا  $35^\circ$  درجه شمالی، ۳۱/۳۹٪ در عرض شمالی  $35^\circ$  تا  $30^\circ$  و فقط ۲۶/۱۰٪ در عرض  $30^\circ$  تا  $25^\circ$  درجه مستقر شده‌اند. چنین بی‌نظمی در پراکندگی شهرهای ایران در عرض‌های مختلف جغرافیایی تفاوت در توزیع جغرافیایی شهرهای ایران عامل ناهمواری نیز یکی از عوامل مهم در مکان‌گزینی شهرها می‌باشد.

تقسیمات ناحیه‌ای ایران در ارتباط با عوامل ناهمواری، تمایزات چشمگیری را در استقرار شهرها نشان می‌دهد. عوارض ناهمواری به صورت عامل اصلی نقش تعیین‌کننده در تقسیمات ناحیه‌ای ایران دارد. نقش ناهمواری به دو صورت مشخص ظاهر می‌شود: نحوه پراکندگی (شکل ناهمواریها) و میزان ارتفاع. این دو پدیده اغلب به طور مشترک یا جداگانه در خصوصیات مسائل جغرافیایی نواحی مختلف سهمیند. از کل ۴۹۶ نقطه شهری در سال ۱۳۶۵ فقط ۶/۶۵٪ از شهرها در ارتفاع  $28^m$  - تا  $0$  و  $40/26$ ٪ در ارتفاع  $900^m$  - قرار گرفته‌اند در صورتیکه ۶۶/۸۳٪ از کل شهرها و ارتفاع بالای  $900$  متر استقرار یافته‌اند. نواحی مختلف جغرافیایی با ویژگیهای متفاوت خود به استقرار شهرها امکان داده‌اند. در این میان نواحی کوهستانی علیرغم محدودیت‌های توپوگرافیک بخش عظیمی از شهرها را پذیرا شده‌اند. نواحی پایکوهی و دره‌های داخلی نیز در این رابطه مساعدت‌های لازم را نشان داده‌اند. نواحی جلگه‌ای و ساحلی بر خلاف انتظار بخش محدودی از شهرها را در خود جای داده‌اند. این نواحی منظومه‌ای از شهرها را بصورت خطی در شمال ایران و پراکنده در نواحی جنوبی ایران بوجود آورده‌اند.

فلات داخلی ایران به علت شرایط جغرافیایی خاص، منظومه‌ای از شهرها را با جمعیت کمتر در خود جای داده است. اختلاف شدید سالیانه و شبانه‌روزی درجه حرارت، طولانی بودن دوره گرما، کوتاهی دوره سرما به همراه حداقل نزولات جوی و محدودیت جریانات رودخانه‌ای و ضعف پوشش گیاهی از عوامل عمده در این امر می‌باشند. در کل فلات مرکزی ایران به دلیل شرایط نامساعد جغرافیایی محیط مطلوبی را برای استقرار انسان و تکوین شهرنشینی فراهم نکرده است.

خارج از موارد فوق امکان دسترسی به آب از شرایط عمده دیگر در مکان‌گزینی شهرهای ایران می‌باشد. پیدایش، توسعه و مکان‌گزینی جغرافیایی شهرهای ایران به نسبت ویژگیهای خاص زمانی و مکانی از گذشته دور تا امروز در وابستگی نزدیکی به منابع آب شکل گرفته است.

توجه به نقشه پراکندگی جغرافیایی شهرهای ایران نشان می‌دهد که بی‌قرینگی خاصی در

شبکه شهری ایران وجود دارد. در ایران پراکندگی جغرافیایی شهرها بیشتر در نواحی دیده می‌شود که بارندگی کافی برای کشاورزی و آب مورد نیاز برای تأمین شهرها وجود دارد. در این رابطه نواحی مرکزی، شرقی و جنوب شرقی ایران به تکوین تعداد محدودی از جوامع شهری امکان داده‌اند.

آبهای جاری رودخانه‌های مهم در تکوین و توسعه شهرهای مهم و پرجمعیت نقش موثرتری دارند. بخش عظیمی از شهرهای ایران آب مورد نیاز خود را از منابع زیرزمینی تأمین می‌نمایند. قنات، آب انبار، حفر چاه، آب باران و آبهای جاری رودخانه‌ها منابع آب مورد نیاز در شهرها را تأمین می‌کنند. خارج از این مسئله نقش آب در چهره و مورفولوژی شهرهای ایران نیز جلوه گر است. بطور کلی اوضاع طبیعی، خشکی و کم آبی فلات ایران در پراکندگی شهرهای ایران موثر افتاده و انزوای نسبی آنها را تقویت کرده است. این مسئله نه در اعصار گذشته بلکه امروزه نیز به نسبت افزایش سریع جمعیت علی‌رغم بکارگیری مهارتهای عالی و فنی در تکوین و توسعه شهرها موثر می‌باشد. بدین ترتیب نقش آب نه تنها در توزیع شهر و جمعیت شهری ایران تضعیف نگشته بلکه از همین حالا موجبات لغزش مکان جغرافیایی شهرهای قدیمی و تکوین شهرهای نوزاد را در کنار آبهای جاری و نواحی پرآب از طریق ایجاد سدها و مهار کردن آبها بوجود آورده است.

## خودآزمای فصل اول

- ۱- افزایش تعداد شهرها از سال ۶۵-۴۵ در عرض جغرافیائی پایین از ۳۸ به ۶۸ چند درصد تغییر نسبت به کل شهرهای ایران را نشان می‌دهد.
 

الف - ۱/۶۸ درصد افزایش	ب - ۱۶/۸ افزایش
ج - ۱۶/۸ درصد کاهش	د - ۱/۶۸ درصد کاهش
- ۲- درصد جمعیت شهری عرض‌های ۴۰-۳۵ نسبت به عرض ۳۰-۲۵ از سال ۴۵ تا ۶۵ چه تغییراتی را نشان می‌دهد.
 

الف - از ۷۴/۰ برابر به ۵۷/۰ برابر کاهش پیدا کرد
ب - از ۵/۷ برابر به ۷/۴ برابر افزایش پیدا کرد
ج - از ۷/۴ برابر به ۵/۷ برابر کاهش پیدا کرد
د - از ۵۷/۰ برابر به ۷۴/۰ برابر افزایش پیدا کرد
- ۳- جمعیت شهرنشین در ایران متناسب با کاهش عرض جغرافیایی:
 

الف - کم می‌شود	ب - افزایش می‌یابد
ج - تغییر نمی‌کند	د - گاهی کم، گاهی افزایش می‌یابد

۴- کدام عرض جغرافیایی بیشترین شهرهای بزرگ را در خود جای داده است

الف - ۳۰ تا ۲۵      ب - ۳۵-۳۰

ج - ۴۰-۳۵      د - ۴۵-۴۰

۵- تعداد شهر و جمعیت شهری در ایران متناسب با افزایش ارتفاع:

الف - کم می شود

ب - زیاد می شود

ج - تا ارتفاع معینی افزایش سپس کم می شود

د - تغییر نمی کند

۶- بیشترین شهرهای ایران براساس آمار سال ۴۵ با تکیه بر کدام منبع آب مکان گزینی کرده اند.

الف - دریا      ب - سدها

ج - منابع آب زیرزمینی      د - رودخانه

۷- شهرهای واحه‌ای در کدامیک از موارد زیر به وجود آمده است

الف - ۳۰۰-۹۰۰      ب - ۳۰۰-۰

ج - ۹۰۰-۱۲۰۰      د - بالا به ۱۲۰۰

۸- در نواحی جلگه‌ای ساحل شمالی ایران شهرها به دلیل توزیع مناسب ..... که از ویژگیهای طبیعی و اکولوژیکی محیط است توزیع متعادلی دارند.

۹- شبکه شهری در جلگه ساحلی شمال از آستارا تا بندرانزلی ..... و از تنکابن تا نور ..... است.

۱۰- نواحی جلگه‌های ساحلی جنوب نسبت به نظیر خود در شمال شهرهای ..... را در خود جای داده که دلیل آن ..... است.

### سوال تشریحی فصل اول:

۱- نظم شهرها و شبکه شهری ایران را در جلگه خوزستان بنویسید.

## پاسخ به خودآزماییها

## بخش اول

## پاسخ خودآزمای فصل اول

- ۱- ب (بین النهرین)
- ۲- د (کشاورزی - نظامی)
- ۳- الف (اطراف محلات درباری)
- ۴- د (هخامنش)
- ۵- ج (جانشینان اسکندر)
- ۶- الف (تجارت)
- ۷- قدرتمندی پادشاهان
- ۸- آتشکده‌ها
- ۹- الف (ساسانی)
- ۱۰- د (ساسانی)

## پاسخ خودآزمای فصل سوم

- ۱- الف (سوم)
- ۲- د (شهر و روستا)
- ۳- ج (نفوذ تیولداران به شهر)
- ۴- ب (نظام تولید عشیره‌یی)
- ۵- ج (کوچاندن صنعتگران به این منطقه)
- ۶- د (حمله افغانه)
- ۷- کریم خان زند
- ۸- تهران، تبریز
- ۹- تجارت با کشورهای خارجی
- ۱۰- شهرها

## پاسخ خودآزمای فصل دوم

- ۱- ج (استقلال ویژه)
- ۲- د (شارستان)
- ۳- الف (عباسی)
- ۴- خطی
- ۵- ب (پارچه‌فروشان)
- ۶- د (بقالی - اغذیه فروش)
- ۷- داخلی شهر، ناحیه پیرامونی
- ۸- دوره سلجوقی
- ۹- کالبد بازار
- ۱۰- بازار، دروازه‌های شهر

## پاسخ خودآزمای فصل چهارم:

- ۱- الف (بازرگانی)
- ۲- ج (آغاز قرن چهاردهم هجری)
- ۳- د (ایجاد امنیت)
- ۴- ب (پهلوی)
- ۵- الف (همدان)
- ۶- الف (۲۲/۵۶)
- ۷- باری‌یر، ۱۳۲۵
- ۸- تهران، فیروزکوه
- ۹- گسترش فضایی و همه جانبه
- ۱۰- شهر و روستا

## پاسخ خودآزمای فصل پنجم

۱- ب

۲- ج

۳- الف

۴- د

۵- الف

## سوالات تکمیلی:

۱-  $57/02$  درصد

۲- جمعیت شهری و شهرها

۳- تقریباً ۴ درصد

## بخش دوم

## پاسخ خودآزمای فصل اول

۱- د ( $1/68$  در صدکاهش)

۲- ج (از  $7/4$  برابر به  $5/7$  برابر

کاهش پیدا کرده است)

۳- الف (کم می شود)

۴- ج ( $35-40$ )

۵- ج (تا ارتفاع معینی افزایش،

سپس کم می شود)

۶- د (رودخانه)

۷- الف ( $300-900$ )

۸- باران

۹- خطی، خطی

۱۰- کمتری، محدودیت های ناشی

از عوامل طبیعی

# جغرافیای روستایی ایران

دکتر مسعود مهدوی

## فصل اول: گذشته تاریخی و سیر تکوینی روستاها در ایران

### هدف مرحله‌ای فصل اول

در این فصل، نقش عوامل جغرافیایی، انسانی و تاریخی به عنوان عوامل مهم در پیدایش، شکل‌گیری و پراکندگی روستاهای ایران مطرح و ضمن شرح تأثیر انتزاعی هر کدام از آنها، بر نقش مجموعه عواملی که شکل‌یابی کلیت یک روستا را سبب شده و بر نوع پراکندگی و تفرق آنها تأثیر می‌گذارند تأکید خواهد شد.

### هدفهای رفتاری فصل اول

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل، بتوانند بر رفتارهای آموزشی زیر دست یابند و با اعمال مهارت‌های کسب شده، راه مطالعه مباحث فصول آینده را بر خود هموار سازند.

- گذشته تاریخی روستاها و سیر تکوینی روستانشین در ایران را بدانند.  
- با وضعیت روستانشین و کشاورزی در دوره ماد آشنا باشند.  
- روستانشین و سیر تکوینی آن را بعد از مادها و تا آمدن اسلام به ایران بدانند.

- با نظام روستانشینی در بعد از اسلام آشنا باشند.  
- با دلایل طبقه‌بندی روستاهای ایران آشنا باشند.  
- با گروه، روستاهایی که شکل استقرار و تیپ آنها گروه ویژه‌ای از روستاها را به وجود آورده‌اند، آشنا باشند.



- نوع روستاهای متمرکز یا گردآمده را با ارائه نمونه‌هایی از آن بشناسد.
- نوع روستاهای پراکنده را با ارائه نمونه‌هایی از آنها بشناسد.
- با گروه، روستاهایی که وضعیت بینابین دارند آشنا باشد.
- با طبقه‌بندی روستاهای ایران بر اساس عوامل طبیعی آشنا باشد.
- ماهیت روستاهای کوهستانی و نحوه استقرار آنها را بشناسد.
- با نوع روستاهای میانکوهی آشنا باشد.
- روستاهای پایکوهی و ماهیت آنها را بشناسد.
- با روستاهای جلگه‌ای و نحوه استقرار آنها آشنا باشد.
- نقش اقلیم را به عنوان عامل مهم طبیعی در پیدایش و رشد روستا بداند.
- با آب و منابع آبی که عنصر اصلی به وجودآورنده روستاها است آشنا باشد.

باشد.

- خاک را به عنوان عنصر مهم دیگر که در کنار آب در پیدایش و رشد روستا نقش دارد بشناسد.

- با طبقه‌بندی روستاها بر اساس عوامل انسانی آشنا باشد.
- با طبقه‌بندی روستاها بر اساس جمعیت آنها آشنایی داشته باشد و نقش جمعیت را به عنوان عامل انسانی مهم در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی روستا بشناسد.

- با طبقه‌بندی روستاها بر اساس نوع معیشت آنها آشنا باشد.
- با رابطه موجود بین نوع معیشت روستاها و شرایط طبیعی آنها آشنا باشد.
- با طبقه‌بندی روستاها بر اساس میزان رشد و توسعه یافتگی آنها آشنا باشد.

## گذشته تاریخی روستاها و سیر تکوینی روستاها در ایران

شکل‌گیری روستا در ایران به هزاره‌های قبل از میلاد می‌رسد و متأسفانه اطلاعات دقیقی از تشکیل اولین روستاها در ایران در دست نیست. ولی با نظر عده‌ای از جامعه‌شناسان روستایی می‌توان هم‌عقیده شد که ده از روزی پدیدار شد که گروه‌های کوچ‌نشین انسانی که پیش از آن به شکار و احیاناً دامپروری اشتغال داشتند، به کشاورزی آگاهی یافتند و بدین ترتیب سکونت را بر حرکت ترجیح داده و در قطعه زمینی سکونت نمودند، که بدین ترتیب شاید اولین هسته یکجانشینی و تشکیل اجتماعات انسانی به وجود آمد. بنابراین با استقرار انسان و به‌دنیا آمدن آن ظهور و رواج کشاورزی، ترکیب‌های اجتماعی و روابط افراد و نوع فرهنگ جامعه تغییر نمود، زیرا قبل از استقرار انسان یگانه علقه‌ای که انسانها را به هم می‌پیوست علقه قبیله‌ای بود، که اعضا قبیله‌ها و گروه‌های در حال حرکت را به هم پیوند می‌داد. ولی ده‌نشینی رابطه مکانی را به وجود آورد و روابط اجتماعی با علقه‌های خویشاوندی درهم آمیخت و محیط‌های روستایی با ویژگی‌های اجتماعی و قومی به وجود آمد.

شاید بتوان اظهار نظر کرد که بعد از آشنایی انسان با کشاورزی به علت فقدان و ابتدایی بودن وسایل تولید کشاورزی، افراد مجبور بودند که به صورت دسته‌جمعی و از طریق پیوستن به گروه‌های بزرگتر و در نتیجه برخورداری از امنیت بیشتر زندگی کنند و در چنین شرایطی تفکیک شغلی نمی‌تواند وجود داشته باشد ولی با گذشت زمان و متحول شدن ابزار در میان انسانها جدایی شغلی به صورت خیلی ساده و ابتدایی به وجود آمد.

در هزاره سوم قبل از میلاد که مصادف با ظهور قوم ماد در ایران می‌باشد، به علت توسعه کشاورزی و رشد نیروهای مولد و تعالی صنایع فلزی و سفال‌سازی، مراکز روستایی در ایران گسترش و توسعه می‌یابد زیرا که روستاییان ماد با پیشرفت در زندگی کشاورزی و بهره‌برداری از امکانات طبیعی و پرورش اسب و بهره‌گیری از نیروی گاو توانستند با افزایش ارتباطات تجاری و اجتماعی به قدرت اقتصادی زیادتری در زمینه‌های کشاورزی و تجاری دست یابند و بر اثر این تلاش بود که اولین قوم در ایران به حکومت می‌رسد.

در عصر مآدها تشکیلات اجتماعی و روابط مختلف شکل خاص به خود می‌گیرد و روستاییان بر اساس قوانین حاکم بر دوره مآدها تنها به زمین وابسته می‌شوند و در حکومت هیچ نقشی ایفا نمی‌کنند. بعد از مآدها و تشکیل شاهنشاهی در ایران و با به وجود آمدن طبقات اجتماعی مختلف و توسعه نسبی شهرنشینی باز هم اکثریت مردم در روستاها زندگی می‌کردند، ولی چون کشاورزی در آن روزگاران اصلی‌ترین منبع ثروت و منشأ قدرت اقتصادی در جامعه بود و از طرف دیگر زمین‌داران مهمترین پرداخت‌کننده مالیات‌ها بودند و مخارج لشکرکشیها را می‌بایست تأمین نمایند، مورد توجه خاص شاهان هخامنشی قرار داشتند ولی متأسفانه روستاییان همچنان در فقر و بدبختی روزگار می‌گذرانند.

در دوره هخامنشیان توجه بیشتری نسبت به روستاییان مبذول شد و در این دوره په امور مربوط به کشاورزی (توسعه کشاورزی) اهمیت بیشتری قائل شدند و حتی پادشاهان هخامنشی بازرسانی را به نقاط مختلف کشور گسیل داشتند تا مزارع را مورد بررسی قرار دهند و گزارشی در مورد ازدیاد یا احیاناً کاهش محصول کشاورزی تهیه و ارائه نمایند و حتی در این زمینه به تشویق و تنبیه حاکمان اقدام می‌نمودند، در این راستا بود که در زمان هخامنشیان بندسازی و ایجاد کانالها و روشهای جدید آبیاری متداول گردید، مع الوصف فشار و تعدی مالکان بزرگ بر روستاییان روزبه‌روز فزونی می‌یافت.

پس از انقراض هخامنشیان سلوکیان و سپس اشکانیان به قدرت رسیدند که تغییراتی در مناسبات اجتماعی به وجود آمد و کشاورزی دستخوش تغییراتی گشت و در این دوره به امور دامپروری توجه بیشتری شد. در زمان پارتها گردانندگان دستگاههای اداری را مالکان تشکیل می‌دادند و این خود موجب شد که روستاییان بیشتر از گذشته مورد ستم واقع شوند، و بیکاری در روستاها افزایش یابد. در زمان ساسانیان تغییرات چشمگیری در وضع روستاها به وجود نیامد ضمن اینکه روستاییان مکلف بودند که کارهای طاقت‌فرسای کشاورزی را انجام دهند، لازم بود در خدمت سربازی هم حضوری فعال داشته باشند.

پس از حمله اعراب به ایران و اشاعه دین مبین اسلام، تغییرات چندانی در امور روستاها به وجود نیامد. از این دوره به بعد است که روستا در ایران به عنوان

یک کالای اقتصادی غیرمنقول جای طلا را که مبنای فعالیت‌های اقتصادی بود می‌گیرد و به این ترتیب عنصر آب و خاک به صورت مطلوبی در ساختار اقتصادی جامعه روستایی و کشور مطرح می‌شود.

از دوره سلاجقه عنوان اقطاع به شکل نوینی ظاهر می‌شود و در دوره مغولها فشارهای اقتصادی بیش از گذشته بر روستاییان وارد می‌شود و بر تعداد بزرگ مالکان افزوده می‌گردد که این موارد در انحطاط و تنزل و میزان تولید در این عصر قویاً تأثیر می‌گذارد.

با روی کار آمدن صفویان تغییراتی در امور روستاها به وجود می‌آید. با احداث راهها و قنوات و تعمیر و نگهداری آنها و فراهم آوردن تسهیلاتی برای کاروانیان، تجارت رونق می‌گیرد و بالطبع تأثیر به‌سزایی در کشاورزی و در نهایت در روستاها به جا می‌گذارد و در زمان افشاریه املاک دیوانی توسعه می‌یابد.

در زمان قاجاریه مناسبات اجتماعی شکل خاصی می‌پذیرد و قبایل کوچ‌نشین در مواردی بر جامعه روستایی تفوق می‌پذیرد، گردانندگان امور سیاسی را اکثراً رؤسای قبایل و کوچ‌نشینان تشکیل می‌دهند.

به‌طور کلی تا این دوره قوانین مدون و روشنی در مورد روستاها وجود نداشته و در صورت وجود برخی از قوانین به ندرت به مرحله اجرا در نمی‌آمده است. اطلاعات موجود<sup>۱</sup> حاکی است که تا قبل از دوره قاجاریه هیچ مؤسسه دولتی کار رسیدگی به امور روستاها و کشاورزی را در ایران به عهده نداشته است و امور کشاورزی و روستاها به وسیله اداره املاک ایرانی یا دیوان خالصجات اداره می‌شد. جنبش مشروطیت ایران به نظر می‌رسد که سرآغازی برای تحولات اوضاع کشور بخصوص روستا باشد، که متأسفانه بجز معدود اقداماتی این جنبش در مورد روستاها راه به جایی نمی‌برد. تا اینکه در سال ۱۲۷۴ شمسی اداره کل فلاحت مورد تصویب قرار می‌گیرد، و متعاقب آن در قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام در سال ۱۲۸۴ برای اولین بار از کدخدایان نام برده می‌شود و او را مانند حاکم و نائب‌الحکومه اداره نظمیة شهری به حساب می‌آورد و اداره کردن ده به عهده کدخدایی که با رضایت ساکنان ده و تأیید مالک و تصویب نائب‌الحکومه

---

۱. تقی بهرامی، تاریخ کشاورزی ایران - دانشگاه تهران ۱۳۳۰

باشد و اگذار می‌کند. با روی کار آمدن رضاخان به عنوان سردار سپه در سال ۱۲۹۹ تغییرات در اوضاع کشور حاصل شد منجمله اینکه رضاخان دستور داد که نسبت به عمران و آبادی دهات مخصوصاً دهات خالصه که عواید آن صرف قشون می‌گردید اقدام شود، در این راستا بود که مدرسه فلاحت به منظور تربیت عضو فنی برای انجام خدمات فلاحتی و تربیت مباشر برای اداره دهات و تربیت آموزگار برای تدریس در دبستانهای قراء تأسیس شد که پس از تحولاتی در سال ۱۳۰۶ مدرسه عالی فلاحت در کرج تأسیس شد که این مدرسه در سال ۱۳۱۹ به دانشکده کشاورزی کرج تبدیل گردید. در طول حکومت پهلوی اقدامات متعددی به منظور توسعه دهات و بهبود وضع زندگی روستاییان به عمل آمد، ولی در مجموع نتایج مطلوبی از این اقدامات حاصل نشد و به علت وجود مالک که پیوسته مانع و سد راه توسعه روستایی در تاریخ ایران بوده کلیه اقدامات در مورد روستاها به نتایج مطلوبی نرسید کما اینکه در تمام برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب فصول مفصلی به مسائل روستایی اختصاص دارد ولی در عمل اکثر این برنامه‌ها جامه عمل نمی‌پوشد. اقدامات قابل ذکر در دوران حکومت پهلوی در دهه ۱۳۳۰ بخصوص در دوره نخست وزیری دکتر محمد مصدق اتفاق می‌افتد و در این دوره توجهاتی به مسائل روستایی به عمل می‌آید. لایحه ازدیاد سهم کشاورزان و سازمان عمران کشاورزی در سال ۱۳۳۱ در چهل ماده تصویب می‌شود و متعاقب آن در سال ۱۳۳۴ قانون سازمان عمرانی کشور و ازدیاد سهم کشاورزان به تصویب می‌رسد و در سال ۱۳۳۵ لایحه قانونی اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات در ۳۳ ماده تصویب می‌گردد. تا اینکه در سال ۱۳۴۱ اصلاحات ارضی با ویژگیهای خاص خود به مرحله اجرا در می‌آید. اصلاحات ارضی در ایران با توجه به اینکه اهداف خاص را تعقیب می‌کرده و دارای نواقصی در اجراء بوده و در بسیاری از موارد نتایج مطلوب از آن حاصل نشده ولی می‌توان گفت که اصلاحات ارضی بزرگترین تحول در امور روستاها تا تاریخ اجرای آن محسوب می‌گردد.

## - مقدمه

در مطالعات و بررسیهای جغرافیایی اصولاً به منظور نتیجه‌گیری مطلوب و تسهیل در امر بررسی و درک بهتر موضوعات گروه‌بندی و یا سطح‌بندی پدیده‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. مطالعه و بررسی و شناخت متجاوز از ۶۰۰۰۰ روستا در سطحی گسترده به وسعت ایران قطعاً بدون گروه‌بندی امکان‌پذیر نیست. اگرچه در این بحث بر آن نیستیم که با گروه‌بندی روستاها شناختی همه‌جانبه از روستاهای کشور به دست آوریم، بلکه هدف روشهای متداول سطح‌بندی روستاهای کشور و بیان ویژگیهای هریک از عواملی که روستاها بر اساس آن طبقه‌بندی می‌شوند می‌باشد. بنابراین روستاهای ایران را در رابطه با عوامل متعددی که در شکل‌گیری، بقا و توسعه آنها مؤثر بوده‌اند، می‌توان گروه‌بندی نمود، لازم به ذکر است عواملی که بر اساس آنها می‌توان روستاها را طبقه‌بندی نمود زیاد می‌باشند که بیان همه آنها از حوصله این کتاب خارج است. در اینجا فقط به طور اجمالی با بیان رئوس مطالب به عواملی اشاره می‌گردد که شناخت فضای جغرافیای روستایی ایران را تسهیل نماید.

### ۱-۱- طبقه‌بندی روستاهای کشور:

روستاهای ایران شاید به علت متنوع بودن در تیب، معیشت، زبان، فرهنگ و قومیت از معدود کشورهای جهان باشند و یا به عبارت دیگر شاید بتوان گفت پیدا کردن روستاهایی در ایران که از هر لحاظ مشابه هم باشند بسیار بعید و مشکل است، زیرا که تنوع در توپوگرافی، اقلیم، معیشت، اوضاع اجتماعی، اقتصادی، زبان، مذهب، قومیت، مالکیت، منابع آب، نوع خاک و جنس زمین در جای جای مملکت به چشم می‌خورد. از آنجاکه روستاها در رابطه با این عوامل و دهها عامل

دیگر شکل گرفته و به وجود آمده‌اند هر یک خمیرمایه‌ای از عوامل مختلف را دارا شده که موجب تنوع روستاها گردیده است. باید اضافه نمود که این تنوعها کار برنامه‌ریزی روستایی را در ایران بسیار مشکل کرده است، زیرا که ویژگیهای روستاها کاملاً با یکدیگر متفاوت بوده و حتی در دو روستای مجاور معیشت، زبان، قومیت و عوامل مختلف دیگری مشاهده شده است. بنابراین برای گروهبندی دقیق روستاها به منظور برنامه‌ریزی صحیح الزاماً باید شناختی دقیق و همه جانبه از کلیه روستاها در دست باشد که اصولاً جغرافیای روستایی به عنوان زمینه‌ساز برنامه‌ریزی روستایی این شناخت را به دست می‌دهد. در این بحث به اختصار به بیان هر یک از اشکال گروهبندی می‌پردازیم.

#### ۱- گروهبندی روستاها بر اساس شکل استقرار و تیپ آنها

تیپ شناسی روستایی اصولاً یکی از مباحث عمده جغرافیای روستایی است. تنوع در تیپ روستاها بر اثر تفاوت عوامل و پدیده‌هایی است که آن عوامل در به وجود آمدن و شکل‌گیری روستا نقش داشته و مؤثر بوده‌اند. از لحاظ جامعه‌شناسی می‌توان عنوان کرد که تیپ روستاها بیشتر متأثر از ساختارهای اجتماعی و اقتصادی روستاها هستند تا عوامل فیزیکی.

اصولاً در تیپ‌شناسی روستا سه تیپ مشخص تحت عنوان روستاهای متمرکز و یا گردآمده، روستاهای پراکنده و روستاهای بینابین می‌توان معرفی کرد. در این بحث بیشتر توجه به شکل استقرار مساکن نسبت به یکدیگر و نیز مزارع معطوف است که این خود موجب پیدایش تیپ خاص از روستاها می‌گردد و بدیهی است که عوامل متعددی در به وجود آمدن یک تیپ مشخص مؤثر می‌باشند.

الف) روستاهای متمرکز و یا گردآمده: در این تیپ روستا، مساکن روستایی به یکدیگر چسبیده و چشم‌اندازی متمرکز و عموماً بدون فضای خالی در محدوده دارد، مزارع که محل تولید روستاییان محسوب می‌شود از خانه‌ها جدا و گاهی در

فاصله نسبتاً دوری قرار دارند.

عوامل مختلفی در شکل‌گیری این تیپ از روستاها دخالت دارند که عمده‌ترین آنها عبارتند از: ضرورت امر دفاع و امنیت، وجود منبع آب دائمی مثل چاه، چشمه و قنات، قومیت، توپوگرافی زمین و شیوه‌های بهره‌برداری است. در اینجا باید متذکر شد که در شکل‌گیری روستاهای متمرکز حداقل یکی از عوامل فوق نقش داشته و اغلب چند عامل در به وجود آمدن روستاهای متمرکز دخالت می‌نمایند.

روستاهای متمرکز در اکثر نقاط ایران وجود دارد. به عبارت دیگر تیپ غالب روستاها در ایران روستاهای متمرکز و یا گرد آمده است. این شکل استقرار در مناطق غربی، مرکزی و شمال و شمال شرقی و مشرق و جنوب ایران به تعداد زیاد به چشم می‌خورد. در مناطق خشک و نیمه خشک کشور شاید یکی از علل عمده تشکیل روستاهای متمرکز وجود منابع آب باشد، یعنی هر جا که آبی ظاهر شده انسانها بر در آن اجتماع کرده و بر اساس پیروی از قانون کمترین تلاش، کوشش نموده‌اند تا هر چه بیشتر به منبع آب نزدیک شوند. از طرف دیگر در گذشته مسأله دفاع در مقابل اشرار و حتی حیوانات وحشی امری اجتناب‌ناپذیر بوده و ایجاد امنیت عموماً به وسیلهٔ اتکاء به یکدیگر حاصل می‌شده است و گاهی این تمرکز به حدی زیاد می‌گردید که دور تا دور روستا دیوار کشیده می‌شد و یا به عبارت دیگر روستاهای قلعه‌ای به وجود می‌آمد که نمونه‌های آنها در مناطق مختلف کشور می‌توان مشاهده کرد. قومیت و شیوه‌های بهره‌برداری نیز در پیدایش روستاهای متمرکز در ایران مؤثر بوده‌اند. چون جامعه روستایی به علت شرایط خاص جغرافیایی و اجتماعی همگرا می‌باشد و در این صورت گرایش به سمت بهره‌برداری اشتراکی از زمین پیوسته برای روستاییان وجود داشته که این مسأله خود موجب پیدایی روستاهای گرد آمده گردیده است. امنیت در مقابل حوادث طبیعی مثل سیل گاهی روستاییان را مجبور می‌نماید که یک فضای نسبتاً کم راکه در ارتفاع قرار دارد به مساکن اختصاص دهند و به ندرت مساکن هر چه بیشتر نزدیک



به هم ساخته می‌شوند و یا اینکه اراضی سطح به کشاورزی اختصاص می‌یابد و دامنه ارتفاعات که معمولاً سطحی محدود دارد برای مسکن در نظر گرفته می‌شود که این خود موجب به وجود آمدن روستاهای متمرکز می‌گردد. به طور کلی فلات مرکزی ایران قلمرو روستاهای متمرکز بوده و پراکندگی روستاهای گردآمده در این مناطق امری طبیعی می‌باشد.

ب) روستاهای پراکنده (Scatter Farm System): در شناخت این تیپ، شکل و وسعت مزارع دخالت دارند، زیرا مزارع گسترده، سطوح وسیعی از اراضی را دربرمی‌گیرد و به علت وجود پاره‌ای مشکلات که در مورد روستاهای گردآمده بیان گردید. در این روستاها وجود ندارد و روستاییان ترجیح می‌دهند که خانه‌های خود را در میان کشتزارهای خود بسازند، چون حدود مزارع مشخص و مالکیت مزارع نیز محرز است در نتیجه در داخل هر مزرعه یک خانه بنا می‌گردد و در نتیجه روستای پراکنده به وجود می‌آید، ضریب تفرق روستاهای پراکنده در رابطه با وسعت اراضی محاسبه می‌شود. روستاهای پراکنده دارای محاسنی هستند که مهمترین آنها عبارتست از دقیق بودن حدود در مزارع، نزدیکی مزارع به محل سکونت روستایی، سهولت در امر تردد به مزرعه و خودرأی بودن در انتخاب کشت محصولات کشاورزی و نهایتاً یک پارچه بودن مزرعه که کارآیی آن در کاربری ماشینهای کشاورزی تجلی می‌نماید. این تیپ روستاها در مناطق محدودی از کشور وجود دارند و قلمرو عمده روستاهای پراکنده مناطق شمالی کشور بخصوص در منطقه گیلان و حواشی شکل غالب و کامل آن مشاهده می‌گردد، در مناطق دیگر کشور مثل بندرعباس، میناب و بشاگرد نیز این نوع روستاهای پراکنده به چشم می‌خورد، باید توجه داشت که در مناطق جنوبی کشور باید وجود واحه‌ها را از روستاهای پراکنده تشخیص داد، واحه‌ها روستاهای کم جمعیتی هستند که گرد یک چشمه و یا برکه آب تجمع می‌یابند و حال اینکه روستاهای پراکنده کاملاً با واحه‌های یاد شده متفاوت می‌باشند.

ج) تیپ روستاهای بینابین: می‌توان گفت که این تیپ روستاها ویژگیهای روستاهای متمرکز و پراکنده را یکجا دارا می‌باشند. تیپ مشخص این روستاها

عموماً در برخی از کشورهای جهان بر اساس یک برنامه‌ریزی مشخص طرح‌ریزی و ساخته می‌شود ولی در ایران این نوع برنامه‌ریزی برای ساخت روستاهای بینابین وجود نداشته، و اگر احتمالاً روستایی در این تیپ قرار می‌گیرد ناشی از وجود برخی عوامل طبیعی و یا انسانی می‌باشد، مثلاً وجود رودخانه‌ها و استقرار مساکن روستایی در حاشیه رودخانه و یا استقرار روستا در امتداد کف یک دره و یا در امتداد یک جاده موجب پیدایش روستاهای خطی و یا ریسمانی گردیده است.

تیپ روستاهای چهارراه نشین، تیپ L و یا ستاره‌ای که بر اساس یک طرح‌ریزی به وجود آمده باشد وجود ندارد و اگر مشاهده گردد، بر اثر تصادف می‌باشد. در بررسیهای اقتصادی اجتماعی جنوب شرقی ایران «ایتال کهنسولت»<sup>۱</sup> به شش نوع سکونتگاه به منطقه مورد مطالعه اشاره می‌شود.

۱- دهات کشاورزی پایدار که قرارگاه اساسی انسانها در سراسر خاک ایران می‌باشد و روستاهای مجتمع مستقر در فلات ایران به شکل بارز آن می‌باشد.

۲- سکونتگاههایی که شکل واحه دارد که خود به دو صورت متراکم و متفرق دیده می‌شود. در واحه‌هایی که آب و زمین نسبتاً زیاد است، خانه‌ها به دور منابع آبی متفرق جمع می‌شوند ولی در واحه‌هایی که آب کم است، خانواده‌ها در اطراف منبع واحد آب مجتمع می‌گردند. فرق واحه با روستاهای پایدار در این است که اساس واحه بر آب و مختصر کشاورزی که معمولاً باغداری (نخل) می‌باشد استوار است. خوش‌نشینها در واحه جایی ندارند در واحه‌ها به محض فقدان آب چراغ زندگی خاموش می‌شود.

۳- روستاها از خانه‌های تاحدی جدا از هم ساخته شده و عمدتاً با محل کشت در رابطه می‌باشند، دورادور زمین و یا باغ دیواری بلند کشیده شده و اغلب خانه‌ها پشت به دیوار ساخته شده‌اند، این نوع روستاها ترکیبی است از روستاهای مجتمع و پراکنده.

۴- روستاهایی که اقامتگاه ایلات نیمه کوچ‌نشین هستند، در این روستاها

---

1. Italcansult: Socio - Economic development plan for the South - Eastern Region, preliminary report vol. 2. Romo 1960.

معمولاً کشاورزی محدود است. افرادی که قبلاً کوچ نشین بوده‌اند و در شرایط فعلی ساکن گردیده و ضمن داشتن کشاورزی مختص دامپاشان همچنان در بیلاق و قشلاق در حرکت می‌باشند.

۵- روستاهایی در خوزستان دیده می‌شود که هر سال جا به نقطه سکونتی دیگری سپارند که در این صورت ناپایدار خوانده می‌شوند.

۶- در مناطق جنوب غربی بخصوص در دشت خوزستان، روستاهایی وجود دارند که برای مدتی ساکن هستند وقتی منابع در روستا به اتمام می‌رسد مردم روستا کوچ می‌نمایند که در این صورت این قبیل روستاها نیمه پایدار می‌گویند. که مشابه Shifting Cultivation در مناطق استوایی بخصوص در شرق آفریقا و جنوب شرقی آسیا دیده می‌شود.

## ۲- گروهبندی روستاها بر اساس عوامل طبیعی

برخی از عوامل طبیعی در شکل‌گیری روستاها مؤثر هستند و یا به عبارت دیگر روستاها را می‌توان بر اساس آن عوامل طبقه‌بندی نمود که مهمترین این عوامل عبارتند از توپوگرافی، اقلیم، منابع آب و خاک.

۱- توپوگرافی: شکل و چهره زمین و بالاخص عامل ارتفاع در توزیع و شکل‌گیری روستاهای کشور بسیار مؤثر بوده‌اند. اصولاً ارتفاعات جاذب جمعیت نیستند و این امر حتی بر سطح کره زمین نیز کاملاً مشهود است و حدود ۵۷ درصد از جمعیت جهان در ارتفاعی بین صفر تا ۲۰۰ متر از سطح دریا زندگی می‌نمایند! به‌طور کلی ارتفاعات به علت وجود شیب، عدم تشکیل خاک، مشکل بودن ارتباطات، کاهش فشار جو و در نتیجه کمی اکسیژن و غیره موجب عدم پذیرش انسانها می‌شود.

به‌طور کلی شکل زمین در ایران در توزیع تیپ و در نتیجه در معیشت روستاها بسیار مهم می‌باشد. بنابراین روستاهای ایران را در رابطه با عامل ارتفاع می‌توان به‌صورت زیر طبقه‌بندی نمود.

---

۱. مبانی جغرافیای جمعیت - دکتر مسعود مهدوی

الف) روستاهای کوهستانی

ب) روستاهای میان‌کوهی

ج) روستاهای پایکوهی

د) روستاهای جلگه‌ای

در این طبقه‌بندی نوع غالب روستاها جلگه‌ای و یا روستاهایی هستند که در دشتها استقرار یافته‌اند، وسعت اراضی و جمعیت‌پذیری این روستاها بیشتر از تیپهای دیگر می‌باشد. بعد از روستاهای جلگه‌ای نوع روستاهای پایکوهی هستند، پای‌کوهها به علت داشتن شیب ملایم وجود آب و بافت خاک نسبتاً خوب مکانهای مناسبی برای استقرار روستاها می‌باشند. در یک بررسی و مشاهده کلی ملاحظه می‌گردد که تعداد زیادی از روستاهای کشور در پای‌کوهها استقرار یافته‌اند. روستاهای میان‌کوهی روستاهایی هستند که در داخل مناطق کوهستانی و در میان دره‌ها شکل گرفته‌اند، در میان دره‌ها در هر جا که دامنه‌های دره از هم فاصله گرفته و پادگانه‌های آبرفتی تشکیل شده مکان مناسبی برای به وجود آمدن روستا و یا مزرعه بوده، به همین دلیل است که در ایران در امتداد دره‌ها تعداد زیادی از روستاها استقرار یافته‌اند. استفاده از آبهای جاری در امتداد دره‌ها بخصوص رودخانه‌ها، وجود راههای ارتباطی که در میان دره‌ها معمولاً رودخانه‌ها را تعقیب می‌نمایند و همچنین شرایط میکروکلیمای مناسبی که به وجود می‌آید در شکل‌گیری و بقا روستاها بسیار می‌تواند مؤثر باشد. در این تیپ از روستاها به علت کم بودن وسعت اراضی، زراعت دامنه وسیعی ندارد و اصولاً معیشت روستاهای میان‌کوهی به باغداری و دامداری، صنایع دستی و پاره‌ای از امور خدماتی متکی می‌باشد. این قبیل روستاها را معمولاً در امتداد دره‌های کوههای البرز، زاگرس و کوههای مرکز می‌توان ملاحظه نمود.

روستاهای کوهستانی از جمله نوع محدودی از روستاهای کشور هستند که در ارتفاعات استقرار یافته‌اند، این قبیل روستاها به علت داشتن شیب تند، سختی معیشت و آمد و شد جاذب جمعیت‌های زیادی نیستند و معیشت این روستاها عموماً در رابطه با دامداری، باغداری و احتمالاً برخی خدمات زیارتی، تفریحی و

ورزشی شکل می‌گیرد.

۲- اقلیم: گسترده بودن ایران در عرضهای وسیع جغرافیایی، وجود ارتفاعات و دشتهای و بیابانها و دوری و نزدیکی به دریاها و مجاورت داشتن یا مناطق پرفشار قاره‌ای و کم‌فشار اقیانوسی اقلیم متنوعی در گستره ایران به وجود آمده که این تنوع در اقلیم در ساختارهای فیزیکی اقتصادی و اجتماعی روستاها تظاهر می‌نماید و در نتیجه با هر نوع اقلیم تیپ و یا نوع حاصل از روستاها شکل می‌گیرد، مثل مقدار ریزش بارشهای جوئی یکی از عوامل عمده در این نوع شکل‌گیریهای روستایی می‌تواند مطرح شود، مثلاً روستاهای مناطق پرباران، کم باران، نیمه خشک و روستاهای مناطق خشک می‌توانند از جمله این طبقه‌بندی باشند و اگر لازم باشد می‌توان روستاها را بر اساس میزان کمی بارش طبقه‌بندی نمود. همچنین عامل درجه حرارت نیز که از عناصر مهم اقلیمی است که می‌تواند در تقسیم‌بندی روستاها به کار رود.

۳- آب: ایران چون در منطقه خشک جهان قرار گرفته وجود آب در شکل‌گیری سکونتگاهها نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید، بخصوص در مورد روستاها این عامل شکل حادثی به خود می‌گیرد، لذا در این رابطه می‌توان روستاها را در رابطه با منابع آبی که مورد استفاده روستا قرار می‌گیرد طبقه‌بندی نمود. منابع آبی روستاهای کشور عموماً به منابع آبی سطح الارض و تحت الارض و احتمالاً مخلوطی از هر دو محدود می‌گردد، در مناطق شمالی و غربی کشور منابع آبی روستاها اکثر منابع سطح الارض و یا رودخانه‌ها هستند و برعکس در فلات مرکزی ایران به علت کمی بارشهای جوئی جریان رودخانه‌های دائمی کم و محدود می‌باشد و در نتیجه منابع آبی اکثر روستاها آبهای تحت الارض است که به صورت چشمه، چاه و قنات مشاهده می‌گردد. مشخص نمودن تعداد روستاهایی که از هر یک از منابع آبی استفاده می‌نمایند، میسر است. مثلاً تعداد روستاهایی که از آب رودخانه‌ها استفاده می‌نمایند حدود ۷۳۲۶ روستا می‌باشد. در سالهای اخیر شاهد خشک شدن تعداد زیادی از قنات کشور بودیم که به علت مسامحه و سهل‌انگاری برای این سرمایه ملی پاره‌ای از معضلات اجتماعی و اقتصادی هر کشور عارض

گردیده است، یکی از علل عمده تخلیه روستا و در نتیجه متروک شدن اراضی کشاورزی در ایران خشک شدن قنوات می باشد. بنابراین از تعداد دقیق قناتهای دایر و همچنین مشخصات چاههای حفر شده اعم از عمیق و نیمه عمیق اطلاع دقیقی در دست نیست زیرا که این دو پدیده (قنات و چاه) پیوسته در ستیز بوده و اغلب مشاهده می گردد که قنوات به نفع چاهها عقب نشینی می نمایند.

۴- خاک: در ایران به علت وجود تنوع اقلیمی و ویژگیهای زمین شناسی و تنوع در پوشش گیاهی، خاکها و یا زمینهایی که با تواناییهای مختلف به وجود آمده، متأسفانه نقشه های خاکشناسی از کلیه مناطق ایران تاکنون تهیه نشده و همچنین نقشه های ارزیابی خاک و طبقه بندی اراضی نیز که تمام ایران را پوشاند تهیه نگردیده تا بتوان روستاهای کشور را بر اساس استقرارشان بر نوع مشخصی از خاک و یا بر حسب کلاس معینی از زمین طبقه بندی نمود.

### ۳- گروه بندی روستاها بر اساس عوامل انسانی

۱- جمعیت: بر اساس مصوبات وزارت کشور تا سال ۱۳۶۵ سکونتگاهی که بیش از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته اند شهر و سکونتگاهی که کمتر از ۵۰۰۰ نفر جمعیت داشته روستا نامیده می شوند که البته در سرشماری ۱۳۷۰ این عدد به ۱۰۰۰۰ افزایش یافته است، در اینجا بحث بر این نیست که آیا در تشخیص شهر از روستا این شاخص می تواند از اعتبار علمی و منطقی برخوردار باشد یا نه، بلکه سعی بر آنست که اگر جمعیت روستاهای کشور را در گروه های جمعیتی مشخصی طبقه بندی نماییم. کدام طبقه دارای بیشترین فراوانی خواهد بود و یا به عبارت دیگر اکثریت روستاها در کدام یک از طبقات جمعیتی قرار می گیرند، بر اساس سرشماری ۱۳۴۵ در بین روستاهای تخلیه نشده روستاهایی که بین ۵۰۰-۱۰۰ نفر جمعیت داشته اند، بالاترین درصد فراوانیها یعنی  $\frac{33}{2}$  درصد، در سرشماری ۱۳۵۵ همین طبقه با ۲۹٪ و در سال ۱۳۶۵ با  $\frac{24}{1}$ ٪ در گروه جمعیتی فوق قرار داشته و در عین حال بالاترین درصدهای جمعیتی را نیز داشته اند.

از اطلاعات به دست آمده در این بررسی می توان نتیجه گرفت که جمعیت

۵۰۰-۱۰۰ نفر در روستاها یک شاخص قابل قبول می‌باشد. به عبارت دیگر محیط روستاها بیش از این مقدار جمعیت را به سختی تحمل می‌نماید ولی در سرشماری ۱۳۶۵ این درصد بالای جمعیت روستایی در روستاهای ۲۵۰۰-۱۰۰۰ نفر تجمع نموده ولی درصد روستاهای خالی از جمعیت بیشترین تعداد و یا بالاترین درصد فراوانیها را نشان می‌دهد، که این مورد بیانگر کاهش جمعیت در روستاهای کم توان بوده است. جدول شماره ۱ گروهبندی جمعیتی روستاها را طی چهار دوره سرشماری نشان می‌دهد.

۲- معیشت: همچنانکه قبلاً اشاره شد روستاهای ایران به علت داشتن تنوع در اقلیم، توپوگرافی، نزدیکی به دریا، آدابی و رسوم و فرهنگ منابع زیرزمینی و عوامل دیگر، معیشت‌های مختلفی در روستاهای کشور به وجود آمده است. در مطالعات و بررسیهای اقتصادی در روستا ملاحظه می‌شود که در برخی از روستاها معیشت روستاییان صرفاً به یک عامل وابسته بوده و در پاره‌ای یا بیش از یک عامل در ارتباط می‌باشد. مهمترین عواملی که در روستاهای ایران معیشت روستاییان بدانها متکی می‌باشد عبارتند از:

۱- زراعت (کشت محصولات یکساله)، ۲- باغداری (اعم از محل مرکبات)، ۳- دامداری (اعم از کوچک و بزرگ)، ۴- بهره‌برداری از جنگل و علفزارها، ۵- صید و شکار و آبخورداری، ۶- استفاده از منابع زیرزمینی (معادن)، ۷- صنایع دستی، ۸- صنایع بزرگ (کارخانه‌های صنعتی)، ۹- اماکن (زیارتی، سیاحتی و ورزشی)، ۱۰- صنایع روستایی، ۱۱- مشاغل دولتی و خدماتی

باید توجه داشت که در روستاهای ایران اگر چه درصد قابل توجهی از معیشت روستاییان به امور کشاورزی وابسته است، ولی تعدادی روستا وجود دارند که معیشت آنها وابستگی به کشاورزی نداشته و از راههای مختلف امرارمعاش می‌نمایند. همانطور که گفته شد زراعت، باغداری، دامداری و صنایع دستی به ترتیب بالاترین میزان درصد معیشت روستاییان را تشکیل می‌دهند، باید توجه داشت که در اکثر روستاهای کشور معیشت و درآمد روستاییان صرفاً به یکی از عوامل فوق بستگی نداشته، بلکه با ترکیبی از شیوه‌های معاش در رابطه می‌باشند،

توزیع روستاهای کشور بر حسب طبقات جمعیتی

۱۳۶۵			۱۳۵۵			۱۳۴۵			طبقه‌بندی
درصد	درصد جمعیت	تعداد روستا	درصد روستا	درصد جمعیت	تعداد روستا	درصد روستا	درصد جمعیت	تعداد روستا	جمعیت
۰/۲	۷/۷	۱۷۲۷	-	-	-	-	-	-	۵۰۰۰ نفر و بیشتر
۰/۷۵	۱۱/۶	۷۸۲	۰/۵	۹/۲	۴۸۴	۰/۴	۶/۷	۳۰۸	۵۰۰۰-۲۵۰۰
۳/۷	۲۶/۲	۳۹۳۳	۳	۲۲/۹	۲۷۳۵	۳/۶	۱۹/۷	۲۰۸۷	۲۵۰۰-۱۰۰۰
۶/۸	۲۲/۳	۴۹۹۲	۶/۸	۲۴/۷	۶۲۴۴	۶/۵	۲۳/۷	۵۳۱۴	۱۰۰۰-۵۰۰
۲۴/۱	۲۷/۵	۲۵۱۵۹	۲۹	۳۶/۸	۲۶۶۸۰	۳۳/۱	۴۲/۱	۲۷۳۵۱	۵۰۰-۱۰۰
۸/۶	۲/۹	۸۹۷۳	۱۰/۶	۴	۹۷۵۸	۱۲/۸	۵	۱۰۵۲۸	۱۰۰-۵۰
۶/۸	۱/۳	۷۱۲۳	۸/۱	۱/۶	۷۵۰۰	۹/۶	۱/۹	۷۸۸۴	۵۰-۲۵
۱۱/۷	۰/۶	۱۲۱۶۷	۱۲/۶	۰/۸	۱۱۶۵۴	۱۵/۷	۱	۱۲۹۶۶	کمتر از ۲۵
۳۷	-	۳۸۶۱۳	۲۹/۲	-	۲۶۹۵۲	۱۹/۳	-	۱۵۹۲۵	خالی از جمعیت
	۱۰۰	۲۲۳۹۴		۱۰۰	۱۷۴۴۹		۱۰۰	۱۵۳۱۴	جمع

مأخذ - سالنامه آماری ۱۳۶۵ کشور ص ۵۹



مثلاً روستاهایی وجود دارند که در شرایطی که دارای اراضی وسیع کشت غلات هستند باغداری، دامداری و صنایع دستی نیز در روستا وجود دارد و عده‌ای از ساکنان روستا در امر خدمات و غیره می‌باشند و در سواحل دریای عمان و خلیج فارس روستاهایی دیده می‌شوند که معیشت آنها صرفاً به صیادی وابسته است. روستاهای دامدار در سطح کشور کم نیستند، همچنین تعدادی از روستاها معیشتشان وابسته به معادن و کار در معادن است. مانند برخی از روستاهای انارک و یا روستاهایی که درآمدشان از طریق صنایع دستی و یا صنایع روستایی و صنایع بزرگ می‌باشد. بنابراین به علت تنوع و ترکیب نوع درآمدها طبقه‌بندی روستای ایران بر اساس نوع معیشت کمی مشکل می‌نماید.

#### ۴- طبقه‌بندی روستاها بر اساس توسعه یافتگی

اصولاً قبل از هر نوع تقسیم‌بندی باید هدف از آنرا معلوم نمود و اینکه طبقه‌بندی در راستای چه طرح و کدام سیاست و برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد تعیین کرد، در این راستا است که پرداختن به طبقه‌بندی روستاها مستلزم تعیین و تبیین استراتژی توسعه روستایی در کشور می‌باشد. البته در این بحث قصد آن نیست که عوامل توسعه و توسعه نیافتگی را دریابیم و در رابطه با مفهوم توسعه و ابعاد مختلف آن بحث کنیم، بلکه هدف اینست که بر اساس یک سری ضوابط به طور نسبی مناطق محروم و برخوردار را مشخص نماییم. باز نمودن مقوله محرومیت و تلاش در دست بابی به تعریفی جامع و کامل از محرومیت همانند درگیر شدن در مفهوم رشد یافتگی و از رشد ماندگی در سطح جهانی و در ادبیات برنامه‌ریزی و توسعه می‌باشد. همانگونه که در مفاهیم توسعه هنور تعریفی روشن و جامع از توسعه که مورد قبول همگان باشد ارائه نشده در زمینه محرومیت نیز متأسفانه در بعد ملی و مملکتی تصویر روشنی ترسیم نگردیده است. Peter TownSand<sup>۱</sup> (پیتر تاون سند) افراد فقیر و محروم را چنین تعریف می‌کند که «افرادی که قادر به مشارکت در فعالیتهای جامعه نبوده و فاقد شرایط زندگی و تسهیلات معمول در

---

1. Town Sand, P, The consopt of Poverty 1670

جامعه باشند فقیر و یا محروم می‌باشند» و در مورد انگلستان اشاره می‌کند که این نیازها علاوه بر غذا، لباس شامل چیزهای دیگری نظیر جشن تولد برای فرزندان، تعطیلات تابستانی و میهمانی‌های شبانه نیز می‌گردد.

برای ایجاد تعادل نسبی میان همه مناطق کشور شناخت مناطق برخوردار و عدم برخورداری بر اساس معیارهایی از وظایف برنامه‌ریزان جامعه می‌باشد. برای نیل به این هدف طرحی در سازمان برنامه و بودجه از سال ۱۳۶۲ به منظور شناخت مناطق محروم به اجراء درآمد این طرح پنج مرحله را پشت سر گذاشت و نتایج بررسی مرحله پنجم در گزارش تحت عنوان «شناسایی مناطق محروم کشور» در مهرماه ۱۳۶۴ ارائه گردید. در این گزارش کوشش شده است تا بر اساس درجات و میزانهای برخورداری با استفاده از روشهای ریاضی و آماری ضرابی برای مناطق مختلف کشور تعیین شود. در این بررسی به موجب محرومیت برای ۱۹ شهرستان محاسبه شده که تهران با ضریب ۱۰۰/۲ برخوردارترین شهر و کهنوج با ضریب ۹۹۹/۲ محرومترین نقطه شهری در کشور می‌باشد. و ضریب محرومیت بیش از ۸۵۰ شاخص مناطق محروم تعیین شده و در نتیجه ۷۵ شهر دارای ضریبی بالاتر از ۸۵۰ داشته‌اند. همچنین در این مطالعه بخشهای محروم کشور مطالعه گردیده و از ۵۰۰ بخش که قلمرو روستاهای کشور را تشکیل می‌دهند ۱۶۰ بخش به انضمام روستاهایشان محروم تشخیص داده شده است. حال اگر ضرایب محرومیت این بخشها را در جداولی طبقه‌بندی نماییم می‌توانیم بخشهای برخوردار و کمتر برخوردار .... تا بخش محروم و بیشتر محروم را مشخص نماییم.

## خلاصه فصل اول

شکل‌گیری روستاها در ایران به مراتب قدیمتر از شهرها است و شاید به هزاره‌های قبل از میلاد برسد. اظهارنظر درباره روستاهای ایران در گذشته بسیار مشکل است زیرا که منابع و شواهدی که بر تعداد و نحوه پراکندگی و مشخصات اجتماعی و اقتصادی روستاها در دست داشته باشد وجود ندارد و آنچه که مسلم است با استقرار انسان و به دنبال آن با ظهور کشاورزی اولین هسته‌های روستایی شکل گرفته و در ادوار مختلف تاریخ متحول گردیده ولی آنچه که مسلم است این

تحولات به صورت بارز و چشمگیری در زمینه تکنیک نبوده است.

در هزاره سوم قبل از میلاد مراکز روستایی در ایران توسعه می‌یابد و تشکیلات اجتماعی شکل خاص به خود می‌گیرد. در دوره هخامنشیان به امور کشاورزی و افزایش محصولات توجه می‌شود. نهرسازی و ایجاد کانالها در ایران باستان بیشتر متعلق به دوره هخامنشیان می‌باشد. عهد ساسانیان مصادف است با نوعی بی‌تعاونی در مورد روستاها. در دوران استیلای اعراب بر ایران روستا به عنوان یک کالای اقتصادی غیرمنقول به مثابه طلا در قیاسهای اقتصادی عمل می‌نماید. دوران صفویه مصادف است با شکوفایی اقتصادی مجدد در روستاها، در زمان قاجاریه ایلات و عشایر بر روستاها تفوق می‌یابند زیرا که گردانندگان امور سیاسی کشور اکثراً از رؤسای عشایر و ایلات تشکیل می‌شده است. در عهد پهلوی با توجه به تحولات عظیمی که در جهان در مناسبات اقتصادی و اجتماعی و صنعتی به وجود می‌آید روستاها تقریباً بی‌بهره می‌مانند به جز چند اقدام مثل تأسیس مدرسه فلاحت و دبستانهای روستایی و تأسیس بانک کشاورزی و غیره اقدام مؤثری در روستاها صورت نمی‌گیرد. دهه ۱۳۳۰ شروع تحولاتی در روستاها محسوب می‌گردد که با شروع دهه ۱۳۴۰ اصلاحات ارضی به وقوع می‌پیوندد.

برای تفهیم هرچه بهتر مطالعات جغرافیایی لازم است که موضوعات مورد مطالعه طبقه‌بندی گردد، به همین منظور در این فصل روستاهای ایران بر اساس عوامل مهم جغرافیایی طبقه‌بندی شده، اگرچه به علت وجود عناصر متعدد تشکیل دهنده روستاها را می‌توان به اشکال و بر اساس عوامل زیادی طبقه‌بندی نمود ولی مهمترین عوامل جغرافیایی عبارتند از:

۱- گروه‌بندی روستاها بر اساس شکل استقرار و تیپ روستاها

۲- گروه‌بندی روستاها بر اساس عوامل طبیعی

۳- گروه‌بندی روستاها بر اساس عوامل انسانی

۴- گروه‌بندی روستاها بر اساس توسعه یافتگی

هریک از شیوه‌های گروه‌بندی در مورد روستاها اعمال شده و نمونه‌ها و

مثالهایی ارائه گردیده است.

## خودآزمای فصل اول

- ۱- اکثریت روستاهای ایران از کدام نوع است؟  
الف) پراکنده (ب) متفرق  
ج) متمرکز (د) بینابین
- ۲- روستاهای بینابین در ایران مولود کدام عوامل زیر است؟  
الف) طبیعی و انسانی (ب) اجتماعی  
ج) برنامه‌ریزی (د) سیاسی
- ۳- منابع آبی روستاهای شمالی و غربی ایران بیشتر کدام نوع است؟  
الف) چاه (ب) سطح‌الارض  
ج) قنات (د) باران
- ۴- در سه شماره سال ۴۵ از لحاظ تعداد جمعیت بیشترین روستاها با کدام مورد زیر بود؟  
الف) ۲۰۰-۱۰۰ (ب) ۲۵۰۰-۱۰۰۰  
ج) ۱۰۰۰-۵۰۰ (د) ۵۰۰-۱۰۰
- ۵- در طبقه‌بندی روستاها بر اساس توسعه یافتگی هدف این است که بر اساس یک سری ضوابط معین به‌طور نسبی ..... و برخورداری از امکانات را مشخص نماییم.
- ۶- کدامیک از مناطق زیر ممکن است روستاهایی با معیشت وابسته به کار و فعالیت‌های معدن داشته باشد؟  
الف) حواشی کویر (ب) دشت و گرگان  
ج) سواحل عمان (د) کوهپایه‌های سبلان
- ۷- طبقه‌بندی روستاهای ایران به دلیل ..... خاک مقدور نیست.

- ۴- د (۵۰۰-۱۰۰)  
۵- مناطق محروم  
۶- الف (حواشی کویر)  
۷- عدم تهیه نقشه‌های ارزیابی

- پاسخ خودآزمای فصل اول  
۱- الف (پراکنده)  
۲- الف (طبیعی و انسانی)  
۳- ب (سطح‌الارض)

## فصل دوم: ساختار اداری و اقتصادی، اجتماعی روستاها تا پیش از اصلاحات ارضی

### هدف مرحله‌ای فصل دوم

در این فصل نظام اداری روستاها و ویژگی نهادهای موجود در آن تا پیش از اجرای قانون اصلاحات داخلی نیز تغییرات ناشی از اجرای این قانون در نهادهای روستایی و بالاخره انواع مالکیت‌های زمین بازگو خواهد شد.

### هدفهای رفتاری فصل دوم

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بر هدفهای آموزشی زیر دست پیدا کنند و در رابطه با آنها به تحلیل و تبیین مسائل روستایی ناشی از نظام اداری، اقتصادی و اجتماعی آنها بپردازند.

- با نظام اداری روستاهای ایران در قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی واقف باشند.

- بر اشکال گوناگون مالکیت‌های اراضی آگاهی داشته باشند.

- ماهیت املاک خالصه را بشناسند.

- املاک موقوفه و ویژگیهای آنها را بشناسند.

- عمده مالکی و چگونگی آن را بدانند.

- خرده مالکی و ویژگیهای آنرا بدانند.

- ویژگیهای مالکیت قبیله را توجیه کنند.

- به هنگام پیاده کردن قانون اصلاحات ارضی وضعیت زمین‌داری چگونه

بود.

- چگونگی پراکندگی مالکیت‌های روستایی را به هنگام اجرای قانون اصلاحات ارضی بدانند.
- نقش مباشر از مجموعه نهادهای روستایی قبل از اصلاحات ارضی را بشناسد.
- نقش کدخدا را از مجموعه نهادهای روستایی در قبل از اصلاحات ارضی بشناسد.
- جایگاه ریش سفیدان را در جامعه روستایی بشناسد.
- پاکار و نقش آن را در جامعه روستایی قبل از اصلاحات ارضی بشناسد.
- دشتبان و نقش وی را بدانند.
- رعایا و وضعیت آنها را در جامعه روستایی قبل از اصلاحات ارضی بشناسد.
- مجموعه نهادهای روستاهای قبل از اصلاحات ارضی را بشناسد.
- با مجموعه نهادهای شرکتهای تعاونی تولید، شرکتهای سهامی زراعی و شرکتهای تعاونی روستایی و انجمنهای ده آشنا شده و ماهیت و عملکرد هر یک را بشناسد.

## نهادها در روستاهای کشور

### مقدمه:

رسیدن به توسعه ایجاب می‌نماید که نظامی متناسب با ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و اداری در هر جامعه به وجود آید. روستا که خود یک اجتماع انسانی و توسعه برای این اجتماع امری اجتناب‌ناپذیر است، پس الزاماً نظامهای خاصی که امر توسعه را در روستا میسر کند، لازم است در آن یکی از این نظامها که نقش عمده‌ای در توسعه روستا ایفا می‌کند نظام اداری است که به اختصار در این فصل در مورد آن و تحولی که تاکنون داشته است مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۱-۲- نظام اداری در روستاهای ایران تا قبل از اصلاحات ارضی:

تا قبل از کودتای ۱۲۹۹ روستاها از طریق اربابان و کدخدایان که هیأت حاکمه مملکت وابستگی داشتند و نیز نهادهای اجتماعی - اقتصادی خاص که مولود شرایط زمان بود اداره می‌شوند.

اولین توجه اصولی به امور روستاها تأسیس وزارت تجارت و زراعت پس از برقراری مشروطیت بود. این وزارت در سال ۱۲۸۹ در وزارت فواید عامه ادغام گردید که به طور صوری امور روستاها را اداره می‌کرد تا اینکه در سال ۱۳۱۰ اداره فلاحت تشکیل شد که در سال ۱۳۲۰ به وزارت کشاورزی تبدیل گردید.

در سال ۱۳۱۶ در وزارت کشور بخشی تحت عنوان اداره عمران و اصلاحات به وجود آمد و در سال ۱۳۳۲ لایحه بنگاه عمرانی کشور به تصویب رسید که عهده‌دار عمران روستاها گردید و به سال ۱۳۳۵ به بنگاه اصلاح امور اجتماعی دهات تغییر نام یافت. این بنگاه از حمایتهای مالی خاصی برخوردار بود

و برای هدایت آن شورای امور اجتماعی دهات با شرکت وزیر کشور و معاونین وزارتخانه‌های دیگر تشکیل گردید، البته در کنار آن، بانک عمران دانشسرای کشاورزی، سازمان ترویج، بانک کشاورزی ایجاد شد تا اهداف عمران روستایی را تعیین نمایند. تا سال ۱۳۳۵ در اجرای اهداف توسعه در روستا، چند آموزشگاه کشاورزی، تعدادی مرزعه نمونه، و اجرای ۱۷۱ برنامه عمرانی کوچک در ۱۶۵ روستا به انجام رسید.

از سال ۱۳۳۵ با توجه به حمایت‌های مالی اصل ۴ ترومن و با تشکیل حوزه‌های عمرانی [۴۶ حوزه] با زیر پوشش قرار دادن ۲۳۰۰ روستا، اقداماتی از قبیل: آموزش مریج کشاورزی، آموزش زنان دهیار، آموزش کارشناسان تعاونی، آموزش دهیار برای اداره دهات، ایجاد راه‌های روستایی صورت گرفت و با استفاده از امکانات بنیاد فورد و بنیاد خاور نزدیک در گرگان و دشت، برنامه‌های عمرانی متمرکزی صورت گرفت که متعاقب آن درگرمسار ساختمان مرکز آموزش عمران ایجاد شد.

البته اقدامات انجام شده بیشتر مربوط به املاک سلطنتی، خالصه، موقوفه بوده و به لحاظ ساخت و بافت حکومت و سلطه مؤثر مالکان بزرگ و عدم شرکت مردم روستا، این نظامها نتوانستند در توسعه روستاها مؤثر باشند.

### ۱-۱-۲- تحولات نظام اداری از اصلاحات ارضی تا شروع انقلاب:

حضور مشاوران دولتی در روستا و ایجاد تغییر در سنت‌های روستاییان و همچنین ایجاد روحیه مصرف‌گرایی، ایجاد زمینه مهاجرت به شهر را می‌توان از مشخصات مهم این دوره دانست.

پس از بنگاه عمرانی کشور، لایحه اصلاح قانون وزارت آبادانی و مسکن تصویب شد و به موجب این قانون، فعالیت‌های عمران روستایی از وزارت کشور، فعالیت ترویج خانه‌داری از وزارت کشاورزی، و طرح‌های بهداشتی از وزارت بهداشتی منتزع و به وزارت آبادانی و مسکن واگذار گردید و تا سال ۱۳۵۰ ادامه یافت. در این سال با شروع مرحله سوم قانون اصلاحات ارضی که با برنامه چهارم

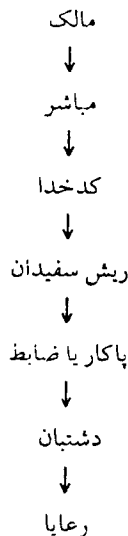


قرین بود، وزارت تعاون و امور روستایی تشکیل شد.

بر اساس قانون عمران و نوسازی روستاها، عمران روستایی از وزارت آبادانی و مسکن منتزع و در سال ۱۳۵۱ به وزارت تعاون و امور روستاها منتقل گردید، که سازمانی به نام سازمان عمران و نوسازی روستاها وظایف آنرا به عهده گرفت در سال ۱۳۵۶ وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و وزارت تعاون و امور روستاها در یکدیگر ادغام گردیده و وزارتخانه‌ای تحت عنوان وزارت کشاورزی و عمران روستایی به وجود آمد، بدین ترتیب کلیه مسائل کشاورزی و عمران و آبادانی روستاها در این سازمان قرار گرفت.

## ۲-۲ نهادهای اقتصادی واجتماعی روستایی تا قبل از اصلاحات ارضی در ایران

هرم قدرت در روستاها سابقه طولانی دارد، قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی در ایران در ترسیم هرم قدرت مالک در رأس و رعایا در قاعده آن قرار داشتند که سلسله مراتب آن را می‌توان به شرح زیر برشمرد:



الف) مالک: مالک در گذشته در اصل صاحب زمین و آب در روستا بوده،

حتی در برخی از روستاهای اعیانی مسکن نیز به مالک تعلق داشته و مالکین قدرتمند گاهی خود را مالک رعایا نیز می‌دانستند. این شیوه در مناطق مختلف کشور به علت عدم وجود قانون در مورد روستاها متفاوت بوده است. نوع مالکیت نیز در روستاها متفاوت بوده و گاهی در یک روستا چند نوع مالکیت وجود داشته است که برای بیان روشن‌تر این بحث به طبقه‌بندی و اشکال گوناگون مالکیت می‌پردازیم.

### ۱- اشکال گوناگون مالکیت در روستاهای ایران

مالکیت روستاها در ایران در گذشته‌های دور دستخوش تغییرات و بی‌ثباتی‌های زیادی بوده است. پیوسته گروه‌های اجتماعی جدیدی جزء زمینداران درمی‌آمدند و گروه‌هایی از آن خارج می‌شدند. از عوامل عمده بی‌ثباتی در این زمینه شاید عدم ثبات سیاسی در دوره‌های مختلف بوده و به‌خصوص بعد از استیلای اعراب بر ایران و اجرای قوانین اسلامی منجمله قانون ارث، به تشکیل بزرگ مالکان در دوره‌های متمادی پایان داده و بر اساس بی‌ثباتیهای سیاسی و قوانین ارث اسلامی، اشرافیت مبنی بر بزرگ مالکگی در ایران شکل نگرفت. به عبارت دیگر اشرافیت ثابتی که بر مبنای مالکیت زمین باشد و به وسیله انتقال املاک اشرافیت از نسلی به نسل دیگر منتقل شود در ایران ظاهر نگردیده است، اگر چه تا قبل از اصلاحات ارضی وجود بزرگ مالکان در ایران امکان‌پذیر بوده است. از زمان روی کار آمدن آقامحمدخان قاجار تا انقلاب مشروطیت تعداد زیادی از بزرگ مالکان زمینهای بزرگی را از شاهان به رسم دوره‌های قدیم به شکل نیول می‌گرفتند و شیوه نیول‌داری یکی از انواع مالکیت در ایران تا انقلاب مشروطیت بوده است. حتی در دوره قاجاریه نیول به همه افراد از زنان درباری، بستگان شاه، فرمانروایان، روحانیون و خانهای مرزی و حتی خنیاگران که از طبقات پایین جامعه بودند تعلق می‌گرفته است.

با شروع اصلاحات ارضی در ایران تا حدود زیادی نظام مالکیت در روستاها به هم ریخت و یک تغییر در نظام مالکیت به وجود آمد. تا شروع اصلاحات ارضی

در ایران مالکیت روستاها به اشکال زیر بر اساس مدارک و اسناد موجود و ارائه شده در اصلاحات ارضی به شرح زیر بوده است:

**الف) املاک خالصه و دولتی:** شامل دهات و اراضی متعلق به دولت بوده است، درباره مقدار اراضی خالصه (تعداد روستاها) تا قبل از اصلاحات ارضی، آمار و تخمین مختلفی وجود دارد.

بنا بر یک آمارگیری که در سال ۱۳۲۷ به عمل آمده است که در آن انواع مالکیت‌های روستا در ایران را ذکر می‌نماید. تعداد روستاهای خالصه را ۱۳۷۳ روستا برآورد کرده است که این تعداد روستاها در حدود ۳/۵ درصد از کل روستاهای ایران را تشکیل می‌داده‌اند. بر اساس آمار اصلاحات ارضی ۱۴۴۴ روستا و یا حدود ۳/۶ درصد از کل روستاهای ایران را شامل می‌شده است. بیشتر روستاهای خالصه در استان خوزستان و ناحیه سیستان بوده و تعدادی نیز در نقاط مختلف کشور پراکنده بوده است.

**ب) املاک سلطنتی:** املاک سلطنتی به روستاهایی که در اختیار پادشاهان و خاندان سلطنت بوده اطلاق می‌گردیده است. تعداد این روستاها در دوره‌های مختلف با توجه به اقتدار سلاطین و ویژگیهای خاص آنها تغییر می‌یافته. ازدیاد و تثبیت املاک سلطنتی در دوره پهلوی به حد اعلا می‌رسد، رضاشاه با خلع ید از برخی مالکان تعداد آبادیهای تحت اختیار خود را به حدود ۲۱۰۰ ده در سال ۱۲۹۹ می‌رساند، تعداد این روستاها در سالهای بعد تغییر می‌پذیرد و بنا به گزارشهایی به ۲۴۰۰ ده می‌رسد که در زمان شاه سابق تعداد زیادی از این روستاها قبل از اصلاحات ارضی بین زارعین تقسیم می‌شود و در سال ۱۳۴۱ حدود ۸۱۲ یا حدود ۲ درصد از روستاهای باقیمانده بین روستاییان تقسیم می‌شود.

**ج) املاک موقوفه:** املاک موقوفه بعد از اسلام در ایران رواج یافته و در زمان صفویه متعاقب آن در دوره قاجاریه تا حدودی متداول بوده است. وقف املاک معمولاً به وسیله افراد مذهبی و خیر صورت می‌گرفته و به دو صورت عام یا خاص بوده است. وقف عام بدین صورت بوده که واقف روستا یا روستاهایی را وقف می‌کرده و بعد از مرگ املاک وقفی مشمول قانون ارث نمی‌شده و این نوع موقوفات

در اختیار مراکز یا مؤسسات مذهبی بوده و درآمد روستاها با نظر مؤسسات و یا متولی هزینه می‌شده است، موقوفات خاص عموماً به منظور هزینه کردن درآمد روستا در مقاصد خاصی صورت می‌گرفته و متولی که مجری وقف نامه بوده است مسئولیت شرعی و قانونی در هزینه کردن درآمدهای روستا را داشته است. این موقوفات گاهی وقف فرزندان بوده و گاهی برای نگهداری مساجد، مدارس، قنوات و غیره در نظر گرفته می‌شده است.

**د) عمده مالکی:** عبارت از املاکی بوده که بین یک تا چند ده تغییر می‌کرده، و در اختیار مالکان عمده قرار داشته، چنین برمی‌آید که عمده مالکی در ابتدا ناچیز بوده و با گذشت زمان گسترش یافته است.

قبل از اصلاحات ارضی، مالکیت ارضی منبع اصلی قدرت سیاسی در ایران به‌شمار می‌رفت. میزان اراضی متعلق به یک خانواده در موقعیت اجتماعی آن خانواده و به‌نوبه خود موقعیت اجتماعی به نفوذ سیاسی آن خانواده منجر می‌گردید. از این رو در ایران استفاده از ثروت به منظور خرید اراضی یک سنت دیرینه بوده است. تعداد بزرگ مالکان در ایران محدود بود و قدرتمندترین آنانرا ۴۰۰ الی ۵۰۰ خانواده تشکیل می‌دادند که بعضی از آنان بیش از ۳۰۰ ده در اختیار داشتند. بر اساس یک تخمین ۳۷ خانواده فقط مالک ۱۹۰۰۰ ده یعنی ۳۸ درصد از کل دهات بودند درحالی‌که گروه دیگر از مالکان متوسط که هرکدام مالک ۱۰۵ روستا بودند ۷ هزار آبادی یا ۱۴ درصد از مجموع آبادیها را در اختیار داشتند. بر اساس یک آمارگیری میزان دهاتی که زیر سلطه بزرگ مالکی اداره می‌شد ۱۲۷۲۵ ده (در حدود ۳۴/۵ درصد) از کل دهات ایران برآورده شده است که بالاترین رقم مالکیت در ایران به‌شمار می‌رود.

به‌طور کلی عمده مالکان را در ۴ گروه می‌توان طبقه‌بندی کرد: اولین گروه از خاندان سلطنتی سابق، امرای لشگری و کشوری تشکیل می‌شدند. گروه دوم از خانهای قبایل مهم کشور ترکیب یافته بودند. دسته سوم را بزرگان و علمای مذهبی به‌وجود آورده بودند و بالاخره گروه بعدی از تجار و بازرگانان که به سرمایه‌گذاری در زمین پرداخته بودند تشکیل می‌شد. صرفنظر از منشأ گروهی آنان، این بزرگ

مالکان با استثناهایی ساکن شهرها بودند و عمدتاً در تهران و یا مراکز استانها زندگی می‌کردند. آنان به‌ندرت از روستاهای خود بازدید به عمل می‌آوردند و ترجیح می‌دادند که امور املاک خود را به مباشران خود در ده واگذار کنند.

هـ) **خرده مالکی:** شکل دیگری از مالکیت ارضی در ایران به‌شمار می‌آید که در آن اراضی یک ده معمولاً به دو یا تعداد بیشتری مالک تعلق داشت. در چنین شکلی اراضی ده توسط چندین مالک اداره می‌شد. در این شکل از مالکیت، محصول تولید شده براساس نظم تقسیم بین مالک و زارع به خرده مالک تعلق می‌گرفت، خرده مالکان در نواحی مختلف ایران پراکنده بودند و تعداد آنان بیشتر و میزان املاکشان کمتر از املاک بزرگ مالکان بوده است. بنا به اعتقاد خانم لمپتون «در ناحیه اردستان، کوه کرکس، مورچه خورت و میمه، بعضی از دهات یزد و اردکان و نیز اطراف اصفهان مانند لنجانان، قهدریجان و فریدن و در بعضی از دهات آذربایجان و خراسان خرده مالکی وجود داشت» در صورتی که باید اذعان داشت در اکثر نقاط کشور خرده مالکی وجود داشته ولی در استانهای سیستان و بلوچستان، فارس، کردستان و در بعضی از استانهای کشور اکثر مالکان بزرگ حضور داشته‌اند. از کل دهات ایران قبل از اصلاحات ارضی که حدود ۳۹۷۷۱ ده بوده تعداد ۱۶۲۵۱ ده که حدود ۴۱ درصد است در زمره دهات خرده مالک ذکر شده است. در میان خرده مالکان دو گروه قابل ذکرند، خرده مالکان غیرزارع و رعایای صاحب زمین. اولین گروه شخصاً کشت و زرع نمی‌کردند و از وارثان بزرگ مالکان پلزاریان، بُروکراتها و صاحبان حِرَف تشکیل می‌شدند که اکثریت آنها در شهرها زندگی می‌کردند و املاک خود را به شیوه بزرگ مالکان اداره می‌نمودند. رعایای صاحب ملک، اراضی خود را شخصاً به زیر کشت می‌بردند اما چنانچه ذکر شد تعداد این گروه زیاد نبود اما در سراسر ایران پراکنده بودند اراضی آنان گاهی چنان اندک بود که به زحمت می‌توانستند زندگی خود را از این راه تأمین کنند.

و) **مالکیت قبیله‌ای:** این شکل از مالکیت در میان عشایر دیده می‌شد. از لحاظ اداری، اراضی متعلق به رئیس خانواده یا ایل بود، اما اعضای قبیله حق استفاده از اراضی را داشتند. چنین الگوی مالکیتی در بیشتر نقاط ایران به چشم

می خورد.

به طور خلاصه به املاک رعایا نیز بایستی اشاره کرد که از حدود ۵ درصد کل املاکی که به زیر کشت درمی آمد تجاوز نمی کرد. وسعت املاک متعلق به رعایا آنچنان نبوده که شکل دیگری از مالکیت اراضی را به وجود آورد. این امر با تحقیقی که در بخش تحقیقات روستایی مؤسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی در هفت منطقه روستایی صورت گرفت تأیید شد. بنابراین مطالعه حدود ۲۵ درصد از این دهات بر بزرگ مالکان، ۲۷ درصد به خرده مالکان غایب از ده، ۸ درصد به دولت، ۷ درصد به موقوفات و فقط ۳ درصد به رعایا تعلق داشت و بقیه ۱۹ درصد به صورت مختلط در اختیار مالکان غایب از ده، موقوفات و خالصه قرار می گرفته است.

### ۳-۲- زمینداری و خصوصیات آن هنگام اصلاحات ارضی در ایران:

هنگام اصلاحات ارضی عمده مالکی در ایران به شکل «اریاب و رعیت» بود. اختلاف عمده مالکی ایران با گذشته اساسی و عمیق نبود و غیر از کم شدن دهات مالکان بزرگ تفاوتی با گذشته نکرده بود. پس از انقلاب مشروطیت بر اثر پیدا شدن مرکزیت و ثبات سیاسی و اجرای اصول اسلام در ارث ابعاد زمین به اندازه قابل ملاحظه ای کوچک شد ولی باز مالکان بزرگ دیده می شدند. می گویند ظل السلطان دارای دوهزار ده با نیم میلیون جمعیت بوده است ولی هنگام اصلاحات ارضی بزرگترین مالک بیش از ۲۰۰ پارچه ده نداشت. اگر در استان خراسان و بعضی استانهای دیگر ایران چنین عمده مالکانی دیده می شدند ولی پهناوری زمین و دهات از لحاظ مالکیت بسیار کمتر شده بود و مالکان اغلب شغل دیگری غیر از مالکیت داشتند.

اختلاف دیگری که مالکیت در ایران تا ۱۳۴۱ با گذشته داشت. وارد شدن عناصر جدید (بازرگانان) در گروه اعیان سابق و تملک اراضی است، به نظر لمپتون گروه جدید برای پیدا کردن منزلت و حیثیت اجتماعی زمینهای مالکان را خریده اند این نظریه گرچه صحیح است ولی تنها تبیین مسأله از لحاظ روانشناسی می باشد از

لحاظ جامعه شناسی این مسأله را باید در نظر گرفت که پس از مشروطیت، بورژوازی تجاری در ایران که به صنعت گراییده بود بر اثر عوامل خارجی و رقابت کشورهای پیشرفته و یک سلسله عوامل اجتماعی داخلی از قبیل نبودن امنیت اجتماعی و عدم کمک از طرف زمامداران جامعه نتوانست به صورت بورژوازی خلاق درآید و ناچار سرمایه خود را در سرمایه داری تجاری و نزولخواری و مالکیت ارضی به کار انداخت و بدین ترتیب عناصر جدیدی در زمره مالکان قدیم درآمدند و شروع به رقابت با آنان از لحاظ به دست آوردن قدرت اجتماعی کردند. این نکته جالب است که خصوصیت منع نزولخواری در اسلام نیز نتوانست از سیر جامعه به سوی سرمایه داری تجاری جلوگیری کند و یا حداقل سیر سرمایه داری تجاری را کند نماید و سر و صورتی به وضع زارعان ایران بدهد.

به طور خلاصه شکل مالکیت در ایران تا پیش از اصلاحات ارضی عمده مالکی مبتنی بر مناسبات ارباب - رعیت بود. میزان درآمد ملک و وسعت املاک، مشاع و غیرمشاع بودن آنها تنها از لحاظ گروههای ملک دار مهم بود و از لحاظ روابط تولیدی و مناسبات رعیت با ارباب چندان فرقی نداشت. رعیت چه در ملک خرده مالکی کار می کرد و چه در املاک خالصه یا موقوفه به یک شکل و نحو از او بهره کشی می شد و قوانین مزارعه دربارہ او به یک صورت اجرا می گشت.

### ۱-۳-۲- توزیع مالکیت ده هنگام اصلاحات ارضی

بنا بر یک آمار وزارت کشاورزی هنگام اصلاحات ارضی از حدود ۳۹۴۰۶ ده در ایران تعداد ۹۳۳۹ ده یعنی ۲۳/۴ درصد آن شش دانگ بوده است. بنا بر همین آمار وضع مالکت بقیه دهات در ایران به قرار زیر است:

دهات دانگی با	ده	۴۳۳۰	۱۰/۹	درصد دهات کشور
دهات خرده مالکی با	ده	۱۶۵۲۲	۴۱/۹	" " "
دهات سلطنتی با	ده	۸۱۲	۲	" " "
دهات موقوفه با	ده	۷۱۳	۱/۸	" " "

"	"	"	۳/۶	ده	۱۴۴۴	دهات خالصه با
"	"	"	۱۵/۲	ده	۶۰۰۵	دهات مخلوط با
"	"	"	۰/۵	ده	۲۳۰	دهات نامعلوم با

الف) مباشر: مباشر نماینده بلافصل مالک در اداره امور روستا بوده که در روستا از قدرت و مقام بالایی در غیاب مالک برخوردار بوده است. مباشر مستقیماً از طرف مالک انتخاب می‌گردیده و ضوابط انتخاب مباشر آشنا بودن به مسائل روستا، اشراف به امور کشاورزی، داشتن تحرک و کارآیی و در نهایت فرمانبرداری محض از مالک بوده. حقوق مباشرین از طرف مالک پرداخت می‌شده که اغلب همراه با پاداش و هدایا بوده است، دریافت پاداش و هدایا موجب می‌شود که اغلب مباشرین در اخذ و جمع‌آوری بهره‌های مالکانه سخت‌گیر و بدون گذشت باشند.

ب) کدخدا: در لغت کدخدا یا کتخدا به معنی بزرگ ده می‌باشد و اصولاً در گذشته کدخدا کسی بوده که برخلاف مالک و مباشر، همیشه در ده حضور داشته و در غیاب مالک و مباشر مقام برترده به‌شمار می‌آمد. در برخی از روستاها دو کدخدا وجود داشت، یکی کدخدای دولتی که از طرف مالک انتخاب و پس از معرفی به بخشداری و با حکم بخشدار یا فرماندار، به آن سمت منصوب می‌گردید. کلیه حقوق و حق‌الزحمه کدخدای دولتی از طرف مالک و زارع به هنگام برداشت محصول پرداخت می‌گردید.

وظیفه کدخدای دولتی انجام کلیه کارهای دولتی و اداری روستا بوده مانند: سربازگیری، اخذ شناسنامه فعالیت در انتخاب و همکاری با مراجع انتظامی و قضایی و غیره.

دیگر کدخدای ملی و یا ضابط بوده که نقش مؤثری در امور زراعی داشته، نظارت بر تقسیم آب زمین و حتی محصول و همچنین نظارت مستقیم بر لایروبی قنوات و نهرها و غیره داشته است، البته باید اضافه نمود که در روستاهای کوچک و یا در بسیاری از روستاهای ایران فقط یک کدخدا وجود داشته است که به کلیه امور



رسیدگی می‌کرده است.

ج) ریش سفیدان: چون نظام اجتماعی روستا از زمانهای بسیار دور بر کلکتیویزم - جمع‌گرایی - استوار بوده و در این نوع زندگی اجتماعی بزرگان قوم و قبیله از اعتبار و منزلت بالایی برخوردار می‌باشند، بنابراین در هر روستا چند نفر از افراد مسن که در رأس قوم و قبیله و یا خانواده بزرگی قرار داشته باشند، به عنوان ریش سفیدان در روستا ظاهر می‌شوند و این افراد از ارزش اجتماعی والایی برخوردار می‌باشند و بسیاری از مسائل اجتماعی و اقتصادی مردمان روستا به وسیله این افراد حل و فصل می‌شده است، که اکنون نیز اهمیت خود را از دست نداده است.

د) پاکار: مأمور اجرا و یا بازوی اجرایی مباشر و یا کدخدا بوده و عامل جمع‌آوری مالیات و آگاه کردن مردم از تصمیمات مالک، مباشر و یا کدخدا بوده است.

ه) دشتبان: همانطور که از معنای لغوی آن برمی‌آید حفاظت مزارع و باغات را در طول سال عهده‌دار بوده است.

و) رعایا: مردمان ساکن در روستا که به امر کشاورزی اشتغال داشته‌اند، عده دیگری در روستا وجود داشته و دارند که زمین زراعی نداشته و آنها را خوش‌نشینان گویند که عمدتاً در روستاها دارای مشاغل خدماتی می‌باشند.

#### ۴-۲- نهادهای روستایی از اجرای قانون اصلاحات ارضی تا پیروزی انقلاب اسلامی

همزمان با اصلاحات ارضی، هرم قدرت در روستاها نیز تغییر کرد و نهادهایی از قبیل انجمن ده، خانه انصاف، خانه فرهنگ روستایی، تعاونی‌های روستایی اعم از تولید و مصرف و شرکتهای سهامی زراعی به وجود آمدند. ضمناً برای تحقق اهداف رژیم شاه، در پوشش حل مسائل فرهنگی، بهداشتی، آموزشی، سپاهیان دانش، بهداشت، ترویج، و مروجان خانه‌داری و کشاورزی و سرپرستان تعاونی روانه روستاها شدند.

قدرت کدخدا کاهش یافت و انجمن ده، خانه انصاف و شرکت تعاونی روستا هریک به نحوی در امور عمرانی، قضایی و تعاونی به روستاییان اعمال قدرت کردند.

انجمن ده با گرفتن صدی دو از محل درآمد روستاییان، مسائل عمرانی را تعقیب می‌کرد و خانه انصاف دعاوی بین روستاییان را حل و فصل می‌نمود، البته هریک از نهادها قاعده‌تاً می‌بایست با رأی مردم انتخاب شوند، اما در عمل گاهی غیر این را نشان می‌داد.

### الف) شرکتهای تعاونی تولید:

از اواخر سال ۱۳۵۱، ابتدا در استانهای فارس، کرمان، اصفهان و گیلان تشکیل شد و سپس در سایر استانها نیز تشکیل گردید و تا پایان سال ۵۴ جمعاً ۳۴ شرکت تعاونی تولید در ۱۸۱ روستا با مساحت ۴۶۵۱۲ هکتار اراضی ایجاد گردید و گسترش این شرکتها تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت و به ۳۵ واحد رسید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بین اعضاء اختلاف نظر به وجود آمد. در رأی‌گیری که در مورد تمایل به انحلال یا ابقاء شرکتهای تعاونی تولید به عمل آمد ۲۰ شرکت به ابقاء و ۱۵ شرکت به انحلال آن رأی دادند. در حال حاضر ۲۰ شرکت تعاونی تولید به صورت زیر در استانهای کشور وجود دارد:

تعداد شرکت	استان
۳	آذربایجان غربی
۱	آذربایجان شرقی
۵	اصفهان
۲	کرمان
۳	فارس
۳	خوزستان
۱	خراسان
۲	زنجان

## پی آمدهای شرکت تعاونی تولید:

- ترک فعالیتهای زراعی اغلب روستاییانی که کمتر از سه هکتار زمین کشاورزی در اختیار داشتند.
- گسترش و رواج کشت محصولات غیراستراتژیک.
- فعالیتهای دامداری و باغدار به صورت فردی چه قبل و چه بعد از شرکتهای تعاونی تولید.
- شروع کارهای جمعی با توجه به اینکه در بعضی شرکتهای دیمکاری انفرادی بوده است.

- نفوذ سهامداران بزرگ در مدیریت و رهبری شرکتهای.

- عدم میل و رغبت در امر کار مشترک.

توزیع جغرافیایی استانی شرکتهای تعاونی تولید در سال ۵۷

استان	تعداد شرکت	تعداد روستا	محدود شرکت به هکتار	مساحت محدوده اراضی زیر کشت	تعداد صاحبان اراضی به خانوار	جمعیت خوش نشینان به نفر
آذربایجان	۱۶	۲۳	۱۱۲۶۵	۲۸۴۲۲	۳۵۶۴	۶۸۲۰
آذربایجان	۶	۲۱	۱۷۹۱۳	۸۶۹۰	۷۷۲	۷۴۰۰
اصفهان	۴	۲۲	۱۳۷۵۹	۶۰۵۹	۱۲۱۳	۵۰۶۳
فارس	۲	۳۵	۷۱۷۱	۶۰۵۹	۱۵۰۳	۸۰۱۰
خوزستان	۴	۲۹	۱۱۸۳۱	۶۱۰۷	۶۱۵	۱۸۱۵
باختران	۳	۳۲	۶۱۲۲	۴۸۰۸	۷۵۷	۲۳۰۱
خراسان	۲	۱۳	۷۲۱۶	۶۳۲۴	۴۳۸	۳۶۸۳
کرمان	۲	۱۹	۵۶۹۴	۳۱۲۵	۱۹۴	۱۳۱۸
کردستان	۱	۶	۱۹۸۹	۱۹۶۰	۲۱۳	۳۰۰
سیستان	۱	۹	۱۹۰۶	۳۰۰۰		۱۰۶۵
همدان	۱	۱	۲۲۱۶	۲۱۶۰	۴۵۰	۲۶۹۰
گیلان	۱	۱	۳۰۳	۲۴۴	۱۸۱	۵۵۰

## ب) شرکتهای سهامی زراعی

این شیوه بهره برداری پس از مرحله سوم اصلاحات ارضی شکل گرفت که عواملی چند از قبیل: تغییر تولید خود مصرفی به تولید انبوه، کاربرد اصولی زراعت

ماشینی، توسعه دامداریهای مدرن در ایجاد آن نقش داشته است. لایحه قانونی تشکیل شرکتهای سهامی زراعی در اسفند ماه ۱۳۴۶ به تصویب رسید در ماده اول این لایحه هدف از ایجاد این نوع شیوه بهره‌برداری چنین تعریف شده است: «به منظور فراهم نمودن موجبات افزایش درآمد سرانه کشاورزان و امکانات همه جانبه برای به کار بردن ماشین‌آلات کشاورزی در امر تولید محصولات کشاورزی و آشنایی زارعین با اصول و شیوه‌های جدید کشاورزی و حداکثر استفاده از نیروی اضافی انسانی موجود در روستاها در قطبهای کشاورزی و صنعتی مملکت و برای جلوگیری از خرد شدن و تقسیم اراضی مزروعی به قطعات غیراقتصادی و افزایش سطح زیرکشت کشور با استفاده از اراضی بایر و موات و سلوب المنفعه، وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، شرکتهای سهامی زراعی را تشکیل می‌دهد.»

اولین شرکت سهامی زراعی در اردیبهشت ماه سال ۴۷ در شیراز (تخت جمشید) به وجود آمد. در عرض ۵ سال یعنی تا سال ۵۱ تعداد این واحدها به ۲۷ شرکت رسید و تا سال ۵۷ جمعاً ۹۳ شرکت در ۸۵۱ روستا با مساحتی معادل ۴۱۱۱۱۴ هکتار به وجود آمد.

در تشکیلات این شرکتها، مجمع عمومی، هیأت مدیره، و بازرسین منظور گردیده بود که در مجمع عمومی انتخاب می‌شدند.

#### سهامداران شرکت سهامی زراعی:

- دهقانانی که از طریق اصلاحات ارضی صاحب زمین شده‌اند.
- برزگران
- خرده مالکان مرحله دوم اصلاحات ارضی
- آن دسته از خرده مالکان که اراضی آنان مشمول هیچ یک از قوانین اصلاحات ارضی نشده بود.

#### پی‌آمدهای تأسیس شرکتهای سهامی زراعی:

- عضویت مالکین سابق در شرکتها
- حذف خوش‌نشینان و کارگران کشاورز

- تشویق امر مهاجرت  
 - اجازه کشت خشخاش که منجر به استفاده نامعقول در آن گردید.  
 - ایجاد شکاف اقتصادی عمیق بین دهقانان خرده پا و ثروتمند  
 - گسترش قدرت عناصر تکنوکرات و بوروکرات به جای قدرت دهقانی  
 - اعمال نفوذ سهامداران گروه  
 - از بین رفتن حالت خودکفایی در بعضی از محصولات  
 شرکت‌های سهامی زراعی پس از پیروزی انقلاب اسلامی از ۹۳ شرکت در سال ۵۷ به ۵ شرکت در سال ۵۸ رسید که در حوزه عمل آنها مراکز خدمات کشاورزی روستایی - عشایری تشکیل شد.  
 از اوایل سال ۶۶ فعال کردن این شرکتها از طرف وزارت کشاورزی آغاز و با قبول درخواست کشاورزان شهرستان قائنات در زمینه فعال کردن شرکت سهامی زراعی مربوطه فعالیت مجدد آنها وارد مرحله جدیدی شد که تا آذرماه ۶۶ جمعاً ۷ شرکت سهامی زراعی در استانهای اصفهان، خراسان و کرمان طبق جدول زیر به کار خویش ادامه داده‌اند:

### ج) شرکت‌های تعاونی روستایی

در سال ۱۳۱۴ نخستین شرکت تعاونی تولید در منطقه گرمسار تشکیل شد

مشخصات شرکت‌های سهامی زراعی ایجاد شده تا آذرماه ۶۶

تعداد مزارع و دهات	تعداد کل سهام	تعداد کل سهامدار	جمعیت ساکن در خودمحل (نفر)	مساحت اراضی به هکتار	مساحت محدوده شرکت به هکتار		
۲	۸۰۹۷	۱۳۵	۱۱۳۴	۵۴۰۰	۵۲۲۵	اصفهان	گلپایگان
۳	۸۶۴۵	۱۱۶	۳۵۲۹	۴۹۷۵	۵۰۷۸	کرمان	بافت
۱۴	۱۵۵۲۲	۴۶۰	۳۰۰۰	۱۶۹۶	۲۵۰۰	کرمان	روداب
۴۵	۲۷۶۲۹	۹۷۹	۸۶۳۲	۴۹۱۰۰	۷۲۰۰	کرمان	جیرفت
۳	۲۸۶۸۱	۲۷۷	۱۶۹۳	۵۷۲۰	۵۷۲۰	خراسان	تربت جام
۲	-	-	۲۳۵۰	-	-	خراسان	اسلام‌آباد

ولی تا سال ۱۳۴۰ که ۹۶۰ شرکت در سطح کشور به وجود آمده بود گسترش چندانی نیافته بود و عمده فعالیت‌های آنها نیز در بُعد تخصیص اعتبار خلاصه می‌شد. از سال ۱۳۴۲ همزمان با اجرای قانون اصلاحات ارضی، سازمان مرکزی تعاونی روستایی به وجود آمد، سپس در سال ۱۳۴۶ با تشکیل وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، و به استناد ماده ۱ اساسنامه آن وزارتخانه تشکیل و گسترش شرکتها و اتحادیه‌های تعاون روستایی به عهده وزارتخانه جدید از آن پس واگذار شد و به این ترتیب سازمان مرکزی تعاون روستایی از بانک کشاورزی منفک و زیر نظر وزارت اصلاحات ارضی قرار گرفت.

هدف از تشکیل چنین نهادی در روستاها عبارت بود از:

- فعالیتهای بازرگانی
- فعالیتهای اعتباری
- سایر فعالیتهای از قبیل: تهیه ماشین‌آلات کشاورزی، احداث انبار و تأمین آب

زراعی

### مشکلات شرکتهای تعاونی:

#### الف) مشکلات داخلی:

- ۱- فقر فرهنگی و قومیت‌گرایی و اختلافات محلی
- ۲- عدم امکانات
- ۳- عدم اطلاع از اصول تعاون
- ۴- عدم همکاری مردم
- ۵- دخالت سرپرستان حوزه در تصمیم‌گیریها
- ۶- سهم بیشتر مدیرعامل در اداره شرکت
- ۷- کم بودن سرمایه شرکتها

#### ب) مشکلات خارجی:

- ۱- عدم نظارت کافی بر صرف وامها

- ۲- عدم کارآیی در فعالیت‌های بازاریابی
- ۳- فقدان راهنمایی‌های فنی و کم‌بها دادن به آموزش‌های فنی و لازم
- ۴- عدم تضمین خرید محصولات
- ۵- عدم ارتباط کافی با شرکتهای تعاونی شهری
- ۶- تداخل وظایف شرکتهای با سایر نهادها

#### د) انجمن ده

بر اساس لایحه تشکیل انجمنهای ده مصوب هیأت دولت در شهریور ماه ۱۳۴۲ اصلاح امور اجتماعی و عمرانی روستاها به انجمن ده که اعضای آن از اهالی روستا به مدت سه سال انتخاب می‌گردیدند واگذار گردید. براساس این لایحه روستاهایی که حداقل ۲۵۰ نفر جمعیت داشتند قانوناً می‌توانستند دارای انجمن ده باشند و مراکز جمعیتی کمتر از ۲۵۰ نفر لازم بود به‌طور مشترک اقدام به تشکیل انجمن ده کنند. براساس همین قانون انجمن ده موظف بود دو درصد از درآمد ده را وصول و نسبت به تأمین نیازمندیها و ایجاد تأسیسات عمرانی اقدام نماید.

#### سپاهان انقلاب

تشکیل سپاهیان دانش، ترویج و بهداشت همزمان با قانون اصلاحات ارضی در روستاها شکل گرفت، این سپاهیان عهده‌دار سوادآموزی، ترویج کشاورزی و بهداشت در روستاها بودند.

#### خانه اصناف و خانه فرهنگ روستایی

خانه اصناف در روستاها به منظور کشاندن روستاییان به میدان دخالت در سرنوشت قضایی خود نقش خانه فرهنگ روستایی به منظور اشاعه فرهنگی در روستاها به‌وجود آمد ولی عملکرد آنها با توجه به اینکه از هر کدام متجاوز از ۱۰۰۰ مورد تشکیل گردیده بود از نظر اجتماعی و فرهنگی معلوم نگردید. این دو نهاد با پیروزی انقلاب اسلامی عملاً منحل گردیدند.

## خلاصه فصل دوم

ساختار اداری، اقتصادی و اجتماعی روستاها تا پیش از اصلاحات ارضی به منظور توسعه در روستاهای ایران نظامهای خاص اداری از دیرباز به وجود آمده و طی سالیان این تشکیلات متحول گردیده تا به صورت کنونی درآمده است. تا انقلاب مشروطیت روستاها از طریق اربابان و کدخدایان که به هیأت حاکمه وابستگی داشتند اداره می شده. با شکل گیری انقلاب مشروطیت وزارت تجارت و زراعت تشکیل شد و سپس این وزارت در وزارت فوائد عامه ادغام گردید که بخشی از وظایف وزارتخانه مذکور اداره امور روستاها بوده، سپس در سال ۱۳۱۰ اداره خدمت تشکیل شد و در سال ۱۳۲۰ وزارت کشاورزی تأسیس گردید. قبل از تشکیل وزارت کشاورزی در سال ۱۳۱۶ اداره عمران و اصلاحات روستا در وزارت کشور به وجود آمده بود که در سال ۱۳۳۵ به بنگاه اصلاح امور اجتماعی دهات تغییر نام یافت و متعاقب آن ادارات، سازمانها و بخشهای مختلفی در روستاها به وجود آمد و بخصوص این نهادها در دهه اصلاحات ارضی بسیار متحول گردید. در سال ۱۳۵۶ کلیه تشکیلاتی که در امور روستاها دخالت داشتند در یکدیگر ادغام شده و وزارتخانه جدیدی تحت عنوان وزارت کشاورزی و عمران روستایی به وجود آمد که بعد از انقلاب اسلامی تشکیلات جدیدی با ویژگیهای خاص انقلاب تحت عنوان جهاد سازندگی تشکیل شد که سپس به وزارت جهاد سازندگی تغییر نام یافت.

وجود نهادهای اقتصادی و اجتماعی روستایی در ایران سابقه طولانی دارد و در سالهای اخیر نیز سازمانها و تشکیلاتی بدانها افزوده شده. از مهمترین نهادهای موجود در روستاها هرم قدرت را می توان نام برد. در رأس این هرم مالک قرار داشته و در انتهای هرم رعایا و زارعین بوده اند که در این فاصله وجود عناصری که عامل



تنظیم و تنسيق امور روستا بوده‌اند قرار داشته. علاوه بر هرم مذکور تشکيلاتی به منظور رفاه ساکنين روستا و بهره‌برداری بیشتر از اراضی به وجود آمده که عبارتند از شرکتهای تعاونی تولید، شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای تعاونی روستایی، انجمن ده، خانه انصاف، خانه فرهنگ روستایی و سپاهیان دانش و ترویج و بهداشت را می‌توان نام برد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انجمن ده، خانه انصاف، خانه فرهنگ روستایی و سپاهیان انقلاب منحل اعلام گردید و تعدادی از شرکتهای تعاونی تولید و سهامی زراعی و شرکتهای تعاونی روستایی به کار خود ادامه دادند.

## خودآزمای فصل دوم

۱- در نظام اداری روستاهای قبل از اصلاحات ارضی نماینده کدخدای کدام مورد زیر بود؟

- |            |           |
|------------|-----------|
| الف) مباشر | ب) دشتبان |
| ج) پاکار   | د) دهیان  |

۲- شرکتهای سهامی زراعی در کدام مرحله از دگرگونیهای روستایی به وجود آمد؟

- |                                 |
|---------------------------------|
| الف) مرحله اول اصلاحات ارضی     |
| ب) مرحله سوم اصلاحات ارضی       |
| ج) مرحله دوم اصلاحات ارضی       |
| د) پس از مرحله سوم اصلاحات ارضی |

۳- بیشترین مالکیت روستایی قبل از اصلاحات ارضی مربوط به کدام گروه بود؟

- |             |               |
|-------------|---------------|
| الف) موقوفه | ب) خرده مالکی |
| ج) خالصجات  | د) عمده مالکی |

۴- در گذشته نظام اجتماعی روستاها از زبانهای بسیار دور بر ..... استوار بوده است؟

۵- اولین شرکت سهامی زراعی در اریبھشت ماه سال ۱۳۴۷ در .....  
به وجود آمد.

## پاسخ خودآزمای فصل دوم

- ۱- ج (پاکار)
- ۲- د (پس از مرحله سوم اصلاحات ارضی)
- ۳- د (عمده مالکی)
- ۴- کلکتیوترم (جمع‌گرایی)
- ۵- شیراز

## فصل سوم: نظامهای بهره‌برداری و اجتماعی در روستاهای ایران

### هدف مرحله‌ای فصل سوم

در این فصل نظامهای بهره‌برداری و اجتماعی که در روستا وجود داشته و برخی از آنها نیز هم اکنون در روستاها وجود دارند بیان خواهد شد.

### هدفهای رفتاری فصل سوم

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بر هدفهای آموزشی زیر دست پیدا کنند و در رابطه با آنها به تحلیل و تبیین مسائل روستایی ناشی از نظامهای بهره‌برداری و اجتماعی در روستاهای ایران واقف شوند.

- نظامهای بهره‌برداری را تعریف کرده و آنها را بشناسند.  
- تا شروع اصلاحات ارضی بر دلایل اعمال سیاست گسترش مالکیت‌های خصوصی در روستاها آگاه باشند.

- سیاست توسعه تولید محصولات کشاورزی برای بازارهای داخلی و خارجی در قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی را توجیه کنند.

- اصلاحات ارضی شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زمان اجرای قانون را بشناسند.

- انواع نظامهای بهره‌برداری را بشناسند.

- ویژگیهای نظامهای بهره‌برداری جدید و مکانیزه را بشناسند.

- با نظامهای بهره‌برداری سرمایه‌داری و مکانیزه آشنا باشند.

- نظام بهره‌برداری کشتمانی را بشناسند.

- بر واحدهای بهره‌برداری کشت و صنعت آگاهی داشته باشند.
- بر نظامهای بهره‌برداری سنتی آگاهی داشته باشند.
- نظام بهره‌برداری خرده مالکی را بشناسند.
- با نظامهای بهره‌برداری اجاره‌ای و ماهیت آن آشنا باشند.
- نظام بهره‌برداری تلمبه کاری را بشناسند.
- ماهیت نظام بهره‌برداری مزارعه را بشناسند.
- با ویژگیهای نظام بهره‌برداری غارس و مالکی آشنا باشند.
- با نسق زراعی و ماهیت آن آشنا باشند.
- با نظامهای کار اجتماعی آشنا باشند.

### ۱-۳- نظامهای بهره‌برداری

نظام بهره‌برداری عبارت است از قوانین و مقررات مدون و غیرمدونی که بر اساس آن قوانین و ضوابط اقرار تکالیف و حقوقی را در نظام بهره‌برداری به دست می‌آورند و بر اساس آن حقوق و تکالیف است که نظام بهره‌برداری خاص به وجود می‌آید، که مهمترین مشخصات بنیانی آن نظام بهره‌برداری، شکل و خمیره نهادها و روابط مالکیت و عوامل اصلی تولید در همان نظام می‌باشد.

نظامهای بهره‌برداری اصولاً در ایران متأثر از عوامل مختلف تولید، مالکیت، مدیریت و عوامل اقتصادی اجتماعی و سیاسی بوده‌اند، بررسی این عوامل نشان می‌دهد که در مجموع، هریک از نظامهای بهره‌برداری کشاورزی دارای وضع و مشخصات و ترکیب حاصل از عوامل تولید است که وجه تمایز آنرا از سایر بهره‌بردارها معین می‌کند و امکان نمونه‌بندی و شناسایی هریک را فراهم می‌سازد. نظامهای بهره‌برداری از اراضی کشاورزی در ایران متأثر از نظامهای زمینداری است، زیرا که مالکیت‌ها و شیوه‌های تملک بر اراضی بر نظامهای کاری و بهره‌برداری طی سالهای متمادی اثر گذاشته و نتایج این تأثیرات به صورت مختلف در نظامهای بهره‌برداری متجلی گردیده است، زیرا که کلیه فعالیت‌های کشاورزی بر اساس نهاد مالکیت طرح‌ریزی و سازمان می‌یابد، عواملی مانند آب و زمین که به

عنوان وسیلهٔ اساسی تولید تلقی می‌شود در رابطه با مالکیت مطرح می‌گردد. از فراگردهای عمده‌ای که در شکل‌گیری نظام‌های بهره‌برداری از اراضی مؤثر بوده‌اند به‌صورت خلاصه می‌توان موارد زیر را بیان نمود.

الف) گسترش و تثبیت مالکیت خصوصی بر اراضی تا شروع اصلاحات ارضی با تشکیل اداره ثبت املاک و اسناد و تدوین قوانین مربوط به ثبت املاک و گذشت زمان که عملاً متصرفان اراضی را تبدیل به مالکین خصوصی بر اراضی می‌نمود، نظام مالکیت در ایران تولدی دیگر یافت و با حمایت قانون بسیاری از افراد که قبلاً مالک نبوده علاقه به خریداری روستاها نمودند، در همین ایام بود که با بالقر تیول به‌وسیله مجلس تمام اراضی تیولی عملاً به مالکیت متصرفان اراضی درآمد. بنابراین با تثبیت این نوع مالکیت خرده مالکی در روستاها از حمایت قانون برخوردار شد و از اجحاف بزرگ مالکان تا حدودی به دور ماند.

ب) توسعه تولید محصولات کشاورزی برای بازارهای داخلی و خارجی در گذشته تولیدات روستایی عموماً جنبه خودمصرفی داشت و به همین جهت گرایش به تک محصولی در روستاهای ایران بسیار کم و نادر بوده است. بنابراین در برخی از تعاریف روستا می‌بینیم که گفته شده «ده قبل از هر چیز»<sup>۱</sup> واحدی است طبیعی و جغرافیایی و انسانی و صورتی است از استقرار انسان بر سطح زمین که قادر است تمام مایحتاج سال خود را از درون خود تهیه کند. وقتی که روستایی می‌خواست کلیه نیازهای خود را خود تأمین نماید، در اینصورت مبادلات اقتصادی و وجود بازار توسعه تولیدات رنگ می‌باخت. با تحولی که در امر ارتباطات به‌وجود آمد ماشین با سرعت و ظرفیت بیشتر جایگزین وسایل حمل و نقل گذشته گردید، بازارهای جدید داخلی و خارجی برای تولیدات محصولات کشاورزی روستاییان پدیدار گشت و در این راستا است که می‌بینیم تولیدات کشاورزی افزایش می‌یابد. در نتیجه بازارها نیز توسعه می‌یابند که این دو حامل

---

۱ و ۲- روستاشناسی - دکتر کاظم ودیعی - ص ۴۶

متقابلاً در یکدیگر مؤثر می‌افتند. در نتیجه واحدهای بهره‌برداری متوسط و بزرگ کشاورزی که اغلب به شیوه‌های سرمایه‌داری سازمان یافته‌اند پدیدار می‌گردند.

### ج) اصلاحات ارضی

گذشته از مسائل و ویژگیهایی که اصلاحات ارضی به همراه داشت، اجرای این قانون در یک مقطع زمانی نسبتاً کوتاهی تغییرات عمده‌ای در نحوه مالکیت در روستاها به وجود آورد، به نحوی که شیوه مالکیت زمینداری خرده مالکی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد، که این خود موجب پیدایش نظامهای جدیدی در بهره‌برداری از اراضی می‌گردد.

### ۲-۳- انواع نظامهای بهره‌برداری

نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران که عموماً در روستاها و یا در محیط‌های روستایی شکل گرفته‌اند در رابطه با تحولات اجتماعی و سیاسی برخی دستخوش تحول گردیده، پاره‌ای اثرات و عملکردش کم‌رنگ شده و بعضی نیز با حفظ تمام ویژگیها و مشخصات خود پابرجا و استوار باقی مانده است.

به طور کلی در ایران حدود ده نظام بهره‌برداری<sup>۱</sup> پدید آمده، که چهار نظام با کشاورزی جدید و مکانیزه ارتباط دارد که این نظامهای چهارگانه در مجموع نه بر اساس خانوار روستایی و ویژگیهای روستا بلکه بر اساس سرمایه‌گذارهای شخصی، گروهی و یا دولتی در قلمروهای مستعد، ایجاد گردیده که گاهی امکان دارد این قلمروها شامل یک روستا و یا تعدادی از روستای کشور باشد، و گاهی کاملاً مستقل از روستا به وجود آیند.

شش نظام دیگر نیز با شیوه‌های سنتی مرتبط است که، طی سالیان متمادی بر اساس ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی در روستاها شکل گرفته‌اند. در بیشتر موارد قوانین و مقررات مدونی برای آنان وجود ندارد. به طور کلی نظامهای بهره‌برداری به اشکال زیر در ایران به وجود آمده‌اند.

---

۱. مشخصات اقتصادی و اجتماعی نظامهای بهره‌برداری کشاورزی در ایران - احد اشرف

## ۱-۲-۳- نظامهای جدید کشاورزی مکانیزه

### الف) نظام بهره‌برداری سرمایه‌داری مکانیزه

در جریان اصلاحات ارضی بسیاری از مالکان اراضی و دهات مرغوب یا قسمتی از اراضی ده را مکانیزه اعلام کردند و یا اینکه پس از تقسیم زمین سهم خود را با وسایل مکانیزه کشت نمودند، بدین ترتیب واحدهای سرمایه‌داری مکانیزه در ایران شکل گرفت. اصولاً این واحدها به تعدادی از سرمایه‌داران تعلق داشته و دارد که معمولاً از اجتماعات شهری هستند تا روستایی، این واحدها بیشتر مبتنی بر سرمایه‌های نسبتاً کلان می‌باشند در نتیجه این نظام بیشتر سرمایه‌بر است تا کاربر، و در این نظام اراضی نسبتاً وسیعی در اختیار قرار می‌گیرد. کارگران روزمزد که دارای تحرک کارگران صنعتی هستند نه کشاورزی به کارگمارده می‌شوند و سیاست‌گذار این واحدها با صاحبان سرمایه‌هاست.

### ب) نظام بهره‌برداری کشتمانی

نظام بهره‌برداری کشتمانی ضمن اینکه اراضی نسبتاً وسیع و یکجا را طلب می‌کند نیازمند به سرمایه‌گذاری نسبتاً کلان نیز می‌باشد و وجه تمایز آن با نظام بهره‌برداری سرمایه‌داری مکانیزه در این است که در نظام کشتمانی اصولاً محصولاتی تولید می‌گردند که برخلاف نظام سرمایه‌داری مکانیزه کاربر هستند و کشت و نگاهداری از آن محصولات نیازمند به تعداد زیادی کارگر است که این کارگرها اصولاً از نواحی فقیر به منطقه منتقل می‌گردند و دارای تحرک چندانی نبوده و کم و بیش پایبند واحد بهره‌برداری کشتمانی می‌باشند. اراضی مورد بهره‌برداری در نظام بهره‌برداری کشتمانی از ارزش بیشتر نسبت به اراضی سرمایه‌داری مکانیزه برخوردار می‌باشد. این قبیل واحدهای بهره‌برداری در ایران نخستین بار در گرگان و گنبد ایجاد و گسترش یافت. در این منطقه با پیدایش این واحدها تولید گندم جای خود را به پنبه داد و در نتیجه نیاز به نیروی کار ارزان احساس شد و کارگران ارزان سیستانی به این نوع فعالیت جذب شدند و با ورود

تعداد زیادی کارگر از زابل و سایر نواحی نیروی کار ارزان و فراوان فراهم شد. این نظام موجب پیدایش نظام طبقاتی در اجتماع روستایی گردید، اما چون در غالب موارد کارگران کشاورزی به دور از محیط روستاها در حاشیه مزارع پنبه و یا برنج زندگی می‌کنند برای خود اجتماعات کوچکی را فراهم آورده‌اند که معمولاً با اجتماعات روستایی ارتباط چندانی ندارند.

### ج) واحدهای بهره‌برداری کشت و صنعت

واحدهای کشت و صنعت با سرمایه‌های کلان دولتی و یا بخش خصوصی در اراضی مستعد و آب کافی معمولاً در زیر سدها به وجود آمده‌اند. برخی از این واحدها مثل سازمان کشاورزی و دامپروری سفیدرود در ده هزار هکتار از اراضی گیلان در حوزه آبرگیر سفیدرود تشکیل گردید. قانون تأسیس این واحدها در ۱۳۴۷ به تصویب رسید و هدف از تأسیس این واحد حداکثر استفاده از منابع آب سدهای کشور و اراضی واقع شده در حوزه آبیاری آنها بوده است، مسئولیت این واحدها در شروع کار با وزارت آب و برق (نیرو) بود که بعداً به وزارت کشاورزی واگذار شد. طبق ماده ۴ قانون مزبور وزارتخانه مربوطه موظف بود که در صورت تأسیس شرکت کشت و صنعت اراضی زیر سدها را از زارعانی که در روستاهای نواحی آب‌خور از آب سدها زراعت می‌کنند خریداری کند و روستاییان را از سکونتگاهشان بکوچاند. طبق برنامه‌های بلندمدت پیش بینی شده بود که جمعاً حدود یک میلیون هکتار از اراضی زیرسدها و سایر اراضی حاصلخیز کشور در اختیار واحدهای کشت و صنعت و شرکتهای سهامی زراعی قرار گیرد.

### د) شرکتهای سهامی زراعی

چون در نتیجه اصلاحات اراضی و حذف مالک در روستاها اراضی به‌طور وسیعی در بسیاری از نقاط کشور قطعه قطعه شدند و کاربرد ماشینهای کشاورزی در اراضی تقسیم شده با مشکل مواجه بود، بر اساس این رویداد و به منظور افزایش تولیدات کشاورزی ایجاد شرکتهای سهامی زراعی با عضویت صاحب نسقان و



مالکان اراضی و وزارت اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۷ به تصویب رسید.  
بر اساس این مصوبه زارعان در صورت تشکیل شرکت سهامی در منطقه  
موظف هستند که اراضی خود را در اختیار شرکت قرار داده و متناسب با ارزش  
اراضی سهامی را از شرکت دریافت نمایند. تا شروع انقلاب اسلامی در ایران تعداد  
زیادی از شرکتهای سهامی زراعی به وجود آمد که با شروع انقلاب اسلامی تعدادی  
از آنها منحل و تعدادی نیز به کار خود ادامه داده اند.

## ۲-۲-۳- نظامهای بهره برداری سنتی

### الف) نظام بهره برداری خرده مالکی

خرده مالکی از قدیم در روستاهای ایران وجود داشته که خود به دو قسمت  
خرده مالک خودکار و خرده مالک رعیتی تقسیم می شده است. در نظام خرده  
مالکی خودکار زمینی که زارع بر روی آن کشاورزی می نموده متعلق به خود زارع  
بوده است در صورتی که در خرده مالکی رعیتی اگرچه مالکیت خرد بوده ولی مالک  
به علل مختلف قادر به کار در روی زمین نبوده و کار زراعت به وسیله رعیت و با  
همان زارع به صورت مزارعه انجام می شده. خرده مالکی خودکار پس از اصلاحات  
ارضی متداولترین نوع نظام بهره برداری در روستاهای کشور گردید. در این نظام  
به طور کلی وسعت اراضی محدود است و عامل تولید زارع و افراد خانوار زارع و  
احتمالاً کارگران، روزمزد می باشند.

### ب) نظام بهره برداری نصفه کاری (نیمه کاری)

این نظام در بسیاری از مناطق کشور متداول می باشد. نظام بهره برداری  
نصفه کاری وقتی شکل می گیرد که خرده مالک خودکار قادر به انجام کار زراعی در  
اراضی خود نباشد، و بر اساس توافقی که با یک یا چند نفر از افراد ده بخصوص  
خوش نشینان به عمل می آورد زمین آب و احتمالاً نیروی حیوانی و بذر در اختیار  
فرد قانی قرار می دهد و فرد نیمه کار در روی زمین کار می کند که گاه با نظارت

صاحب زمین نیز همراه می‌باشد و ماحصل تولید به صورت ۵۰ درصد بین صاحب زمین و نیمه کار تقسیم می‌شود. نیمه کاری معمولاً یکساله است که می‌تواند تمدید شود. در سالهای اخیر شیوه جدیدی از نیمه کاری متداول گردیده که در گذشته کمتر وجود داشته است. اخیراً تعدادی از کشاورزان با تجربه و فعال با عقد قراردادهایی با صاحبان اراضی اقدام به کشت صیفی و سبزی به صورت نیمه کاری می‌نمایند که بر اساس قرارداد و توافقی عمل نیمه کاری انجام می‌شود. در این شیوه جدید معمولاً آب و زمین از طرف مالک واگذار می‌گردد و در رابطه با توانایی زمین و مقدار آب نوع قرارداد گاهی فرق می‌نماید. در مناطقی عامل نیروی کار و نیمی از بذر و کود را تهیه می‌نماید و در مناطق دیگر آب و زمین فقط به عهده مالک می‌باشد. در هر صورت مالک نیمی از کل درآمد را دریافت می‌نماید و در صورت توافق طرفین قرارداد برای سالهای بعد تمدید می‌شود.

### ج) نظام بهره‌برداری اجاره‌ای

نظام اجاره‌ای در روستاهای ایران به دو صورت متداول بوده است: اول اجاره روستا یا قسمتی از یک روستا از بزرگ مالکان و یا خرده مالکان که در این شیوه از بهره‌برداری مالک به علل مختلف منجمله عدم توانایی و یا احتراز از درگیری با روستاییان، ملک خود را به فرد اجاره‌دار در قبال دریافت مبلغ مشخصی (جنسی و یا نقدی یا از هر دو) واگذار می‌نماید. اجاره‌دار در این شیوه خود عامل تولید نبوده بلکه به مثابه مالک عمل می‌کند، و در اصل جانشین مالک می‌باشد. اجاره‌دار بر اساس مقررات متداول بهره مالکانه را از روستاییان جمع‌آوری و مقدار تعیین شده در قرارداد (اجاره‌نامه) را به مالک داده که معمولاً بهره مالکانه مبالغی بیشتر از مالا جاره می‌باشد؛ ولی گاهی نیز مشاهده می‌گردد که بر اثر برخی از حوادث طبیعی مثل سیل، خشکسالی، آفات کشاورزی و غیره اجاره‌دار با ضرر مواجه می‌شود.

دوم اجاره‌داری خانگی است. در این شیوه خرده مالک خودکار به منظور بهره‌برداری بیشتر و بهتر تمام و یا قسمتی از اراضی خود را به اجاره واگذار

می‌نماید، در این شیوه عامل اصلی تولیدکننده محصولات کشاورزی خانواده روستایی است که مکمل اعضاء خانواده روی زمینی که متعلق به دیگری است و به اجاره در اختیار خانواده قرار گرفته به تولید محصولات کشاورزی می‌پردازند. محصول تولید شده در این نظام بر اساس قرارداد بین مالک و اجاره‌دار تقسیم می‌شود. علت پیدایش این نظام می‌تواند عوامل مختلف باشد مانند وسعت اراضی، کاربرد بودن نوع محصول، نیاز به سرمایه‌گذاری، مهاجرت مالک از روستا به شهر، از کارفتادگی (پیری) مالک و غیره.

#### د) تلمبه کاری

نظام تلمبه کاری در ایران برخلاف نظامهای سنتی در گذشته‌های دور متداول نبوده است. این شیوه از زمانی آغاز گردید که استفاده از موتور پمپ‌ها در کشور رواج یافت، قدیمیترین شکل نظام تلمبه کاری در کناره‌های کارون شکل گرفته است. در این منطقه قوانین و صاحبان اراضی با نصب تلمبه‌هایی در کنار رودخانه اقدام به تهیه آب می‌نمودند و حق استفاده از زمینهای مزروعی آبخور خود را به روستاییان که تحت عنوان تلمبه کار نامیده می‌شوند واگذار می‌نمودند. در این شیوه مالک آب و زمین در اختیار تلمبه کار قرار می‌داده و تهیه سایر عوامل به عهده کشاورز (تلمبه کار) بوده است. محصولات تولید شده بر اساس قرارداد بین مالک و تلمبه کار تقسیم می‌شده است. این شیوه هنوز هم در این منطقه وجود دارد.

شیوه دوم تلمبه کاری استفاده از آبهای زیرزمینی و استحصال آب به وسیله حفر چاههای عمیق و یا نیمه عمیق می‌باشد. این شیوه کاملاً با شیوه قبلی متفاوت است. در این شیوه زمینهای بایر بر اساس قرارداد به وسیله مالک در اختیار تلمبه کار قرار می‌گیرد و تلمبه کار با سرمایه‌گذاری خود نسبت به حفر چاه و تهیه آب اقدام می‌نماید و اراضی تحت تصرف خود را به وسیله آبیاری از آب چاه حفر شده کشت می‌نماید و سهم مشخصی از تولید به مالک زمین تعلق می‌گیرد. این شیوه در مناطقی از کشور مثل مرودشت، بندرعباس، میناب و داراب متداول می‌باشد.

## ه) نظام بهره‌برداری مزارعه

برخی از محققین شکل‌گیری نظام مزارعه را به تسلط اعراب بر ایران و ایجاد حکومت اسلامی در ایران مربوط می‌دانند، ولی آنچه که محرز است قبل از تسلط اعراب بر ایران نظامی که حاکم به برقراری روابطی بین مالک و زارع بوده و بر اساس یک نظم منطقی شکل پذیرفته باشد قطعاً وجود داشته است. حال ریشه تاریخی مزارعه هرچه باشد جای بحث نیست. آنچه که مسلم است مزارعه قراردادی است رسمی و یا غیررسمی بین مالک و زارع برای سهم‌بری از تولیدات کشاورزی بر اساس ارزش داده‌ها. به این مفهوم که در روستاها به منظور تولید محصولات کشاورزی اکثراً ۵ عامل شناخته شده دخالت دارند، که این عوامل پنجگانه عبارتند از زمین، آب، ابرار و ادوات شخم و کاشت، بذر و نیروی کار. در برخی از مناطق کشور به علت عدم نیاز به آب و یا نوع کشت که دیمکاری می‌باشد عوامل فوق به چهار عامل تقلیل می‌یابد و یا در مناطقی ارزش بذر و یا ابرار و ادوات شخم معادل زمین، آب و یا نیروی کار شناخته نمی‌شود. بنابراین تقسیم محصول دقیقاً از پنج عامل فوق‌الذکر تبعیت نمی‌نماید. بلکه عوامل دیگری مانند نوع محصول کشت شده، رسوم محلی، ویژگیهای جغرافیایی و اجتماعی حاکم بر منطقه دخالت دارد. به دلایل فوق است که در مناطق مختلف سهم مالکان از تولیدات کشاورزی فرق پیدا می‌کند. در مناطقی دو پنجم از تولید (به ازاء تهیه آب و زمین) در برخی مناطق  $\frac{2}{6}$  (سرکوت) از کل تولید (آب و زمین هرکدام یک سهم که به وسیله مالک تهیه می‌شود و بذر واردات شخم هرکدام یک سهم و نیروی کار معادل دو سهم که به وسیله زارع تهیه می‌گردند و گاهی دو سهم نیروی کار را معادل یک سهم کود و یک سهم نیروی کار می‌دانند) گاهی در کشت محصولات دیم سهم مالک  $\frac{1}{6}$  کل تولید است زیرا که فقط یک عامل زمین به وسیله مالک در اختیار قرار می‌گیرد.

همانطور که گفته شد مزارعه نوعی قرارداد است که برای سهم‌بری از تولیدات کشاورزی بر اساس میزان نهاده‌ها منعقد می‌گردد ولی این قراردادها به ندرت در اسناد قدیمی روستایی به دست آمده بلکه به صورت یک شیوه سنتی تقسیم درآمد در هر روستا متداول بوده است ولی پس از تأسیس ثبت و املاک و

ثبت روستاها میزان سهم بریها در اسناد روستا ذکر گردیده است.

### و) نظام غارس و مالکی<sup>۱</sup>

این شیوه بهره‌برداری در مناطق جنوب کشور بخصوص در مناطق رویش خرما متداول است. در این نظام بهره‌برداری مقداری زمین با آب و نهال خرما در اختیار زارع و یا غارس قرار می‌گیرد. زارع پس از غرس نهالها نگهداری و مراقبت از نهالها را به عهده دارد تا اینکه نهالها به ثمر برسند و در این هنگام که معمولاً ۷ سال طول می‌کشد نخلها بر اساس قراردادی که در هنگام غرس نهالها منعقد شده بین مالک و زارع تقسیم می‌شود ولی زمین همچنان متعلق به مالک می‌باشد. عملاً پس از تقسیم نخلها نگهداری نخلهای مالک نیز به غارس در مقابل اخذ سهم ناچیزی از محصول واگذار می‌گردد که در این صورت غارس به عنوان مالک نیمی از نخلها و باغبان نیمی دیگر می‌باشد.

### ۳-۳ - نسق زراعی

نسق کلمه‌ای است عربی به معنی نظم و ترتیب و یا هر چیزی که دارای نظم و ترتیب و بر نظام خاصی استوار باشد. اصطلاح نسق در روستاهای ایران به مجموعه روشها و قرار و مدارهایی که طی سالیان متمادی در روستاهای کشور به منظور تقسیم عادلانه آب و یا زمین به وجود آمده و تکامل پذیرفته است اطلاق می‌گردد. این شیوه تقسیم که گاهاً دهتاوتیز<sup>۲</sup> نامیده شده، یکی از منسجمترین و پایدارترین قوانین غیرمدونی است که در محیطهای روستایی بر اساس نیازهای جامعه روستایی و حاکمیت مالکین، افزایش تولیدات کشاورزی و عدالت اجتماعی شکل گرفته است. اصولاً در هر جامعه تقسیم عنصر و یا عناصری زمانی مطرح می‌شود که در آن عناصر کمبود احساس گردد و در غیر اینصورت تقسیم موردی پیدا نمی‌کند. در روستاهای ایران تا زمانیکه مهمترین عوامل تولید یعنی آب و زمین به مقدار وفور در اختیار زارعان قرار داشته است، تقسیم آب و یا زمین مطرح

۱. جامعه‌شناسی روستایی - دکتر منصور وثوقی ۲. روستاشناسی - دکتر کاظم ودیعی ۶۷۰

نبوده کما اینکه هنوز هم در مناطقی از کشور به علت وفور آب و یا زیادی زمین نیازی به تقسیم وجود ندارد، ولی از زمانی که جمعیت روستاها افزایش یافت و در عین حال زمین و آب ثابت ماند برای جلوگیری از هرج و مرج، نظمی در روستاها برای تقسیم آب و یا زمین و احتمالاً هر دو به وجود آمد و طی سالیان طولانی تعالی پذیرفت، که این نظم را دهتا و یا نسق نامیدند.

اصولاً یک پدیده زمانی می تواند به صورت دقیق و منطقی تقسیم پذیرد که آن پدیده بر اساس یک واحد سنجش اندازه گیری شده و یا بر یک واحد سنجش تقسیم شود. وقتی در روستاها یکی از عوامل تولید زمین یا آب لازم می آمد که تقسیم شود الزاماً بر اساس یک مقیاس که در رابطه با آن عامل می توانست قرار گیرد به کار می رفت. مثلاً برای تقسیم زمین از واحد سطح و یا اصطلاحات دیگری که واحد سطح را توجیه می نمایند استفاده می شود، مثلاً جریب، طناب، دانگ، جفت گاو، نیم جفت شیر، پا، خرد خردل، حبه، من، خروار، قفیز و غیره. اصطلاحاتی هستند که در مناطق مختلف کشور برای بیان مقدار مشخصی یا نسبت مشخصی از سطح به کار برده شده اند. مثلاً دانگ که به احتمال قوی معرف یک ششم هر شیبی قابل لمس می باشد (به احتمال قوی شش دانگ معرف زمین و فضای بالای سر آن و چهار سمت چپ و راست، جلو و عقب می باشد که هر شیبی قابل لمس و تملکی به ویژه زمین و بنا واجد آنست)<sup>۱</sup> و یا جفت گاو در اصل به مقدار زمینی اطلاق می گردید که یک جفت گاوکاری طی یکسال زراعی از عهده شخم، کاشت و پاره ای از امور برداشتی آن برآید، و یا من به مقدار زمینی گفته می شود که بتوان در آن زمین یک من بذر (معمولاً گندم) به منظور کاشت پاشید. (باید در نظر داشت که بذرپاشی در امر کشاورزی یکی از کارهای دقیق است که به وسیله زارعین باتجربه صورت می گیرد و بذر باید آنچنان در سطح زمین پراکنده شده که دانه ها در فواصل یکسان از یکدیگر قرار گرفته و فواصل آنها نیز متناسب با کیفیت زمین، میزان آب و غیره باشد).

حال اگر در یک روستا کمبود آب مطرح باشد نسق بر اساس واحدهای

تقسیم آب صورت می‌گیرد. در این شیوه ابتدا یک اصطلاح تحت عنوان مدار گردش آب مطرح می‌شود. مدار گردش آب در روستاها بر اساس تجربه نوع خاک و نوع محصول تعیین می‌شود و مدار عبارت است از یک دوره یا سیکل زمانی که محصول نیاز به آبیاری پیدا می‌کند. مثلاً اگر در روستایی نوعی محصول کشت می‌شود که حدوداً در ۱۲ روز نیاز به آبیاری مجدد دارد مدار گردش آب را در آن روستا بر ۱۲ روز قرار می‌دهند و مقدار آب را که معمولاً از منبع آب به طور دائمی و یکنواخت جاری است در طی ۱۲ روز بین زارعین آن روستا تقسیم می‌نمایند. مثلاً اگر در یک روستا ۲۴ خانواده زندگی می‌نمایند و قرار است که آب بین این عده به طور یکسان تقسیم شود در این صورت هر خانواده ۱۲ ساعت و یا یک طاق آب در هر مدار گردش آب، سهم از آب ده دارد. بنابراین برای تقسیم آب واحدهای مختلفی در سطح کشور تعیین شده که اکثراً دلالت بر یک زمان مشخص دارند، مثلاً شبانه‌روز، طاق، نیم‌طاق، ساعت، پیاله، تسوج، فنجان، تشت، سرجه، سلخ، استحر، اسیل و غیره را می‌توان نام برد. پیاله، تسوج، فنجان، تشت، سرجه معمولاً یک نوع ساعت آبی هستند به این شکل که یک ظرف بزرگ مسی که معمولاً یک دهانه ۲۰ سانتیمتر و معمولاً عمق ۱۵ تا ۱۰ سانتیمتر) که در ته کاسه سوراخی کوچک تعبیه شده، دیگ را پر از آب کرده و کاسه خالی را روی آب قرار می‌دهند. مدت زمانی که طول می‌کشد تا آب از سوراخ ته کاسه وارد کاسه شود و کاسه در آب فرورود به یکی از عناوین فوق مثل سرجه، فنجان و یا پیاله و غیره خوانده می‌شود که معمولاً زمانی حدود ده دقیقه می‌باشد. حال اگر گفته شود که نسق فردی از یک ده ۶ سرجه است به این مفهوم می‌باشد که در هر مدار گردش آب فرد مورد نظر  $(6 \times 10 = 60)$  ۶۰ دقیقه با یک ساعت از روستا سهم دارد و یا به عبارت دیگر در یک روستا که مدار گردش آب ۱۲ روز است و واحد نسق سرجه که معادل ۱۰ دقیقه می‌باشد فردی که ده سرجه آب دارد یعنی  $\frac{1}{288}$  از آب و زمین روستا متعلق به فرد مزبور است. سلخ، اسیل شاید مترادف استخر باشند، در روستاهایی که منبع آب دارای بازدهی کم می‌باشد آب را در استخر جمع کرده و پس از پر شدن استخر

جهت آبیاری به مزارع منتقل می‌نمایند که خود این استخرها یک وسیله دقیق برای تقسیم آب می‌باشد.

در مورد واحدهای نسق لازم است توضیح داده شود که واحدهای مشابه در روستاهای مختلف الزاماً نباید تساوی زمین و یا زمان آب را ایفاء کنند، زیرا مثلاً در یک روستا یک جفت گاو معادل مثلاً یک هکتار زمین است ولی در روستای دیگر یک جفت گاو ممکن است معادل دو هکتار یا کمتر از اراضی باشد و یا اینکه یک پیاله آب در یک روستا ممکن است ده دقیقه و در روستای دیگر یک پیاله معادل ۵ دقیقه باشد.

در تعریف نسق گفته شد که یکی از ویژگیهای نسق ایجاد عدالت اجتماعی است. زمینهای زراعی در رابطه با نوع خاک، دوری و نزدیکی به ده و مرتفع و یا آبگیر بودن با یکدیگر متفاوت می‌باشند، وقتی که زمینهای یک روستا لازم می‌آید بین صاحبان نسق تقسیم شده شکل عادلانه آنست که هر فرد در رابطه با سهم خود از زمینهای مرغوب، نامرغوب، دور و نزدیک و غیره سهم ببرد در غیر این صورت آن عدالت که ذکر آن رفت رعایت نشده است. بنابراین ابتدا اراضی روستا به زمینهای هم‌ارز و هم‌کلاس تقسیم می‌شود و سپس هریک از کلاسها بین کلیه صاحبان نسق تقسیم می‌شود در این صورت ملاحظه می‌شود که هر صاحب نسق به نسبت سهم خود از اراضی مرغوب، نامرغوب، دور و نزدیک و غیره سهم برده است. این تقسیم اگر برای همیشه انجام شده باشد و افراد در یک قرعه‌کشی زمین خود را کسب کرده باشند در این صورت زمینها را قره‌پشک (یک قرعه‌کشی برای همیشه) می‌نامند. و اگر چنانچه در فاصله زمانی مشخص (مثلاً سه سال) تقسیم و قرعه‌کشی تکرار شود در این صورت نوع تقسیم را آق‌پشک می‌نامند که بعد از اصلاحات ارضی تقریباً منسوخ گردیده شیوه تقسیم زمین در روستاها با تمام ویژگیها و محاسنی که دارد دارای یک عیب عمده و اساسی است و آن تقسیم اراضی روستا به قطعات کوچک است. این عیب در گذشته بخصوص قبل از اصلاحات ارضی با ایجاد نظامهای کاری گروهی برطرف می‌گردید زیرا که در روستا زمینها یک تکه شده و از اتلاف زمین و آب و نیروی انسانی جلوگیری به عمل



می‌آمد و اراضی نیز قابلیت کاربری ماشینهای کشاورزی را دارا بودند. متأسفانه با اصلاحات ارضی و حذف مالک و مشخص نبودن نظام رهبری در روستا نظامهای کاری درهم ریخت و زمینها قطعات بسیار کوچک تبدیل شد و مسأله ارث نیز به این عامل دامن زد و در حال حاضر یکی از عمده مشکلات روستاها قطعه قطعه بودن اراضی می‌باشد، که برای نیل به توسعه کشاورزی و جلوگیری از اتلاف زمین، آب و نیروی انسانی و ایجاد کارآیی ماشینهای کشاورزی لازم است که طرحهای یکپارچه نمودن اراضی در روستاهای کشور شکل گیرد.

#### ۴-۳ - نظامهای کاری گروهی

نظامها و یا سازمانهای کارگروهی از گذشته‌های دور بر اساس وجود ویژگیهای اجتماعی هم‌گرا در روستاها به وجود آمده و در شکل‌گیری، تثبیت و دوام آن مالکان نقش مهمی به عهده داشته‌اند، زیرا که وجود این نظامها در افزایش تولیدات کشاورزی، کنترل و اداره امور زراعی و ارتباطات مالک و زارع و پاره‌ای مسائل دیگر نقش مهمی ایفا می‌نموده است. با شروع اصلاحات ارضی متأسفانه این سازمانهای کاری گروهی تضعیف شده در پاره‌ای از مناطق کشور به خاطر روابط خویشاوندی به صورت پراکنده‌ای دوام یافته و در برخی از نواحی نیز این سازمانها به حیات خود ادامه داده‌اند. و در برخی از مناطق کشور به کلی از بین رفت و متأسفانه سازمان و تشکیلات جدیدی نیز جایگزین آن نگردید.

نظامهای کاری گروهی بر اساس کشت مشترک اراضی زارعان صاحب نسق به صورت مشاع به وجود می‌آید. مثلاً یک روستا به دوازده سازمان کاری تقسیم می‌شود که برای مثال در هر سازمان ده نفر صاحب نسق مشارکت دارند، طبیعی است برای ایجاد نظام و تسهیل در امور و حصول نتایج مطلوب در امور زراعی نیاز به مدیریت و سلسله مراتب در این سازمانها ضروری می‌نماید. بنابراین ملاحظه می‌شود که در مناطقی از کشور این نظامها که به صورت رسمی به وجود آمده و تحت عناوینی مثل بنه در اطراف تهران، دشت قزوین، صحرا در خراسان و جنوب فارس، حراثه (هزاسه) در کرمان و فارس، پنجال در بهبهان و کهکیلویه، طاق در اصفهان،

تیرکار در جنوب خراسان، جوق در کردستان و سمکار در خوزستان طی سالهای طولانی شکل پذیرفته است. این نظامهای کار را از آن جهت نظامهای کاری گروهی رسمی می‌نامند که تشکیل این سازمانها در مناطق روستایی یادشده جنبه اجباری داشته و همه خانوارهای نسقدار می‌بایست عضو آن باشند، دوم اینکه این نظامهای کاری ضمن دارا بودن جایگاه معین و مشخصی در ساختمان اجتماعی و اقتصادی و سیاسی ده دارای موجودیت رسمی نیز بوده‌اند و در نهایت این سازمانها دارای سلسله مراتب مشخصی بوده و زیر نظر مدیری که به وسیله مالک تعیین می‌گردیده و تحت عناوین سربنه، سالدِر، سردانک و غیره خوانده می‌شود اداره و سامان می‌یافته است. در صورتی که سازمانهای کاری گروهی غیررسمی انجمنی است اختیاری و در ساخت اجتماعی ده جایگاهی ندارد و دارای تشکیلات و سلسله مراتب نمی‌باشد، این سازمانهای کاری گروهی بیشتر در مناطقی از کشور به وجود می‌آمدند که شیوه تولید زراعی اهمیت چندانی نداشته مثل نواحی ایل نشین و یا نواحی شمال و غرب کشور که نیاز به کار جمعی برای تهیه آب وجود ندارد، این سازمانها در مناطق کهیلویه به نامهای کشت شراکتی در مازندران تحت عنوان همباز شدن و یا نامهای مشابهی در دیگر مناطق کشور وجود دارند. به‌طور کلی نظامهای کاری گروهی در مناطق خشک و نیمه خشک که نیاز به تهیه آب و مراقبت زیاد از محصول به علت حساسیت محیطی دارند بیشتر از مناطق پرباران کشور وجود داشته است.

## خلاصه فصل سوم

نظامهای بهره‌برداری قوانین و مقررات مدون و غیرمدونی هستند که بر اساس آن قوانین و ضوابط افراد تکالیف و حقوقی را در نظام بهره‌برداری به دست می‌آورند. نظامهای بهره‌برداری در ایران اصولاً متأثر از عوامل تولید بوده است. نظامهای بهره‌برداری شناخته شده در ایران حدود ده نظام بود که چهار نظام بر اساس کشاورزی مکانیزه و جدید بوده که عبارتند از: نظام بهره‌برداری سرمایه‌داری و مکانیزه، نظام بهره‌برداری کشتمانی، نظام بهره‌برداری کشت و صنعت و شرکتهای

سهامی زراعی، نظامهای بهره‌برداری سنتی عبارتند از: نظام بهره‌برداری خرده مالکی، نصفه‌کاری، اجاره‌ای، تلمبه‌کاری، مزارعه و نظام بهره‌برداری غارس و مالکی.

نسق، قرار و مداری است که بین روستاییان طی سالیان متمادی به منظور تقسیم عادلانه آب و خاک به وجود می‌آید. وقتی نسق در روستا به وجود می‌آید که کمبود در یکی از عوامل عمده تولید (آب و زمین) وجود داشته باشد، اگر کمبود آب باشد نسق بر اساس آب به وجود می‌آید و اگر کمبود زمین باشد نسق بر اساس زمین حادث می‌شود.

نظامهای کاری گروهی در روستاهای ایران بر اساس ویژگیهای اجتماعی هم‌گرا در روستاها شکل گرفته و در گذشته مالکان در به وجود آمدن، تثبیت و دوام آن نقش عمده‌ای بر عهده داشته‌اند. این نظامها در مناطق مختلف کشور بر اساس ویژگیهای اجتماعی حاکم بر منطقه به اشکال مختلف به وجود آمده و در برخی از روستاها از بین رفته و در پاره‌ای از روستاها همچنان عامل اصلی و عمده تقسیم آب و زمین محسوب می‌شود.

## خودآزمایی فصل سوم

۱- در ایران چند نظام بهره‌برداری که با کشاورزی جدید و مکانیزه وجود

دارد؟

الف) چهار نظام

ب) ده نظام

ج) دو نظام

د) سه نظام

۲- قانون تأسیس شرکتهای کشت و صنعت در چه سالی تصویب شد؟

الف) در سال ۱۳۵۷

ب) در سال ۱۳۴۰

ج) در سال ۱۳۴۷

د) در سال ۱۳۳۰

۳- سازمانهای کاری گروهی در کدام منطقه به وجود می‌آمد؟

الف) پرباران

ب) جلگه

ج) خشک

د) کوهستانی

- ۴- در گذشته تولیدات روستایی جنبه ..... داشت. به همین جهت در روستاهای ایران گرایش به ..... کمتر دیده می‌شود.
- ۵- در شیوه تلمبه‌کاری مالک ..... و ..... کشاورزی قرار می‌دهد.
- ۶- در نظام غارس مالکی ..... و ..... در اختیار زارع قرار می‌گیرد.
- ۷- در ایران حدود ..... نظام بهره‌برداری به وجود آمده که برخی از آنها نظام بهره‌برداری ..... و برخی دیگر به نظام بهره‌برداری ..... مربوط می‌شود.

### پاسخ خودآزمایی فصل سوم

- ۱- الف چهار نظام
- ۲- ج ۱۳۴۷
- ۳- ج خشک
- ۴- خودمصرفی - تک کشتی
- ۵- آب و زمین
- ۶- آب و نهال
- ۷- ده - جدید مکانیزه - سنتی

## فصل چهارم: منابع آبی روستاهای ایران

### هدف مرحله‌ای فصل چهارم

در این فصل دانشجویان با منابع آبی روستاهای ایران آشنا خواهند شد. از آنجا که آب مهمترین عامل در به وجود آمدن روستا و رشد آن است و فعالیت‌های کشاورزی روستاییان که رکن اصلی اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد مطالعه منابع آب در روستاها از اهمیت ویژه برخوردار است. در این فصل سعی شده است دانشجویان با شیوه‌های مختلف استفاده از منابع آب که از دیرباز در این کشور که بیشتر در قلمرو اقلیم خشک و نیمه‌خشک قرار دارد متداول است آشنا شوند و بر پراکندگی منابع آب در ایران وقوف حاصل نمایند.

### هدفهای رفتاری فصل چهارم

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بر اهداف آموزشی زیر دست پیدا کنند و با استفاده از مهارت‌های به دست آمده مسائل آب روستاهای کشور را تجزیه و تحلیل و ماهیت جغرافیایی آنرا در مناطق مختلف جغرافیایی کشور آشکار کنند.

- انواع منابع آب روستاهای ایران را بشناسد.

- با قنات و ماهیت آن که مهمترین شیوه سنتی دستیابی به آب در ایران است

آشنا باشد.

- قنات جلگه‌ای یا دشتی و ویژگیهایی آن را بشناسد.

- قنات موتوری را بشناسد.

- با چشمه قنات آشنا باشد.
- قنات سدی و ماهیت آن را بداند.
- شکل و ویژگیهای آن را بشناسد.
- قنات دو طبقه و ماهیت آن را بداند.
- با توزیع و پراکندگی قنات در ایران آشنا باشد.
- قلمرو اصلی قناتهای ایران را بشناسد.
- شرایط محیطی احداث قنات را بداند.
- ویژگی چاههای دستی را بشناسد.
- با انواع چاههای مورد استفاده در ایران آشنا باشد.
- ماهیت و ویژگی چاههای نیمه عمیق را بشناسد.
- با ماهیت چاههای نیمه عمیق عمودی آشنا باشد.
- با ویژگیهای چاههای نیمه عمیق قناتی آشنا باشد.
- با چاههای عمیق و ویژگیهای آن آشنا باشد.
- با چاههای آرتزین و ویژگیهای آن آشنا باشد.
- چشمه ها و نقش آنها را در کشاورزی بشناسد.
- آبهای سطحی و نقش آنها را در فعالیت های کشاورزی روستا بداند.
- نحوه استفاده از آبهای سطحی را بداند.

## مقدمه

قسمت اعظم خاک ایران با توجه به شرایط جغرافیایی، در مناطق خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد. در چنین مناطقی زندگی الزاماً در ارتباط با آب شکل گرفته و وجود منابع آب، کمیت و کیفیت و نیز دائمی یا موقتی بودن آن همواره در تشکیل اجتماعات انسانی نقش بسزایی داشته است. چنانچه بدون وجود آب تشکیل جوامع بشری با اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و بهره برداری از زمین چه در گذشته و چه در حال غیرممکن بوده است.

معنی لغوی روستا که در برخی از منابع محل رویش یا رستنگاه ذکر شده حاکی از نقشی است که این محل برپایه اقتصاد کشاورزی<sup>۱</sup> دارد. اصولاً در فلات ایران هر جا که روستایی، پا گرفته، قطعاً منبع آبی وجود داشته و به یقین توسعه روستا تا حدود زیادی با میزان و کیفیت آب و در مراحل بعدی با زمین و تکنیک انسانها مرتبط بوده است به همین ترتیب در حال حاضر نیز بقا و ایجاد روستا در فلات مرکزی ایران به وجود آب بستگی دارد. یکی از مهمترین علل متروک شدن بسیاری از روستاها در ایران، خشک شدن و از بین رفتن منابع آب آنهاست، روستاهایی که با وجود دارا بودن آب کافی متروک و خالی از سکنه شده باشند بسیار معدودند.

منابع آب روستاهای مناطق خشک و نیمه خشک در گذشته به قناتها و رودخانه های فصلی یا دائمی محدود بوده ولی در سالهای اخیر با پیشرفت تکنیک احداث چاههای عمیق و نیمه عمیق نیز در روستاهای ایران رایج شده که در حال حاضر مهمترین منابع آب روستاها را تشکیل می دهد. در این گفتار سعی بر این است که ویژگیهای منابع آب مورد بررسی قرار گیرد. منابع آب روستاها اصولاً به دو

۱. دکتر کاظم ودیعی، روستاشناسی ایران، ص ۳۴.

دسته تقسیم می‌شوند. اول منابع آبهای زیرزمینی، دوم منابع آبهای سطحی.

#### ۱-۴- منابع آب زیرزمینی

استفاده از آبهای زیرزمینی اکثراً در مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور اتفاق می‌افتد و روشهای مختلفی به صورت سنتی و تکنیکی برای استحصال آب به کار گرفته می‌شود.

#### ۱-۱-۴- قنات

در فرهنگهای فارسی تعاریف متعددی از قنات آمده که کاملاً حق مطلب را ادا نکرده است، مثلاً در فرهنگ معین آمده است: «قناة (ق)» مجرای که در زیرزمین حفر می‌کنند برای جاری شدن آب، کاریز قنات (ق) و قنات جمع آن است «و در برهان قاطع» کاریز» جوی آبی را گویند که در زیرزمین بکنند و آب از آن روان شود» و نیز در فرهنگ آندراج کاریز را چنین تعریف کرده است: «راه آب روان به زیرزمین که به عربی قنات گویند و در اصل کاه‌ریزه بوده که برای امتحان جریان آب گاه می‌ریخته‌اند تا معلوم شود...» کتاب قنات «کاریز»<sup>۱</sup> وجه تسمیه فوق را مردود شمرده و کلمه کاریز را کوتاه شده کلمات مرکب کوه‌ریز (کوه + ریز) به معنی آب جاری از کوهستان، قید می‌نماید که در اثر کثرت کاربرد به صورتهای کاریز، کهریز، کارز، کاهریز، کاراز و کاکوریز نیز درآمده است.

برخی از پژوهشگران<sup>۲</sup> را اعتقاد بر این است که قنات از ریشه قانو به معنی نی، بوده و در زبانهای لاتین و یونانی، کانا و کنا به معنای نی و کلمه کانال به مفهوم مجرای آب و لوله است. ولی اصولاً چون این ابتکار از ایران بوده، قاعدتاً باید ریشه‌ای فارسی داشته باشد. «ژینو»<sup>۳</sup> معتقد است که ریشه کلمه قنات از «کام» که در فارسی میانه معنی قنات و پوشاندن بوده، آمده است و عده‌ای از محققین قنات را

۱. سید منصور سیدسجادی، قنات «کاریز»، تهران، انجمن فرهنگی ایتالیا.

۲. سید منصور سیدسجادی، همان کتاب.



کلمه‌ای فارسی و مشتق از کندن می‌دانند. به عقیده نویسندگان دایرةالمعارف اسلامی لغت «صهریح» همان کاریز فارسی است که محقق ایرانی محمدعلی امام شوشتری<sup>۱</sup> در مقابل «صهریح» می‌نویسد: آب انبارهای بزرگ که برای جمع کردن آب بارانهای زمستانی برای مصرف تابستان ساخته می‌شود که اینگونه آب‌انبارها هم‌اکنون در بوشهر تا بندرعباس و چاه‌بهار فراوان است. به نظر ما شکل فارسی صهریح واژه «چهریز» است (مرکب از چه = چاه + ریز) و به معنی «ریزیدن»، یعنی چاهی که در آن آب باران ریخته می‌شود.

در شمال افریقا قنات به نام «فقازا»، در اروپای مرکزی «تونل آبی» در امریکای مرکزی و جنوبی «گالریا فیلترانته»<sup>۲</sup> و در منطقه هوکار در دامنه کوههای اطلس «قنات کار ایرانی» خوانده می‌شود.<sup>۳</sup> قنات عبارت است از تعدادی چاههای عمودی که به وسیله کانالی زیرزمینی به یکدیگر متصل می‌شوند و آب در این کانال، با شیبی که ارتباط با طول قنات و اختلاف ارتفاع بین مزرعه و کف مادر چاه دارد، جریان می‌یابد. قنات معمولاً از لایه‌های آبدار زیرزمینی، رودخانه‌ها و یا از نفوذ آبهای جمع‌آوری شده، تغذیه می‌کنند. آب این منابع تحت تأثیر نیروی جاذبه زمین در طول کانال زیرزمینی شیب‌دار، جاری شده و پس از خروج از زمین، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بسیاری از پژوهشگرانی که درباره قنات تحقیق نموده‌اند، تعاریف ناقصی از آن به دست داده‌اند؛ مثلاً انگلیش<sup>۴</sup> در مقاله‌ای تحت عنوان «پیدایش و گسترش قنات در دنیای قدیم» قنات را چنین تعریف می‌کند: قنات عبارت است از تونلی با شیب ملایم که تقریباً به‌طور افقی در رسوبات بادبزی (دامنه کوهی) حفر می‌شود و امتداد آن به لایه‌های آبدار<sup>۵</sup> می‌رسد. یکی دیگر از پژوهشگران و ایران‌شناسان

---

۱. محمدعلی امام شوشتری، فرهنگ واژه‌های فارسی در عربی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۷.

2. Galleriafiltrante

۳. سید منصور سیدسجادی، قنات «کاریز»، تهران، انجمن فرهنگی ایتالیا.

4. English, P. W. "the origin and spread of Qanats in the old world", proc. of the American philosophical society, vol. 112, 1968, No. 3, P. 170.

5. Water table

انگلیسی «بومونت»<sup>۱</sup> در کتاب خاورمیانه در تعریف قنات آن را یکی از روشهای استفاده از آبهای زیرزمینی دانسته که با تونلی کم شیب، در میان مواد رسوبی حفر می شود و به این ترتیب در اثر خاصیت جاذبه زمین، آب از لایه های آبدار به سطح زمین رسیده و در نهایت به کانالهای آبیاری در قسمتهای انتهایی پایین، متصل می شود.

عده زیادی از پژوهشگران داخلی و خارجی تعاریفی شبیه تعاریف فوق ارائه داده اند. ولی به طوری که در تعریف اولیه اشاره شد، به نظر می رسد:

۱- قناتها همیشه از لایه های آبدار زیرزمینی استفاده نمی کنند، بسیاری قنات در ایران وجود دارد که از آب چشمه ها، رودخانه ها و حتی از نفوذ آبهای ذخیره شده در سدها بهره می برند.

۲- قناتها همیشه در رسوبات بادبزی حفر نمی گردند؛ بلکه موقعیت قنات بستگی به شرایط توپوگرافی و زمین شناسی منطقه ای دارد که قرار است قنات در آنجا حفر شود.

۳- در مطالعات و تحقیقات مربوط به قنات، محققین توجه چندانی به شیب قناتها نداشته اند و حتی عده زیادی، مسأله شیب را مطرح نکرده و برخی هم که به طور کلی به شیب اشاره نموده اند، از نظر کمی به آن توجهی نداشته اند. گروه زیادی از پژوهشگران مقدار ثابتی را برای شیب قنات در ایران در نظر گرفته اند، اگرچه این مقدار ثابت ممکن است برای یک یا چند قنات یا برای قناتهای مورد مطالعه آنها درست باشد، ولی در مورد کلیه قناتهای ایران صادق نیست. برای نمونه چند مثال در مورد فوق ذکر می شود:

انگلیس در مقاله «پیدایش و گسترش قناتها در دنیای قدیم» می نویسد که حداکثر شیب در قناتهای کوتاه ۱ تا ۱/۵ در هزار و در قناتهای طویل، تونل قنات تقریباً افقی است. بومونت می نویسد که قناتها شیب ملایمی دارند. «هنری»<sup>۲</sup> ذکر می کند که این شیب عموماً ۱۰ تا ۳۰ سانتیمتر در ۱۰۰ متر است (۱:۱۰۰۰ تا

---

1. Beaumont

در کتاب آب و آبیاری در ایران حداکثر شیب در یک قنات ۱ در هزار ذکر شده است. نوئل<sup>۱</sup> شیب قنات‌ها را حدود ۱ در ۲۵۰۰ تا ۱ در ۱۵۰۰ در مسیر کانال می‌داند. به طور کلی باید اذعان داشت که شیب قنات با طول آن، توپوگرافی منطقه و اختلاف ارتفاع بین لایه‌های آبدار و مزرعه در ارتباط است. بنابراین می‌توان فرمول زیر را ارائه داد.

مزرعه و کف مادر چاه و "L" طول قنات است.  $P = \frac{D}{L} \times 1000$  که در این فرمول "P" شیب در هزار، "D" اختلاف ارتفاع

به منظور بررسی علمی و تحلیل ریاضی ویژگیهای قنات، سی رشته قنات در کاشان مورد بررسی قرار گرفته و مشخصاتشان دقیقاً در روی زمین اندازه‌گیری، شیب آنها به وسیله کامپیوتر محاسبه و همبستگی بین این عناصر مشخص شده است (جدول شماره ۱). بنابراین محاسبات، شیب ۲۵٪ از این قنات کمتر از ۴ در هزار و ۴۵٪ بین ۴ تا ۸ در هزار و ۲۵٪ بین ۸ تا ۱۲ در هزار و ۵٪ بقیه بین ۱۲ تا ۱۵ در هزار است. نمودار شماره ۱ پراکندگی قنات‌ها را نشان می‌دهد.

در قناتی که شیب تند دارند، فرسایش آب بر بستر کانال شدید است. از اینرو به کمک روشهای مختلف از تخریب و شدت عمل فرسایش جلوگیری می‌شود. از جمله می‌توان با ایجاد آبشاری در مقطع خاص، اثر شیب را در سایر طول کانال کاهش داد و یا اینکه با سنگ چین کردن بستر، جلوی تخریب را گرفت. گاهی که بستر کانالها به وسیله رسوبات آب، ایجاد لایه‌های مقاوم می‌کند؛ در نتیجه فرسایش اثر چندانی بر کف کانال ندارد.

برای برقراری روابطی بین طول قنات "L"، شیب "P" عمق مادر چاه "Z" و اختلاف ارتفاع بیم مزرعه و کف مادر چاه "H" از اطلاعات به دست آمده از سی رشته قنات محاسبات کامپیوتری به عمل آمده و معادلات رگرسیون، در ارتباط با هر عامل، محاسبه شده است. ضریب همبستگی بین طول قنات‌ها و شیب آنها، در قناتهای مطالعه شده، برابر است با  $r_{P,L} = -0.54842$ .<sup>۲</sup> این عدد نشان می‌دهد که همبستگی بین دو عامل فوق‌الذکر وجود دارد و علامت منفی این ضریب، نشانه آن

1. Noel

Table 1 REGRESSION EQUATION FOR SPECIFICATIONS OF QANATS

CASE-N	L	Z	HD	H	P
1	11.250	45.000	110.000	45.000	5.50
2	6.250	30.000	120.000	65.000	4.30
3	10.500	43.000	50.000	7.000	4.00
4	13.000	35.000	40.000	5.000	5.00
5	10.500	41.000	50.000	9.000	0.90
6	7.500	64.000	90.000	15.000	6.40
7	3.000	34.000	60.000	26.000	8.60
8	1.000	13.000	30.000	12.000	12.00
9	1.100	34.000	45.000	11.000	10.00
10	2.500	12.000	50.000	38.000	15.20
11	9.000	40.000	55.000	15.000	1.60
12	9.500	22.000	40.000	18.000	1.80
13	12.000	35.000	75.000	40.000	3.30
14	6.250	16.000	30.000	14.000	2.20
15	3.000	20.000	45.000	25.000	3.30
16	7.000	33.000	55.000	11.000	2.90
17	12.000	18.000	90.000	52.000	4.10
18	8.000	80.000	95.000	15.000	1.30
19	2.000	50.000	60.000	10.000	4.90
20	11.250	40.000	95.000	55.000	4.90
21	6.500	45.000	75.000	30.000	6.90
22	7.000	40.000	50.000	10.000	1.30
23	3.000	30.000	100.000	20.000	6.60
24	1.300	10.000	25.000	15.000	10.00
25	2.750	12.000	50.000	38.000	13.50
26	2.000	22.000	40.000	18.000	3.00
27	3.000	20.000	65.000	45.000	4.10
28	2.000	55.000	70.000	15.000	7.50
29	6.000	44.000	75.000	31.000	5.10
30	5.500	30.000	55.000	15.000	4.50

L, LENGTH OF QANATS KM/  
 Z, DEPTH OF MAIN WELL/  
 HD, DIFF ELEVATION MONTH OF MAIN WELL & FIELD/  
 H, DIFF ELEVATION BOTTOM OF MAIN WELL & FIELD/  
 P, GRADIENT PER 1000/

VARIABLE	MEAN	STANDARD DEV
L	5.6453	3.8548
Z	35.9063	21.6860
HD	58.7500	28.1986
H	23.3125	17.9062
P	5.5187	3.6526

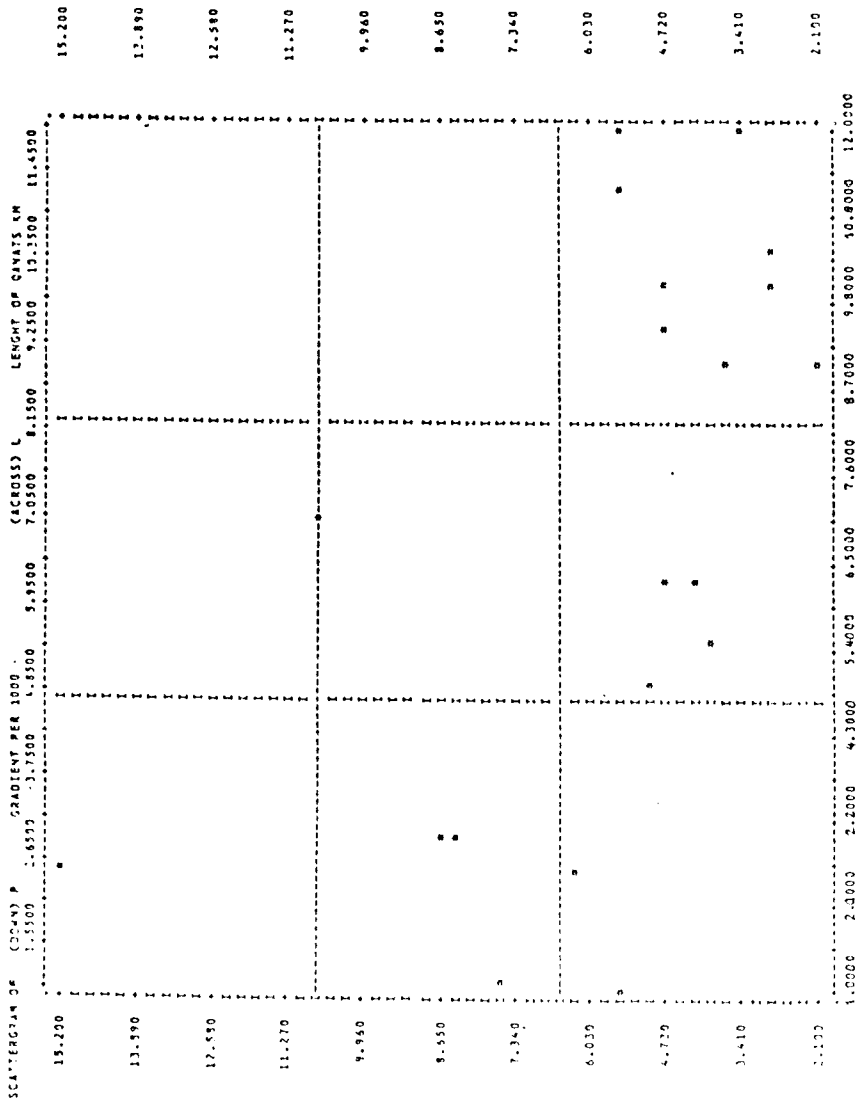
CORRELATION COEFFICIENTS

	L	Z	HD	H	P
L	1.00000	0.29180	0.47187	0.39616	-0.45036
Z	0.29180	1.00000	0.82539	0.25470	-0.15674
HD	0.47187	0.82539	1.00000	0.72035	0.02368
H	0.39616	0.25470	0.72035	1.00000	0.23366
P	-0.45036	-0.15674	0.02368	0.23366	1.00000

REGRESSION EQUATION

$P = -0.7783693 * L + 0.06652174 * H - 0.07630286 * Z + 0.02167657 * HD + 10.4 * 357$   
 $H = 1.015412 * HD - 0.8164202 * Z + 0.5813057 * P + 0.2280693 * L - 12.29226$   
 $HD = 0.8547449 * Z + 0.7950199 * H + 0.5079513 * L + 0.1483089 * P + 6.229582$   
 $Z = 1.038077 * HD - 0.7763226 * H - 0.8392378 * L - 0.6740307 * P + 1.337675$   
 $L = -0.8097812 * P + 0.02711872 * H - 0.1494449 * Z + 0.0771 * 201 * HD + 9.293492$

نمودار شماره ۱



است که با افزایش طول قنات، مقدار شیب کاهش می‌یابد. شکل شماره ۲ روش اندازه‌گیری شیب قنات کاهش داده و یا اینکه با سنگ چین کردن بستر، جلوی تخریب را گرفت. گاهی که بستر کانالها به وسیله رسوبات آب، ایجاد لایه‌های مقاوم می‌کند؛ در نتیجه فرسایش اثر چندانی بر کف کانال ندارد.

برای برقراری روابطی بین طول قنات "L"، شیب "P" عمق ما در چاه "Z" و اختلاف ارتفاع بیم مزرعه و کف ما در چاه "H" از اطلاعات به دست آمده از سی رشته قنات محاسبات کامپیوتری به عمل آمده و معادلات رگرسیون، در ارتباط با هر عامل، محاسبه شده است. ضریب همبستگی بین طول قناتها و شیب آنها، در قناتهای مطالعه شده، برابر است با  $r_{P.L} = -0.54842$ . این عدد نشان می‌دهد که همبستگی بین دو عامل فوق‌الذکر وجود دارد و علامت منفی این ضریب، نشانه آن است که با افزایش طول قنات، مقدار شیب کاهش می‌یابد. شکل شماره ۲ روش اندازه‌گیری شیب قنات رگرسیون چندجانبه بین این عوامل محاسبه شده و به صورت فرمولهای زیر بیان می‌شود در ضمن HD اختلاف ارتفاع بین دهانه ما در چاه و مزرعه می‌باشد.

$$P = 6/37 - 0/69 L - 0/01 H - 0/14 Z + 0/14 HD - 1$$

$$H = 3/81 + 1/04 HD - 0/90 Z - 0/33 L - 0/47 P - 2$$

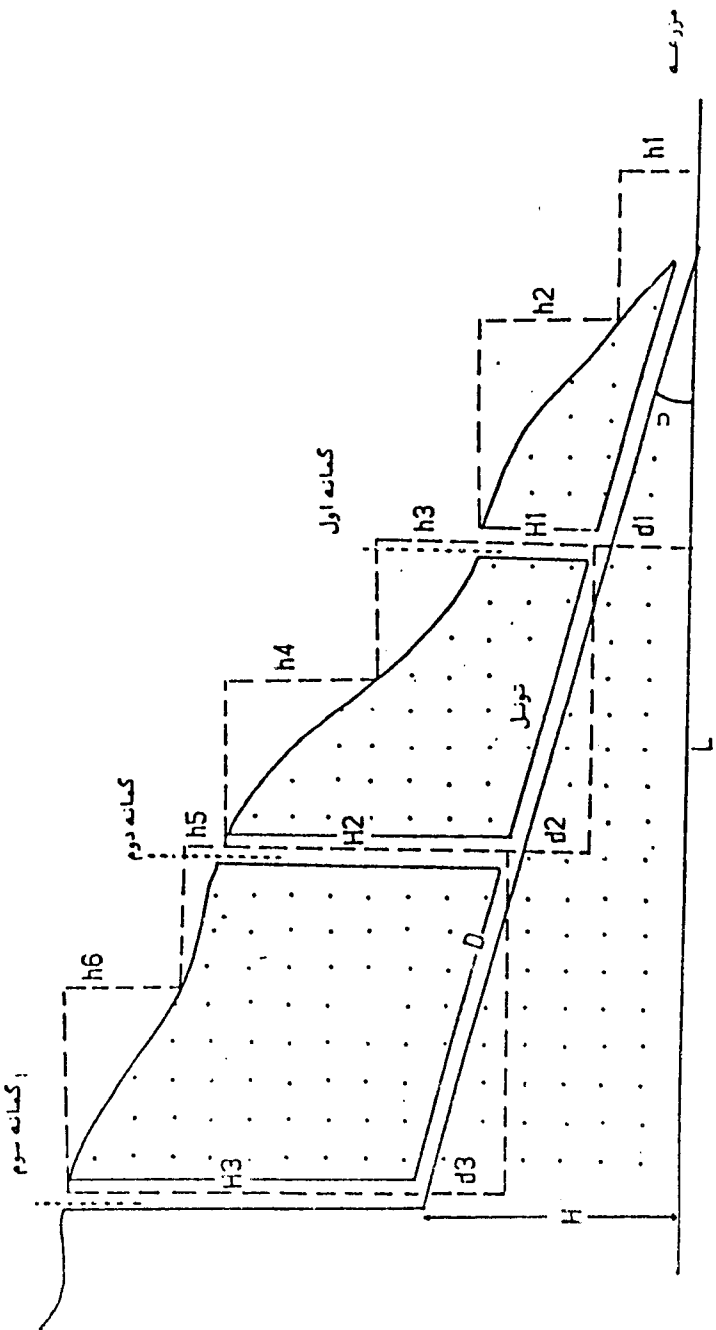
$$HD = 1/81 + 0/88 Z + 0/77 H + 0/79 L + 0/47 P - 3$$

$$Z = 0/38 + 1/04 HD - 0/78 H - 0/78 L - 0/56 P - 4$$

نمودار پراکندگی شماره ۱ روابط بین شیب، عمق مادر چاه، طول قنات و اختلاف ارتفاع بین مزرعه و کف مادر چاه را نشان می‌دهد.

## الف) انواع قناتها

همانطور که قبلاً اشاره شد، از انواع قناتها معمولاً قنات جلگه‌ای یا دشتی در ایران و دنیا شناخته شده است. حال اینکه قناتهای دیگری نیز در ایران وجود دارد که ساختمان و منبع تغذیه آنها کاملاً متفاوت است. انواع قنات عبارتند از:



$$H = d_1 + d_2 + d_3$$

$$h_1 + h_2 - H = d_1$$

$$h_1 + h_3 + h_4 - H = d_2$$

$$h_2 + h_5 + h_6 - H = d_3$$

$$P = H \sqrt{D^2 - H^2}$$

نمودار شماره ۲ روش اندازه گیری شیب قنات

### - قنات جلگه‌ای یا قنات دشتی

این نوع قنات عموماً در دامنه کم‌شیب کوهستانها و یا جلگه‌ها حفر می‌شود. طول این قنات اغلب زیاد است و در ارتباط با عوامل توپوگرافی و فاصله لایه‌های آبدار تا سطح زمین (عمق مادر چاهها) تغییر می‌یابد.

### - قنات موتوری

این اصطلاح که در سالهای اخیر در روستاها عنوان شده، به قناتی اطلاق می‌شود که آب آن، بر اساس خاصیت جاذبه زمین قادر نیست در سطح مزرعه مورد نظر آفتابی شده و مورد استفاده قرار گیرد. گاهی اتفاق می‌افتد که به علت اشتباه در محاسبه شیب قنات، آب در منطقه مورد نظر بر روی زمین نمی‌آید و با مزرعه اختلاف ارتفاع پیدا می‌کند و یا اینکه لایروبی و کف‌شکنی برخی از قناتهای متروک، باعث پایین افتادن سطح آب و ایجاد اختلاف با مزرعه می‌شود. در چنین قناتهایی به وسیله موتورپمپ، آب را به سطح زمین می‌آورند و مورد استفاده کشاورزی قرار می‌دهند. یکی از نمونه‌های بارز آن «قنات سرافرازیه» در منطقه «ابوزید آباد» کاشان است که در موقع حفر موقت نتوانسته است شیب متناسب را برای قنات محاسبه کند و در نتیجه آب در منطقه مورد نظر آفتابی نشده و صاحب قنات بالاجبار آب را از قنات به وسیله موتور به سطح زمین آورده است.

### - چشمه قنات

این نوع قناتها عموماً در مناطق کوهستانی حفر می‌شود. طول این قناتها معمولاً کم و چاههای عمودی آن بسیار محدود و گاهی حتی بدون چاه عمودی است. در این نوع قنات با حفر کانالی از لایه‌های غیرقابل نفوذ آب را به سطح زمین عبور می‌دهند. هزینه نگهداری این قناتها معمولاً کم و آب آنها نسبت به مقدار نزولات جوئی و میزان برفگیری ارتفاعات تغییر می‌کند.



## - قنات سدی

این قناتها در جنب سدهایی احداث می شود که به منظور تأمین آب قنات در بستر یک مسیل یا آبراهه بنا شده است. در فصول بارندگی سیلابها و هرز آبها در پشت این سدها جمع شده و به تدریج در زمین نفوذ می کند و قناتی که در مجاورت سد مذکور احداث شده است از آبهای نفوذی سد به زمین تغذیه می کند. به نظر می آید که این روش در بسیاری از مناطق کوهستانی ایران به منظور تأمین آب روستاییان قابل اجرا باشد. برای مثال بهترین نمونه از این قناتها، قنات «جندق» است.

## - منگل

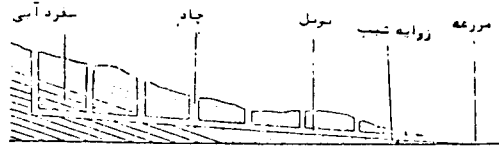
قناتی است که منبع تغذیه آن رودخانه دائمی است. گاهی وجود ارتفاعات مانع رسیدن آب رودخانه به منطقه ای مشخص می شود. در این صورت با حفر یک منگل، آب رودخانه را که در سطح زمین جاری است، مجدداً به زیر زمین برده و سپس آنرا با استفاده از شیب مناسبی که در منطقه مورد نظر ایجاد می کنند، به سطح زمین می آورند. یکی از بهترین انواع قناتهای منگل «منظومه شمس آباد کرج» است که با تغذیه از «کردان رود» در زیر جاده تهران - قزوین جاری است. این روش نیز به منظور استفاده از آب تعدادی از رودخانه های دائمی در ایران توصیه می شود.

## - قنات دو طبقه

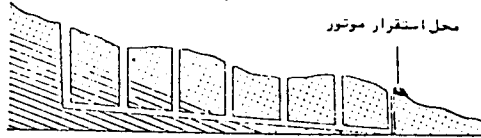
این قناتها که تعدادشان زیاد است ولی متأسفانه شناخته شده نیستند، در ناحیه ای که دو طبقه لایه آبدار به وسیله یک قشر غیرقابل نفوذ از یکدیگر جدا شده اند حفر می کردند. در بسیاری از قناتها مشاهده می شود که در قسمتی از قنات دو کانال بر روی یکدیگر حفر شده و قبل از آفتابی شدن قنات، آب آنها روی همدیگر ریخته و تشکیل یک قنات واحد را می دهد. یکی از بهترین نمونه های این نوع را در «اردستان» می توان دید. قنات دو طبقه «مون» اردستان از دو کانال موازی که بر روی هم قرار گرفته و در چاههای عمودی مشترکند، تشکیل شده است. کانال

رویی حدود ۲۰۰ متر دورتر از کانال زیرین، آفتابی می شود و سپس در پایین دست،

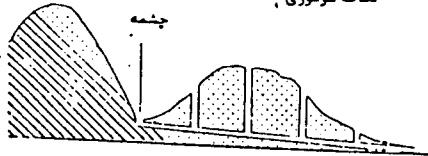
شکل شماره ۱ مقاطع طولی ارتفاع انواع قنات



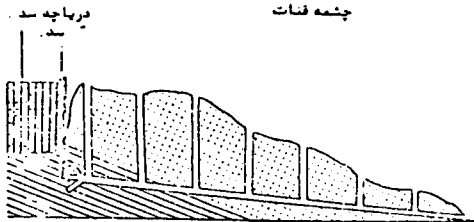
قنات دشت



قنات موتوری



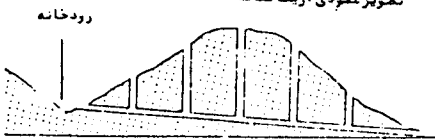
قنات چشمه



قناتسدی



تصویر عمودی از یک قنات



منگل قنات

- در محلی به نام محله سیده‌های اردستان به همدیگر متصل می‌شوند. تشخیص و احداث این نوع قنوات بستگی به وجود لایه‌های آبدار بر روی یکدیگر و تخصص معمار قنات دارد. شکل شماره ۱ مقاطع انواع قنات‌ها را نشان می‌دهد.
- ۱- بدون نیاز به نیروی محرکه و سرمایه‌گذاری، آب در اثر خاصیت جاذبه زمین جاری می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد.
  - ۲- آب در کانال‌های سرپوشیده جریان یافته، تبخیر به حداقل رسیده و احتمال آلودگی نیز کم می‌شود.
  - ۳- قنات‌ها اگر حفاظت و لایروبی شوند به عنوان یک منبع دائمی آب برای سالها و حتی قرن‌ها می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند.
  - ۴- هزینه حفر قنات‌ها عموماً به علت قدمتشان در ایران مستهلک شده و در حال حاضر به عنوان یک منبع سرمایه‌گذاری نشده تلقی می‌شود.
  - ۵- با اتکاء به قنات، در مناطق بیابانی و دورافتاده اجتماعات انسانی تشکیل شده و زندگی در مناطق خشک ایران شکل گرفته است.
  - ۶- اصولاً آب قنوات گواراتر از آب چاه‌هاست به خصوص اینکه در فصول گرم، خنک و در فصول سرد، نسبتاً گرم است.

### ب) توزیع قنات‌ها در ایران

توزیع و پراکندگی قنات در ایران، در ارتباط با عوامل مختلف جغرافیایی از ناحیه‌ای به ناحیه‌ای دیگر متفاوت است؛ زیرا در ایران نزولات جوئی، وجود رودخانه‌های دائمی، ناهمواریها و ویژگیهای اجتماعی مردم در توزیع قنات‌ها نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند. گیلان به علت برخورداری از نزولات جوئی فراوان و با وجود رودخانه‌های دائمی و در نتیجه عدم نیاز به آب، کمترین تعداد، یعنی در حدود ۰/۰۰۶٪ را داراست. ایلام به علت کوهستانی بودن و بالا بودن نزولات جوئی، در مرتبه دوم، در حدود ۰/۰۲٪ قنات‌ها و استان خراسان با ۲۲/۶٪ بالاترین تعداد قنات‌ها را در خود جای داده است. جدول شماره ۲ توزیع درصد قنات‌ها را بر حسب استانی نشان می‌دهد.

رشته قنات			نام شهرستان
دایر			
بایر	درصد	دایر	
۵۰	۰/۱۸	۶۹	کهنکلیویه و بویراحمد
۱۲۲	۰/۷۴	۳۴۷	کردستان
۰۰	۰/۰۰۶	۴	گیلان
۱۷۸۰	۶/۴	۲۲۹۶	فارس
۳۴۰	۳	۱۶۱۰	لرستان
۸۵۹	۷/۳	۳۷۸۶	مرکزی
۲۷۷	۱/۴	۶۵۸	مازندران
۸۵	۰/۴۶	۲۰۶	هرمزگان
۶۳۰	۴/۴	۲۱۶۹	همدان
۵۲۴	۵	۲۶۲۸	یزد
۹	۰/۰۲	۶	ایلام
۱۰۱۵	۹/۳	۴۸۵۶	اصفهان
۸۵۸	۳/۶	۱۴۲۸	آذربایجان شرقی
۱۵۶	۰/۸	۳۵۸	باختران
۳۲	۰/۲	۱۰۲	بوشهر
۳۴۸۵	۲۲/۶	۱۰۷۹۱	خراسان
۷۱۸۷	۱۲/۲	۵۴۲	تهران
۱۵	۰/۰۵	۲۱	خوزستان
۲۵۶	۲/	۱۰۱۶	چهارمحال و بختیاری
۲۰۹	۱/۲	۵۶۰	آذربایجان غربی
۲۹۹	۱/۸	۸۳۸	سمنان
۴۱۴	۲/۸	۱۳۶۰	سیستان و بلوچستان
۵۷۳	۲/۸	۱۲۰۱	زنجان
۱۸۰۳	۱۰/۹	۵۱۰۲	کرمان

بر اساس آمارهای ارائه شده به وسیله جهاد سازندگی، در ایران مجموعاً ۶۲۹۳۲ رشته قنات شمارش شده که از این تعداد، ۲۰۹۶۷ رشته متروک است و مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. به عبارت دیگر ۳/۳۳٪ کل قناتهای ایران تا سال ۱۳۶۲ از حیث ارتفاع ساقط شده است. بالاترین رقم متعلق به استان تهران است که از مجموع ۷۷۲۹ رشته قنات، ۷۱۸۷ رشته بایر و فقط ۵۴۲ رشته آن دایر است؛ یعنی به عبارت دیگر ۹۲٪ قناتهای این استان، متروک شده است.

علت بایر شدن قناتها می‌تواند عوامل متعددی باشد که خود، جای بحث در یک مقاله تحقیقی را دارد. آنچه می‌توان به‌طور سرفصل مطرح کرد عبارتست از: پایین رفتن سطح ایستایی آبهای زیرزمینی، اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲، از بین رفتن همکاری مردمی در روستاها، رایج شدن حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق، عدم کنترل دولت در مورد چاهها در گذشته، بی‌توجه بودم مردم و دولت به اهمیت قنات در گذشته، عدم محافظت و مراقبت از قنات و عوامل متعدد دیگری که می‌توان در این زمینه نام برد.

## ۲-۱-۴- چاه

چاه به عنوان یکی دیگر از منابع تأمین آب در ایران، که از زمانها دور به منظور تأمین آب مصرفی خانگی، مصرف احشام و کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد شناخته شده است. چاه به مفهوم واقعی آن عبارتست از حفر گودالی عمودی که معمولاً قطر آن متفاوت است و عمق آن تا جایی امتداد می‌یابد که از سطح آب زیرزمینی عبور کرده و به لایه‌های آبدار زمین برسد. فرق اساسی و عمده چاه با قنات در این است که به منظور استفاده از آب چاه نیاز به یک قوه محرکه، ضروری است و این نیز به وسیله انسان، حیوان، باد و موتور ممکن است ایجاد شود. به‌طور کلی می‌توان چاههای متداول در ایران را به شرح زیر نام برد:

## الف) چاههای دستی

این چاهها از گذشته به‌طور وسیعی در کلیه منازل شهری و روستایی حفر می‌شوند. حفاری این چاهها به وسیله افرادی حرفه‌ای به نام مقنی صورت می‌گیرد.

عمق چاهها بستگی به لایه‌های آبدار دارد. اگرچه در بسیاری از شهرها تا حدودی استفاده از آب چاهها، به علت وجود لوله‌کشی شهری، منسوخ شده، ولی در اکثر روستاها هنوز هم به عنوان یک منبع آب مصرف خانگی مورد استفاده قرار می‌گیرد که اغلب به علت مجاورت با چاههای فاضلاب و توالتها غیر بهداشتی است. آب این چاهها که عموماً کم است به وسیلهٔ دلو و ریسمان، چرخ چاه، تلمبه‌های چوبی یا فلزی، منجیق و یا احیاناً موتورهای شناور و بغل چاهی استخراج می‌شود.

گاهی از چاههای دستی در مزارع برای آبیاری اراضی در وسعت کم (عموماً صیفی‌کاری) استفاده می‌شود که به وسیلهٔ دستگاههای سادهٔ بالا برنده (منجیق) آب را به سطح زمین می‌آورند و مورد استفاده و آبیاری قرار می‌دهند که اخیراً به علت پایین رفتن سطح سفره‌های زیرزمینی، استفاده از این روش مشکل و گاهی غیرممکن و تقریباً منسوخ شده است. برای نمونه می‌توان بهار همدان را نام برد. در حدود ۲۰-۱۵ سال قبل که حفر چاههای عمیق و نیمه عمیق متداول نشده بود، در بسیاری از مزارع این بخش، کشت هندوانه متداول و از منجیق‌ها برای آبیاری استفاده می‌شد و جالب اینکه هندوانه‌های کشت شده در این ناحیه از نظر کیفیت در ایران معروف بود. گاهی برای استفاده از آب چاههای دستی، از نیروی باد استفاده می‌شود که بهترین نمونه آنرا می‌توان از چاههایی نام برد که سازمان محیط زیست به منظور ایجاد آبشخور و حوش در مناطق بیابانی حفر کرده است.

در روستاهای ایران، بر اساس گزارش جهاد سازندگی ۸۲۷۰۱ حلقه چاه دستی، شمارش شده که به منظور مصرف خانگی، احشام و احتمالاً کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. حفر چاه در استان مازندران، با تعداد ۲۶۶۸۷ حلقه بیش از سایر استانهای کشور متداول است. همچنین در استانهای فارس، اصفهان، زنجان نیز به ترتیب ۷۲۴۰، ۶۵۵۶ و ۶۴۸۳ حلقه چاه دستی حفر شده و مورد استفادهٔ روستاییان قرار دارد. بدیهی است که با توسعه و گسترش لوله‌کشی در روستاها، چاههای دستی خانگی اهمیت خود را از دست می‌دهد. همچنین با بالا بودن مزد کارگر و پایین رفتن سطح ایستایی آب، استفاده از چاههای دستی برای کشاورزی انتفاعی نیست. در حال حاضر در مناطق بیابانی از چاههای دستی بیشتر به منظور سیراب کردن دامها استفاده می‌شود.

## ب) چاههای نیمه عمیق

چاههای نیمه عمیق احتمالاً تکامل یافته چاههای دستی است که به منظور کشاورزی در مزارع حفر می شده است. با توجه به اینکه برای ایجاد نیروی لازم جهت بالا آوردن آب از موتور (برقی یا دیزلی) استفاده می شود، حفر این چاهها در ایران قدمت زیادی ندارد و بیشتر بعد از اصلاحات ارضی در ایران متداول شده است. زمانی که حفر چاه در ایران رایج شد، عموماً تشویق و یا ممانعتی برای حفر آن از سوی دستگاههای اجرایی وجود نداشته. هر زارع یا گروهی از زارعین که امکان سرمایه گذاری (حدود ۲۰ هزار تومان در سال ۱۳۴۲) داشتند قادر بودند که نسبت به حفر چاه نیمه عمیق اقدام کنند.

چاههای نیمه عمیق که در ایران متداول است، عموماً به چاههایی گفته می شود که موتور دیزلی یا الکتروموتور در کنار چاه نصب و موتور به وسیله یک لوله خرطومی آب را از مخزنی که بیش از ۶ متر با آن فاصله ندارد، مکیده و تا حدودی که متجاوز از ۳۰ متر نیست (بسته به قدرت موتور)، پمپاژ می کند. از طرفی حفر چاههای نیمه عمیق غالباً با دست انجام می شود و از سیستمهای حفاری به علت مشکلات خاص آنها استفاده نمی شود. چاههای نیمه عمیق معمولاً عمق زیادی ندارد و از اولین لایه های آبدار استفاده می کند. این چاهها به اشکال زیر حفر و مورد استفاده قرار می گیرد:

- **چاههای نیمه عمیق مخزنی:** گودالهایی به قطر ۲ تا ۱۰ متر، تا جایی که به آب زیرزمینی برسد، حفر می شود. آب لایه های آبدار، اطراف گودال، در مخزن ایجاد شده تراوش می کند و آب در مخزن بالا می آید. اگر سطح آب بالا آمده در فاصله کمتر از ۶ متری زمین باشد، موتور و واترپمپ (آب مکنده) را در سطح زمین مستقر کرده و لوله خرطومی را به داخل مخزن وارد می کنند. طبیعی است اگر چنانچه مقدار آبی که به وسیله موتور از چاه استخراج می شود، معادل و یا کمتر از آبی باشد که از لایه های آبدار به داخل چاه تراوش می کند؛ می توان از چاه در شبانه روز ۲۴ ساعت آب استخراج کرد و با کمبود آب برای استخراج با موتور مواجه نشد. اگر چنانچه آب استخراج شده، بیشتر از آبی باشد که از لایه های آبدار

به داخل چاه وارد می‌شود، چاه خشک می‌شود و برای پر شدن چاه، باید موتور را خاموش کرد و مدتی به چاه فرصت داد تا پر شده و مجدداً استخراج از آن شروع شود. مشکلی که بیشتر چاههای مخزنی به علت سطحی بودن با آن مواجه هستند، آن است که امکان استفاده ۲۴ ساعته از آب وجود نداشته و گاهی دیده شده که در شبانه روز در یک چاه دو یا سه ساعت آب جهت استخراج موجود بوده است. گاهی در چاههای مخزنی موتور مولد نیرو را روی سکویی که هم سطح سفره آبی ساخته می‌شود، قرار می‌دهند که در این صورت عمق چاه و میزان آبدهی افزایش می‌یابد.

- **چاههای نیمه عمیق عمودی:** چاههای نیمه عمیق عمودی در مناطقی حفر می‌شود که سطح آبهای زیرزمینی در فاصله نسبتاً زیادی از سطح زمین قرار دارد. برای ایجاد این چاهها میله‌ای به قطر ۱/۵ متر یا کمتر برای ارتباط با لایه‌های آبدار، حفر می‌شود و در محل برخورد با سفره‌های زیرزمینی سکویی جهت نصب موتور ساخته شده و سپس چاه تا حدود ۱۰ متر یا کمتر امتداد می‌یابد. اگر آب مورد نظر حاصل نشود، نقبهایی به صورت شعاعی و یا در جهت جریان آبهای زیرزمینی ایجاد شده و سپس به منظور حمل موتور و وسایل دیگر، نقبی با سطح شیب‌دار از محل سکو به سطح زمین حفر می‌شود که عموماً با ایجاد پله آمد و رفت امکان‌پذیر می‌گردد. با این ساختمان، موتور در محل سکو نصب شده و لوله خرطومی تا حدود ۶ متر در داخل آب قرار می‌گیرد و لوله پمپاژ و اگزوز موتور از دهانه چاه خارج می‌شود. بدین صورت امکان استخراج آب از عمق نسبتاً زیاد فراهم می‌آید.

- **چاههای نیمه عمیق قناتی:** یک رشته قنات به شیوه متداول حفر قنات، احداث و آب تا حد ممکن به سطح زمین نزدیک می‌شود؛ ولی چون هنوز با سطح فاصله دارد، به وسیله موتور، آب از چاه استخراج می‌شود. این روش گاهی به منظور استفاده از قناتهای متروک و یا در قسمتهایی که زمین بالاتر از مظهر قنات است، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

چاههای نیمه عمیق در سالهای اخیر اغلب متروک و یا به چاههای عمیق تبدیل شده‌اند، زیرا در اکثر نقاط کشور سطح آبهای زیرزمینی پایین افتاده و استفاده



از چاههای نیمه عمیق عملاً غیرممکن شده است؛ ولی در مناطقی که هنوز سطح آب پایین نرفته، یکی از مهمترین روشهای تهیه آب محسوب می‌گردد. شکل شماره ۴ مقاطعی از چاههای نیمه عمیق را نشان می‌دهد.

چاههای نیمه عمیق طبق آمار منتشره به وسیله جهاد سازندگی در حدود ۸۲۷۰۰ حلقه گزارش شده که توزیع آن در سطح کشور یکسان نیست. بیشترین تعداد چاه نیمه عمیق در استانهای فارس، آذربایجان شرقی، مازندران، هرمزگان به ترتیب ۸۳۵۰، ۷۸۷۴، ۷۲۸۹ و ۶۱۳۹ حلقه گزارش شده است.

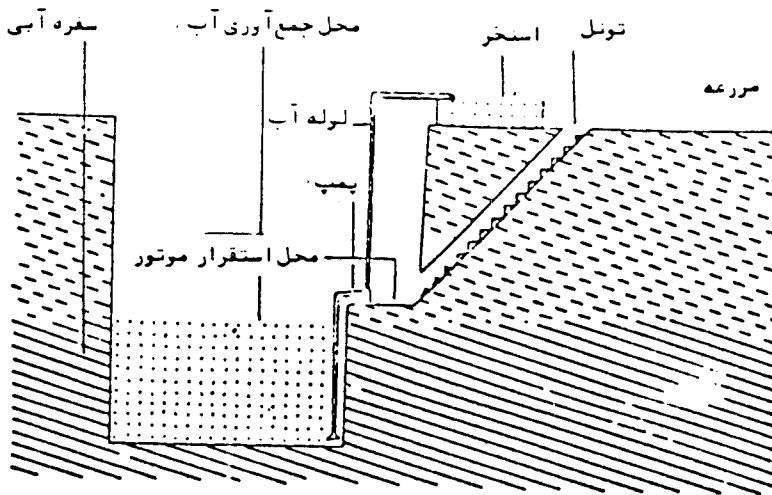
چون در حفر چاههای نیمه عمیق آنچنان نیازی به نظر کارشناسان و استفاده از دستگاههای حفاری وجود ندارد، اغلب به وسیله خود زارعین حفر و دستگاههای لازم ساده و سریع کارگذارده می‌شود؛ در عین حال هزینه کمتری را نیز طلب می‌کند و بدین لحاظ اغلب مورد توجه روستاییان بوده است. تسهیل در حفر و کم هزینه بودن اغلب موجب بروز خسارت برای زارعین می‌شود و اکثراً چاههای نیمه عمیق کم آب است و یا آبی با کیفیت نامطلوب دارد.

### ج) چاههای عمیق

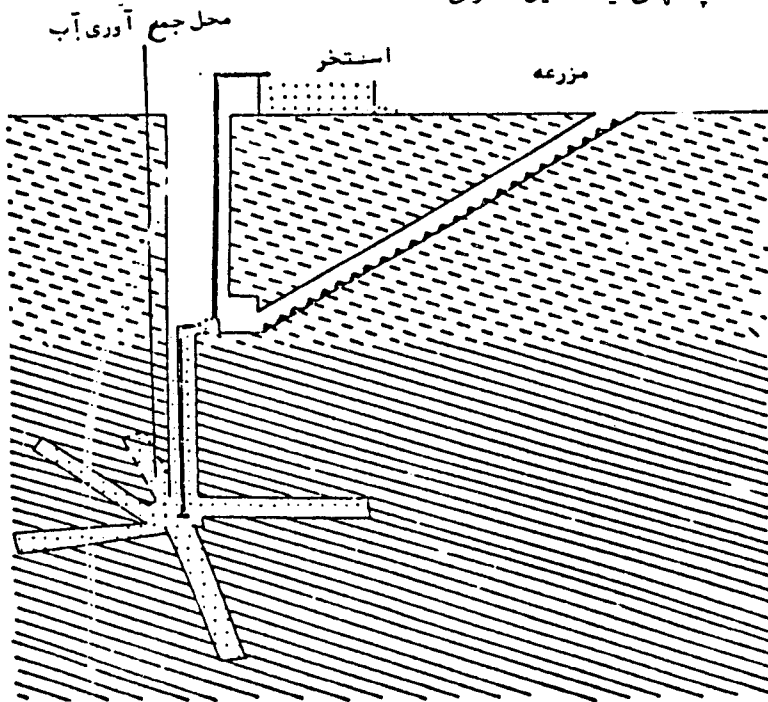
چاههای عمیق با تکنیک پیشرفته حفر می‌شود و شناخته شده‌ترین روش متداول استفاده از آبهای زیرزمینی است. حفر این چاه به وسیله دستگاههای حفاری انجام می‌شود. لازم است مطالعات هیدرولوژی و زمین شناسی و احداث چاه گمانه در حفر این چاهها ملحوظ شود. این چاهها عموماً با مطالعات دقیق حفر شده و از لایه‌های آبدار زمین که کمیت و کیفیت مناسبی دارند، بهره می‌برد. زیرا به وسیله لوله گذاری از لایه‌هایی که مناسب تشخیص داده شده، آب استخراج می‌شود. روشهای حفر این چاهها نسبت به ساختمان زمین و تکنیک موجود فرق می‌کند و با روشهای مختلف نسبت به ایجاد آنها اقدام می‌نمایند<sup>۱</sup>.

۱. روشهای حفر چاههای عمیق:

- a - Drilling and sanp with cable tool rigs and rariations.
- b - Drilling and rariation with direct circulation rotary Rigs.
- c - Air rotary Drilling.
- d - Drilling and sa sampling with Reverse circulation Rotary Drills.
- e - Other Drilling Methods.



چاههای نیمه عمیق مخزنی



چاه نیمه عمیق عمودی

شکل شماره ۴: چاههای نیمه عمیق

ساختمان چاه عمیق با چاههای نیمه عمیق کاملاً، متفاوت است. در این چاهها موتور مولد نیرو (الکتریکی یا دیزلی) عموماً در سطح زمین مستقر است. نیروی تولید شده به وسیلهٔ جعبه دنده و یا واترپمپ به شفت، در داخل لوله (کالمن) که درون چاه حفر شده به کار گذاشته شده متصل می‌گردد توربینی که در انتهای شفت قرار دارد به چرخش درآمده و آب با شدت به سمت بالا و در نهایت به سطح زمین انتقال می‌یابد. از ویژگیهای چاههای عمیق، استفاده از آبهای اعماق زیاد است. مثلاً در سفیدآب محمدآباد و ابوزیدآباد در شرق کاشان، چاهی به عمق ۱۸۰ متر حفر شده که به وسیلهٔ یک موتور دیزلی بسیار قوی از آن آب استخراج می‌شود.

در سالهای اخیر چاههای عمیق در سطح وسیعی به منظور تأمین آب کشاورزی در روستاها و تأمین آب شهرها، در کشور متداول گردیده و این خود عامل متروک شدن چاههای نیمه عمیق و قنوت شده است و اغلب نیز سبب پایین رفتن سطح آب می‌شود. در اکثر روستاها هرچند سال یکبار چاههای عمیق را کف‌کنی می‌کنند تا عمق چاه افزایش یابد. طبیعی است که افزایش عمق چاهها تا حدودی امکان‌پذیر است ولی بعد از آن، چاه متروک خواهد شد و سرمایه‌گذارهای انجام شده قطعاً زایل می‌شوند. مثلاً در منطقه بادرود نطنز عمق چاههای عمیق در بدو حفر در حدود ۷۰ یا ۸۰ متر بوده که در سالهای اخیر با کف‌کنیهای انجام شده تا حدود ۱۵۰ متر افزایش یافته است. نظیر این منطقه را در سطح کشور به کرات می‌توان مشاهده کرد. لازم است برای جلوگیری از مرگ روستاهایی که بقای آنها در گرو چاههای عمیق است، اقدامات لازم به عمل آید.

نگهداری چاههای عمیق در مناطق روستایی با مشکلات عدیده‌ای همراه است که جای بحث آن در این گفتار نیست؛ ولی لازم است که برای حفظ آنها چاره‌اندیشی شود.

تا سال ۱۳۶۲ (در مناطق روستایی)، ۲۴۲۱۰ حلقه چاه گزارش شده است که خراسان با ۵۴۹۴ حلقه در مقام نخست و اصفهان، کرمان و تهران با ۳۷۷۳، ۲۹۴۹ و ۲۵۰۴ حلقه در مقامهای بعدی قرار دارند. در استانهای ایلام و گیلان

استفاده از چاههای عمیق چندان متداول نیست.

#### د) چاههای آرتزین

چاههای آرتزین عموماً در ارتباط با ساختمان زمین حادث می‌شود. بدین معنی که وقتی یک لایه آبدار بین دو لایه غیرقابل نفوذ محصور شود، بر اثر فشار آب در قسمتهای بالا و بر اساس خاصیت ظروف مرتبط، آب در قسمتهای پایین تحت فشار، فوران می‌کند. این چاهها گاهی به صورت چشمه و گاهی به صورت چاههای آرتزین بارز و گاهی در اثر حفر چاه دستی و یا عمیق حادث می‌شود. تعداد این چاهها در ایران بسیار محدود است و حتی برای عده زیادی از مردم شناخته شده نیست. در سالهای اخیر با حفر چاههای عمیق در انتهای دلتای حبله رود گرمسار در حاشیه کویر تعدادی از چاههای عمیق تبدیل به چاه آرتزین شده‌اند، به نحوی که بدون استفاده از موتور با الکتروپمپ، آب در اثر فشاری که از قسمتهای شمالی وارد می‌آید فوران می‌کند و یا با فشار کم جاری می‌شود. همچنین در منطقه حومه شهر مرند، حدود ۲۲ حلقه چاه آرتزین با مجموع آب ۳۱۲ لیتر در ثانیه گزارش شده است.<sup>۱</sup>

پراکندگی چاههای آرتزین در کشور بسیار ناممکن است. در مجموع ۱۴۴۳ حلقه چاه آرتزین به وسیله جهاد سازندگی گزارش شده که از این تعداد چاه حدود ۵۰٪ در استان مازندران قرار دارد و استانهای آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی با ۱۹۴ و ۱۳۰ حلقه، مقامهای بعدی را به خود اختصاص می‌دهند.

#### ه) چشمه‌ها

ظهور آبهای تحت‌الارض در سطح زمین را چشمه می‌نامند. چشمه وقتی به وجود می‌آید که لایه‌های آبدار زمین با سطح زمین برخورد کند یا با لایه‌های نفوذپذیری که به سطح زمین منتهی می‌شود، تماس داشته باشد. عوامل زمین‌شناسی و ژئومرفولوژیکی مختلفی ممکن است در ایجاد چشمه‌ها مؤثر باشد.

---

۱. آذر، کرمانشاهی «بررسی ویژگیهای جغرافیایی با تأکید بر منابع آبی»، رساله چاپ نشده، ۱۳۶۸.

چشمه‌ها در ایران بیشتر در مناطق کوهستانی، در میان دره‌ها در بستر رودخانه‌ها و در انتهای دلتاهای رودخانه، ظاهر می‌شود و در صورتی که آب آنها دائمی باشد، گاهی منشاء تشکیل اجتماعات انسانی و پیدایش روستاها نیز می‌شود.

چشمه‌ها به‌طور وسیعی در سطح کشور گسترده است و برخی از این چشمه‌ها از آنچنان آبی برخوردار است که دهها روستا را مشروب می‌کند و موجب پیدایش منظومه‌های روستایی می‌شود. مانند چشمه علی در دامغان، چشمه فین در کاشان و چشمه شه‌میرزاد در سمنان و غیره. چشمه‌ها با توجه به منبع تغذیه به دو صورت دائمی و فصلی در کشور شناخته شده‌اند. در مجموع ۷۷۸۸۹ چشمه در ایران گزارش شده که ۵۸۷۸۰ چشمه دائمی و ۱۹۱۰۹ چشمه به صورت فصلی است. استان زنجان با ۷۲۲۹ چشمه دائمی بالاترین تعداد چشمه دائمی را در سطح کشور داراست و استانهای خراسان، آذربایجان شرقی و کردستان به ترتیب با ۵۴۵۹، ۵۳۷۳ و ۴۸۰۷ چشمه در ردیفهای بعدی قرار دارند. چشمه‌ها مناسب‌ترین منابع آبی در روستاهای کشور محسوب می‌شوند و کمترین هزینه را جهت بهره‌برداری در بردارند.

## ۲-۴- آبهای سطح الارض

ایران به جهت داشتن شرایط اقلیمی خشک، به‌خصوص در ایران مرکزی، رودخانه‌های دائمی بسیار محدودی دارد. ولی رودخانه‌های فصلی زیادی در اکثر نقاط کوهستانی وجود دارد که سرچشمه آنها را اکثراً ذوب برفهای ارتفاعات کوهستان تشکیل می‌دهد. اکثر این رودخانه‌ها مدتی از سال آب دارند و مورد استفاده قرار می‌گیرند. در ایران، قسمت اعظم آب چند رودخانه بزرگ که مقداری از آب آنها مصرف شهری و کشاورزی دارد، از کشور خارج می‌شود. ولی رودهای کوچک و فصلی اغلب در داخل ایران مورد استفاده کشاورزی قرار می‌گیرد. به‌خصوص در مناطق روستایی که این قبیل رودخانه‌ها جریان دارد. در فصول کم‌آبی، نظم خاصی بر تقسیم آب این رودخانه‌ها در میان روستاهای حاشیه آن برقرار است.

به طوری که رودخانه‌های ایران به دو دسته تقسیم می‌شوند.

۱- رودخانه‌هایی که به وسیله دولت اقدام به احداث سد تونل انحرافی و یا شبکه آبرسانی بر روی آنها شده است. از این رودخانه‌ها اکثر روستاهای ذینفع طبق حق آبی که در گذشته از آن بهره داشته‌اند و نیز بر اساس قوانین وزارت نیرو، همچنان بهره‌مند می‌شوند. در اغلب موارد در صورت وجود آب، بیشتر از سهم خود را از سازمانهای ذیربط خریداری می‌کنند. مثل حبله رود گرمسار، جاجرود در ورامین و غیره.

۲- رودخانه‌هایی که به علت کم‌آب بودن، هیچگونه اقدامی جهت مهار آب آنها به عمل نیامده است. از این رودخانه‌ها روستاییان مجاور، بر اساس حق آبی که از رودخانه دارند، در طول سال استفاده می‌کنند.

در این مقاله هدف این نیست که تعداد رودخانه‌های ایران مورد بحث قرار گیرد، بلکه سعی بر این است که تعداد روستاهایی که از آب رودخانه‌ها استفاده می‌کنند، مورد نظر واقع شود. در مجموع، تعداد ۲۶۲۹۸ روستا در سطح کشور از آب رودخانه‌های دائمی و فصلی استفاده می‌کنند، که از این تعداد ۱۷۹۱۶ روستا از رودخانه‌های دائمی و ۹۳۸۲ روستا از رودخانه‌های فصلی بهره‌مند می‌شوند.

لازم به ذکر است که تعداد زیادی رودخانه فصلی و یا به عبارت دیگر مسیله‌ها در فصول بارندگی در مجاورت روستاها جاری می‌شوند که کوچکترین نفعی برای روستاییان ندارند. مضافاً اینکه گاهی خسارت سیل‌زدگی نیز به دنبال دارند. لازمست برای جبران کمبود آب، نسبت به کنترل این منابع عظیم آبی در سطح کشور اقدام به عمل آید. قطعاً در صورت مهار این رودخانه‌ها مسأله بی‌آبی و یا کم‌آبی در فلات مرکزی ایران به صورتی که اکنون جلوه‌گراست خودنمایی نخواهد کرد.

## خلاصه فصل چهارم

قسمت اعظم خاک ایران را مناطق خشک تشکیل می‌دهد. در این مناطق رودخانه‌های دائمی وجود ندارد، بنابراین بقیه آب به منظور تأمین نیاز اجتماعات انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تعداد زیادی از روستاهای ایران در این

مناطق خشک استقرار یافته‌اند و از دیرباز بقا و دوام روستاها در این نواحی موقوف به وجود آب بوده است، و به همین منظور صاحبان فکر و اندیشه در حدود چهار هزار سال قبل یکی از ابتکارات بی نظیر در عصر خود را به نام قنات به جهانیان عرضه داشته‌اند.

منابع آب روستایی در ایران به سه صورت در مناطق روستایی دیده می‌شود: باران و نزولات جوئی، آبهای زیرزمینی و آبهای سطحی. در مناطقی از کشور نیاز آبی روستاییان به خصوص در امر زراعت و باغداری از نزولات جوئی تأمین می‌شود. در مناطق وسیعی از سطح کشور منبع آب روستاها از منابع آبی زیرزمینی به وسیله حفر، قنات و چاه تأمین می‌گردد. استفاده از آبهای زیرزمینی مهمترین منابع آبی روستاها را تشکیل می‌دهد. قنات قدیمیترین پدیده استحصال آب در ایران می‌باشد. شیوه حفر قنات از ایران به دیگر نقاط جهان برده شده، قنات انواع مختلف دارد که به جز قنات دشتی دیگر انواع آن کمتر شناخته شده است، بقای روستاهای ایران برای صدها سال به قنات بستگی داشته ولی متأسفانه در دو سه دهه گذشته به علت حفر بی‌رویه چاههای عمیق و نیمه عمیق سطح آبهای زیرزمینی پایین رفته و تعداد زیادی از قناتهای کشور که جزء سرمایه‌های ملی محسوب می‌شوند خشک شده و از حیز انتفاع ساقط گردیده است. چاههای عمیق در سالهای اخیر قسمت اعظمی از نیازهای آبی روستاها را تأمین می‌نمایند و در برخی از مناطق روستایی قنات و چاه عمیق و یا نیمه عمیق هر دو در تأمین آب روستا نقش دارند. آبهای سطحی را در ایران به دو گروه عمده می‌توان تقسیم نمود، گروه اول آبهای سطحی دائمی هستند که این منابع آبی در طی سال نیاز آبی روستاها را تأمین می‌نمایند و گروه دوم رودخانه‌های موقتی و فصلی می‌باشند. رودخانه‌های فصلی عموماً در فصول خاصی جریان می‌یابند، بنابراین روستاهای مستقر در مناطق خشک کمتر بدانها متکی می‌باشند.

## خودآزمایی فصل چهارم

۱- در فنوات با شیب تند فرسایش ..... است.

الف) شدید      ب) کند

ج) نامحسوس      د) بی ثبات

۲- اختلاف ارتفاع بین دهانه مادر چاه و مزرعه را با کدام علائم نشان

می دهند؟

الف) P      ب) HD

ج) Z      د) H

۳- کمترین تعداد قنات به کدام منطقه مربوط می شود؟

الف) آذربایجان      ب) کردستان

ج) گیلان      د) یزد

۴- کدام منطقه بیشترین چشمه تعداد را در اختیار دارد؟

الف) خراسان      ب) خوزستان

ج) فارس      د) زنجان

۵- چاههای نیمه عمیق عمودی در مناطقی که سطح آبهای زیرزمینی در

..... با سطح زمین قرار دارد حفر می شود.

۶- پس از استان مازندران که بیشترین تعداد چاههای دستی را دارد،

استانهای ..... و ..... به ترتیب بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده اند.

۷- چشمه قناتها عموماً در مناطق ..... حفر می شود. طول این قناتها

معمولاً ..... و چاههای ..... آن بسیار محدود است.

۸- کدام نوع قنات تعدادش زیاد است؟

الف) منگل      ب) دشتی      ج) سدی      د) جلگه ای



## پاسخ خودآزمایی فصل چهارم

- ۱- الف (شدید)
- ۲- ب (HD)
- ۳- ج (گیلان)
- ۴- د (زنجان)
- ۵- فاصله نسبتاً زیاد
- ۶- فارس، اصفهان
- ۷- کوهستانی، کم، عمودی
- ۸- ب (دشتی)

## فصل هفتم: فعالیت‌های اقتصادی روستاهای ایران

### هدف مرحله‌ای فصل هفتم

در این فصل انواع فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای ایران که در رأس آنها فعالیت‌های کشاورزی قرار دارد بررسی خواهد شد. نظام اقتصادی روستاهای ایران ایجاب می‌کند که جامعه روستایی در کنار فعالیت‌های اصلی زراعی به فعالیت‌های اقتصادی دیگری چون باغداری، دامداری، صنایع دستی، صید و شکار و برخی از فعالیت‌های اقتصادی دیگر دست بزنند. در این فصل مبانی جغرافیایی این فعالیت‌ها و علل محیطی آنها مطرح و ترکیب آنها با توجه به عوامل طبیعی و انسانی توجیه خواهد شد.

### هدف‌های رفتاری فصل هفتم

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بر اهداف آموزش زیر دست پیدا کند و با استفاده از آنها مسائل اقتصادی روستا را از دیدگاه جغرافیا مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

- بر شالوده‌های اقتصادی روستایی آگاه باشد.

- زراعت و ویژگیهای آن را به عنوان مهمترین فعالیت اقتصادی روستایی

بشناسد.

- زمین را به عنوان عنصر مهم فعالیت‌های کشاورزی شناخته و بر انواع آنها

آگاه باشد.

- زمین ساخته شده و تعبیر متداول آن را بداند.

- اراضی زیرکشت یکساله و ماهیت آن را بشناسد.
- بر اراضی زیرکشت محصولات دائمی و ویژگی آنها آگاه باشد.
- مراتع و تفاوت‌های آن را با دیگر انواع زمین‌ها بشناسد.
- اراضی غیرقابل بهره‌برداری و عوامل به وجود آورنده این عدم قابلیت را بشناسد.

- بارندگی مؤثر و مناسب برای زراعت را بشناسد.
- بر مفهوم اتلاف آب در کشاورزی آگاه باشد.
- با مفهوم «موقع آبیاری» و «میزان آب» آشنا باشد.
- باغداری و نقش آن را در اقتصاد روستایی بشناسد.
- عوامل به وجود آورنده فعالیت‌های اقتصادی باغداری را بشناسد.
- جنگلداری را به عنوان شاخه دیگری از فعالیت‌های اقتصادی روستا و شرایط جغرافیای به وجود آورنده امکان این فعالیت را بداند.
- چوبداری را به عنوان نوعی فعالیت اقتصادی در روستا بشناسد.
- دامداری را به عنوان مهمترین فعالیت اقتصادی بعد از زراعت در روستا بشناسد.

- بر نوع دامداری سنتی آگاه باشد.
- دامداری دهقانی و مفهوم آن را بداند.
- دامداری چوپانی را تجزیه و تحلیل کند.
- دامداری خودگردانی و مفهوم آن را بداند.
- پروار بندی را توجیه کند.
- دامداری صنعتی و ویژگی‌های آن را بداند.
- صید و شکار را به عنوان نوعی از فعالیت‌های اقتصادی در بعضی از روستاها بشناسد.

- صنایع دستی را به عنوان نوع دیگری از فعالیت‌های اقتصادی در روستا بشناسد.
- درآمد و هزینه روستاییان را در مقایسه با شهر بشناسد.

## مقدمه

اقتصاد روستایی یکی از شاخه‌های عمده جغرافیای اقتصادی محسوب می‌گردد. اصطلاح جغرافیای اقتصادی در ادبیات جغرافیایی بسیار ریشه دار و با سابقه است. جغرافیای اقتصادی به مبانی در علم جغرافیا و اقتصاد متکی است در نتیجه تولید، توزیع و مصرف را در محیط جغرافیایی توجیه می‌نماید. اقتصاد روستایی که از یک سو به روستا تکیه داشته و از سوی دیگر مسائل اقتصادی حادث بر محیط روستا را شامل می‌گردد می‌تواند از مباحث اساسی جغرافیای اقتصادی به حساب آید.

## تعریف اقتصاد روستایی

اقتصاد روستایی یک سلسله فعالیتهای اقتصادی است که در محیط ده انجام می‌شود، بنابراین هر فعالیتی که در محیط روستا انجام شده که روستایی از آن متمتع گردد در حیطه اقتصاد روستایی قرار می‌گیرد، چون اغلب روستاها از دیرگاه محل تولید محصولات کشاورزی بوده‌اند، بنابراین درصد بالایی از معیشت روستاییان در رابطه با بهره‌کشی از زمین قرار دارد. بدین جهت به علت وجود وجوه اشتراک اقتصاد روستایی و اقتصاد کشاورزی گاهی این دو واژه به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند و حال اینکه دو مفهوم کاملاً متمایز هستند. اقتصاد کشاورزی صرفاً شامل کلیه فعالیتهای اقتصادی وابسته به بخش کشاورزی در سطح ملی است و یا به عبارت دیگر اقتصاد کشاورزی شامل کلیه فعالیتهای بخش کشاورزی است که بر اساس سرمایه‌گذاریهای بخش خصوصی و یا دولتی در محیط‌های مستعد انجام می‌شود. و حال اینکه اقتصاد روستایی شامل کلیه فعالیتهایی است که در محیط روستا اعم از کشاورزی و یا غیرکشاورزی به منظور تأمین معاش روستاییان صورت

می‌گیرد، به عبارت دیگر اقتصاد روستایی کلیه مبانی اقتصادی خانوار روستایی، اعم از زراعی، صنعتی و غیره را دربرمی‌گیرد. در اینجا باید متذکر شد که اصطلاح خانوار روستایی که در تعریف اقتصاد روستایی به کار رفته به کلیه ساکنان ده اطلاق می‌شود نه صرفاً به خانوارهایی که دارای فعالیتهای کشاورزی می‌باشند زیرا که در تعداد زیادی از روستاهای کشور شاید نیمی از ساکنان روستا دارای فعالیتهای غیرکشاورزی باشند که معمولاً خوش‌نشینان را شامل می‌گردند که این گروه از روستاییان اغلب در امور خدماتی و صنعتی روستاها فعالیت دارند.

### ۱-۷- شالوده‌های اقتصاد روستایی

به طوری که بیان گردید اقتصاد روستایی جنبه‌های مادی ساکنان روستا را دربرمی‌گیرد و شامل کلیه فعالیتهای اقتصادی است که نیازهای مادی روستاییان را تأمین می‌نماید. طبیعی است که در ایران به علت تنوع در محیط‌های روستایی و تفاوت در توانهای محیطی، فعالیتهای اقتصادی در کلیه روستاها یکسان نمی‌باشد و این فعالیتهای اغلب از روستایی به روستای دیگر تفاوت می‌پذیرد. به طور کلی فعالیت‌های اقتصادی روستاها در سه محور اصلی کشاورزی، صنعت و خدمات قرار دارد که هر کدام محتاج بحث ویژه خود است و صورتگسترده آن به شکل زیر می‌باشد.

#### ۱- کشاورزی

۱-۱- زراعت

۱-۲- باغداری

۱-۳- بهره‌برداری از جنگل و علفزارها

۱-۴- دامداری

۱-۵- صید و شکار

#### ۲- صنایع

۲-۱- صنایع روستایی

۲-۲- صنایع دستی

۲-۳- خدمات

## ۱-۱-۷-زراعت

زراعت بخش نسبتاً مهمی از فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی را به خود اختصاص می‌دهد و به کلیه فعالیت‌هایی که به منظور بهره‌برداری از کاشت گیاهان یکساله انجام می‌شود اطلاق می‌گردد. در ایران اصطلاح زراعت تقریباً مترادف با غله کاری می‌باشد. در اکثر روستاهای کشور هنوز هم نشانی از اقتصاد .... و یا تفکر آن مشاهده می‌گردد و روستاییان اکثراً ترجیح می‌دهند که به منظور بی‌نیازی و تأمین ماده اصلی غذایی خود اقدام به کشت غلات نمایند..

کشت غلات در ایران عموماً به زمین، آب و شیوه آبیاری، نیروی انسانی، نیروی حیوان یا ماشین، بذر و احتمالاً علم زراعت نیاز دارد، که این عوامل در سه مرحله عمده کاشت، داشت و برداشت دخالت نموده تا محصول مورد نظر تولید شده که به اختصار به بحث در زمینه موارد عمده شاخص‌های فوق می‌پردازیم.

### الف) زمین

مراد از زمین در این بحث فضایی از سطح روستا است که پوشش نسبتاً نازکی به نام خاک که در بین دو قشر سنگ کره و اتمسفر قرار دارد آنرا پوشانیده است، که در این قشر نازک اغلب توان حاصلخیزی وجود داشته و شاید بتوان گفت که از شرایط عمده پیدایش تمدن مادی بر روی کره زمین همین قشر نازک روی زمین موسوم به خاک بوده است. به نظر می‌رسد که انسانهای اولیه در دوران شکار و جمع‌آوری توجه چندانی به خاک نداشتند، ولی به تدریج که بهره‌برداری از دام و زمین و یا به عبارت دیگر دامداری و کشاورزی جایگزین شکار و جمع‌آوری می‌گردد توجه انسانها به خاک بیشتر می‌شود، و بنا به اظهار برخی از صاحب‌نظران<sup>۱</sup> حدود ۹۰۰۰ سال پیش در کوههای زاگرس و خوزستان و قسمتی از عراق امروزی بین رودخانه دجله و فرات و کارون کشاورزی صورت گرفته و در واقع اولین انقلاب کشاورزی از ایران آغاز شده است. برای خاک تعاریف متعددی شده و آخرین تعریفی که از خاک وضع گردیده و تاکنون شاید تغییری در آن صورت نگرفته باشد

۱. خاک، پیدایش در رده‌بندی. دکتر محمد بای‌بوردی

تعریفی است که به وسیله اداره خاکشناسی امریکا در سال ۱۹۶۰ ارائه گردیده است.<sup>۱</sup> «خاک مجموعه‌ای از ذرات و اجسام طبیعی است که پوسته خارجی زمین را پوشانیده که گیاهانی یا در آن وجود دارند و یا قادرند در آن برویند.» حال با این مقدمه مراد از زمین در این بحث و اغلب مطالعات روستایی قشر حاصلخیزی است به نام خاک که سطح فضایی از روستا را پوشانیده است و این سطح توان حاصلخیزی را دارا می‌باشد.

زمینهای روستایی در ایران در گذشته محدود به قلمرو ثبتي و یا محدوده سیاسی بوده که در اکثر مناطق کشور دقیقاً به‌مثابه مرزهای بین‌المللی در بین روستاییان و یا مالکان روستا دارای ارزش و اعتبار بوده و در بسیاری از روستاها حدود روستا به‌وسیله میله‌هایی با شماره‌های مشخص (مثل مرزهای کشورها با یکدیگر) مشخص می‌گردیده و در مواقعی نیز این حدود سیاسی بر عوارض طبیعی و یا سایر اشکال قراردادی منطبق بوده است. بعد از اصلاحات ارضی و ملی شدن اراضی تقریباً ارزش این حدودها از بین رفت و قلمرو روستا به محدوده‌ای از روستا تعلق گرفت که زیر پوشش کشاورزی و یا سکونتگاهی قرار داشت و اخیراً این اراضی، ملی شده و بایر تحت عنوان انفال متعلق به عموم می‌باشد. به‌طور کلی اراضی تحت تصرف روستا به انواع مختلف مورد استفاده روستاییان قرار می‌گیرد می‌توان گفت که اراضی روستایی از نظر کاربری زمین Land Use به اشکال زیر مطرح شده است.

#### - اراضی ساخته شده:

که این اراضی آن گروه از زمینهایی هستند که در آنها انسان بنایی ایجاد کرده و احتمالاً دخل تصرفی کرده است که موجب تغییر شکل در ماهیت اراضی گردیده که مهمترین اشکال آن عبارتند از: مساکن روستایی، اماکن عمومی و میدانی راههای ارتباطی و حریم آنها، انهار و مسیر قنوات و غیره.

بطور کلی در تمام استانهای کشور رویهم رفته ۸۰۰۰۰۰۰ هکتار از اراضی

زیرکشت کشور اختصاص به بهره‌برداری محصولات سالیانه داشته که از این مقدار ۳۱۴۷۰۰۰ کاشت آبی و ۵۰۱۹۰۰۰ به محصولات سالیانه دیم اختصاص دارد.

#### - اراضی زیرکشت محصولات یکساله:

این اراضی شامل کلیه زمینهایی است که چه به صورت آیش و چه زیرکشت بودن در تصرف زراعت باشد، آیش قطعه زمینی است که برای کسب توان و افزایش قدرت حاصلخیزی خاک بدون کشت رها شده و در صورت نیاز به زمین به زیر کشت می‌رود، در بسیاری از مناطق روستایی (در جاهایی که زمین زیاد باشد) اراضی به سه قسمت تقسیم می‌شود، یک قسمت زیرکشت، یک قسمت آماده کشت که معمولاً در بهار به منظور استفاده در کشت پائیز شخم می‌شود. قسمت سوم آیش یعنی رها شده به منظور به دست آوردن توان حاصلخیزی خاک که این نوع آیشکاری را دو سال به خواب می‌نامند یعنی هر قطعه زمین دو سال برای به دست آوردن توان لازم برای کشت مجدد استراحت می‌نماید.

#### - اراضی زیرکشت محصولات دائمی:

این نوع محصولات را پایا می‌نامند و اغلب قلمرو گیاهان چند ساله را شامل می‌شود که در روستاهای ایران تحت عنوان باغات میوه، نخلستانها و بیشه‌زارها (در این اراضی درختانی را به منظور بهره‌برداری از چوب آنها کشت می‌کنند) و غیره می‌باشد. سطح زیرکشت محصولات دائمی در تمام استانهای کشور حدود ۶۳۷۰۰۰ هکتار است. (جدول ۶)

#### - مراتع:

مناطق از فضای روستاها است که به عللی امکان کشاورزی در آنها وجود ندارد و یا مقرون به صرفه نیست، ولی در عین حال از پوشش گیاهی مناسبی برای چرای دامهای روستا برخوردار است این اراضی که برای چرای دامها مورد استفاده



قرار می‌گیرد تحت عنوان مرتع نامیده می‌شود. در مورد مرتع ویژگیها و طبقه‌بندیهای مرتع، ترمیم و احیاء ظرفیت چرای مرتع و غیره بحث بسیار است که در قالب بحث ما قرار نمی‌گیرد. بر اساس آمارهای موجود سطح مراتع کشور حدود ۹۰ میلیون هکتار برآورد می‌گردد که ۱۴ میلیون هکتار آن مرتع خوب و متوسط و بقیه مراتع فقیر می‌باشند.

#### - اراضی غیر قابل بهره‌برداری:

فضایی از قلمرو روستا است که به علل مختلف قابلیت بهره‌برداری ندارد، مثل کویرها، تپه‌های ماسه‌ای، بیابانها، باتلاقها، و زمینهای گسسته (Bad Land) و غیره.

حال اگر قلمرو یک روستا را در قالب گروه‌های یاد شده مورد مطالعه قرار دهیم، مساحت هریک از موارد ذکر شده، درصد هریک نسبت به کل مساحت و غیره را محاسبه نماییم، مشخصات اراضی روستا حاصل گردیده و اگر چنانچه بر اساس اطلاعات نقشه‌ای بزرگ مقیاس که نشانگر مشخصات اراضی و موقعیت آنها در محیط روستا است تهیه نماییم در این صورت نقشه Land Use به معنی اخص کلمه تعیین شده است. باید اضافه نمود که اصطلاح لندیوز گاهی به معنای بسیار وسیع به کار می‌رود که از آن معنای طرح‌ریزی کالبدی مستفاد می‌گردد. قابل ذکر است که نقشه‌های لندیوز اغلب به همراه نقشه‌های ارزیابی خاک و نقشه‌های خاک‌شناسی و گاهی نیز به همراه نقشه‌های ثبت املاکی (کاراستر) ارائه می‌گردند، زیرا که این چهار گروه نقشه است که در روستاها می‌توانند مبنای مطالعه و بررسی به منظور توسعه روستا قرار گیرند.

در ایران متأسفانه تهیه این قبیل اطلاعات و نقشه‌ها در محیط‌های روستایی متداول نشده و اگر نقشه‌هایی در حدود خاک‌شناسی و یا ارزیابی خاک تهیه شده بسیار محدود و به هیچ‌وجه با فضاها و قلمروهای روستاهای ایران مطابقت ندارد. جدول شماره ۱ اطلاعاتی بسیار کلی در مورد تقسیمات اراضی کشور بر حسب نوع خاک ارائه می‌نماید.

وسعت اراضی روستاهای کشور متأسفانه مشخص نیست و در نتیجه وسعت اراضی هریک از کاربریها نیز معلوم نمی باشد، زیرا که در ایران و یا در هر کشور وقتی می خواهیم اطلاعات دقیق از اراضی در سطوح مختلف داشته باشیم که نقشه های دقیق لندیوز ارزیابی زمین و همچنین نقشه های کاراستر تهیه شده باشد ولی بر اساس اطلاعات موجود که از سرشماری کشاورزی در دست است وسعت هریک از اراضی مورد بحث در موارد فوق برآورد گردیده که به شرح جدول زیر می باشد:

تقسیمات اراضی کشور بر حسب نوع خاک واحد: میلیون هکتار

آیش		سطح زیرکشت		وسعت	نوع خاک
دیم	آبی	دیم	آبی		
۶	۲	۵/۳	۳/۱	۳۲	خوب
-	-	-	۰/۹	۱۹	متوسط
-	-	-	۱/۲۵	۱۱۴	بد و نامناسب
۶	۲	۵/۳	۵/۲۵	۱۶۵	جمع

مأخذ - برنامه اول جمهوری اسلامی ۶۶-۱۳۶۲ ص ۴۰-۵

## (ب) آبیاری<sup>۱</sup>

اصولاً اضافه نمودن آب به اراضی زیرکشت به منظور ایجاد رطوبت لازم در منطقه ریشه گیاهی (Root Zone) برای رشد گیاه تحت عنوان آبیاری<sup>۲</sup> تعریف می شود. آبی که برای ایجاد رطوبت به منطقه ریشه گیاهی اضافه می شود ممکن است از منابع مختلف از قبیل باران، آبهای موجود در جوّ به غیر از باران و آبهای

1. Irrigation

2. A symposium, 1971. Consumptive use of water,

زیرزمینی و یا آبیاری باشد. حال جهت روشن شدن بهتر به شیوه‌های آبیاری در ایران اشاره می‌شود.

توزیع سطح زیر کشت محصولات سالیانه به تفکیک آبی و دیم در سال ۱۳۶۱ به هزار هکتار

نام گروه محصولات	سطح زیر کشت هکتار	آبی		دیم	
		مساحت	درصد از کل	مساحت	درصد از کل
غلات	۵۴۵۷	۲۲۹۷	۶۴/۶	۳۱۵۹	۸۷/۱
علوفه	۴۹۳	۳۴۴	۱۲/۲	۱۴۹	۱/۶
حبوبات	۲۶۱	۶۵	۲/۶	۱۹۶	۴/۱
محصولات جالیزی	۲۱۴	۱۰۱	۴/۳	۱۱۳	۱/۷
سبزیجات	۱۹۶	۱۹۶	۵/۵	-	۰/۵
محصولات سیفی	۱۸۱	۱۳۵	۴/۲	۴۵	۰/۹
چغندر قند و نیشکر	۱۶۳	۱۶۳	-	-	۰
محصولات	۱۴۰	۱۴۰	۰/۱	-	۲/۷
دانه‌های روغنی	۷۸	۵۰	۰/۸	۲۸	۱
محصولات دارویی	۲۳	۱۶	۰/۴	۷	۰/۱
.....	۱۵	۱۵	۰/۱	-	۰/۲
مجموع محصولات	۸۸۰۱	۳۱۴۷	۱۰۰	۵۰۱۹	۱۰۰

منبع - منابع آمارگیری کشاورزی روستایی ۶۱ ص ۳۸-۴۰

## ۱- باران

اگر باران بتواند نیاز آبی گیاه را تأمین نماید مطلقاً آبیاری ضرورت پیدا

نمی‌کند. کلاً مقدار باران جهت تأمین نیاز آبی گیاه می‌بایست معادل مقدار آبی باشد که گیاه جهت رشد بدان نیازمند است. و اگر این نیاز آبی گیاه که از طریق باران تأمین می‌شود در فواصل زمانی مشخص باشد و به عبارت دیگر قبل از آنکه منطقه ریشه گیاهی رطوبت خود را کاملاً از دست بدهد و گیاه از کمبود رطوبت با مشکل روبرو گردد باران ریزش کند آبیاری ضرورت پیدا نمی‌نماید. به طور کلی مقدار آب باران که به سطح زمین برسد، پس از نفوذ در زمین به منطقه ریشه به وسیله ریشه گیاه جذب و باعث رشد گیاه می‌گردد البته در بسیاری از مناطق که میزان باران جهت رشد گیاه کافی نمی‌باشد. اگر بارانهای اندک با تناوب مناسب در دوره رشد گیاه ریزش نماید به طور قابل ملاحظه‌ای نیاز به آبیاری را کاهش و در افزایش محصول مؤثر می‌باشند. فصل ریزش باران، مقدار باران سالیانه و تغییر پذیری سالیانه باران در منطقه مورد مطالعه عوامل بسیار مهمی هستند که به استناد آنها می‌توان نیاز آبی محصولات کشاورزی را در منطقه مشخص نمود.

کشاورزی موفق و بدون آبیاری حداقل به ۲۴۰ میلیمتر باران سالیانه نیازمند است. با توجه به اینکه تغییرپذیری سالیانه باران نیز از ۳۷٪ کمتر باشد.

Wallen & Perrin در گزارشی اقلیم زراعی خاورمیانه و شمال آفریقا می‌نویسد: «متدی که پیشنهاد می‌شود، به طور تئوری حد باران را برای کشاورزی دیم مشخص می‌نماید. کشاورزی دیم به خصوص غلات به باران ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیمتر در سال نیاز دارد.»

## ۲- آبهای جوی به غیر از باران

شرایط اتمسفری که معمولاً عامل به وجود آمدن این منابع آبی می‌گردد، عبارتند از شبنم قابل ملاحظه، مه و رطوبت زیاد است. وجود این شرایط سبب می‌گردد که گیاه به آب کمتری نیاز داشته باشد زیرا که در این شرایط است که فشار تعرق برگ‌ها کاهش می‌یابد.

اقلیم زراعی<sup>۱</sup> یکی از مهمترین موارد در بحث آبیاری و در جغرافیای

کشاورزی است؛ و قطعاً بررسی میزان باران از اولویت برخوردار می‌باشد. لذا به منظور شناخت بهتر مسائل آبیاری تحلیلی آماری از نزولات جوئی منطقه مورد مطالعه ضروری است. در این مطالعه برخی از شاخصهای مهم آماری از قبیل میانگین، میانه، انحراف متوسط، دامنه تغییرات، پراش انحراف معیاری، میانگین تغییرات پی‌آمد، ضریب تغییرپذیری نسبی، برآورد حدود باران و غیره باید مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از نکات مهمی که از شاخصهای پراکندگی استنباط می‌گردد تغییرپذیری باران از سالی به سال دیگر می‌باشد. در مطالعات اقلیم شناسی به عنوان یک اصل قابل قبول می‌باشد که در مناطق خشک تغییر باران از سالی به سال دیگر بیشتر از مناطق مرطوب و یا باران زیاد می‌باشد و این نکته برنامه‌ریزی کشاورزی را در مناطق خشک با مشکل مواجه می‌نماید. یعنی برنامه‌ریز قادر نیست در مناطق خشک تعیین نماید که از نزولات جوئی چه مقدار و در چه مواقع از فصول ریزش باران استفاده خواهد نمود.

### ۳- آبهای زیرزمینی

حرکت عمودی آبهای زیرزمینی در اثر عمل لوله‌های موئین از سفره‌های زیرزمینی به منطقه ریشه گیاه در مناطقی که سفره زیرزمینی نزدیک است می‌تواند یکی از منابع تهیه آب برای رشد گیاه باشد.

### ۴- شیوه‌های متداول آبیاری در ایران

روشهای علمی آبیاری با توجه به توپوگرافی منطقه، ویژگیهای خاک، تکنیک، نوع محصول، میزان آب موجود و یا تهیه شده و سنت و رسوم از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر فرق می‌نماید. به‌طور کلی سه روش آبیاری، سطحی، زیرزمینی و بارانی روشهای اساسی آبیاری هستند که با این روشها آب به زمین به منظور رشد گیاه اضافه می‌شود. در مناطق خشک ایران عموماً آبیاری سطحی متداول است، این روش به علت تداوم در فلات ایران برای سالهای طولانی به صورت یک روش

سنتی در ایران تلقی می‌گردد. اگرچه در بسیاری نقاط روش‌های تهیه آب تغییر نموده ولی شیوه‌های آبیاری همچنان به‌طور سنتی باقی مانده است. آبیاری سطحی معمولاً در روشهای مختلفی اعمال می‌شود که مهمترین نوع آنها عبارتند از: آبیاری کرتی، آبیاری نشتی و آبیاری حوضچه‌ای.

#### ۱-۴- آبیاری کرتی

آبیاری کرتی در سطح وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد در این روش زمین با مرزهای موازی شبکه مانند تقسیم می‌شود و قطعه زمین محصور بین چهار مرز را کرت می‌نامند و عرض کرتها بین ۲ تا ۳ متر و طول آنها از ۵ تا ۲۰ متر متجاوز نمی‌نماید. معمولاً طول مرزها بستگی به مساحت مزرعه دارد اصولاً در قطعه زمینهای بزرگ طول مرز تا حدود ۲۰ متر نیز ممکن است افزایش یابد ولی در قطعه زمینهای کوچک محدودیت در طول و با عرض زمین سبب کوچکی کرت می‌شود (بر اساس مطالعه‌ای که در مساحت زمینهای زیر کشت صورت پذیرفته میزان متوسط مزارع در منطقه حدود ۱۲۰۰ متر مربع می‌باشد) در این روش آب از جوی اصلی وارد نوار کرتی می‌شود و به‌طرف انتهای کرت و یا کرتها جاری می‌گردد و قاعدتاً سطح کرت بین دو مرز می‌بایست مسطح و نسبتاً کم شیب باشد. در این روش ارتفاعی از آب سطح کرت را می‌پوشاند و مطابق اندازه‌گیری که به عمل آمده شیب کرتها از ۲-۴ در هزار تجاوز نمی‌نماید. ارتفاع مرزها نیز حدود ۲۰-۳۰ سانتیمتر می‌باشد. مقدار آبی که به داخل یک کرت هدایت می‌شود اصولاً در آبیاری پیشرفته با نوع خاک، اندازه کرت و نوع طبیعت محصول در رابطه قرار می‌گیرد. ولی متأسفانه در ناحیه محدودیت آب آزادی عمل را کاهش می‌دهد و حتی دیده شده در بسیاری از آبیاریها جریان آب در کرت معمولاً موقعی که  $\frac{3}{4}$  کرت را آب پوشانده است آب را می‌بندند. البته این روش آبیاری کرتی برای غلات کاربرد بیشتری پیدا می‌نماید.

مقدار شدت جریان آب نهر (جوی) در این روش در روستاهای مختلف فرق می‌کند و کلاً به آب موجود بستگی دارد. زیرا آبی که وارد جوی آبیاری می‌شود از

قنوات، چاهها و استخرهای ذخیره آب تغذیه می شود. به طور کلی شدت کم جریان آب برخی از قناتها معمولاً جهت آبیاری مناسب نمی باشد زیرا در بعضی روستاها شدت کم جریان آب باعث نفوذ آب در زمین، تبخیر و به طور کلی باعث کم شدن آب در مسیر می گردد. بدین جهت آبهای با شدت جریان کم را معمولاً برای ۶ تا ۲۴ ساعت در استخرهایی نگهداری می نمایند بعد از پر شدن استخر راه آب خروجی را باز می کنند و آب با شدت و حرکت بیشتری در مسیر جریان می یابد.

#### ۲-۴- آبیاری حوضچه ای.

این روش معمولاً جهت آبیاری درختان میوه (انار) و انجیر و برخی محصولات بهاره در منطقه مورد استفاده قرار می گیرد. در این روش آبیاری، معمولاً مزرعه با مرزهای نسبتاً محکم محصور می شود و تقریباً به صورت حوضچه درمی آید. مساحت حوضچه معمولاً در رابطه با میزان و شدت آب موجود تعیین می شود شکل حوضچه ها به صورت مربع یا مربع مستطیل می باشد. به طور کلی نفوذپذیری خاک و میزان شدت جریان آب در انتخاب اندازه حوضچه ها مؤثر می باشد. طول و عرض حوضچه ها از ۵×۱۰ متر تجاوز نمی نماید. در این روش آب به حوضچه وارد می شود تا حدود ۱۰ سانتیمتر در سطح بالا می آید. گاهی در آبیاری حوضچه ای مدخل آب حوضچه دوم به جای جوی اصلی، به حوضچه اول باز می شود و آب از حوضچه اول وارد حوضچه دوم می گردد. معمولاً کف حوضچه دوم را در سطحی انتخاب می کنند که سطح آب حوضچه اول کاهش نیابد. این سیستم آبیاری در صورت وجود آب زمین می تواند برای آبیاری مفید باشد.

#### ۳-۴- آبیاری نشتی یا شیاری

این روش معمولاً برای گیاهانی که حساس هستند و آب نباید ساقه آنها را بپوشاند مورد استفاده قرار می گیرد. یعنی رطوبت از داخل شیار وارد منطقه ریشه

گیاه می‌گردد و این سیستم آبیاری معمولاً برای گیاهانی انتخاب می‌شود که نباید ساقه آنها در زیر آب قرار گیرد.

در این سیستم آب معمولاً  $\frac{1}{3}$  تا  $\frac{1}{4}$  از سطح خاک را می‌پوشاند و  $\frac{1}{3}$  تا  $\frac{3}{4}$  بقیه سطح زمین معمولاً خشک باقی می‌ماند. بدین جهت این روش را کوژ و پشته نیز می‌نامند.

در این سیستم آبیاری آب در امتداد شیب در شیارهای U و یا V مانند به آرامی جریان می‌یابد که این شیار را بانه می‌گویند. عمق این شیارها بستگی به نوع محصول دارد. مثلاً برای خیار و خربزه و احیاناً هندوانه در حدود ۵۰-۳۰ سانتیمتر می‌باشد و برای مو در حدود ۸۰-۱۰۰ سانتیمتر می‌باشد طول شیارها از ۱۰ تا ۲۵ متر برای مو و ۵ تا ۱۰ متر برای محصولات تابستانی تغییر می‌کند و شیب این شیارها بسیار ملایم و از ۴ در هزار تجاوز نمی‌کند.

معمولاً چند شیار مجاور به یک جوی متصل می‌باشند و جوی نیز به نهر اصلی آب اتصال می‌یابد. این مجموعه را یک تخته می‌نامند که آب از نهر اصلی به یک جوی فرعی که آن متصل به شیارها می‌باشد وارد می‌گردد و جریان آب ادامه می‌یابد تا شیارها پر شوند.

روش دیگر آبیاری نشتی سیستم غلام گردشی است، این روش که تقریباً شبیه روش کوژ و پشته می‌باشد به جای اینکه ابتدای هر شیار به جوی اصلی باز شده انتهای هر شیار به ابتدای شیار مجاور متصل می‌گردد. و آب به صورت یک جوی در شیارهایی که به‌طور مارپیچ آماده گردیده‌اند جریان می‌یابد. این سیستم آبیاری اصولاً باید در اراضی نسبتاً مسطح باشد و یا اینکه زمین را برای این منظور کاملاً تسطیح نمایند.

## ۵- بارندگی مؤثر

مقدار آبی که برای تأمین نیاز آبی محصولات کشاورزی لازمست عبارتست از بارندگی مؤثر در زمینی که آبیاری می‌شود و مقدار آبی که به‌وسیله آبیاری اضافه می‌گردد.



بنا به تعریفی بارندگی مؤثر عبارت از مجموع بارانی است که در فصل رشد گیاه ریزش می‌نماید.

## ۶- اتلاف آب کشاورزی

معمولاً آب به اشکال مختلف در روستاهای کشور به خصوص در روستاهایی که محصولات کشاورزی به آب نیاز مبرم دارند تلف می‌شود، که این اتلاف در مجموع در رابطه با فرهنگ مصرف آب روستاها تغییر می‌کند و ممکن است درصد بالایی از آب به مصرف غیرکشاورزی برسد. در هر صورت اشکالی که آب در روستاها مصرف می‌شود و یا احیاناً هدر می‌رود و قابل کنترل نمی‌باشد به شرح زیر است:

- مصرف شهری (خانگی)

- مصرف دامداری

- نفوذ نهرها و جویهای آبرسانی و استخرها

- تبخیر در مسیر انتقال آب از منبع به مزرعه و یا استخرهای محل ذخیره آب.

- هدر رفتن آب به طور تصادفی

اصولاً آب در روستاها به منظور مصارف شهری (خانگی و روستایی) و آبیاری تهیه می‌گردیده است و بهترین دلیل آن احداث مساکن روستایی در اطراف مظهر قنوات و یا در مسیر آنها می‌باشد. معمولاً به نظر می‌رسد که مصارف خانگی ناچیز می‌باشد در حالی که در مجموع مصارف خانگی و دامداری رو به هم رفته در روستاها قابل توجه است و بر اساس برآوردی که در ده روستای منطقه کاشان به عمل آمده در حدود ۱۰٪ از آب قنوات به مصارف خانگی و دامها رسیده است. در روستاها معمولاً از آب قنات‌ها به علت نزدیکی به محل زندگی و گوارا تر بودن از آب چاهها بیشتر استفاده می‌نمایند. بر اساس برآوردی که در مظهر قنات ابوزیدآباد و مدخل آب مزرعه (کرت) به عمل آمده حدود ۵۵٪ از آب نسبت به نقطه مبدأ در اثر مصارف خانگی، دامداری، نفوذ در مسیر و تبخیر کاهش نشان می‌دهد. با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد که آب قابل ملاحظه‌ای بدین طریق تلف می‌شود که

البته مصارف خانگی و دامداری به هر صورت ضروری است و لازم است استفاده گردد ولی اینکه نفوذ در مسیر و تبخیر مقدار قابل ملاحظه‌ای از آب استحصال شده است که تلف می‌گردد حائز اهمیت است که به راحتی می‌توان به وسیله ساختن کانالهای سیمانی و سرپوشیده کردن (انهار) مسیرهای آبرسانی از هدر رفتن آب جلوگیری به عمل آورد. زیرا Rohweru<sup>1</sup> معتقد است که متوسط نفوذ آب در مسیرهای آبرسانی در صورت شنی بودن و یا شن‌لیمونی در حدود  $3/3 - 3/8$  فوت مکعب بر فوت مربع می‌باشد.

#### ۷- موقع آبیاری و میزان آب

معمولاً موقع آبیاری محصول در روستاها که از آب قناتها و چاههای همگانی استفاده می‌نمایند بستگی به مدار گردش آب و وجود آب کافی برای کشاورزی دارد زیرا که اغلب اتفاق می‌افتد که زارع قادر نیست محصول خود را موقعی که گیاه نیاز به آب دارد آبیاری نماید و همانطور که اشاره شد معمولاً دفعات آبیاری محصولات بستگی به مدار گردش آب در هر روستا و دوره رویش گیاه دارد، برای مثال در شرق کاشان تعداد دفعاتی که یونجه آبیاری می‌شود ۱۴ مرتبه غلات ۷ مرتبه و پنبه و درختان میوه ده مرتبه و محصولات تابستانی حدود ۹ بار در دوره رویش گیاه می‌باشد که البته گاهی باران در فصل بهار و پاییز نیز به امر آبیاری کمک می‌نماید. البته به این نکته باید توجه داشت که میزان آبی که جهت آبیاری به مزارع می‌رسد کلاً به مصرف رشد گیاه نمی‌رسد زیرا که موارد زیادی دیده می‌شود که حتی در داخل کرت‌های زراعت نیز آب به هدر می‌رود. به همین منظور لازم می‌آید که آب بیشتری به زراعت داده شده تا حتی الامکان گیاه بتواند آب مورد نیاز خود را تأمین کند. این مورد را Hansen (۱۹۸۰) در کتاب اصول و کاربرد آبیاری تأیید نموده و معتقد است که «در آبیاری بارانی ۷۰٪ و در آبیاری سطحی فقط حدود ۵۰٪ از میزان آب برای محصول مفید واقع می‌شود».

---

1. Roh weru, cf staut, O.V.P (1948) seepage losses from Irrigation canal

کشت درختان میوه و بهره‌برداری از ثمر آنها یکی دیگر از ارکان اقتصاد روستاها را تشکیل می‌دهد. نوع درخت، سطح زیرکشت، میزان برداشت در مناطق مختلف روستاهای کشور متفاوت است. در ایران روستاهایی وجود دارند که کلیه درآمد و معیشت روستاییان به تولیدات درختان میوه متکی است و در مقابل روستاهایی را می‌توان یافت که حتی یک درخت به منظور استفاده از سایه آن وجود ندارد. در میان این دو گروه روستاهایی هستند که قسمتی از اقتصاد روستا به باغ وابسته است.

باغداری بر خلاف زراعت در گذشته نشانی از تملک زارعین به حساب می‌آمده و اصطلاح حق ریشه دقیقاً در این زمینه به کار رفته است. توزیع باغات کشور در رابطه با ویژگیهای جغرافیایی مناطق قرار می‌گیرد. دشتهای کمتر و مناطق پای کوهی بیشتر زمینه‌ساز باغ هستند و وجود آب و اقلیم مناسب برای رشد درخت و همچنین خاک مناسب و تخصص و تجربه زارعین از جمله عوامل عمده در به وجود آمدن باغات در کشور می‌باشند.

در گذشته در اغلب روستاها باغ به عنوان رفع پاره‌ای از نیازهای غذایی روستاییان محسوب می‌گردید و به علت عدم وجود راههای مناسب و ترابری سریع ارائه تولیدات میوه به بازارهای مصرف به مثابه امروز رواج نداشته است. در سالهای اخیر به خصوص بعد از اصلاحات ارضی و متعاقباً بعد از انقلاب اسلامی به علت محرز شدن مالکیت روستاییان در اکثر مناطق کشور و با رشد سریع جمعیت ایجاد بازارهای نسبتاً خوب برای فروش احداث باغات در مناطق روستایی رواج بیشتری یافته است. اگرچه تعدادی از باغات معمور نیز در سالهای اخیر به علل مختلف متروک گردیده‌اند.

به‌طور کلی باغ و یا به عبارت دیگر کشت درختان میوه، ضمن برآوردن نیازهای مصرفی روستاییان، مازاد تولید به صورت تازه و یا خشکبار روانه بازارهای داخلی و یا خارجی کشور می‌گردد. در پاره‌ای از نقاط کشور کشت محصولات زیرین به علت وجود باغ امکان‌پذیر می‌شود زیرا که در بعضی از نواحی باغات و

نخلستانها فضای مساعدی در زیر سایه درختان برای کشت برخی از محصولات به وجود می آورند که این تولید در رابطه با باغ شکل می گیرد.

در سرزمین پهناور ایران به علت وجود تنوع در اقلیم و خاک نواحی مساعدی برای کشت انواع درختان میوه مناطق گرم، خشک، گرم و مرطوب و حتی سرد وجود دارد. مثلاً قلمرو کشت درخت خرما (نخل) در جنوب تا نواحی طبس تیپ خاصی از اقلیم را برای رشد گونه های خاص گیاهی نشان می دهد. مرکبات در شمال، وجود درختان انبوه گردو در مناطق کوهستانی و وجود میوه های خاص مناطق مدیترانه ای از قبیل انگور و سیب و غیره از دیگر شواهدی مبتنی بر تنوع این گونه های گیاهی است.

در سالهای اخیر احداث باغات مکانیزه که اغلب در خارج از فضای روستاها می باشد رونق فراوان گرفته است که می توان باغات مرکبات شمال، باغات انار نواحی مرکزی، باغات باارزش پسته استان کرمان و باغات انگور و سیب آذربایجان غربی و غیره را نام برد. این باغات با سرمایه گذاریهای بخشهای خصوصی در مناطق مستعد به وجود آمده اند، همانطور که اشاره شد متأسفانه برخی از این سرمایه گذاریها رابطه چندانی با محیط های روستایی ندارند، اگر در برخی نواحی زمینهای این باغات متعلق به روستاییان بوده بنا به عللی به سرمایه گذاران شهری واگذار گردیده است.

### ۳-۱-۷- بهره برداری از جنگل

از کل مساحت کشور حدود ۷/۵ درصد و یا به عبارت دیگر ۱۲/۵ میلیون هکتار اراضی زیرپوشش انواع جنگلها قرار دارد. جنگلهای ایران متأسفانه به علت تنگ بودن (کم پشت) در پاره ای از نواحی موجب گردیده که مکان استقرار انسانها گردد و همین جهت موجب پیدایش روستاهایی شده که در داخل جنگلها شکل گرفته اند (روستاهای جنگلی). این روستاها و تعداد زیادی از روستاهایی که در حاشیه جنگلها مستقر هستند اکثراً معیشت مبتنی بر بهره برداری از جنگل دارند. ساکنان این روستاها اغلب به صورت قانونی و یا غیرقانونی از درختان جنگلی

استفاده می‌نمایند. در گذشته معیشت اکثر این روستاییان از تبدیل چوب به زغال تأمین می‌گردید و در اثر استفاده بی‌رویه آنها زمین از جنگل پاک می‌شد و خود زمین نیز به عنوان درآمد ثانوی برای این گروه از روستاییان محسوب می‌شد، خوشبختانه در سالهای اخیر به خصوص بعد از ملی شدن جنگلها و عدم نیاز جامعه به زغال در حد گذشته تخریب جنگلها محدودتر شده و بهره‌برداری از جنگل اکثراً منحصر به بهره‌برداری صنعتی گردیده است. جنگلهای ایران از نظر امکان بهره‌برداری شامل جنگلهای تجارتي و جنگلهای غیرتجارتي می‌گردند. در ایران تنها از جنگلهای شمال استفاده تجارتي می‌گردد که مساحت آن حدود ۱/۳۸ میلیون هکتار می‌باشد. جدول زیر مشخصات جنگلهای کشور را نشان می‌دهد.

#### مساحت و کیفیت بهره‌برداری از جنگلهای کشور

واحد هکتار

منطقه	شمال کشور	سایر مناطق	جمع
کیفیت بهره‌برداری	شمال کشور	سایر مناطق	جمع
تجاری	۱۳۸۵۱۵۵	-	۱۳۸۵۱۵۵
غیرتجاری	۴۵۴۵۸۰	۱۰۵۵۰۰۰۰	۱۱۰۰۵۵۸۰
جمع	۱۸۳۹۷۳۵	۱۰۵۵۰۰۰۰	۱۲۳۹۰۷۳۵

مأخذ - برنامه اول جمهوری اسلامی ۶۶-۱۳۶۲ ص ۴۰-۵۰

#### ۴-۱-۷- دامداری

دامداری یکی از ارکان مهم اقتصاد روستایی محسوب می‌شود در برخی از نقاط کشور صد درصد درآمد روستاییان از دامداری تأمین می‌شود. بیان توزیع و الگوهای دامداری، جمعیت، تراکم و میزان تولیدات دامی در کشور بسیار مشکل است زیرا که دامداری در اکثر مناطق روستایی ولو بسیار کم و اندک وجود دارد و به

ندرت روستایی را در ایران می‌توان یافت که در آن از دام و دامداری نشانی نباشد، روشهای نگهداری در همین رابطه الگوهای مشخصی را برای مناطق مختلف کشور نمی‌توان بیان نمود و میزان بهره‌برداری از دام در نقاط مختلف کشور در رابطه با ویژگیهای جغرافیایی، خصوصیات اجتماعی و مسائل اقتصادی کاملاً متفاوت است.

دو اصطلاح دامپروری و دامداری در مطالعات روستایی گاهی به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند ولی به نظر می‌رسد که دامداری نگهداری تعداد مشخصی دام است برای یک مدت طولانی (مثلاً چند سال) که دامدار هر ساله از محصولات دامی آنها اعم از شیر، پشم و یا مو، گوشت و غیره استفاده می‌کند ولی دامپروری اصولاً نگهداری و پرورش دام برای مدتی کوتاه (چند ماه) به منظور افزایش گوشت دام می‌باشد که در اصطلاح پروارندگی گفته می‌شود، نوع دامهایی که پرورش و نگهداری آنها در روستاهای ایران متداول می‌باشد عبارتند از گاو، گاو میش، شتر، اسب، الاغ، قاطر، گوسفند و بز را می‌توان نام برد.

## الف) دامداری سنتی

روشها و شیوه‌های مختلف دامداری در رابطه با ویژگیهای طبیعی و اجتماعی و اقتصادی در روستاهای ایران متداول است که اهم آنها عبارتند از:

### - دامداری دهقانی:

در این شیوه از دامداری، معیشت روستایی تماماً به دام بستگی ندارد بلکه روستایی ضمن داشتن زراعت و باغداری و احتمالاً صنایع دستی و غیره تعدادی دام را نیز نگهداری می‌نماید، دامها در این شیوه اغلب بقایای گیاهان و غلات را در مزارع دهقانان می‌جویند و در مواقعی هم در مراتع به چرا می‌پردازند و در فصول سرد که اغلب برف مراتع را می‌پوشاند در آغل و یا طویله (محلّی برای نگهداری دام) در منزل یا نزدیک منزل روستایی تعلیف می‌شوند. این شیوه در اکثر روستاهای کشور که در آنها کشاورزی (زراعت و باغداری) وجود دارد متداول است. باید

اضافه نمود که تعداد دامها و نوع دامها بستگی کامل به اوضاع طبیعی و اجتماعی روستا دارد، در برخی از روستاهای کشور اکثر درآمد روستاییان از دامداری است تا ارکان دیگر اقتصاد روستایی و یا به عبارت دیگر زراعت، باغداری و صنایع دستی در روستا وجود دارد ولی از اهمیت چندانی برخوردار نیست و عکس این مطلب نیز صحیح است که در روستا دامداری به چشم می‌خورد ولی معیشت غالب روستایی را تشکیل نمی‌دهد.

در شیوه دامداری دهقانی به منظور نگهداری و چرانیدن دامها دوروش متداول است:

#### - روش چکانه‌ای:

در این روش معمولاً تعداد دامهای روستانشینان زیاد نیست، مثلاً هر خانواده حدود چند رأس بیشتر دام ندارد، حال چنانچه خودش بخواند در تمام سال چرا دادن تعداد محدودی دام را به عهده داشته باشد در این صورت برای دهقان اقتصادی نخواهد بود و فرصت انجام امور زراعی را نیز نخواهد داشت. بنابراین روش چکانه‌ای متداول می‌باشد که در این روش هر کس تعدادی دام را در یک گله شرکت می‌دهد و بر اساس رابطه تسهیم به نسبت چرانیدن (چوپانی) دامها بر عهده صاحبان دام در یک مجمع همکاری دامداری تقسیم می‌شود مثلاً اگر قرار بر این است که به‌ازاء هر ده رأس دام یک روز صاحبان دام عهده‌دار مسئولیت چوپانی دامها را تقبل نمایند در این صورت کسی که صد رأس دام دارد ده روز و کسی که ده رأس دام دارد یک روز و کسی که ۵ رأس دام دارد در هر دو دوره گردش یک روز سهم خواهد داشت تا به عنوان چوپان دامها را بچرانند، بدیهی است که در این روش دستمزدی پرداخت نمی‌شود.

#### - دامداری چوپانی:

دامدارها با توافق یکدیگر کسی را به عنوان چوپان برای یکسال و یا بیشتر استخدام می‌نمایند و به‌ازاء هر رأس دام مبلغ مشخصی بابت چرا دادن دام به

چوپان پرداخت می‌شود.

#### - دامداری خودگردانی:

در این روش روستایی تعداد زیادی دام در اختیار دارد که این دامها به تنهایی می‌توانند یک گله را تشکیل دهند. در این صورت دامدار خود و یا فرد دیگری که دامدار به استخدام درمی‌آورد مسئولیت چرانیدن دامها را عهده‌دار می‌شود که این شغل در اصطلاح چوپان خوانده می‌شود. کلیه دستمزد و سایر هزینه‌های چوپان به عهده دامدار می‌باشد که در این صورت چوپان اختصاصی نامیده می‌شود.

#### - پرواربندی:

در این سیستم اغلب ملاحظه می‌شود که دامدار در تمام طول سال دام ندارد. این قبیل دامپروران را پرواربند می‌نامند. پرواربندان دامهای ضعیف و لاغر را با قیمتهای مناسب از روستا یا روستاهای مجاور و حتی گاهی دیده می‌شود که از استانهای دیگر خریداری می‌نمایند. وقتی تعداد دامها به مقدار مشخصی رسید پس از چند ماه (حداکثر ۴ تا ۵ ماه) مراقبت و تغذیه زیاد با علوفه‌های مغذی، یونجه، جو، گاوآنه، کنجاله و غیره دامها به مقدار متناهی فریه و چاق می‌شوند که به بازار مصرف گوشت به وسیله صاحب دام ارائه می‌شوند. در برخی از روستاها مشاهده می‌گردد که پرواربندی مشاغل عده به‌خصوصی از افراد ده می‌باشد که آنها اشتغال به کشت و زرع ندارند و در پاره‌ای از روستاها، روستاییان صاحب تسق در فصول پاییز و زمستان که از کار کشت و زرع فراغت نسبی حاصل می‌نمایند اقدام به دامپروری می‌کنند.

#### - چوپداری:

نوعی اشتغال به امور دام است که گروهی از روستائینان به این شغل مبادرت می‌ورزند. چوپدارها در کار خرید و فروش دام هستند و به ندرت اقدام به نگهداری دام برای مدت طولانی و یا پرواربندی می‌کنند.



## - شتر داری:

شتر یکی از دامهای بزرگ و پرسود برای تعدادی از روستاییان کشور می باشد. قلمرو نگهداری شتر در مناطق خشک و نیمه خشک کشور بیشتر رواج دارد تا در مناطق معتدل و احتمالاً سرد.

شتر از لحاظ شکل ظاهری فیزیولوژی، قابلیت های حمل بار، تولید شیر و گوشت و توانایی های ویژه ای که برای تحمل سختی ها دارد از دیگر دامها متمایز می باشد. به همین علت است که در مناطق خشک که طبیعت سخاوتمندانه مواهب خود را به ساکنانش ارائه نمی دهد وجود چنین دامی می تواند پاره ای از مشکلات و نیازهای بیابان نشینان را تأمین نماید.

در مورد شتر اتفاق نظر هست که این حیوان قابلیت خاصی برای زندگی در شرایط سخت را دارد که این امر در رابطه با ویژگیهای جسمانی شتر قرار می گیرد. قابلیت های فیزیولوژیکی شتر را چنین می توان گفت که لب بالایی شتر شکافدار و بزرگتر از لب پایین می باشد که برای استفاده و شناخت گیاهان مختلف به کار می رود، ماهیچه های اطراف بینی و موهای بسیار انبوه و ترم داخل بینی، شتر را قادر می سازد که در شرایط طوفانی بینی خود را بسته و از ورود گرد و غبار به داخل سیستم تنفسی خود جلوگیری نماید. چشمان شتر دارای سه پلک است و در موقع طوفانهای شدید حالتی شبیه بستن کرکره دارد و در عین بستن پلک سوم می تواند به حرکت خود ادامه دهد، دست و پای شتر از یک لایه ضخیم چربی که حالتی اسفنجی دارد تشکیل گردیده و در موقع ورود و فشار پهن تر می شود که این خود باعث می گردد در مناطق کویری و ماسه ای به راحتی حرکت کند. شتر جزء نشخوارکنندگان می باشد که معده سوم و چهارم آن یکی شده و در داخل معده شتر حفره هایی وجود دارد که این حیوان را قادر می سازد حداکثر هفت لیتر آب ذخیره نماید و به عبارتی دیگر از ویژگیهای فیزیولوژیکی شتر وجود دارد که صرف نظر می شود.

از امتیازات بسیار عمده شتر تغذیه آنست، شتر اصولاً نیاز به تعلیف ندارد و قادر است در مسافت های طولانی (حدود ۸۰ کیلومتر در روز) به منظور چرا طی

طریق کند تا علوفه مورد نیاز خود را تأمین نماید و به همین علت می توان عنوان نمود که شتر سربار سایر دامها در مراتع نیست زیرا که زیستگاه شتر در حواشی کویرها و بیابانهای خشک است و این نواحی به علت دوری به آبشخورها مورد استفاده دامهای دیگر نمی تواند قرار گیرد، شتر در مناطق بیابانی در شنزارها حاشیه کویری، شوره زارها و در داخل مسیلهها و خشک رودها می تواند نیاز غذایی خود را پیدا نماید.

شتر در پروراندی تواناییهای قابل ملاحظه ای دارد و اگر یک شتر خوب تغذیه شود تا حدود ۱/۵ کیلوگرم می تواند افزایش روزانه در وزن خود داشته باشد. شترداری در ایران به چهار روش متداول است:

الف) شترداری قدیمی یا چارواداری: به منظور حمل بار در گذشته شتر مورد استفاده قرار می گرفت که در شرایط کنونی منسوخ شده است.

ب) شترداری مخلوط با سایر دامها: در میان دامداران عشایر فارس و مغان و نواحی مرکزی ایران دیده می شود.

ج) نگهداری گله های مادری: بیشتر در روستاهای حاشیه کویری به خصوص استان سمنان در طرود پیدر پیچ، استان یزد و جنوب خراسان رواج دارد که شترها در بیابانها رها شده هستند و هر سال یکبار جمع کرده شترهای کشتاری و فروشی را جدا می نمایند و جوانها را داغ می کنند.

### ب) دامداری صنعتی

این شیوه دامداری با سرمایه گذاریهای نسبتاً کلان در محیطهای مستعد که عموماً خارج از محیط و فضای روستا می باشند صورت می گیرد. سرمایه گذاریها عموماً متعلق به دولت و یا بخش خصوصی بوده مثل زیاران، مغان و غیره. در این شیوه دامداری، نژادهای اصلاح شده دامی را در شرایط مطلوب اعم از تغذیه، بهداشت و زمینه های تولید نگهداری می نمایند، قطعاً با رده اقتصادی سرانه دامداریهای صنعتی به مراتب بالاتر از دامداریهای سنتی است که در محیط سنتی روستاها متداول می باشد و همچنین سرمایه گذاری و هزینه سرانه در دامداری

صنعتی نیز زیاد می‌باشد.

### ۵-۱-۷- صید و شکار

استحصالی آبریزان به عنوان یکی از ارکان اساسی فعالیتهای کشاورزی می‌باشد که اگر این فعالیت در محیط روستایی صورت گیرد عواید حاصل از آن جزء اقتصاد روستایی محسوب می‌گردد. صید فعالیت ویژه‌ای است که تنها هزینه‌های مرحله برداشت آن در بعد سرمایه‌گذاری مطرح است چراکه سایر هزینه‌ها را طبیعت می‌پردازد. بدین طریق اقتصادی‌ترین شیوه تولید پروتئین می‌باشد. ایران به علت دسترسی به دریای خزر، دریای عمان، خلیج فارس و تعدادی از دریاچه‌ها و رودهای داخلی امکان صید ماهی زیادی را در اختیار دارد، نوع صید صنعتی که وابسته به سازمان شیلات است مورد بحث نیست، بلکه صیدهایی مورد بحث ماست که به وسیله روستاییان انجام می‌گیرد. در حواشی رودخانه‌های بزرگ، دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان روستاهای متعددی هستند که تمام و یا قسمتی از معیشت آنها در رابطه با صید و صیادی است، در مناطق شمالی کشور روستاهایی که کلاً معیشت آنها مبتنی بر صید باشد خیلی کم است و فقط جزیره آشوراده می‌تواند مطرح شود که متأسفانه به علت آبگرفتگی کارآیی سابق خود را از دست داده است ولی در سواحل خلیج فارس و دریای عمان روستاهای متعددی مثل پسابندر، بریس و غیره را می‌توان نام برد و یا در سیستان روستاهایی که در سواحل هاموتها استقرار یافته‌اند معیشت خود را از صید و شکار تأمین می‌نمایند.

### ۲-۷- صنایع روستایی

صنایع در مجموع زمینه‌ساز توسعه اقتصادی هر کشور است، حال صنایع به هر شکلی که باشد اعم از سنگین، سبک، صنایع کوچک و صنایع دستی می‌تواند در توسعه هر کشوری دخالت نماید و این تأثیر زمانی زیاد می‌شود که صنعت مراحل تعالی را پیموده و به تولید برسد. صنایع روستایی به دو گروه صنایع کوچک روستایی و صنایع دستی روستایی تقسیم می‌شود.

### ۱-۲-۷- صنایع کوچک روستایی

این صنایع از جمله صنایعی هستند که شکل کارگاهی داشته و در محیط‌های روستایی استقرار یافته‌اند. معمولاً در این شاخه از صنعت قسمتی از کار تولید توسط ماشین و قسمتهای دیگر توسط نیروی انسانی انجام می‌شود، صنایع روستایی در محیط‌های روستا اغلب به منظور تبدیل مواد اولیه شده در روستاها شکل می‌گیرد اگر صنایع روستایی در روستاها به منظور فوق به وجود آید، این عمل می‌توان نقش مؤثری در توسعه روستا داشته باشد. ولی متأسفانه گاهی دیده می‌شود که برخی از صنایع کوچک روستایی که در محیط‌های روستایی به وجود آمده‌اند ارتباطی با محیط روستا ندارند یعنی مواد اولیه صنعت در روستا وجود ندارد و بازار فروش نیز در محیط روستا نیست و احتمالاً فقط از چند نیروی انسانی روستا استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد این صنایع را جزء صنایع کوچک روستایی نمی‌توان منظور نمود. زیرا که این نوع صنایع اغلب به وسیله شهرنشینان به منظور برخورداری از برخی اختیارات در محیط روستا سرمایه‌گذاری می‌شود و به وجود می‌آید و در نهایت سود و درآمد این صنایع به محیط روستا بر نمی‌گردد.

### ۲-۲-۷- صنایع دستی (Handicraft)

صنایع دستی که اصولاً متکی بر تکنیکهای بومی و سنتی است می‌تواند هم در محیط شهر و هم در محیط روستا شکل گیرد. اصولاً در گذشته و تا حدودی نیز در زمان کنونی صنایع دستی که در محیط‌های روستایی متداول بوده‌اند قسمت اعظم مواد اولیه آن از محیط روستا یا فضاهاى جنبی روستا تولید می‌شده و مصرف این کالا نیز اکثراً در محیط روستا بوده است. زیرا که در گذشته روستاها داغی از اقتصاد بسته را بر پیشانی خود داشتند و روستاییان بر این باور بودند که کلیه نیازهای خود را از درون محیط زیست خود باید تأمین نمایند. بدیهی است چون که وسایل زیستی مورد نیاز روستاییان در گذشته بسیار محدود بوده و به همین جهت در محیط روستا برای رسیدن به آن وسایل زیستی تلاش زیادی لازم نبوده. در همین راستا است که انواع صنایع دستی در نواحی مختلف روستایی کشور وجود داشته.

در سالهای اخیر با تحولاتی که در تولید و مصرف حاصل شده برخی از این صنایع از بین رفته و حتی فراموش گردیده و یا در حال از بین رفتن می باشد و برعکس به علت وجود بازارهای نسبتاً مناسب برخی از صنایع روستایی توسعه پیدا کرده و حتی تعالی پذیرفته اند و قلمرو آنها که در گذشته به مناطق خاص محدود می گردید به مراتب گسترده تر شده است، که در این زمره از صنایع دستی می توان قالی بافی و گلیم بافی را نام برد. به طور کلی از صنایع دستی شناخته شده در روستاهای ایران می توان قالی بافی، گلیم بافی، زیلوبافی، حصیربافی، گیوه بافی، پوستین دوزی، چپق بافی، نمد مالی، سفالکاری، سنگتراشی و غیره را نام برد. این صنایع در گذشته اغلب جنبه خود مصرفی داشته ولی اکنون ضمن تأمین نیازهای روستاییان مازاد آن و یا در مواردی کلیه مصنوعات دستی تولید شده به بازار فروش ارائه می شود، در این صنایع اغلب ذوق، اندیشه، و فرهنگ تولیدکنندگان و همچنین تأثیرات محیطی در شیوه های تولید و نقشها و الگوهای تولیدات به چشم می خورد. گروه دیگر از صنایع دستی روستا در رابطه با نیازهای غذایی روستاییان قرار می گیرد، بدیهی است که مازاد این نیازها به بازار فروش ارائه می گردد که مهمترین آنها عبارتند از تولیدات لبنی (ماست، پنیر، کره، روغن حیوانی، کشک، قره قروط و غیره) روغن کشتی (روغن زیتون، بادام، منداب و ...)، برنجکوبی، چای خشک کنی، ابریشم کشتی و غیره.

باید توجه داشت که نوع صنایع دستی تابع محیط طبیعی است که روستا در آن استقرار یافته است زیرا که محیط تمامی و یا قسمتی از مواد اولیه را در اختیار روستاییان قرار می دهد و روستانشینان با توجه به درجه تکنیک، ذوق و خلاقیت خود آن مواد اولیه را به کالاهایی تبدیل می نمایند که تحت عنوان صنایع دستی روستایی نامیده می شود.

صنایع روستایی قطعاً قسمتی از اقتصاد روستاییان را تشکیل می دهد که از ناحیه ای به ناحیه دیگر و یا حتی از روستایی به روستای دیگر مقدار و درصد آن متفاوت است، روستاهایی یافت می شوند که درصد بالایی از درآمدها مبتنی بر صنایع دستی است و گاهی نیز روستاهایی در کشور وجود دارند که صنایع دستی و

به طور کلی صنایع روستایی نقشی در اقتصاد آنها ندارند.

### ۷-۳- خدمات (درآمدهای متفرقه)

در گذشته درآمدهای متفرقه در محیط‌های روستایی بسیار محدود و اندک بوده است ولی در سالهای اخیر به علت توسعه خدمات در روستاها منابع متعدد درآمدی در روستاها و نواحی روستایی به وجود آمده که روستاییان از این درآمدها متمتع می‌گردند. منابعی که روستاییان از آنها بهره‌مند می‌شوند و بخشی از اقتصاد روستا به آن وابستگی پیدا می‌کند در گروه خدمات، و بهره‌برداری از معادن می‌توانند قرار گیرند، باید به این نکته اشاره نمود که اگرچه خوش‌نشینان گروه اصلی از ساکنان روستاها هستند که درآمدهای مبتنی بر این دو گروه خدمات و بهره‌برداری از معادن می‌باشد ولی صاحب تسقان نیز اغلب سهمی از این درآمدها را دارند.

### ۷-۴- میزان درآمد و هزینه روستاییان

به طور کلی اقتصاد روستایی در روستاهای کشور ما عموماً مبتنی است بر مواردی که بدانها اشاره شد و باید توجه داشت که چون مسائل اقتصادی در هر جامعه در رابطه با زمان و سیاستهای کلی جهانی و جامعه در حال تغییر و تحول می‌باشد بنابراین اقتصاد روستایی که حلقه‌ای از این زنجیر بهم بافته است نمی‌تواند از این دگرگونیها برکنار بماند و در همین زمینه است که شاید تغییراتی در اقتصاد روستایی در زمانهای کوتاه هستیم، با توسعه اقتصادی در کشور و پیشرفت صنعت و تکنولوژی ما در آینده‌ای نه چندان دور شاهد تحولاتی وسیع و اساسی در اقتصاد روستاهای کشور خواهیم بود.

با بر شمردن ارکان اقتصادی روستاهای کشور نباید این شبهه در ما ایجاد شود که با وجود این تعداد امکانات درآمد روستاییان از یک سطح درآمد مطلوب برخوردار می‌باشند بلکه بالعکس وجود تنگناهای اقتصادی در روستاها عامل اصلی مهاجرت روستاییان به شهرها می‌باشد و با تشدید این مهاجرتها شکاف بین درآمد روستاییان و شهرنشینان عمیق‌تر می‌شود و این نظریه در اکثر مناطق روستایی

ایران صدق نمی‌کند که «عامل مهاجرت از روستا موجب کاهش عرضه نیروی کار در روستا شده و موجب افزایش دستمزد کارگران کشاورزی می‌گردد و در ضمن به علت کاهش نیروی انسانی مکانیزاسیون توسعه می‌یابد و در نتیجه تولید فزونی می‌گیرد و در آمد روستاییان افزایش می‌یابد.» در روستاهای ایران عامل مهاجرت موجب تخلیه روستا و متروک شدن اراضی گردیده و در نتیجه از نسبت اشتغال در بخش کشاورزی کاسته می‌شود، زیرا که جمعیت فعال روستایی در بخش کشاورزی از ۶۳/۵ درصد در سال ۱۳۵۵، ۵۶/۷ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافته است.<sup>۱</sup>

متوسط درآمد سالانه خانوارهای روستایی و سهم مشاغل آزاد و کشاورزی از کل درآمد اعضاء شاغل خانوار، نشان‌دهنده عدم هماهنگی بین هزینه‌ها و درآمدهای خانوار روستایی و همچنین بیانگر سهم اندک درآمد کشاورزی در کل درآمد می‌باشد<sup>۲</sup> و در مجموع با مروری بر درآمد و هزینه‌های روستاییان به این نتیجه می‌رسیم که هزینه‌های سالانه روستائینان به طور متوسط در ۱۰ سال اخیر بیش از درآمد آنها بوده است.

نسبت هزینه متوسط یک خانوار شهری به متوسط هزینه سالانه یک خانوار روستایی در سال ۱۳۶۵ برای هزینه‌های خوراکی و دخانی ۱۲۸٪ و هزینه‌های غیرخوراکی ۲۲۹٪ و کل هزینه‌های خانوار ۱۷۲ درصد بوده است که میزان تفاوت در سطح زندگی خانوارهای روستایی و شهری را نشان می‌دهد.<sup>۳</sup> جدول صفحه بعد این نسبتها را نشان می‌دهد.

بالا بودن میزان هزینه‌های خانوارهای شهری به روستایی نشان دهنده برخورداری بیشتر و بالا بودن سطح زندگی و دستیابی به رفاه بیشتر در محیط شهری می‌باشد. همین مسأله را در رابطه با متوسط درآمد سالانه یک خانوار روستایی در درآمد سالانه یک خانوار شهری در سال ۱۳۶۵ می‌توان مشاهده نمود که درآمد یک خانوار شهرنشین نزدیک به دو برابر درآمد یک خانوار روستایی

---

۱. مروری بر مهاجرت از روستا به شهر - روستا، دفتر جمعیت و نیروی انسانی معاونت امور اقتصادی اسفند ۱۳۶۶  
۲. همان منبع  
۳. سالنامه آماری سال ۱۳۶۵ کشور مرکز آمار ایران ۱۳۶۶

می باشد. جدول صفحه بعد این نسبتها را در رابطه با مشاغل مختلف نشان می دهد.<sup>۱</sup>

میزان هزینه ها و نسبت هزینه های خانوارهای شهری و روستایی در سال ۱۳۶۵

شرح	خانوار روستایی (ریال)	خانوار شهری (ریال)	نسبت شهری به به روستایی (درصد)
هزینه های خوراکی و دخانی	۴۲۶۵۰۵	۵۴۶۶۹۶	۱۲۸
هزینه های غیرخوراکی	۳۴۵۰۸۸	۷۶۷۹۱۰	۲۲۹
کل هزینه	۷۶۱۵۹۳	۱۳۱۴۵۷۶	۱۷۲

میزان درآمد و نسبت های مشاغل خانوارهای روستایی و خانوار شهری در سال ۱۳۶۵

انواع درآمدها	خانوار روستایی	خانوار شهری	نسبت درصد شهری به روستایی
مزد حقوق بگیران دولتی	۶۹۸۴۳	۳۱۲۳۸۱	۴۴۷
مزد حقوق بگیران خصوصی	۹۱۰۶۲	۱۳۸۷۳۸	۱۵۲
مشاغل آزاد کشاورزی	۲۳۸۸۸۹	۳۵۳۱۵	۱۴/۷
مشاغل آزاد غیرکشاورزی	۶۴۷۴۹	۲۶۹۵۴۵	۴۱۶
درآمدهای متفرقه	۱۰۴۰۱۵	۳۷۰۶۶۰	۳۵۶
کل درآمد خالص	۵۶۸۵۵۸	۱۱۲۶۶۳۹	۱۹۸

در جدول فوق ملاحظه می شود که درآمد کشاورزی حدود ۴۲ درصد از درآمد روستاییان را شامل می شود و ۵۸ درصد درآمد خالص روستاییان از سایر درآمدها می باشد و همچنین می توان با استفاده از جدول هزینه ها و جدول

۱. همان منبع



درآمدهای فوق نسبت هزینه به درآمد یک خانوار روستایی را در سال ۱۳۶۵ محاسبه نمود که عبارت است از:

$$(۷۶۱۵۹۳:۵۶۸۵۵۸) \times ۱۰۰ = ۱۳۳/۹\%$$

این کسری درآمد در خانوارهای روستایی خود می‌تواند بیانگر وجود فقر و متعاقب آن محرومیت‌های اقتصادی در روستاها باشد که در نتیجه این فقر و تلاش برای دستیابی به درآمد بیشتر روند مهاجرت از روستا به شهر تسریع می‌پذیرد.

### خلاصه فصل هفتم

کلیه فعالیت‌های اقتصادی که در محیط روستا به وسیله روستاییان صورت می‌گیرد اقتصاد روستایی نامیده می‌شود. اقتصاد روستایی بر سه رکن اصلی، کشاورزی، صنایع روستایی و خدمات استوار می‌باشد. در ایران به علت تنوع و تفاوت در توان‌های محیطی فعالیت‌های اقتصادی در کلیه روستاها یکسان نمی‌باشد. در برخی از روستاها کلیه درآمدهای روستاییان ممکن است مبتنی بر کشاورزی و یا حتی بخشی از کشاورزی و در برخی از روستاها اقتصاد بر پایه صنایع روستایی و حتی در برخی از روستاها اقتصاد روستایی بر اساس خدمات شکل می‌گیرد و در بیشتر روستاهای کشور بیش از یک رکن اصلی در اقتصاد روستایی دخالت دارند.

کشاورزی که شامل کلیه فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر بهره‌برداری بیولوژیکی از زمین می‌باشد فعالیت‌های عمده روستاییان کشور را شامل می‌گردد، زراعت، باغداری، دامداری، بهره‌برداری از جنگل، صید و صیادی بخش‌های مختلفی از کشاورزی می‌باشند که روستاها سهم عمده‌ای از اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهند. زراعت که کشت محصولات یکساله است در روستاها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شناخت ویژگی‌های زمین (خاک) و روش‌های آبیاری از عمده مباحث در امر زراعت محسوب می‌شوند.

باغداری به عنوان رکنی غالب در اقتصاد روستایی برخی از روستاهای کشور محسوب می‌شود. دامداری در روستاهای ایران از جایگاه ویژه‌ای در معیشت روستاییان برخوردار است، روستاهایی در ایران یافت می‌شوند که تمام و یا قسمت

مهمی از درآمد روستاییان بر پایه دامداری استوار می‌باشد، همچنین صنایع روستایی و فعالیتهای خدماتی از دیگر ارکان اقتصاد روستایی را شامل می‌شوند. میزان درآمد روستاییان در مقابل درآمد شهرنشینان پایین است و بر اساس محاسبات انجام شده درآمد شهرنشینان ۱۳۴ درصد نسبت به درآمد روستاییان فزونی دارد و در مقابل هزینه‌های شهرنشینان نیز ۱۷۲ درصد بر هزینه‌های خانوارهای روستایی فزونی دارد که خود نشان دهنده برخورداری بیشتر و تفاوت در سطح زندگی خانوارهای روستایی و شهری می‌باشند.

### خودآزمایی فصل هفتم

۱- آیش مربوط به کدام نوع زمین است؟

الف) اراضی ساخته شده      ب) اراضی زیرکشت محصولات یکساله

ج) اراضی زیرکشت دائمی      د) اراضی مرتعی و جنگلی

۲- گیاهانی که به تماس آب با ساقه خود حساسیت دارند از کدام نوع آبیاری

باید برخوردار باشند؟

الف) نشتی      ب) حوضچه‌ای

ج) کرتی      د) قطره‌ای

۳- به مجموع بارانی که در فصل رشد گیاه می‌بارد چه گفته می‌شود؟

الف) باران کشاورزی      ب) توان رطوبتی

ج) بارندگی مؤثر      د) توان اقلیمی

۴- اصطلاح حق ریشه بیشتر به کدام نوع فعالیت مربوط می‌شود؟

الف) زراعت      ب) استفاده از جنگل

ج) استفاده از مرتع      د) باغداری

۵- روستاهای جنگلی در ایران به دلیل ..... جنگلهای آن به وجود

آمده است؟

۶- در دامداری دهقانی معیشت روستایی تماماً ..... ندارد.

۷- منابعی که روستاییان جدای از فعالیت‌های کشاورزی از آنها بهره‌مند

می شوند و بخشی از فعالیت های اقتصادی آنها را تشکیل می دهد عبارتند از:  
..... و .....

۸- بالا بودن میزان هزینه های خانوارهای شهری به روستایی نشاندهنده  
..... سطح زندگی آنها است.

### پاسخ خودآزمایی فصل هفتم

۱- ب (اراضی زیرکشت محصولات یکساله)

۲- الف (نشتی)

۳- ج (بارندگی مؤثر)

۴- د (باغداری)

۵- تُتک بودن

۶- بستگی به دام

۷- خدمات، صنعت، معدن

۸- بالا بودن